



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

سال‌نامه رشد

(۱۰)

تابستان ۱۳۹۲





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

سال‌نامه رشد

شماره ۱۰

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: ناصر نادری

مدیر داخلی: مانلی نورائی

ویراستار: افسانه حجتی طباطبایی

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

*** آرای مندرج در متون، ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان سال‌نامه نیست.**

فهرست

• یادداشت سردبیر

اشاره نخستین / ناصر نادری / ۶

• پنجره (دیدگاه‌های رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)

عالم خلقت، مدرسه است / ۷

• گام پانزدهم (گزارش پانزدهمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی)

مرور یک سال تجربه برای ترسیم روزهای روشن تر / محمد دشتی / ۱۷

میزگرد تجربه‌های سازمانی در تولید بسته آموزشی / محمد دشتی / ۲۵

از کم‌فروش‌ترین نظام‌های آموزشی دنیا هستیم / محمد دشتی / ۳۷

• گزارش

۲۷ سال تلاش، ۱۰۰ شاخه رشد و هزاران پیوند دوستی / الناز خمایی‌زاده / ۴۸

جشنی برای جغرافیای صد شماره‌ای / سمانه آزاد / ۵۴

بهار فیزیک در پاییز / سمانه آزاد / ۶۴

۴۶ کشور در ۴۲۰۰ سانس / حمید نورشمسی / ۶۹

• پژوهش

آمارها چه می‌گویند؟ / ماه‌نامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی / ۷۷

مجلات کمک‌آموزشی کودکان در جهان / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۹۱

۱۰۰ رسالهٔ آموزشی جهان / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۱۰۲

• **یادمان (یادنامهٔ زنده‌باد علی نامور، تصویرگر مجلات رشد)**

سایه‌اش هنوز کنار ماست / ته‌مینه حدادی / ۱۰۹

تند رفتنش معنی داشت / ۱۱۲

مردی که خودش را می‌کشید / ته‌مینه حدادی / ۱۱۳

از کشف و شهود معنوی تا کشف و شهود هنری / ته‌مینه حدادی / ۱۱۸

یادداشت نویسندگان و هنرمندان دربارهٔ زنده‌یاد علی نامور / ۱۲۳

• **نشست‌های علمی – کاربردی**

چگونه احکام را به کودکان و نوجوانان بیاموزیم؟ / زهرا شعبانی / ۱۲۸

تصویرسازی احکام / زهرا شعبانی / ۱۳۶

معلولیت نقص نیست؛ تفاوت است / معصومه دیودار / ۱۴۳

خواهی نشوی هم‌رنگ، رسوای جماعت شو! / سمانه آزاد / ۱۵۹

دوران گذار از دنیای موضوع محور فرا رسیده است / معصومه دیودار / ۱۶۴

• **یادداشت**

نقش‌آفرینی تصویر در مجلات رشد / کاظم طلایی / ۱۷۳

مرور تجربه‌های چهار کشور / معصومه خیرآبادی / ۱۷۶

شیوه‌های جذب و مشارکت مخاطبان دانش‌آموزی مجلات رشد / معصومه خیرآبادی / ۱۷۹

اشاره نخستین

ناصر نادری
معاون مجلات رشد

«سال نامه رشد» نشریه‌ای پژوهشی، تحلیلی و آموزشی است که می‌کوشد ضمن تبیین اهداف و جایگاه رسانه‌های آموزشی در حوزه تعلیم و تربیت، چشم‌انداز آینده‌دنیای ارتباطات و رسانه‌ها را ترسیم و علایق، نیازها و نگرش‌های آینده‌سازان کشور را به تصویر بکشد. این نشریه، همچنین با ارائه دستاوردها و یافته‌های پژوهشی در زمینه نقد و ارزیابی مجلات رشد، تلاش می‌کند به ارائه الگوها و سرمشق‌های نو در حوزه رسانه‌های آموزشی بپردازد.

این شماره نشریه سال نامه رشد (شماره ۱۰ / بهار ۱۳۹۲) به دلیل پاره‌ای از محدودیت‌ها، به شکل نسخه الکترونیکی ارائه می‌شود و امید است برای مخاطبان اصلی آن (سردبیران و کارشناسان آموزشی و تربیتی، ارتباطات و رسانه) مفید و اثربخش باشد.

عالم خلقت، مدرسه است!

سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر محمدیان در پانزدهمین دوره همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در ساختار جدید، با عنوان «دفتر تکنولوژی آموزشی و مواد کمک‌آموزشی»، وظایف دفتر انتشارات کمک‌آموزشی گسترده شده است؛ یعنی علاوه بر نشریات رشد و کتاب‌های کمک‌آموزشی، رسانه‌های دیگر آموزشی مانند محتوای الکترونیکی، تولید محتوا در رسانه‌های مجازی و فیلم‌های آموزشی را هم شامل خواهد شد. ان‌شاءالله در سال‌های آینده بتوانیم این واحدها را به‌طور جامع‌تر ببینیم و نشست‌های عمومی دفتر را با حضور همه اعضا و اجزاء برگزار کنیم.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یک سند مصوب حقوقی و لازم‌الاجرا!

نکته دیگری که به‌عنوان مقدمه مطرح می‌کنم، بحث سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. سال‌های قبل، زمانی که از سند تحول و یا برنامه درسی صحبت می‌کردیم، بحث از یک سند در فرایند تولید و تصویب بود، اما امروز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان یک سند مصوب حقوقی و لازم‌الاجرا

بسم الله الرحمن الرحيم
من امروز باید چند جمله‌ای به‌عنوان مقدمه عرض کنم و محور صحبت‌هایم، قدری متفاوت‌تر با سخنان سال‌های گذشته خواهد بود. سال‌های پیش، سخنرانی‌ها بیشتر روی مجلات متمرکز می‌شد، یا به‌عبارت دیگر منحصراً در مورد مجلات سخن می‌گفتیم، اما امسال عرض من مقدمه و مؤخره دیگری خواهد داشت.

ساختار جدید سازمان و ضرورت‌های پیش‌رو!

در ساختار جدید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تغییراتی ایجاد شده و ما امروز در سازمان، سه معاونت داریم شامل معاونت پژوهشی (یا همان پژوهشگاه آموزش و پرورش)، معاونت تألیف و تولید محتوا و رسانه‌های آموزشی (شامل دفتر تألیف کتاب‌های نظری و عمومی، دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و دفتر تکنولوژی آموزشی و مواد کمک‌آموزشی) و معاونت توسعه منابع و پشتیبانی (که امور پشتیبانی از سازمان را برعهده دارد).

مطرح است.

دکتر احمدی انجام داده بودند، تألیف دو جلد کتاب، تحت عنوان «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت» توسط خانم دکتر علم‌الهدی و با پشتیبانی مؤسسه پژوهشی و کار سومی که تحت عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» زیر نظر حضرت آیت‌ا... مصباح یزدی با پشتیبانی سازمان انجام شد.

براساس همین مطالعات، برخی دوستان ما دست به تدوین فلسفه رسمی و فلسفه عمومی تعلیم و تربیت زدند و کارهای قابل اعتنایی هم در این زمینه تولید شده است.

اسناد تحول هم جای نقد دارد!

البته شاید برخی دوستان بخواهند آنچه را تولید شده است، نقد کنند. زیرا این‌ها سخن معصوم نیستند و حتماً جای نقد و بررسی دارند. این متون، دریافت‌های مطالعاتی و نظری جمعی از صاحب‌نظران است و صاحب‌نظران دیگر می‌توانند از موضع یا موقفی دیگر آن‌ها را نقد کنند. این نقد به روی چشم ماست. این امکان وجود دارد که در فضایی علمی و آکادمیک در این باره بحث و گفت‌وگو کنیم و در کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و نظر این متون را مورد بحث و نقد قرار دهیم.

امروز نکته مهم این است که ما دارای پشتوانه‌ای متقن و قابل اتکا هستیم و سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی براساس همین اسناد پشتیبان تدوین و در مراجع قانونی تصویب شده است.

در سند تحول بنیادین به دنبال شکوفایی فطرت هستیم

من مانند سال‌های گذشته نکته‌ای را عرض می‌کنم. البته بیان این نکته برای آموزش نیست، برای تذکر است. تذکر هم به معنای یادآوری چیزی است که قبلاً می‌دانسته‌ایم ولی بیم آن را

این سند در هفت فصل تصویب شده و شامل یکصد و سی گزاره و راهکار است که اهداف کلان آموزش و پرورش را شامل می‌شود. از این تعداد گزاره، هشتاد گزاره به‌نوعی مربوط به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

شاید تجلی سند تحول بنیادین در همان هدف کلان اول باشد که آموزش و پرورش را مکلف می‌کند تا عهده‌دار تربیت پرورش‌یافتگانی باشد که در شش‌ساحت، به توانمندی‌های موردنظر می‌رسند.

در برنامه درسی ملی هم - که علاوه بر سند تحول بنیادین، به‌عنوان سندی دیگر حاکم بر فعالیت‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خواهد بود - تکالیفی مستقیم بر عهده سازمان و واحدهای تولیدکننده مواد و رسانه‌های آموزشی است.

اسناد پشتیبان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

البته پیش از این سند، ما چند سند پشتیبان مانند فلسفه عمومی آموزش و پرورش، فلسفه آموزش و پرورش رسمی و رهنامه آموزش و پرورش تولید کرده‌ایم که آن‌ها هم اسناد پشتیبان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستند.

خوشبختانه امروز برخلاف دهه‌های گذشته، می‌توانیم ادعا کنیم که نظام تعلیم و تربیت اسلامی، به لحاظ حوزه مطالعات نظری اسناد متقن و مدون، و به لحاظ الگوی عملیاتی نقشه راه دارد.

پیش از این ما همواره با مشکل فقدان فلسفه تعلیم و تربیت یا نظریه اسلامی تعلیم و تربیت روبه‌رو بودیم. به‌همت سازمان دو، سه مورد مطالعه غیررسمی در سال‌های اخیر صورت گرفته است. از جمله، مطالعه‌ای که دکتر خسرو باقری زیر نظر حجت‌الاسلام

داریم که فراموش شود.

ما در رویکرد اصلی برنامه درسی ملی، با توجه به سند تحول بنیادین، به دنبال شکوفایی فطرت هستیم؛ همان استعداد خدادادی که در وجود انسان‌ها قرار داده شده است. انسان شرقی و غربی و شمالی و جنوبی هم نمی‌شناسد و همه را در بر می‌گیرد، مقوم شخصیت‌هاست و چون همه از این فطرت و سرشت برخوردارند، در صورت شکوفا شدن، از برکات آن هم برخوردار خواهند شد. بستر بروز حیات طیبه در انسان، موقوف به فطرت است و باید در این بستر، استعدادهای او شکوفا شوند تا به مراتبی از حیات طیبه یا نفس مطمئنه برسد.

عناصر پنج‌گانه برنامه درسی ملی

این عناصر در برنامه درسی ملی، در پنج حوزه تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق دیده شده‌اند که باید در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت شکوفا شوند.

شکوفایی این امر در گرو تدوین و تبیین یازده حوزه یادگیری است. این حوزه‌ها کانال‌های ورودی ما به فرایند یاددهی - یادگیری هستند که فضاهای متنوع و بارسانه‌های متعدد باید اتفاق بیفتد. این تکالیف به صورت پلکانی از اینجا گرفته شده‌اند. نگاه ماهوی در اینجا به رسانه‌های متعدد و متنوع از این جهت است که اعتقاد داریم انسان دارای سلايق و علايق متعدد است.

جهان، صحنه آموزش و تعلیم است؛ اگر هنرمند باشیم!

همه انسان‌ها استعداد دارند اما مراتب آن متعدد است. فضاهای آموزشی را از آن نظر متنوع می‌بینیم که عالم هستی، مدرسه است، خداوند متعال هیچ چیزی را بیپوده خلق نکرده و همه خلقت و

آفرینش، در خدمت انسان و برای عبرت گرفتن و آموختن انسان است. به قول سعدی «هر ورقش دفترى است، معرفت کردگار.» پس، بسته به هنر ما و دریافت متعلم، همه‌جا می‌تواند مدرسه و محل آموختن باشد. پیامبر در صحرا و بیابان هم که می‌رفت، به اطرافیان خود درس و آموزش می‌داد.

امام باقر (ع) از لاشه سگ مرده هم درس اخلاق می‌داد. عیسی مسیح (س) در یک مزرعه آب گرفته نکاتی را تعلیم می‌داد و حضرت ابراهیم (س) با دیدن لاشه یک حیوان افتاده در کنار دریا عبرت می‌گرفت.

با اتکا به این نوع مبانی است که ما می‌گوییم فضا و محیط آموزش نباید محصور در کلاس و مدرسه و باید متنوع باشد و رسانه‌های آموزشی هم باید متنوع و متکثر باشند و از همه امکانات روز، به خصوص فناوری‌های جدید بیشترین استفاده بشود. بسته آموزشی هم از همین نظر مطرح است و ما بر آن تأکید داریم. البته شاید کژتابی‌هایی هم در مورد این مفهوم بوده است، که ما تأکید کرده‌ایم دوستان اگر پیشنهاد دیگری دارند، ارائه کنند. البته اینکه ما می‌گوییم «بسته آموزشی» منظورمان این نیست که این بسته، محصور و ناگشودنی است. نه! آن سوی این بسته باز است. مانند پرانتری که یک سوی آن بسته ولی سوی دیگری باز است و آن بخش و سوی دیگر، تابعی از تشخیص و خواست و اراده معلم و مبتنی بر نیاز و خواست دانش‌آموز است.

رسانه‌های آموزشی همیشه هم یک مقوله از پیش تعیین شده نیستند و می‌توانند متغیر و متنوع باشند. اما آنچه الزام داریم که در این بسته باشد، کتاب و راهنمای معلم است. دلیل آن هم کاستی‌هایی است که در این زمینه وجود دارد. ما در کار و دانش، مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و دستگاه مربوطه را داشتیم که کتاب تولید نشود، اما الان رشته کار و دانش ما از همه رشته‌ها

بیشتر کتاب دارد.

من و آقای جعفرآبادی هم همیشه بر سر این موضوع بحث داریم و من می‌بینم که حرف ایشان در مورد کتاب حق است؛ چون استدلال می‌کنند که ما اگر کتاب نداشته باشیم، هم دانش‌آموز و هم خانواده گمان می‌کنند که این درس‌ها جدی نیست و بچه‌ها درس نمی‌خوانند. از آن طرف، معلمان ما هم اگر کتاب نداشته باشند، بلد نیستند درس بدهند.

حالا این مدارس ما هستند؛ شما اگر دقت کنید، دانشگاه‌های ما هم درباره کتاب‌های درسی همین‌گونه هستند. من درس خوانده دانشگاه هستم و تدریس هم کرده‌ام. شما می‌بینید که در یک درس با سرفصل‌های مشترک، یک استاد چهارصد صفحه جزوه می‌دهد و یک استاد دیگر با ده صفحه سر و ته کار را جمع می‌کند. پس معلوم می‌شود که ما هنوز به این توانمندی نرسیده‌ایم که کتاب درسی را کنار بگذاریم.

این بسته آموزشی هم که ما مطرح می‌کنیم، در این دوره گذار، نقش پشتیبان کتاب درسی و معلم را دارد اما در آینده، هر کدام از این اجزا باید در جغرافیای برنامه درسی نقش مناسب و مستقل خود را داشته باشد.

نقش مجلات رشد چیست؟ آیا مجلات ما کتاب کمک‌آموزشی هستند؟

در زمان مسئولیت آقای حاجی در وزارت آموزش و پرورش، من در سازمان پژوهش مصاحبه‌ای داشتم. موضوع هم این بود که نقش مجلات رشد چیست؟ آیا مجلات ما کتاب کمک‌آموزشی هستند و آیا معلم سؤالی از این مجلات طرح می‌کند تا بچه‌ها این مجلات را بخوانند؟ تصور هم این بود که معلم باید از مجلات رشد سؤال طرح کند تا بچه‌ها این مجلات را بخوانند؛ همان‌طور

که امروز مربیان پرورشی می‌گویند ما باید کلاس رسمی داشته باشیم و احتمالاً اگر کلاس رسمی به آنان داده شود، خواستار کتاب رسمی هم برای ساعات پرورشی خواهند شد. الان یکی از دعوای ما با معاونت پرورشی در سازمان پژوهش این است که می‌گویند برای ما کتاب بنویسید. زمانی هم که ما کتاب تولید نمی‌کنیم، می‌بینیم خودشان می‌روند و جزوه تولید می‌کنند.

ما در این دوره گذار، این بسته آموزشی را برنامه پشتیبان تلقی می‌کنیم، ولی باید به سمت‌وسویی برویم که این اجزا در آینده هر کدام به‌عنوان موضوعی مستقل، بخشی از برنامه درسی را تشکیل دهند و کامل کنند.

برخی سؤال می‌کنند که آیا تولید محتواهای جدید، خودش باعث بوروکراسی بیشتر نخواهد شد.

پاسخ این است که نه! البته این خطر وجود دارد، ولی بحث همین جاست که ما با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و جامع نباید اجازه بدهیم این امر اتفاق بیفتد.

در سند تحول، معلم، راهبر آموزشی است

ما باید نقش معلم را به‌عنوان راهبر آموزشی به رسمیت بشناسیم. در برنامه درسی ملی، معلم تنها انتقال‌دهنده مفاهیم آموزشی نیست، بلکه راهنما و راهبر و تسهیل‌گر آموزش است. اصلاً بخشی از محتوا را دانش‌آموز باید تولید کند.

در همین ارتباط و در خصوص تولید محتوای الکترونیکی که جزئی از بسته آموزشی در نظر گرفته شده است، دانش‌آموز باید خودش وارد شود و محتوای الکترونیکی تولید کند. البته ما باید این مراحل را در آموزش و پرورش گام‌به‌گام طی کنیم و طراحی این‌گونه باشد که این بسته باز و همیشه امکان توسعه و تکمیل آن وجود داشته باشد. امسال هم در نوشتن برنامه سازمان خیلی تأکید

داشتیم که به جای تولید کتاب، بسته آموزشی تولید کنیم.

باید این فرهنگ جا بیفتد. چون اگر بسته آموزشی تولید شود، کتاب هم جزئی از آن است. علاوه بر آن، نرم افزار آموزشی تولید می شود و امکان استفاده از فضاهای مجازی فراهم می آید. باید دقت داشته باشیم که همه این تولیدات برای تکمیل بسته آموزشی است. ما وبگاه و شبکه رشد را جزئی از بسته آموزشی می دانیم؛ زیرا بخش مهمی از محیط یادگیری، مجازی است و این خود، جزئی از محیط های متنوع یادگیری است و ما نمی توانیم از آن غافل باشیم.

از سال گذشته که آقای ناصری پیشنهادی را مطرح کردند، تحلیل من این بود که می توان این کار را کرد. پیشنهاد این بود که ما بخشی از محتوای مجلات را در وبگاه قرار دهیم. من گفتم که این کار انجام بشود. البته هدفم این بود که این موضوع مقدمه ای برای تولید مجله الکترونیکی هم باشد.

با توجه به اینکه تهیه و تولید کاغذ بسیار سخت است و توزیع مجلات هم کار آسانی نیست، شاید ما به نقطه ای برسیم که بخواهیم تولید مجله کاغذی را کاهش دهیم.

پیش به سوی طراحی کیف الکترونیکی!

اگر با کج فهمی و فهم غلط روبه رو نباشیم و عده ای گمان نکنند سازمان پژوهش می خواهد همه چیز را قبضه کند و بتوانیم موضوع کیف الکترونیکی را پیاده کنیم، بسیاری از این موضوعات تحقق پیدا می کنند. از جمله مجله الکترونیکی که به راحتی در دسترس همه دانش آموزان قرار خواهد گرفت.

موضوع بسته آموزشی و کیف الکترونیکی باید در مجال گسترده تری مطرح شود. من از دوستان خواهش می کنم که یکی از موضوعات در مجلات «رشد معلم»، «مدیریت مدرسه» و

«مدرسه فردا» همین موضوعات باشد.

انتظار دارم رشد معلم به مسائل مستحدثه نظام معلمی بپردازد. ضمن اینکه باید الگوهای گذشته را معرفی کند، لازم است مسائل مبتلابه معلم امروز را هم مورد توجه قرار دهد. ویژگی های معلم امروز را گوشزد کند و آن ها را برای تدریس در فضای آموزش و پرورش امروز آماده سازد. باید به فکر افزایش توانمندی معلمان در فضاهای مجازی باشد.

این موضوع را هم شما باید در این چند مجله ای که عرض کردم به نظرسنجی بگذارید و از طریق برگزاری میزگردهایی، طرح ها و پیشنهادهای معلمان و مدیران را گردآوری و ارائه کنید تا مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد. ما و شما ادعا نداریم که همه چیز را از همه کس بهتر می دانیم و از همه زوایای مسائل آموزش و پرورش آگاهییم، نه! این گونه نیست. بنده به عنوان معلمی که از کلاس پنجم ابتدایی به معلمی علاقه مند بوده و تا امروز هم معلمی کرده ام، امروز هم بعد از چهار دهه که در جلسات کارشناسان شرکت می کنم، بدون اغراق می گویم که چیزهایی یاد می گیرم و می آموزم و همیشه به این آموختن نیاز دارم. هیچ جلسه آموزشی نبوده است که در جمع کارشناسان شرکت کنم و چیزی از آنان نیاموزم. اعتقاد دارم کسانی که در سطح ستاد کار می کنند، بیشتر از دیگران محتاج آموختن اند و این معلمان هستند که در صف مقدم تعلیم و تربیت همیشه چیزهایی برای آموختن به دیگران دارند. دلیلش هم این است که آنان هر روز با دانش آموزانی روبه رو می شوند که هر کدام دنیایی جدید است.

آموزش و پرورش مترقی باید بتواند برای تفاوت های فردی برنامه ریزی کند

دانش آموزان مشترکاتی دارند ولی تفاوت های آنان خیلی بیشتر

است و امروز آموزش و پرورش مترقی، آموزش و پرورش‌پوشی نیست که به ویژگی‌های مشترک دانش‌آموزان بپردازد بلکه آموزش و پرورش‌پوشی است که بتواند تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را شناسایی کند و به آن‌ها پاسخ دهد.

فضاهای متنوع یادگیری و رسانه‌های متنوع یادگیری هم از همین لحاظ مورد توجه است. ما در واقع به دنبال همان فلسفه‌ای هستیم که با دنبال کردن کثرتی به یک نقطه وحدت برسد. آقای مجدفر از این موضوع به عنوان نگاه سیستماتیک یا سیستمی نگاه کردن، یاد کردند ولی من برابر فلسفه اسلامی و منظومه فکری خودمان می‌گویم ما کثرات را داریم، ولی باید این کثرات پراکنده به یک نقطه وحدت برسند.

همه راه‌ها باید به شکوفایی فطرت منتهی شوند

همه این تنوع فضاها و تعدد رسانه‌های آموزشی باید ما را به یک هدف واحد - که با عنوان «شکوفایی فطری» از آن یاد کردیم - برسانند.

و به مصداق این عبارت عرفا که الطریق الی... به عدد انفس الخالیق - که گاهی هم عده‌ای از آن سوء استفاده کرده‌اند - راه‌های شناخت خداوند به تعداد انسان‌ها متفاوت است، راه‌های تعلیم و تربیت هم، به تعداد انسان‌ها و بنا به تفاوت‌های فردی که دارند، می‌تواند متفاوت باشد.

اما حرف این است که این مسیر باید با درایت و برنامه‌ریزی درست ریل‌گذاری شود. زیرا آدم‌ها عمر بی‌نهایت ندارند و جاده زندگی، جاده‌ای دوطرفه نیست که بشود راه رفته را برگشت.

پس آموزش و پرورش باید بتواند بنا به استعدادها متفاوت و متنوع، راه‌های درست و اصولی را پیش‌پای متعلمان خود قرار دهد. این راه‌ها هم باید مبتنی بر فطرت باشند تا همه پس از طی این

مسیر بتوانند به حداقلی از توانایی‌ها و توانمندی‌ها برسند. یعنی راه وصل الی... یا الی الکمال به درستی طراحی شود. حالا پس از عرایض مقدماتی که مقداری هم طولانی شد، صحبت من در مورد مجلات عبارت از این مسائلی است که بیان خواهیم کرد.

هر جا هستیم یک گام به جلو!

کلیت حرف من در زمینه مجلات رشد، این است: یا ایها الذین آمنوا؛ آمنوا.

داستان خواجه عبدا...انصاری را شنیده‌اید. ازدحام مسجد و بالای منبر و اینکه هر کس هر جا نشسته است، یک قدم جلو بیاید. عرض من هم این است که هر کجا هستیم یک قدم جلوتر بیاییم. آفرین و مرحبا بر آنچه در سال قبل انجام داده‌ایم ولی امسال باید نسبت به سال قبل یک گام جلوتر بیاییم؛ همان گونه که سال بعد هم باید نسبت به امسال گام بلندتری برداریم.

ببینیم در سال گذشته چه کرده‌ایم. من اصلاً نظرم این نیست که بی‌رحمانه نقد کنیم، بلکه منصفانه و عادلانه به نقد کارهای خودمان بنشینیم و در صورت نیاز آن‌ها را اصلاح کنیم. حالا اگر فرض را بر این بگذاریم که هیچ اشکالی هم نداریم و همه کارهایی هم که انجام داده‌ایم خوب و رو به کمال بوده است، باز هم جای بهتر و بیشتر کار کردن هست.

همه مجلات باید از اصول واحدی پیروی کنند

من معمولاً مجلات را می‌بینم و بر آن‌ها حاشیه می‌زنم و گاهی اوقات هم که دوستان تقاضا می‌کنند، آن‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهم. در مورد برنامه‌ای هم که امسال تهیه کرده‌اید، همین اتفاق افتاده است و من حاشیه‌ای بر آن زده‌ام که آن را برایتان

می‌خوانم. در حاشیه این برنامه نوشته‌ام: این برنامه با همه امتیازاتی که دارد، دارای اشکالاتی است. از جمله اینکه تابع یک برنامه‌ریزی منظم نیست. مثلاً در یک‌جا آمده است «اصول حاکم بر تولید مجله» ولی مثلاً مجله ابتدایی اصولی را مورد نظر قرار داده و مجله ادب فارسی به اصول دیگری توجه کرده است. عنایت دارید که وقتی صحبت اصول می‌شود همه مجلات باید از اصول واحدی پیروی کنند.

مورد دیگر اینکه برخی از مجلات جدول زمان‌بندی دارند ولی برخی ندارند. بعضی مجلات از مصاحبه با افرادی مشخص یاد کرده‌اند ولی برخی، آدم‌ها را مشخص نکرده‌اند. این مجموعه که چارچوب برنامه سالانه مجلات رشد نام دارد، باید آهنگ و منطق واحدی داشته باشد. حاشیه‌های دیگری هم زده‌ام که دوستان ملاحظه خواهند کرد.

اصولی که باید بر برنامه حاکم باشد

اما از نظر من چه اصولی باید بر این مجلات حاکم باشد؟ اولین چیزی که به نظر من باید مورد توجه قرار گیرد این است که ما باید از سیاست‌های مصوب نظام تعلیم و تربیت تبعیت کنیم. یعنی مجلات رشد، مجلات وزارت آموزش و پرورش هستند و باید از فلسفه حاکم و سند حاکم بر آموزش و پرورش تبعیت کنند و در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرکت کنند. ما به دنبال تحقق سند تحول بنیادین هستیم و مجلات رشد هم باید در همین راستا از اصولی پیروی کنند تا وظایف حرفه‌ای خود را انجام دهند.

این سند از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده است و ما به دنبال تحقق آن هستیم؛ بنابراین باید در همه فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، برای ما اصل قرار گیرد.

توجه به رویکرد فرهنگی - تربیتی

نکته دیگری که برای من مهم است و سال‌های قبل هم عرض کرده بودم، رویکرد فرهنگی و تربیتی است و چون رویکرد ما، شکوفایی فطرت است، باید آن را به خوبی دنبال کنیم. یعنی ما باید به علایق، سلیق، نیازها و ویژگی‌های مخاطبان توجه کنیم. یعنی مجله اگر سلیقه مخاطب خودش را در نظر نگیرد، حتی اگر خوب هم تدوین شود، کسی به آن اعتنا نخواهد کرد.

دوایر متحد‌المرکز و واحد!

یک زمانی در جمع شما از سه دایره یاد کردم. دایره نیازهای مخاطب، دایره امکانات و دایره تشخیص کارشناسانی که در مجلات کار می‌کنند. این سه دایره باید هماهنگ با هم عمل کنند تا مجله‌ای که چاپ می‌شود مورد استقبال مخاطب قرار گیرد و سودمند واقع شود.

البته ما باید آینده را هم رصد کنیم و آدم‌هایی را به تحریریه مجلات بیاوریم که بتوانند ضرورت‌ها و نیازهای آینده را تشخیص دهند و با آینده‌نگاری و آینده‌نگری، نیازهای مخاطب را پوشش دهند.

مطالبی هم که در مجلات چاپ می‌شوند باید به یکی از ضرورت‌های مورد نظر زیر پاسخ دهند:

یا باید به تفکر مخاطب توسعه بدهد، یا قلب او را مطمئن، یا عملش را تصحیح کند.

اگر این اتفاق نیفتد، فقط پوسته ذهن را قلقلک خواهد داد و تأثیر عمیق و واقعی بر مخاطب نخواهد گذاشت.

ما باید روی مخاطب خودمان به‌طور عملی اثر بگذاریم. گاهی اوقات در خانه شاهد هستیم که داخل ظرف‌شویی چند بشقاب

و ظرف روی هم و چند قاشق و چنگال هم بین آن‌ها گذاشته‌اند و یک کاسه سنگین هم روی همگی آن‌ها قرار گرفته است که باعث می‌شود بشقاب‌های زیری بشکند. همه ما حداقلی از فیزیک را خوانده‌ایم و این مسئله را می‌فهمیم که ظروف نباید در چنین وضعیتی قرار گیرند ولی چرا رعایت نمی‌کنیم؟

دلیل این است که ما به یادگیری مهارت‌های عملی در زندگی توجه نداریم و کتاب‌ها و مجلات ما نسخه‌ای عملی برای مهارت‌های مورد نیاز مخاطبان نمی‌پیچند و در همان سطح دانش و تئوری متوقف می‌شویم. اگر خواندن فیزیک در تصحیح رفتار ما در چیدن کاسه و بشقاب هم اثر نداشته باشد، این چه فیزیک خواندنی است و این دانش قرار است کجا به کارمان بیاید؟ وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم در عرصه مدیریت و رانندگی هم، وضع همین است. آنجا هم همین‌گونه عمل می‌کنیم و در امور بدیهی هم حاضر یا بلد نیستیم از دانسته‌ها و آموخته‌هایمان استفاده کنیم.

اجتناب از افراط و تفریط

بحث دیگر من درباره اصلی است که باید مورد توجه قرار گیرد: اجتناب از افراط و تفریط. نه آن سوی خط و نه این سوی خط، بلکه باید خط مستقیم و راه اصلی را بپیماییم و به دامان افراط و تفریط نیفتیم. همان‌گونه که بارها شنیده و خوانده‌ایم: «خیر الامور اوسطها». همان امت وسط و راه میانه باید موردنظر باشد. ما در مجله فیزیک باید از شهدای هسته‌ای و شهید شهریاری در سرمقاله و بحث‌های مختلف سخن بگوییم، ولی اینکه شروع کنیم و در آنجا هم درس اخلاق بدهیم، پسندیده و شایسته نیست و اثرگذار هم نخواهد بود. این را مثال زدم. ما در هیچ مجله‌ای نباید راه افراط و تفریط برویم و باید به مأموریت‌های اساسی مجله و

تکالیف قانونی‌ای که دارد، توجه کنیم.

تفریط هم نباید کرد. اینکه ما یک ژورنال علمی هستیم و باید فقط در همین خطوط حرکت کنیم هم پذیرفته نیست. مطالب مجله باید جامع و مانع باشد؛ یعنی، آنچه را که در حد اعتدال است، داشته باشد و از آنچه ضروری نیست، پرهیز کند.

اصول و مبانی دینی و اسلامی را فراموش نکنیم

ما کشوری هستیم که بیش از سی سال قبل انقلاب کرده‌ایم و به همه اصول اسلام و انقلاب اسلامی وفاداریم و پرداختن به این موضوع مهم هم، وظیفه‌ای است که هیچ‌گاه نباید از آن غفلت شود. این امر باید در همه مجلات رشد - از کودک گرفته تا تک‌تک مجلات دیگر - نمود داشته باشد.

من موضوعی را مطرح می‌کنم که این را به دوستان روحانی هم گفته‌ام. ما گاهی مسائل را طوری مطرح می‌کنیم که اگر در دوره فتحعلی‌خان قاجار هم بودیم، همان‌گونه مطرح می‌کردیم! پس فرق این زمانه و ضرورت‌های زمان کجا رفته است؟ بعضی اوقات هم به گونه‌ای حرف می‌زنیم که انگار نه انگار انقلاب شده است و جوانان و عزیزان فداکار زیادی هستی و خون خود را برای بالندگی این کشور فدا کرده‌اند. پس اگر افراط بد است، تفریط هم بد است و باید به هر دو سوی این قضیه توجه داشته باشیم و مواظب باشیم که نه از این سو و نه از آن سوی بام نیفتیم.

مثلاً می‌آییم و در مورد بحث انگیزش، مطلبی را از یک کتاب قدیمی از قول «مزلو» مطرح می‌کنیم؛ به گونه‌ای، که انگار هیچ‌کس در این مملکت تا به حال از انگیزش حرف نزده است. این انصاف است؟

مثالی دیگر؛ مجله آموزش قرآن باید با موضوع آموزش قرآن در آموزش و پرورش نسبتی داشته باشد. اینکه نوشته شده باشد

قاری مصر طنطاوی این گونه خوانده است، آیا اولویت و مسئله اول ماست؟ چه کسی گفته است که من باید قرائت طنطاوی را تحلیل کنم؟

پس پرهیز از افراط و تفریط، هم به لحاظ اخلاقی هم به لحاظ اعتقادی و انقلابی و هم به لحاظ علمی، لازم است و باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته‌ای هم در باب گرافیک عرض کنم. مسئله‌ای که در باب صفحه‌آرایی و تصویرگری و نقاشی مطرح است، این است که کتاب و مجله را در این امور با هم مقایسه نکنیم.

مشارکت گروه‌های درسی در مجلات رشد

نکته‌ای هم هست که آقایان کفاش و ناصری باید به آن توجه داشته باشند. دوستان، حتماً گروه‌ها و افراد مرتبط در گروه‌های درسی را در امور مربوط به مجلات مشارکت دهید.

چون بحث بسته آموزشی مطرح است، حتماً این دوستان باید نقش خود را داشته باشند و بتوانند به شما کمک کنند. دوستان در گروه‌های درسی هم باید به نقدهای مجلات رشد درباره کتاب‌های درسی اعتنا کنند و آن‌ها را بشنوند و پشت گوش نیندازند.

در همین بحث گرافیک در مجلات رشد، باید عرض کنم که سراغ خطوط و امور مشکوک نرویم. حالا اینکه در فلان موضوع تمثال و نشانه‌ای از یک معصوم را بکشیم، خیلی جای پرداختن ندارد و بعد هم حاشیه‌هایی خواهد داشت که از همان ابتدا پرهیز از آن پسندیده‌تر است. هرجا که یقین دارید، عمل کنید ولی هرجا تردید دارید، دنبال آن تردید نروید.

به عبارت «مهارت‌های زندگی» واژه آداب را هم اضافه کنید و بدین گونه جامع‌تر به آن بپردازید. ما در حوزه یادگیری، با همین واژه آداب و مهارت‌های زندگی از این موضوع یاد کرده‌ایم.

در همین بحث، به آداب و مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی و احکام شرعی بیشتر توجه و حرام‌ها و حلال‌ها را با توجه به ویژگی‌های مخاطب و با احتراز از افراط و تفریط، یادآوری کنید.

یادآوری هویت ایرانی و اسلامی برای ایجاد اعتماد به نفس در مخاطبان

با یادآوری هویت ایرانی و اسلامی، اعتماد به نفس مخاطبان - چه بزرگسال و چه جوانان - را افزایش دهیم و تقویت کنیم. زمینه پرداختن به این امر هم خوشبختانه در همه مجلات وجود دارد.

به عنوان یک وظیفه انسانی و ملی، نشاط، سرزندگی و امید به آینده را در مخاطبان ایجاد و تقویت کنیم و در همه موارد به عنوان یک زمینه و بستر به آن توجه داشته باشیم.

به انتشار گزارش از پیشرفت‌های علمی کشور - که سرفصل آن را هم دارید - بیشتر بها بدهید و بهتر به آن‌ها بپردازید و آن را هنرمندانه توسعه دهید.

تاریخ معاصر را از یاد نبریم

به بحث‌های زنده روز بیشتر توجه کنید. دقت کنیم تاریخ، فقط آنچه که گذشته است، نیست. ما در تاریخی زندگی می‌کنیم که اگر هنرمندانه به آن بپردازیم، به دلیل هم‌عصری و هم‌زمانی، برای مخاطب که خودش را متعلق به این تاریخ می‌داند، جذاب و جالب خواهد بود. تاریخ همواره از افشاریه و قاجار و صفویه گفتن نیست و تاریخ معاصر هم باید مورد توجه قرار گیرد.

دقت کنیم که در مطالعات اجتماعی همه‌چیز را دیگران نگفته‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران معاصر هم حرف‌هایی برای گفتن دارند که نباید فراموش شوند. ما می‌توانیم در دانش اجتماعی، که به نوعی حرف از علوم انسانی است، مطالب‌مان را

به گونه‌ای بیاوریم که تابعی از اهداف و مأموریت‌های مطرح شده در سند تحول باشد.

در حوزه‌های گوناگون به سیره عملی معصومین (ع) خوب پرداخته‌اید. دست شما درد نکند. در این حوزه به سیره بزرگان دین مانند علما، دانشمندان، شعرا و ادبا و هر کس که می‌تواند الگو باشد، بیشتر توجه کنید.

به مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم باید بیشتر توجه کنیم. آنچه ما در نشریات و مکتوبات خود منتشر می‌کنیم، به نوعی ادبیات معیار است، بنابراین باید این مصوبات را به خوبی و دقت مورد توجه قرار دهیم. البته این یک الزام قانونی است و از باب این که حرمت امامزاده را متولی آن نگه می‌دارد، هم باید مراقب این موضوع باشیم.

تابع رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشیم

رشد کودک، رشد نوآموز و رشد دانش آموز، تابعی از رسم الخط دوره آموزش ابتدایی است. اما از رشد نوجوان و جوان به بعد، تابع رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستیم. آخرین جمله‌ام این است که روابط انسانی درون سازمانی و برون سازمانی - یعنی استان‌ها - و همچنین روابط خانوادگی خود را بیشتر کنیم. بنده افتخار می‌کنم که با شما همکار هستم و انصافاً از مصاحبت با تک تک شما لذت می‌برم.

صفا و صمیمیت این خانواده را قدر بدانید

امیدوارم این روابط انسانی صحیح و دوستانه ما و این صفا و صمیمیتی که درون این خانواده وجود دارد، روز به روز، همراه با صداقت و صراحت، عمیق‌تر و بیشتر شود و امیدوارم این صراحت

و صداقت که برای بیان برخی اشکالات و مشکلات احتمالی وجود دارد، هیچ‌گاه به این صمیمیت درونی لطمه نزنند. به قول مرحوم شهید بهشتی، امیدوارم همیشه بتوانیم تلخی برخورد صادقانه را به شیرینی برخوردهای اغراق آمیز ترجیح دهیم و همدیگر را به خاطر برخوردهای انسانی و ملاحظت آمیز بپذیریم و دوست داشته باشیم. شک نداشته باشیم و بدانیم که در سفرهای استانی و در نشست با معلمان و حتی دانش آموزان چیزهایی را به دست خواهیم آورد که بدون انجام این سفرها به دست آوردنی نیست. در آنجا شما می‌توانید بدون واسطه، اثر کار خود را ببینید و اگر فضای صمیمانه بحث و گفت‌وگو فراهم شود، مطالب ارزشمند زیادی به دست خواهید آورد که فقط با سفر و دیدار رو در رو با مخاطبان، دست‌یافتنی است.

البته در کنار این‌ها، باید کارهای پژوهشی و تحلیل گفتمان هم باشد. این امر، نافی آن فعالیت‌ها نیست و در واقع این دو موضوع همدیگر را برای رسیدن به نتیجه بهتر پوشش می‌دهند.

مرور یک سال تجربه برای ترسیم روزهای روشن‌تر

گزارش پانزدهمین دوره همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

محمد دشتی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... وقفه‌ای کوتاه در انتشار این مجلات، که در آن زمان تعداد عناوین آن به ۶ عنوان رسیده بود، به وجود آمد اما با درایت و تیزهوشی مسئولان وقت وزارت آموزش و پرورش انتشار دوباره مجلات کمک آموزشی از سال ۱۳۶۰ با عنوان «رشد» از سر گرفته شد.

در سال ۱۳۷۶ به پیشنهاد مدیرکل وقت دفتر، انتشارات کمک آموزشی، سیدمحسن گلدان‌ساز، نخستین نشست سالانه دفتر طراحی و اجرا شد.

این نشست در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. آنچه می‌خوانید متن سخنان ایراد شده در جلسات عمومی آخرین دوره این گردهمایی است که از ۲۸ تا ۳۰ فروردین ماه سال ۱۳۹۱ با حضور رئیس و معاون سازمان، مدیرکل و معاونان دفتر، سردبیران و مدیران داخلی مجلات، مدیران و کارشناسان دفتر و میهمانانی از بقیه دفاتر سازمان در مجتمع آموزشی و رفاهی تنکابن برگزار شد.

در سال ۱۳۴۳ برای نخستین بار نشریاتی مبتنی بر نیازهای آموزشی و کمک آموزشی مخاطبان آموزش و پرورش با تکیه بر نیاز کسانی که با پایان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان، «نوسواد» محسوب می‌شدند، شکل گرفتند و مجلاتی در قالب «مجلات پیک» طراحی و منتشر شدند.

این مجلات که مراحل نیازسنجی خود را در سال ۱۳۴۲ طی کرده بودند، از حدود بهار ۱۳۴۳ مراحل برنامه‌ریزی، تدوین، چاپ و صحافی را پشت سر گذاشتند تا برای رسیدن به دست مخاطبان آماده شوند. بدین ترتیب، اولین مجله‌ها از مجموعه مجلات پیک با نام «پیک دانش آموز» برای دانش آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان و «پیک معلم» برای معلمان، اگر چه در جشن آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۳ حضور نداشتند، در دی ماه همان سال به دستان مخاطبان مشتاق خود رسیدند.

از همان زمان، بهار تولید و طراحی مجلات کمک آموزشی به نوعی با بهار طبیعت همراه شد. البته در ابتدا عنوان‌های منتشر شده اندک بود و به تدریج عناوینی دیگر به این مجلات افزوده شد.

ناصر نادری (معاون مجلات رشد)

ما در چهارده دوره نشست‌های دفتر که در ابتدای هر سال برگزار شده است، چهار رویکرد را مورد توجه قرار داده‌ایم.

بررسی و نقد فعالیت‌های دفتر

رویکرد اول، بررسی و نقد فعالیت‌های دفتر بوده است و دوستان دلسوز و آگاه و درمانگر با حسن نیت و قصد بهتر شدن فعالیت‌ها، اقدامات دفتر را به نقد کشیده‌اند. خوشحالی که از این رهگذر اتفاقات خوبی برای بهتر شدن مجلات رشد افتاده است.

همگرایی فعالیت‌ها

رویکرد دوم، رویکرد همگرایی بوده است. دفتر، بنا به سرشت و ماهیت کار خود، متولی نوعی کار گروهی است. حدود یکصد نفر هسته مرکزی این دفتر را تشکیل می‌دهند، ولی بیش از پانصد نفر دیگر هم به این گروه پیوسته‌اند تا انبوه مجلات رشد با رعایت استانداردهای مورد نظر و در زمان مقرر در نقاط مختلف کشور به دست مخاطبان برسد.

عناصر علمی و اجرایی این گروه بزرگ برای انجام مأموریت‌های بزرگ و مهم خود باید نوعی همگرایی و همدلی داشته باشند تا محصول نهایی بتواند مخاطب را راضی کند. این نشست‌ها به نوعی، با همین هدف در چهارده سال گذشته برگزار شده است.

استفاده از یافته‌های نو

رویکرد سوم، استفاده از یافته‌های نو در حوزه‌های علوم ارتباطات، رسانه و علوم تربیتی به منظور تقویت و تکمیل محتوای مجلات رشد بوده است. در دوره‌های مختلف و به تناسب

موضوعات نشست، صاحب نظرانی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات، رسانه و... دعوت شده‌اند و از نظرات آنان برای پربارتر شدن محتوای مجلات رشد استفاده شده است.

به‌روز کردن فعالیت‌های دفتر

رویکرد چهارم که در این نشست هم مورد توجه بوده، به‌روز کردن فعالیت‌های دفتر در ارتباط با تحولات پیش روی آموزش و پرورش است. در حال حاضر، آموزش و پرورش به لحاظ مبانی نظری و عملی در معرض تحولی جدی و بنیادین قرار گرفته است. در چنین شرایطی، ما که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خدمت می‌کنیم، باید از این تحولات آگاه باشیم و تلاش کنیم در همسویی با آن، بنا به نقش و مسئولیتی که بر عهده داریم، وظایف و مأموریت‌هایمان را به‌خوبی انجام دهیم.

در بحثی هم که آقای دکتر امانی خواهند داشت، شاهد تجلی همین رویکرد نسبت به بحث تحول بنیادین، به‌عنوان موضوع جدی و مهم امروز آموزش و پرورش خواهیم بود. قصد این است که مشخص شود مجلات رشد به‌عنوان بخشی از بسته آموزشی، در این رویکرد نوین، اساسی و بالنده چه نقشی خواهند داشت.

محمد ناصری (مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی)

به همه عزیزان حاضر در این نشست صمیمی خیر مقدم عرض می‌کنم. در فرصتی که فراهم شده است، به نکته‌هایی که باید در این محفل مطرح شوند، اشاره می‌کنم.

موضوع اول، تجدید نظر کاغذ مجلات است. در بررسی‌های متعدد و همچنین در ارتباط‌هایی که با مخاطبان، به خصوص در سفرهای استانی داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که با توجه به پیشرفت‌های حاصل در زمینه فنی و زیبایی شناختی، مخاطب ما

خواستار نوع مرغوب‌تر مجلات است که با کاغذ کاهی و چاپ تک‌رنگ یا حتی دو رنگ حاصل نمی‌شود. خبر خوب هم این است که از این دوره، تمامی مجلات عمومی به صورت چهار رنگ و مجلات تخصصی به صورت دو رنگ به چاپ خواهند رسید.

هنرمندان دفتر از فرصتی که فراهم شده است به خوبی استفاده کنند!

برای ما خیلی مهم است که حاصل کار و اندیشه شما را در قالب زیبا و جذاب‌تری به مخاطب ارائه کنیم و قطعاً مخاطب هم با این شیوه جدید، رضایت و بهره‌مندی بیشتری از مجلات رشد خواهد داشت.

در همین زمینه تقاضای من از دوستان هنرمند دفتر این است که از این فرصت به خوبی استفاده کنند و بکوشند با بهره‌گیری از امکانی که امروز فراهم شده است، فضایی جدید و متنوع را در مجلات رشد به روی مخاطبان بکشایند.

یاد و نام همه عزیزانی را که روزی در کنار ما بوده‌اند و با تسلیم در مقابل قضا و قدر الهی به جهان اعلا پر کشیده‌اند گرامی می‌داریم. سال گذشته هم یکی از همکاران عزیز و پر تلاش ما، مرحوم نیکزاد، به سرای باقی شتافت که برای ایشان هم آرزوی علو درجات نزد پروردگار توانا و مهربان را داریم.

اهداف و مأموریت‌ها

قصد و منظور از این نشست‌ها، در چهارده سال گذشته روشن بوده است و با نگاهی به اهداف و مأموریت‌های تعیین شده برای نشست‌های سالانه دفتر، مشاهده می‌کنیم که همه مسئولان و همکارانی که در این مدت مسئولیت و اداره دفتر را به عهده داشته‌اند، این خط روشن را دنبال کرده‌اند.

در همین ارتباط، آقای محمد دشتی که در زمان برگزاری نخستین نشست در سال ۱۳۷۶ مسئولیت روابط عمومی دفتر را بر عهده داشته، یادداشتی را تنظیم کرده است که به دلیل دقت و سندیت، اکنون بخشی از آن را قرائت می‌کنم:

«در یکی از روزهای بهاری سال ۱۳۷۶ مدیرکل وقت دفتر انتشارات کمک آموزشی، آقای سیدمحسن گلدان‌ساز، معاون مجلات و مسئول روابط عمومی دفتر را برای جلسه‌ای فوری فراخواند. دستور جلسه بحث و تبادل نظر درباره برگزاری نشست سالانه مجلات رشد بود. در آن سال تعداد مجلات رشد به ۱۴ عنوان رسیده بود.

ایشان جلسه را با بیان مقدمه‌ای بدین گونه آغاز کرد: «بدون برنامه‌ریزی و داشتن برنامه‌ای مدون که نقشه راه ما را در دفتر انتشارات کمک آموزشی و انتشار مجلات رشد را مشخص کند، نمی‌توانیم به نتایج و اهداف مورد نظر آموزش و پرورش در اداره دفتر و انتشار مجلات رشد برسیم. به نظر می‌رسد که اگر در ابتدای هر سال یک گردهمایی با شرکت اعضای مؤثر در انتشار مجلات داشته باشیم (آن زمان هنوز بخش کتاب وجود نداشت) می‌توانیم برنامه یک سال مجلات را در آن مرور کنیم و ضمناً در سال‌های بعد به قضاوت در مورد عملکرد سالی که پشت سر گذاشته‌ایم، بنشینیم.

جدا از این، بودن چنین نشست‌هایی همه ما را وادار خواهد کرد که سال خود را با برنامه‌ای نوشته شده، مدون و مصوب آغاز کنیم و همین برنامه‌ها می‌توانند ملاک ارزیابی فعالیت‌ها هم باشند.»
در آن زمان، من سردبیر مجله رشد جوان بودم و ما به آن مفهوم، برنامه مدون و مصوبی نداشتیم. آن ایده مانند نهالی پا گرفت و رشد کرد و از آن سال، مجلات برنامه‌ریزی سالانه را شروع کردند. آغاز این امر با برگزاری نشست‌های سالانه رشد

همراه بود و ما امروز توفیق داریم که در ادامه همان راه، پانزدهمین نشست سالانه مجلات رشد را برگزار کنیم.

این نشست‌ها با درایت آقای گلدان‌ساز طراحی شد، در زمان آقای حاجیان‌زاده پی گرفته شد و اکنون ما و شما توفیق داریم که ادامه‌دهنده آن باشیم و ان‌شاءالله بعدها هم به یاری عزیزانی که خواهند آمد، آن نهال کوچک که امروز به درختی تنومند تبدیل شده است، رشد و بالندگی بیشتری پیدا خواهد کرد.

عبور از مرز پانزده سالگی و دغدغه‌ای که بود و هست!

در این یادداشت به دغدغه‌های مسئولان در نخستین نشست به‌خوبی اشاره شده است و شما ملاحظه می‌فرمایید که بخشی از آن دغدغه‌ها طی این سال‌ها برطرف شده و البته بسیاری از آن‌ها همچنان باقی است.

برخی از آن گفته‌ها و شنیده‌ها که هنوز هم ضرورت توجه به آن‌ها پس از سال‌ها احساس می‌شود، عبارت‌اند از:

* همیشه وضعیتی بهتر از وضعیت فعلی وجود دارد؛ یعنی بهتر از آنچه انجام می‌دهیم هم، می‌توانیم. برای کیفیت، پایانی متصور نیستیم.

* عکس در مجلات جایگاه خاص خود را دارد؛ از آن غفلت نکنیم

* نظرسنجی از مخاطبان، اصلی ضروری برای تعیین خط راهنمای مجلات رشد است که نباید از آن غفلت شود.

* در کارهای گرافیکی مجلات، توجه به مخاطب و روحیات او یک اصل است. هنرمندان گرافیک‌ساز باید مخاطبان خود را به‌خوبی بشناسند.

* اندیشیدن به شیوه‌های نو، خلاق و بدیع منشأ آفرینش‌های

هنری است که تنها با هماهنگی سردبیران و هنرمندان دست‌اندرکار تهیه مجلات امکان‌پذیر می‌شود.

* تصویر باید مخاطب هوشمند ما را به تفکر وادار کند. من با تصویرگری‌های ساده که جوان و نوجوان و کودک ما را به تفکر واندی دارد، موافق نیستیم. به قول استاد مکتبی، «تصویر باید تفکر هنرمند را به‌عنوان زمینه‌ای برای رشد به مخاطب منتقل کند.»

* تصویر و متن باید متناسب باشند. متن نباید مخاطب را خسته و از خواندن دل‌زده کند. تصویر هم نباید طوری باشد که مخاطب تنبل و کوتاه‌خوان شود.

* اگر آیندگان هم این نشست‌ها را ادامه دهند، زمان اثبات خواهد کرد که ما امروز برای تدارک برنامه‌های دفتر در قالب نشست‌های سالانه تصمیم درستی گرفته‌ایم. پس اساس کار را محکم بگذاریم.

* برنامه‌ریزی برای تولید مجلات را واقعی انجام دهیم. اگر برنامه‌ها واقعی نباشند، اجرای آن‌ها ما را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. خودمان را به نظم و دیگران را به احترام به برنامه‌ها عادت دهیم.

* بهترین و بیشترین خطوط ارتباط با مخاطبان در استان‌هاست. هیچ نوع ارتباطی را جایگزین حضور در بین مخاطبان نکنیم.

* سردبیر باید به شکلی فعال در همه امور مجله حضور داشته باشد تا مجله با کیفیت مطلوب تولید شود.

* توجه به ویرایش اصولی باید سرلوحه کار مجلات باشد. مجلات الگوهای رسمی مخاطبان هستند و الگو باید بدون غلط و اشتباه باشد.

* با توجه به سرمایه‌گذاری‌ها و آموزش‌هایی که در بخش فنی و تولید صورت گرفته است، انتظار داریم آینده دفتر، تابلویی

از موفقیت‌های بیشتر در تولید مجلات کیفی و مناسب‌تر باشد.

* با توجه به فروش بسیار پایین و بار مشکلات فراهم شده برای شبکه توزیع (حمل، برگشت، رسیدگی مالی، جداسازی و...) توزیع کیوسکی مجلات حذف شود یا به کمترین حد کاهش یابد.
* در تحلیل مشکلات به دو عامل درون سازمانی مانند آموزش نیروها، برنامه‌ریزی سالانه، ارتقای امکانات، ... و عوامل بیرونی مانند: نظریات مخاطبان، ارتباط با آن‌ها عامل انسانی - به‌عنوان سرمایه سازمانی - توجه خاص شود.

* در انتخاب مسئولان توزیع مجلات (نمایندگان مجلات رشد در استان‌ها) دقت و افراد علاقه‌مند و واجد شرایط انتخاب شوند. کلید کار رشد در استان‌ها همین نمایندگان هستند.

* اصرار بر معرفی دائمی نشریات و اطلاع‌رسانی درباره آن‌ها با ابزار گوناگون، فراموش نشود. ما همیشه مخاطبان جدیدی داریم که باید با ما آشنا شوند و مخاطبان پرمشغله‌ای که نیاز به یادآوری دارند.

* مراقب باشیم بار هنری مجلات رشد بر محتوای فرهنگی و هویتی آن‌ها غلبه نکند. هنرمندان ما باید اهداف فرهنگی و محتوایی مجلات را بشناسند و پوشش دهند. هنر باید در خدمت محتوا باشد.

* انتشار آثار مخاطبان - به خصوص دانش‌آموزان - و هدایت آن‌ها به‌سوی خواندن و نوشتن بیشتر را هنرمندان محقق کنیم. مخاطب باید تصویر خود را در این آیینه ببیند تا با آن همراه شود.
* از شعر و طنز در مجلات با دقت و به‌گونه‌ای شایسته استفاده شود. برخی اشعار ما محتوای لازم را ندارند و به بهانه فرم و قالب‌های نو از محتوا خالی شده‌اند. اشعار خوب قدیمی را فراموش نکنیم. طنز، مزه مزه مجلات است. خودمان چقدر غذای بی‌مزه را تحمل می‌کنیم؟

این همایش و کارهایی که در آن انجام می‌شود، خودش یک سند است

چهارده سال از برگزاری نخستین نشست می‌گذرد. مجلات رشد منتشر می‌شوند. شمارگان این مجلات از حدود ۱۳ میلیون و سیصد هزار نسخه در سال ۱۳۷۷ به حدود ۳۳ میلیون در سال ۱۳۹۰ و تعداد آن از ۱۴ به ۳۱ رسیده است. نشست‌های سالانه دفتر که زمانی «گردهمایی علمی / کاربردی» نامیده می‌شد و در دو، سه سال اخیر به «همایش سالانه دفتر انتشارات کمک آموزشی» تغییر نام داده، به دوره پانزدهم خود رسیده است.

من اعتقاد دارم برخی مجلات دانش‌آموزی ما همتایان خود را در جامعه رهبری می‌کنند. به مفهوم دیگر، سایر مجلات دانش‌آموزی، سرریز مجلات رشد را ارائه می‌کنند. این موضوع دلایل روشن و معینی دارد، از جمله اینکه شوراهای تحریریه مجلات رشد، تولیدات خوب، متنوع و متکثری دارند. مطالبی هم که آنچه فضای چاپ در مجلات رشد را ندارند و در عین حال مطالب قابل‌اعتنایی هستند، در دیگر مجلات به چاپ می‌رسند. از سوی دیگر، افرادی که در این حوزه قلم می‌زنند و صاحب اندیشه و اثرند، تعدادشان محدود است، پس آثار آنان از سوی همه نشریات مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد.

این نشست و کارهایی که در آن انجام می‌شود، خودش یک سند است و من باید از دوستان عزیز می‌خواهم که هر سال آن را پر و پیمان‌تر و مؤثرتر برگزار کنند، به‌طور ویژه تشکر کنم.

حضور فرهیختگان در مجلات رشد با ملاک‌های مادی قابل‌توجه نیست

من و شما که اهمیت این مجلات را درک می‌کنیم، مسئولیت مضاعفی داریم و باید تلاش کنیم که این مجلات بیشتر

ترویج شوند. خوشبختانه ما در مجموعه مجلات رشد همکاران فرهیخته‌ای داریم که باید قدران آن‌ها باشیم. حضور و تلاش این عزیزان را نمی‌توان با ملاک‌های معمول و مادی توجیه کرد. همکاری در یک مجله، استاد دانشگاه است و با خدماتی که ما ارائه می‌کنیم، قاعدتاً نباید هیچ توجیه و انگیزه مادی برای حضور در مجلات و تلاش مؤثر داشته باشد. تنها می‌توان گفت عشق، این بزرگواران را پایبند این کار کرده است.

بحث تحول بنیادین، هنوز و همواره در دستور کار است

موضوع مهم دیگری که این چند ساله هم مورد توجه بوده، بحث تحول بنیادین است. این، امری نیست که بخواهیم بگوییم از پنج سال قبل شروع شده است و چند سال آینده هم تمام خواهد شد. روند «تحول» تدریجی است و با عنایت به قید «بنیادین» باید به مرور و البته با سرعت لازم و به گونه‌ای که تأثیرات آن محرز باشد، اتفاق بیفتد.

خوشبختانه امسال هم همه سردبیران محترم به این امر توجه کرده‌اند و این مسئله یقیناً یکی از کارهای اصلی دفتر است.

به رویکرد فرهنگی - تربیتی عنایتی خاص داریم!

یکی از نکات مهم و مورد توصیه ریاست محترم سازمان توجه به رویکرد فرهنگی - تربیتی بوده و در برنامه درسی ملی نیز عنایت خاصی به این موضوع شده است؛ بنابراین، ما هم در مجلات رشد به آن توجه ویژه‌ای داشته‌ایم.

البته برخی از آنچه ایشان از ما خواسته‌اند و ما هم خود را ملزم به اجرای آن می‌دانیم، به برنامه‌ریزی و اقدامات درازمدت نیاز دارد که زمان آن باید فرا برسد. از جمله اینکه فرموده‌اند: «همه»

برنامه‌های ما باید مقوم اصل توحید باشد.» این امر الزاماتی دارد. باید در جلسات شورای سردبیری این موضوع مورد توجه و بررسی قرار گرفته و راهکارها و مسیرهای اجرایی شدن آن بررسی و تبدیل به سرفصل و برنامه شود. کما اینکه همین کار در بقیه بخش‌های مورد مطالبه و بخش‌هایی که به‌طور طبیعی جزء وظایف و مأموریت‌های ماست، صورت می‌گیرد.

برخی مطالب مجلات آنقدر ماندگاری دارند که می‌توانند به کتاب تبدیل شوند

صفحه ۳ جلد «رشد کودک» یکی از این صفحات است که با عنوان «همه می‌توانیم» به این موضوع پرداخته است. در «رشد نوآموز» آقای علیرضا متولی در بخش مهارت‌های زندگی در مطلبی با عنوان «خوب، بد، زشت»؛ خیلی صمیمانه به موضوعات مبتلابه مخاطبان خود می‌پردازد. با آنان همراه می‌شود و در نهایت هم مطالب ارزشمندی ارائه می‌کند. به نظر این مطالب آن قدر مهم هستند و ماندگاری دارند که می‌توانند به کتاب تبدیل شوند. یا «مهارت‌های زندگی» در مجله «نوجوان» که با نگاهی نو به این موضوع پرداخته است. همچنین «حس موفقیت» که با زبان و حس مخاطب و نوجوان‌ها ارائه می‌شود و تأثیرگذار است. در مجله «جوان» هم «روی موج زندگی» از مطالبی است که برای جوانان ما جذاب است و نسبت به مسائل روان‌شناسی نگاه تازه‌ای دارد. اینجا ادبیات و قدر آن در خدمت روان‌شناسی قرار گرفته و توانسته است فضاهای جدید و جذابی بیافریند. موضوع سال همیشه برای ما مهم بوده و خوشبختانه در شوراها سردبیری مجلات هم این امر به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. البته عنوان‌های موضوعات باید توسط کارشناسان و

نویسندگان ما از سطح شعار به شعور و مسائل مورد توجه مخاطبان تبدیل شود تا اثربخش باشد، که خوشبختانه گمان می‌کنم این اتفاق افتاده است.

ما مسائل اقتصادی و مناسبتی را، حتی در مجلهٔ کودک، با موضوعاتی چون پس‌انداز و اسراف به زبان کودکان و مناسب مخاطب مطرح کرده‌ایم و این، نکته‌ای است که در عین حال که کار ما و دوستان را در مجلات مختلف سخت می‌کند، از آن غافل نبوده‌ایم.

در مجله نوآموز هم با ارائهٔ بحثی در زمینهٔ کاردستی، این موضوع مطرح شده که بسیاری از دورریختنی‌های اطراف ما این قابلیت را دارند که به وسایلی زیبا و دوست‌داشتنی برای فرزندان مان تبدیل شوند. آموزش‌هایی ارائه شده است که کودکان خود بتوانند این کاردستی‌ها را بسازند و از آن‌ها لذت ببرند.

مجلهٔ جوان با طرح موضوعی باعنوان «دخل و خرج» مضامین اقتصادی جذاب و در عین حال ملموس برای جوانان، از جمله سرمایه، پول و بورس پرداخته است و در واقع به آنان در این‌باره دیدگاه می‌دهد.

موضوع دیگری که مجلهٔ «رشد برهان» به آن پرداخته تبدیل اعداد بزرگ در ریاضی به اعداد کوچک و قابل فهم برای دانش‌آموزان و مخاطبان است. این کار را یکی از معلمان ریاضی به شکل جذابی انجام داده است.

درمورد دیگری، دور کرهٔ زمین را با نان تزئین کرده و با عدد و دلیل و منطق گفته بودند که اگر مقدار نان‌هایی را که اسراف می‌شود محاسبه کنیم، به اندازهٔ دور کرهٔ زمین خواهد شد.

در این مجموعهٔ مطالب، اعداد بزرگ به گونه‌ای قابل فهم و اثرگذار به مخاطب ارائه شده‌اند.

نکتهٔ دیگری که آقای دکتر محمدیان با هوشمندی و تدبیر

به آن اشاره کردند، این بود که باید همواره جریان پاک و شفافیتی به این مجلات وارد شود، تا تازگی و طراوت خود را حفظ کنند. یک راه این است که ما نیروهای جدید و به‌خصوص جوان را وارد عرصهٔ مجلات کنیم. الحمدلله با گستردگی مجلات رشد، این فضا را داریم که با حفظ نیروهای موجود، از نیروهای جوان، خلاق و با انگیزهٔ دیگری هم استفاده کنیم.

آقای طلایی در مورد جذب گرافیست‌های جوان اشارهٔ خوبی کردند. این اتفاق باید در بخش‌های سردبیری هم بیفتد.

مشارکت معلمان و فرهنگیان در تولید محتوای مجلات رشد

براساس آمار، تعداد فرهنگیان پدیدآورندهٔ مطالب مجلات تخصصی ۵۳۵ نفر و در مجلات ماهانهٔ بزرگسال ۳۷۹ نفر بوده‌اند. در نگاهی کلی، در مجلات علوم انسانی ۴۱ درصد، علوم پایه ۳۵ درصد و در مجلات بزرگسال ۲۶ درصد از همکاران ما از معلمان بوده‌اند. آثار چاپ‌شدهٔ دانش‌آموزان نیز در مجلات ۱۶۱ مورد بوده است و الحمدلله از این بابت مشارکت قابل قبولی داشته‌اند.

و اما برنامهٔ امسال ما در مجلات رشد، شامل مواردی است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

در مورد برنامه‌های درسی ملی، مطالب ویژه‌ای خواهیم داشت. البته این برنامه‌ها و از جمله برنامهٔ درسی ملی، موضوعی نیست که یک سال به آن بپردازیم و سپس از آن رد شویم.

تولید مجلات رشد با کالا و کاغذ ایرانی

دو سال پیش از سوی آقای دکتر محمدیان مطرح شد که به‌جای استفاده از کاغذ مکانیکال خارجی از کاغذ مازندران و در واقع از کالای تولید ایرانی استفاده کنیم. این مسئله به ما کمک

زیادی کرد و الحمدلله توانسته‌ایم کارها را هم به‌خوبی انجام دهیم. ضمناً از بابت اینکه این فضا را فراهم کردید که امسال همهٔ مجلات دانش‌آموزی به‌صورت چهار رنگ و مجلات تخصصی هم به‌صورت دو رنگ چاپ شوند و همکاران ما بتوانند از همهٔ توان خود برای ارائهٔ مجلات زیبا بهره‌گیرند، تشکر می‌کنیم. فرموده‌اند: «گزاره‌های مربوط به سازمان در برنامهٔ درسی ملی، (۸۰ گزاره از ۱۳۰ گزاره) احصا شود و آن‌هایی که مربوط به حوزهٔ مجلات رشد است، به‌طور دقیق مورد توجه و عمل قرار گیرد.» بر انجام سفرهای استانی تأکید داشته‌اند، این سفرها با برنامه‌ریزی مدون‌تر و استفاده از تجربیات قبلی انجام می‌شود و در دستور کار قرار دارد. ما در اولین سفر سال ۱۳۹۱ به خراسان جنوبی خواهیم رفت و بحث سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی با رویکرد جدید به‌طور جدی‌تری در این سفرها مورد توجه قرار خواهد گرفت. توجه جدی به شیوهٔ املائی فارسی اکیداً مورد توجه همهٔ همکاران ما در همهٔ تولیدات و مجلات است.

استقرار یک گروه حرفه‌ای برای تهیهٔ گزارش‌ها و گفت‌وگوهای مجلات تخصصی

در مجلات تخصصی، گروهی با هدایت آقای ابراهیم زاهدی مطلق کار تهیهٔ گزارش و گفت‌وگوها را برعهده گرفته‌اند، که ان‌شاءالله امسال شاهد چاپ گزارش و گفت‌وگوهای حرفه‌ای و مفیدتری در این مجلات خواهیم بود.

آقای دکتر محمدیان توصیه فرمودند که مراسم‌های نکوداشت با قوت برگزار شود و به اهمیت آن تأکید داشتند و خودشان هم همواره در این‌گونه مراسم حضور داشته‌اند. ان‌شاءالله در خرداد تا شهریور ماه هم مراسم مربوط به انتشار مجله‌های شیمی، فیزیک، جغرافیا و آموزش راهنمایی را خواهیم داشت.

ملاک ما برنامهٔ سالانهٔ مجلات و رهنمودهای ریاست محترم و مسئولان سازمان است
دوستان ما برنامه‌ای را در مجلات رشد نوشته‌اند که همان را خدمت آقای دکتر محمدیان تقدیم کرده‌ایم و مبنای فعالیت‌ها هم همان برنامه است. هرچه هم در این نشست با همدیگر گفتیم و شنیدیم و دریافته‌های ما از این گفت‌وگوها، به علاوهٔ همهٔ اصلاحات و رهنمودهایی که ایشان ارائه خواهند فرمود، ملاک عمل ما در سال جاری خواهد بود، ان‌شاءالله.

میزگرد تجربه‌های سازمانی در تولید بسته آموزشی

با حضور دکتر حمیدرضا کفاش، محبت‌الله همتی، مرتضی مجدفر و کاظم طلایی

اشاره

در دومین روز از پانزدهمین همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، میزگرد «تجربه‌های سازمانی در تولید بسته آموزشی» با حضور دکتر حمیدرضا کفاش، محبت‌الله همتی، مرتضی مجدفر و کاظم طلایی برگزار شد.

در این میزگرد، محبت‌الله همتی درباره بسته‌های آموزشی و تاریخچه آن، پیش و پس از انقلاب اسلامی نکاتی را بیان کرد. سپس مرتضی مجدفر به‌عنوان نویسنده نخستین کتاب درباره بسته آموزشی پس از انقلاب، تجربه خود از تألیف و چاپ این کتاب و بازتاب‌های آن را بیان کرد. در ادامه، کاظم طلایی به‌عنوان مدیرفنی پروژه‌هایی برای تألیف بسته‌های آموزشی، از تجربیات خود در زمینه تدوین مجموعه کتاب‌های پیش‌دبستانی سخن گفت و در ادامه حمیدرضا کفاش، در سخنانی به سیاست‌های کلان بسته آموزشی و الزامات این بسته و نقش مجلات رشد در این زمینه پرداخت.

پیش از شروع میزگرد فیلم کوتاهی درباره معضلات آموزشی

و تنگنهایی که دانش‌آموزان در مسئله آموختن با آن‌ها روبه‌رو هستند، پخش شد و دکتر مهدی چوپینه در تحلیل فیلم سخنان کوتاهی ایراد کرد.

در ادامه مشروح سخنان مطرح شده در این میزگرد را می‌خوانید.

محبت‌الله همتی

رویکرد ما در بحث امروز، بیان تجربه‌های سازمانی در تولید بسته آموزشی است. اگر ما تولید بسته‌های آموزشی را در دستور کار دائمی سازمان قرار دهیم، کمتر شاهد صحنه‌های تلخ از جمله رویگردانی دانش‌آموزان از تحصیل خواهیم بود.

پنج سال پیش، در مصوبه شورای هماهنگی علمی سازمان (که در نشریه جوانه شماره ۳۱ و ۳۲ چاپ شد) بسته آموزشی تعریف و اصول حاکم بر طراحی و تولید آن بیان شد. در نهایت نیز اجزای بسته آموزشی، تعیین و به دو دسته کلی «مواد و منابع اصلی» و «مواد و منابع تکمیلی» تقسیم‌بندی شدند.

بنا بوده است که این مصوبه به دفاتر ابلاغ شود و سپس مبنای تولیدات سازمان قرار گیرد.

از نگاه این سند، منابع اصلی عبارت‌اند از: کتاب درسی، کتاب راهنمای معلم، کتاب کار دانش‌آموز و کتاب ارزشیابی. از منابع تکمیلی هم یاد شده که تعداد آن‌ها خیلی زیاد است.

سند مربوط به تولید بسته آموزشی را حتماً بخوانید

این سند، بسیار مهم است و من از همه دوستان تقاضا می‌کنم آن را ملاحظه و به دقت مطالعه کنند.

سؤال اینجاست که تولید بسته آموزشی (البته با این نگاه) در کشور ما از چه زمانی شروع شده است؟

یعنی اگر کتاب درسی را به‌عنوان عنصر اصلی آموزش در نظر بگیریم، آیا مواد دیگر آموزشی و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای آموزشی هم تولید می‌شده‌اند یا نه؟

من در پیگیری این مطلب در سازمان، به منابع جالبی برخورددم. در کنار کتاب فارسی سوم دبستان که در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده، نشریه‌ای با عنوان «دفتر تمرین کتاب فارسی برای کلاس‌های اول تا پنجم» چاپ می‌شده است.

مؤلفان کتاب درسی برای هر پایه سه دفتر تولید می‌کرده‌اند که توسط مرکز انتشارات آموزشی، یعنی «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» فعلی، منتشر می‌شده است.

این کتاب، مقدمه‌ای بسیار جالب و خواندنی دارد. این دفتر تمرین دو بخش دارد: یکی تمرین‌های کتاب درسی است؛ یعنی، در کتاب‌های درسی پس از ارائه درس، تکلیف شب اول و شب دوم دارد و علاوه بر این، تمرین‌هایی هم برای غنی‌سازی دانش دانش‌آموزان توسط معلمان طراحی و در آن دفترها ارائه می‌شده است.

در مقدمه این دفتر آمده است که این مطالب از مجلات کمک‌آموزشی پیک (از تولیدات مرکز انتشارات آموزشی) گرفته می‌شده است.

البته من یاد نمی‌آید که آن کتاب‌ها را در دوران تحصیل خوانده باشم. این موضوع نشانگر آن است که خواندن آن‌ها اجباری نبوده و شاید هم آموزش و پرورش توان این را نداشته است که آن‌ها را به تعداد دانش‌آموزان تولید و به همه مدارس برساند اما مجلات پیک معمولاً در منطقه جوادیه تهران به مدارس ما می‌آمد و در دسترس دانش‌آموزان بود.

مواد کمک‌آموزشی قدمتی در خور توجه دارند

هنگامی که من مسئول گروه‌های آموزشی منطقه ۱۰ تهران بودم، یک‌بار که به انبار کتاب‌های منطقه سر زدم، به اسناد جالبی برخورددم. از جمله دستگاهی مانند کامپیوترهای امروزی که یک صفحه گرامافون داشت و محلی هم داشت که اسلایدهایی در زمینه خواندن داخل آن قرار می‌گرفت.

البته این دستگاه را من در دوران تحصیل ندیده بودم و چند سال پس از انقلاب آن را در اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۰ تهران دیدم. این دستگاه‌ها در آن زمان هم برای ما جالب بود و ما گاهی اوقات که با معلمان در گروه‌های آموزشی دور هم جمع می‌شدیم، با آن‌ها کار می‌کردیم.

خانم پروین علی‌پور، مترجم و نویسنده حوزه کودک و نوجوان که معلم هم بوده‌اند و بازنشسته شده‌اند، در دهه ۶۰ در انتشارات مدرسه کتابی به نام «شکوفه باران» چاپ کردند. من هم براساس علاقه‌ای که داشتم، پیگیر این کتاب‌ها بودم و بعدها به کتابی از انتشارات تلویزیون آموزشی پیش از انقلاب دست پیدا کردم که نویسنده آن هم خانم پروین علی‌پور بودند.

این کتاب در ۱۶ صفحه، در قطع خستی و با تصاویر چهاررنگ چاپ شده بود. در هر صفحه یک تصویر همراه با یک جمله بود. زمانی که این کتاب را خواندم، دیدم این کتاب همان قصه کتاب شکوفه باران است که با شرح مفصل تری در انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است. ایشان هر قصه را در ۱۲ تا ۱۶ جمله برای بچه‌های کلاس اول گفته بود. مطلب هم به گونه‌ای بود که بچه‌ها بتوانند پس از فراگیری و آموختن الفبا این کتاب را به تنهایی بخوانند. یعنی انتشارات تلویزیون آموزشی آن زمان، این کتاب را چاپ کرده بود تا بچه‌ها با خواندن آن مهارت لازم را در خواندن کسب کنند.

دفاتری که به آن‌ها اشاره کردم، در آرشیو کتابخانه سازمان هم موجود است و در دو حوزه آموزش ریاضی و آموزش علوم برای پنج پایه ابتدایی، به‌طور کامل تدوین شده است.

چند جلد هم برای دوره راهنمایی تولید شده است. آنچه بدان اشاره کردم سابقه تهیه مواد آموزشی و به یک معنا، تولید بسته آموزشی، پیش از انقلاب اسلامی بود.

کتاب، عنصر اصلی بود و مواد تکمیلی هم وجود داشت

البته در همان موقع هم عنصر اصلی آموزش، کتاب درسی بوده است؛ یعنی اگر این موادی که اشاره کردم به دست بچه‌ها و معلم نمی‌رسید، خللی در فرایند آموزش ایجاد نمی‌شد. البته اگر این مواد تکمیلی آموزشی در دسترس آن‌ها قرار می‌گرفت، آموزش غنای بیشتری می‌یافت.

پس از انقلاب اولین کتابی که در حوزه بسته آموزشی نوشته شد، کتاب «بسته آموزشی چیست؟» نوشته آقای مرتضی مجدفر بود که در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسید. ایشان در آن سال‌ها معاون

آموزشی آموزش و پرورش منطقه ۱۶ تهران بود. با توجه به حضور آقای مجدفر در این میزگرد، از ایشان تقاضا می‌کنم در مورد دلیل و انگیزه انتشار این کتاب برایمان توضیح دهند.

مرتضی مجدفر

چون زمان زیادی از انتشار این کتاب گذشته است، من در مورد تاریخچه کتاب صحبت نمی‌کنم. در سال ۱۳۷۵ که این کتاب را نوشتم، زمان زیادی از سال ۱۹۸۶ میلادی نگذشته بود. اولین بسته‌های آموزشی در آموزش و پرورش دنیا و به‌طور مشخص در آموزش و پرورش آمریکا در سال ۱۹۸۶ تولید شدند.

این بسته‌ها پنج جزء اصلی و نزدیک به ۳۰ جزء فرعی داشتند و در دو شکل، توسط مؤسسات تکنولوژی آموزشی یا به‌طور متمرکز در سازمان‌های مربوطه و جایی مانند معاونت تألیف و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی سازمان تولید می‌شدند.

در واقع، تولیدکنندگان حرفه‌ای این بسته‌ها را تولید می‌کردند و بعد آن‌ها در اختیار معلمان قرار می‌گرفتند و معلمان این بسته‌ها را در پایه‌های مربوطه به کار می‌گرفتند.

در مطالعاتی که انجام دادم، متوجه شدم زمانی که تک‌نسخه بسته‌های آموزشی به تولید انبوه می‌رسد و در اختیار معلم قرار می‌گیرد، پشتیبانی هم می‌شود و در راستای این تولیدات، رهنمودهایی به معلمان داده می‌شود تا بتوانند این بسته آموزشی را در مدرسه و در صورت نیاز، به‌روزرسانی کنند.

این بچه‌ها چه دردی را دوا می‌کنند؟

در آن سال که این کتاب را می‌نوشتم، هیچ منبع آموزشی‌ای در این خصوص وجود نداشت و جالب‌تر آنکه زمانی که این کتاب پس از یک سال مطالعه و تحقیق نوشته شد، هیچ ناشری حاضر

به چاپ آن نبود.

بعضی به طنز می‌گفتند «حالا این بقچه آموزشی به چه کار معلم و دانش‌آموز می‌آید و چه دردی را دوا می‌کند؟» سرانجام مجبور شدم کتاب را با سرمایه شخصی چاپ کنم و فروش چاپ اول آن هم خیلی طول کشید.

اما این کتاب برای من اهمیت داشت و مطمئن بودم که به کار برنامه‌ریزان آموزشی و آموزش‌وپرورش می‌آید. اتفاقاً کتاب را مسئولان سازمان و از جمله مرحوم علاقه‌مندان، که رئیس سازمان بودند، دیده بودند و از چاپ آن اطلاع داشتند.

خوشبختانه کار توسط دوستان پیگیری شد و از جمله سه پژوهش مفصل در پژوهشکده تعلیم‌وتربیت انجام شد و این کتاب به حاشیه رفت.

البته من در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ در این کتاب تجدیدنظر کردم و در سال ۱۳۸۷ چاپ چهارم آن با ویرایش جدید منتشر شد؛ زیرا در طول این سال‌ها ابزارهایی وارد بحث آموزش شده بودند که در زمان چاپ اول کتاب اصولاً وجود خارجی نداشتند و لازم بود در کتاب معرفی شوند.

در حال حاضر و پس از پنج سال که از آخرین چاپ این کتاب گذشته است، من در حال آماده‌سازی ویرایش پنجم کتاب هستم و در نظر دارم بخشی از تجارب سازمانی را که در این سال‌ها حاصل شده و در زمان چاپ اول کتاب اصلاً وجود نداشته است، در ویرایش پنجم بیاورم.

تولید بسته آموزشی به یک تفکر و سیاست در آموزش‌وپرورش تبدیل شده است

در این سال‌ها تولید بسته آموزشی به یک تفکر و سیاست در آموزش‌وپرورش تبدیل شده است. دلیل این مدعا هم این است که

امسال دکتر محمدیان، رئیس محترم سازمان، در برنامه عمومی ابتدای سال، هدف اصلی سازمان در سال ۱۳۹۰ را تولید بسته‌های آموزشی بیان کردند.

نکته دیگر این است که اساساً تفکر تولید بسته آموزشی از کجا وارد آموزش‌وپرورش شده است؟

زمانی ما از برنامه درسی یاد می‌کردیم و مثلاً وقتی می‌گفتیم برنامه درسی سال سوم ابتدایی، برنامه درسی هدیه‌های آسمان سال دوم، یا برنامه درسی تعلیمات دینی سال پنجم ابتدایی، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شد بحث کتاب درسی بود.

شاید بشود گفت که در آن زمان برنامه درسی جورچینی بود که یک قطعه داشت و آن هم کتاب درسی بود و ارزشیابی پایان درس هم بر اساس همین یک قطعه و همان کتاب درسی بود. در چنین وضعیتی با آنکه از برنامه درسی یاد می‌کردیم، تنها ابزار ما کتاب درسی بود.

تفاوت بسته آموزشی با برنامه درسی این است که این جورچین فقط دارای یک قطعه نیست و از قطعات متنوعی تشکیل شده است که با هم برنامه درسی را پوشش می‌دهند. البته باز هم قطعه‌های بزرگ این جورچین همان کتاب درسی، فیلم و نرم افزار مجلات آموزشی، کتاب کار و بقیه اجزای این بسته است؛ یعنی از ۳۰ جزئی که در بسته آموزشی وجود دارد، بر حدود ۱۲ جزء آن تأکید می‌شود.

نقش فعلی مجلات رشد در بسته آموزشی

شما در حال حاضر در ادبیات سازمانی واژه بسته آموزشی پشتیبان یا بسته آموزشی پازلی (جورچینی) را زیاد می‌شنوید.

سؤال این است که آیا ما در مجلات رشد قرار است پشتیبان این اجزا باشیم یا همه این اجزا قرار است در بسته آموزشی قرار

گیرند؟ الان ما در وضعیت گذار قرار داریم و اگر قرار باشد این بسته آموزشی در سال دوم دبستان مدنظر قرار گیرد، پس برای ارزیابی هم دانش آموز باید از منظر همه اجزای این بسته مورد ارزیابی قرار گیرد. ما در حال حاضر رشد دانش آموز را برای یک میلیون و دویست هزار دانش آموز تولید می کنیم و معنایش این است که این مجله به دست بیش از نیمی از دانش آموزان نمی رسد. در چنین وضعیتی نمی توانیم ادعا کنیم که مجله رشد دانش آموز برای دانش آموزان سال های دوم و سوم ابتدایی و در بسته آموزشی آنان قرار دارد. فقط می توانیم بگوییم این بسته آموزشی، پشتیبان آموزش است. یعنی اگر ما مطمئن بودیم که مجلات ما به دست همه دانش آموزان می رسد و یا فیلم آموزشی ای که تولید می شود در اختیار همه دانش آموزان قرار می گیرد، نمی گفتیم «بسته آموزشی پشتیبان»؛ زیرا پشتیبانی به مفهوم کمک کردن است و ممکن است دانش آموز از این بسته استفاده هم نکند.

پس اینها جزء پازلی بسته آموزشی نیستند و فقط جزء پشتیبان بسته آموزشی محسوب می شوند و نمی توانند مبنای ارزشیابی باشند؛ چون ممکن است بخشی از این اجزا اساساً به دست فراگیرنده نرسیده یا او به اختیار خود آن را نخوانده باشد.

البته همان گونه که عرض کردم، این وضع گذار است و وضع مطلوب آن است که شمارگان مجلات دانش آموزی ما به تعداد دانش آموزان باشد.

به نظر من سیاست آموزش و پرورش می تواند این باشد که بگوید ما یک چشم انداز چندساله داریم تا ابتداء مثلاً ده جزء آن را مصوب و تثبیت کنیم و برای این اجزای ده گانه، تولید داشته باشیم تا به دست همه دانش آموزان برسد و اساس ارزشیابی هم قرار گیرد.

کاظم طلایی

ما قبل از اینکه تولید این پروژه و بسته آموزشی برای پیش دبستان را شروع کنیم، چند پروژه نزدیک به این را انجام داده بودیم. یکی پروژه های بود که در زمان مرحوم علاقه مندان انجام دادیم و تولید کتاب پایه اول دبستان و کتاب کارهای آن بود. بعد از آن هم پروژه تولید کتاب علوم دوم تا پنجم بود. بنابراین گروه هایی برای انجام کارهایی از این دست شکل گرفته بودند.

یک اتفاق خوب!

اتفاق خیلی خوبی که در این پروژه افتاد این بود که وقتی برنامه تولید این کتابها نوشته شد، کارهای فنی و هنری کتاب هم همراه با آن انجام شد. در این کارها متن و تصویر هماهنگی خوبی داشتند؛ یعنی نوعی تفاهم و همدلی بین نویسندگان و تصویرگران حاصل شده بود که نتیجه مطلوب را در تولید نهایی نشان می داد.

نکته مهم این است که وقتی تولید محتوا شروع شد، گروه ما هم به گروه تولید کتاب اضافه شدند. ما و آقای مجدفر در تربیت معلم هم دوره بوده ایم و من طعم شیرین معلمی را از استادانی مثل آقای جوادی آموخته ام.

چون ما مبنای مربوط به آموزش و پرورش را آموخته بودیم، در کار پروژه تولید کتابهای درسی هم با گروه های تولید محتوا هماهنگ بودیم و این زبان مشترک برای تولید کتابها تا حدودی وجود داشت. خوشبختانه این فرصت هم فراهم بود تا فکر کنیم و ببینیم از چه تکنیکی برای تصویرگری استفاده کنیم تا هماهنگی بیشتری با اهداف کتابها داشته باشد.

ابهام در مفهوم بسته آموزشی

البته ذهن ما نسبت به بسته آموزشی روشن نبود و نمی دانستیم منظور از آن چیست.

شاید بتوانیم بگوییم مهم ترین دستاورد ما آشنایی با بسته آموزشی بود. ما در آن زمان با مشکلات فراوان یک بسته آموزشی را از آمریکا تهیه کردیم. کتابخانه سازمان از این لحاظ چیزی نداشت. البته بسته های دیگری هم تهیه کردیم. دریافت این بسته ذهنیت خوب و مفیدی از بسته آموزشی به ما داد.

من همیشه از تصویرگرانی که به سازمان می آیند، سؤال می کنم که کدام یک از تصویرگران را می شناسند؟ معمولاً نام تصویرگرانی در ذهن می ماند که کارهای شاخصی انجام داده اند. به اعتقاد من تصویرگران ما باید قله های تصویرگری در ایران را بشناسند و برای رسیدن به آن قله ها آماده شوند تا بتوانند نقش خود را خوب ایفا کنند.

این الگو کمک کرد تا ما با استفاده از تجربیات دیگران و بومی کردن آن ها با بسیاری از راه های رفته در این زمینه آشنا شویم و بتوانیم در مدت زمانی کوتاه در این مسیر گام های بلندی برداریم.

دانشگاهی عملی برای مشق بصری!

این پروژه ها، دانشگاهی عملی بود و ما توانستیم مشق بصری کنیم و کارها را به سرانجام برسانیم. این بسته ها، دوازده جزء دارد. این اجزا درهم تنیده و همه با هم در ارتباط اند. در این پروژه آقای رحماندوست و خانم بازرگان در کنار ما بودند و یک مربی هم دائماً با ما در ارتباط بود. بخش های اصلی کار ما در سه شکل عکاسی، تصویرگری و گرافیک انجام شده است.

تصویرگری، بزک کردن و پر کردن صفحه نیست

برای تصویرگری باید فکر می کردیم از چه تکنیکی استفاده کنیم. ما با بهره گیری از نیروهای جوان و با انرژی (از جمله آقای یونس انصاری) از نگاره برای تصویرگری کتابها استفاده کردیم که با کمترین خط بیشترین تأثیر را بر مخاطب می گذارد. جالب است که اگر دقت کنیم، در یک نگاره سی تا چهل بچه را می بینیم که هیچ کدام از آن ها کار دیگری را انجام نمی دهد. هر کدام نقشی برای انتقال مفاهیم بر عهده دارد و هیچ کدام برای بزک کردن و پر کردن صفحه نیست.

هر کدام از این نگاره ها در واقع خود یک کارگاه است و در هر یک، فعالیتی برای دانش آموز و کودک طراحی شده است. در واقع، هر کدام از این نگاره ها خود یک کتاب است؛ زیرا برای هر کدام از آن ها ساعت ها وقت صرف شده است. در این نگاره ها هیچ عنصر بصری ای وجود ندارد که بدون هدف و صرفاً برای تزئین کار شده باشد.

ما در این بسته ها و کاربرگ ها تقریباً ده نگاره داریم که مربوط به علوم، بازی آزاد، ریاضی و همه فعالیت هایی است که باید برای دانش آموز و کودک طراحی شود و بتواند نقش یک بسته آموزشی را در پیش دبستان ایفا کند.

چون که با کودک سر و کارت فتاد...

در بخش عکاسی تلاش کردیم از عکاسانی استفاده کنیم که بتوانند از بچه ها نقش بگیرند و عکسی را تولید کنند که برای بچه ها باورپذیر باشد.

من از دوران تربیت معلم حرفی را از استادانم به خاطر داشتم. آن ها به ما می گفتند وقتی با بچه سرو کار دارید نمی توانید با ادعا به او ثابت کنید که دوستش دارید. باید رفتارتان واقعاً گویای این

ادعا باشد تا او باور کند و با شما همراه شود.

این حرف مبنای ما در عکاسی هم بود؛ یعنی ما باید عکسی را به آن‌ها نشان می‌دادیم که باور کنند شخص در آن عکس فعلیتی را با ذوق و شوق و علاقه انجام می‌دهد تا آن‌ها هم آن کار را با میل و رغبت انجام دهند.

جالب است بدانید که خانم بازرگان در لحظه لحظه تمام عکس‌هایی که گرفته‌ایم، حضور داشته‌اند و با اعتقاد هم حضور داشتند و ما هم نیازمند این حضور بودیم تا کار به درستی انجام شود.

برای کار عکاسی، یک مرکز پیش دبستانی را انتخاب کردیم که امکانات خوبی داشت و توانستیم ارتباط خوبی با بچه‌ها برقرار کنیم. این موضوع به کیفیت کارها خیلی کمک کرد. برای انجام دادن این کار در آنجا اردو زدیم و با بچه‌ها زندگی کردیم تا بتوانیم ارتباط لازم را با آن‌ها برقرار کنیم.

آقای سلیمانی هم با هنرمندی حس بازیگری را از بچه‌ها می‌گرفتند و این یکی از ویژگی‌های ایشان بود که برای انجام کار خیلی مفید و مؤثر بود.

در کنار ما خانم فتحی حضور داشتند که مربی کودک هستند و در گروه گرافیک با ما همکاری می‌کردند. در این میان، درک مفهوم گرافیک و تجربه مربیگری ایشان عامل مهمی در توفیق کارها بود.

لباس‌های پروژه هم با دقت و وسواس تهیه شده بودند. سعی می‌کردیم تنوع رنگ‌ها زیاد باشد. بچه‌ها را هم از تیپ‌های مختلف انتخاب کرده بودیم. در واقع، برای همه جزئیات کار ساعت‌ها فکر شده بود و این فکر تبدیل به برنامه و دستور کار شده بود. هیچ چیز اتفاقی نبود.

جزء سوم هم گرافیک بود. ما باید طوری کار می‌کردیم

که مجموعه‌ای یک دست و واحد تولید شود. برای این کار از سرکلیشه‌هایی استفاده کردیم که هر کدام از آن‌ها بار معنایی خاصی دارد و مفهومی خاص را القا می‌کند.

این سرکلیشه‌ها در کتاب‌های کار، کتاب‌های راهنما، جدول سخنگو، نگاره‌ها و بقیه اجزای بسته هم تکرار شده‌اند و در واقع مفهومی مشترک را در کل اجزای بسته القا می‌کنند.

تهیه این بسته دو سال به‌طور مستمر زمان برد و خانم بازرگان و بنده و همه اجزای گروه از اجرای آن لذت بردیم. البته نهایی نشد و سرنوشت آن همچنان مسکوت ماند، ولی نمونه و تجربه خوبی برای تولید بسته‌های آموزشی است که امیدوارم این تجربه در این کارها مورد استفاده قرار گیرد.

حمیدرضا کفاش

آقای مجدفر، مرا به دهه اول انقلاب و روزهای زیبای دوران جوانی برگرداندند. ایشان ساکن خوابگاه حمزه در ساختمان ۲۲ بهمن بودند. ساختمانی که شهید رجایی آن جمله معروف‌شان را در آنجا فرمودند و گفتند: «تربیت معلم، قلب آموزش و پرورش است و معلم، قلب تربیت معلم است». شکی نداریم که معلم با انگیزه، تربیت شده و خوب، همه این‌ها را محقق می‌کند و می‌تواند اهداف عالی آموزش و پرورش را برآورده کند.

نکته دوم اینکه در همان سال از جمعیت یک‌هزار و دویست نفره دانشجو - معلمان مرکز تربیت معلم «شهید خورشیدی» در مشهد، ششصد نفر در فتح خرمشهر حضور داشتند و ۳۲ نفر از این عزیزان به فیض عظمای شهادت نائل آمدند.

اگر ما و بقیه دوستان توفیق پیدا کرده‌ایم که دوران خدمت معلمی را در فضای آموزش و پرورش با خوبی به پایان ببریم، همه را وام‌دار ایثارگری و برکت حاصل خون آن عزیزان هستیم. نام و

یادشان را گرامی می‌داریم.

همان‌طور که اشاره شد، پیش و پس از انقلاب و در این سه، چهار دهه بسته آموزشی و اجزای آن در نظام آموزشی مطرح بوده است.

ما همیشه در نظام آموزشی، تولید لوحه‌های علوم، کتاب کار، کتاب معلم، مجلات آموزشی، فیلم و محصولات از این دست را در بخش خصوصی و دولتی داشته‌ایم.

مدارسی هم بوده‌اند که از ایام قدیم تا حال، از این وسایل به‌طور غیررسمی استفاده کرده‌اند.

اما نکته مهم این است که این موضوع وارد حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش شده است و باید ما ببینیم چگونه می‌تواند به بهترین گونه در جایگاه خودش قرار گیرد.

خوشبختانه این موضوع در سیاست‌های کلان نظام تعلیم و تربیت و در برنامه درسی ملی و اسناد تحولی نیز در بحث انسان کامل و تربیت جامع به‌طور کامل دیده شده است و ریشه دینی والهی دارد. ان شاء الله ما به سمت و سویی حرکت می‌کنیم که همان اتفاق انسان کامل صورت پذیرد.

بهره‌گیری از امکانات روز دنیا در تولید بسته آموزشی

ما در این مسیر باید از تمامی ابزار، وسایل و امکانات در دسترس و همه شئوناتی که بشر به آن‌ها دست پیدا کرده است، برای تحقق ایده انسان کامل استفاده کنیم. اگر چنین افقی مورد نظر باشد، به چیزهایی بیش از بسته آموزشی می‌اندیشیم.

این بسته فراتر از آن چیزی است که غربی‌ها در قامت ابزارها و امکانات مادی مطرح کرده‌اند. شاید همان‌طور که اشاره شد ما باید در مفاهیم، اصول، تربیت معلم و اندیشه‌ها به دنبال آن باشیم. فلسفه جامعی که ما به دنبال آن هستیم فراتر از مسائلی است

که غربی‌ها مطرح می‌کنند. در این فلسفه تربیت انسان کامل و جهت‌دار، آن هم به سوی رسیدن به حیات طیبه مورد نظر است. در چنین فلسفه جامعی باید بسته آموزشی به‌عنوان بخشی از برنامه تربیتی مورد نظر باشد. هیچ منعی هم وجود ندارد که ما بخواهیم از تمامی ابزار و امکانات استفاده ببریم و با بهره‌گیری از هر آنچه در دسترس ماست، مسیر رسیدن به آن هدف عالی را بهتر طی کنیم.

جایگاه طراحی آموزشی در نظام تعلیم و تربیت و دانشگاه‌ها

به نظر می‌رسد نخستین گام، تبدیل حوزه برنامه درسی به طراحی برنامه آموزشی جامع است. همه این مسائل باید در این طراحی مورد نظر قرار گیرد و مشخص شود که ما برای رسیدن به هر هدف، به چه چیزهایی نیاز داریم.

متأسفانه در دانشگاه‌های ما جایگاه طراحی آموزشی در نظام تعلیم و تربیت به دانشجویان علوم تربیتی آموزش داده نمی‌شود و در هدف‌گذاری و اجرا هم - در عرصه عمل و آموزش و پرورش - به‌خوبی به آن توجه نمی‌شود.

خوشبختانه این موضوع و طراحی آموزشی در آموزش و پرورش جهت‌گیری خوبی پیدا کرده و این نکته که ابتدا باید راه و مسیر روشنی را برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش پیدا کرد، به‌درستی مورد توجه قرار گرفته است.

در این طراحی همه ابعاد آموزشی مورد نظر است و این اتفاق دست‌کم به لحاظ فکری و فلسفی افتاده است که بدون طراحی جامع در نظام آموزشی راه به‌جایی نخواهیم برد.

نظام تعلیم و تربیت اسلامی نظام جامع و کاملی است و نگاه به آموزش و پرورش، نگاهی تربیتی و پرورشی است. در واقع نگاهی

کامل به مسئله تربیت دارد و از همه وجوه انسان را مورد توجه قرار داده و از همه اجزا برای رسیدن به هدف - که همان حیات طیبه و قرب الهی است - استفاده کرده است.

ارزش‌های ملی، مهم‌ترین مسئله

این نگاه را باید تمرین کنیم و آن را مبنای کارمان قرار دهیم و آن را در همه امور جاری کنیم. در هیچ جای جهان هم این گونه نیست که نظام تعلیم و تربیت خاص کشوری را بیاورند و در کشورشان ساری و جاری کنند و باید برای استفاده از آن، بومی‌سازی شود.

در همه کشورها ارزش‌های ملی حرف اول را می‌زند و تعصب ملی و عشق و علاقه به میهن را ایجاد می‌کند. این تعصب‌های ارزشی در همه کشورها وجود دارد. برای مثال، چینی‌ها نسبت به برخی ورزش‌ها و مسائل سنتی خود تعصب دارند و از آن نمی‌گذرند. ژاپنی‌ها هم روی سنن خود تعصب دارند. کشورهای آسیای میانه هم این گونه‌اند.

پس ضمن اینکه بهره گرفتن از تجارب دیگران هیچ معنی ندارد، بومی کردن این تجارب براساس مبانی ارزشی و میهنی و دینی، خود یک اصل است.

اتفاق بزرگی به نام انقلاب اسلامی را از یاد نبریم!

من در اول صحبت‌هایم اشاره کردم و تعمد دارم تأکید کنم که بالاخره در این کشور اتفاقی افتاده است و اگر «شهید خورشیدی»‌ها نبودند، من و آقای مجدفر نمی‌توانستیم وظایف‌مان را به خوبی انجام دهیم.

یادمان نرود حرف‌های آن زمان ما شعار نبوده است. ما با این اصول و ارزش‌ها زندگی می‌کنیم و آن‌ها باید سرلوحه همه کارهایمان قرار گیرد.

لذا به نظر می‌رسد که نگاه ناظر به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نگاهی جامع، کامل، پرورشی و تربیتی است. زمانی هم که صحبت از تولید محتواست باید رنگی از ارزش‌های دینی و مذهبی ما داشته باشد.

خوشبختانه با وجود آقای ناصری و دیگر دوستان متعهد، همین‌گونه هم هست و ما می‌توانیم تفاوت‌ها را نسبت به گذشته به‌خوبی احساس کنیم ولی مهم این است که ما این خط را گم نکنیم

کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» را دوستان منتشر کرده‌اند و من تقاضا می‌کنم که آموزش‌های لازم هم در این زمینه صورت گیرد و دوستان ضمن آشنایی بیشتر با این اسناد مهم و تأثیرگذار، بیشتر از پیش به آن‌ها توجه کنند.

ما هر کاری که انجام می‌دهیم باید ریشه در کارهای دینی و اعتقادی ما داشته باشد و سعی کنیم در این زمینه با همدیگر ارتباط و همسویی بیشتری هم داشته باشیم.

پایان دوران سلطنت کتاب درسی

نکته دیگر جایگاه بسته آموزشی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و جاری آموزش و پرورش است.

در عرصه سیاست‌گذاری، در سند برنامه درسی و در سند تحول بنیادین، بسته آموزشی جای کتاب درسی را گرفته است. دو سال پیش که دکتر محمدیان اعلام کردند دوران سلطنت کتاب درسی به پایان رسیده است، کسانی که کتاب درسی را هنوز هم سلطان و بلامنازع تصور می‌کردند، در مقابل این نظریه موضع گرفتند. ولی واقعیت این بوده و هست که دوره‌ای که کتاب تنها رسانه آموزشی بود، سال‌هاست به پایان رسیده است. البته کتاب همچنان به‌عنوان یک رسانه آموزشی مطرح خواهد بود و قابل

حذف شدن نیست ولی معنای این حرف، این نیست که کتاب درسی سلطه‌اش را بر همه اجزای آموزشی دیگر بگستراند.

خوشبختانه امروز بسته آموزشی با تأکید بر فلسفه اسلامی تعلیم و تربیت جای خود را در اسناد بالادستی باز کرده است و تأکید می‌شود که از این پس باید به جای کتاب درسی از واژه بسته آموزشی استفاده کنیم.

نکته دوم بسته آموزشی تعیین تکلیف این بسته از جنبه ساختاری آن است که خوشبختانه این اتفاق افتاده است.

نباید گذشته را یکسره نفی کنیم و همه تجارب قبلی را به هیچ انگاریم

ما نباید گذشته را یکسره نفی کنیم و همه تجارب قبلی را به هیچ انگاریم. مرحوم تختی وقتی جایزه مقام اول را می‌گرفت، آن را به گردن نفر دوم می‌انداخت و می‌گفت: اگر شما نبودید که مقام دوم را کسب کنی، من هم نمی‌توانستم به مقام اول دست پیدا کنم.

پس باید دقت داشته باشیم که ما هیچ‌گاه از تدبیر گذشتگان بی‌نیاز نیستیم و بهره‌گیری از تجارب آنان ضرر نمی‌کنیم. قطعاً گذشتگان ما هم آنچه را توانسته‌اند، انجام داده‌اند.

رد کردن همه آنچه در گذشته انجام شده است، هنر نیست. ما باید از تجارب مثبت و مؤثر گذشته بهره ببریم و اگر اشکالی هم وجود دارد، از آن درس بگیریم و آن را تکرار نکنیم.

وجود معاونت تألیف، تولید مواد و رسانه‌های آموزشی در سازمان، نشانگر این است که این ساختار شکل گرفته است و ریاست سازمان هم به این معاونت مأموریت داده که موضوع بسته آموزشی را به‌عنوان یک برنامه اصلی پیگیری و دنبال کند.

اصل کار تولید بسته آموزشی، در دست دفاتر و کارشناسان مربوطه است

این معاونت، کار تولید بسته آموزشی را در دفاتر سازمان مدیریت می‌کند و معنای وجود آن در سازمان به معنای ریز شدن در کار دفاتر نیست. اصل کار در دست دفاتر و کارشناسان مربوطه است و ساماندهی و مدیریت کار در حد طراحی آموزشی باید به صورت یک بسته تعریف شود.

برای انجام دادن این کار گروه‌های آموزشی باید متحول شوند. البته این موضوع در شوراهای برنامه‌ریزی طراحی شده است ولی اجرا نمی‌شود. در این گروه‌ها باید کارشناس تعلیم و تربیت، تکنولوژیست آموزشی، روان‌شناس و متخصص موضوعی باشد و پیش‌بینی هم شده است، ولی باید در عمل به آن توجه شود. شما هم در مجلات رشد همین پیش‌بینی‌ها را کرده‌اید و این شوراهای را دارید و یقیناً با مطرح شدن بحث بسته‌های آموزشی آن‌ها را تقویت خواهید کرد.

ما فراموش نمی‌کنیم که همان قدر که در یک مجله گرافیکست نقش دارد، یک ناظر مسائل دینی هم نقش دارد و هر دو باید نقش‌شان را به درستی انجام دهند تا خروجی کار مؤثر و مناسب باشد.

به آنچه داریم قانع نباشیم

نکته مهم دیگر این است که راضی بودن ما به نقشی که داریم ما را دچار رکود خواهد کرد. نقد دائم و مراقبت بر کارهای جاری به ما کمک خواهد کرد که کارمان توسعه پیدا کند و آموزش و پرورش به دلیل نقش حساسی که دارد، باید همواره به این امر مهم توجه کامل و تام داشته باشد.

پس نگاه سازمان به بسته آموزشی، نگاه تربیتی و پرورشی با

همه ابعاد ارزشی آن است، که در سند برنامه درسی ملی تعریف شده است.

در بحث‌های سیاست‌گذاری و طراحی آموزشی، بسته آموزشی جای کتاب درسی را گرفته است و البته کتاب هم به‌عنوان یک عنصر مؤثر در این بسته جا دارد.

در بحث ساختاری هم دفاتر مرتبط در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طوری تعریف شده‌اند تا اجزای مختلفی را برای بخشی از بسته آموزشی طراحی و تولید کنند. معاونت تألیف و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی هم مدیریت کلی موضوع را برعهده دارد تا تولید بسته آموزشی را راهبری، هدایت و نهایی کند. همان‌طور که آقای همی اشاره کردند و آقای مجدفر هم پیشنهاد دادند، در حال حاضر بنا بر مصوبه شورای عالی سازمان در حال حاضر استفاده از کتاب درسی، کتاب کار و کتاب راهنمای معلم الزامی است و بقیه اجزا فعلاً و تا رسیدن به گام‌های بعدی به‌صورت بسته پشتیبان و مکمل مطرح هستند.

نهادینه شدن بسته آموزشی نیاز به فرهنگ‌سازی دارد

ولی آیا نگاه در سازمان هم همین است؟ نه! به نظر دوستان در سازمان، اجزای بسته آموزشی مجموعاً بسته آموزشی را تشکیل می‌دهند. یک مسئله مهم دیگر این است که برای نهادینه شدن و جا افتادن موضوع، فقط بخشنامه و دستور اداری کافی نیست. این کار به فرهنگ‌سازی نیاز دارد. آرزوی ما این است که روزی آن بخش‌های مهم بسته آموزشی مانند فیلم، نرم‌افزار، مجلات و بخش‌های دیگری که روی آن‌ها تعصب داریم، در حلقه اول تولیدات سازمان قرار گیرند. البته نظر شخصی من این است که در حال حاضر در بخش سیاست‌گذاری و نظارت بر تولید الان هم

این کارها باید انجام بگیرد، ولی برای جا انداختن آن باید گام به گام حرکت کرده و در این زمینه فرهنگ‌سازی کنیم.

در حال حاضر شما با فرهنگ‌سازی و کارهای بزرگی که می‌کنید، مجلات خود را به دست بخش زیادی از مخاطبان خود می‌رسانید. در حقیقت هیچ الزام و اجباری در این کار نبوده و مخاطب مجله، خود آن را انتخاب کرده است.

تنها بخشنامه کار را جلو نمی‌برد؛ باید تعامل داشته باشیم

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از جمله دفاتری است که در زمینه فعالیت‌های استانی بسیار خوب عمل کرده است و دوستان سردبیر هم حضور فعالی در استان‌ها داشته‌اند و با گفت‌وگوی رودررو با مخاطبان، در زمینه‌های مختلف فرهنگ‌سازی کرده‌اند. عرضم این است که بخشنامه، شمارگان مجله دانش‌آموز را به یک میلیون و دویست هزار جلد نرسانده است. این تعاملات شما بوده که بستر را برای درخواست این تعداد مجله فراهم کرده و تشخیص مخاطب در مفید بودن مجله و کیفیت آن این زمینه را ایجاد کرده است. اساساً فرهنگ‌سازی در هر زمینه‌ای زمان بر است و نیاز به تحمل و شکیبایی دارد.

الزامات اجتماعی و فرهنگی کار را فراموش نکنیم

بحث دیگر، الزامات اجتماعی کار است. زمانی که بحث الزام پیش می‌آید، خانواده‌ها باید توان تهیه این بسته را داشته باشند. اکنون که در برخی استان‌های کشور، پول کتاب درسی را سیستم می‌پردازد، ما نمی‌توانیم به این مسئله بی‌توجه باشیم. من فقط به دو بعد فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی موضوع اشاره کردم و نیاز است که از ابعاد دیگری هم به آن پرداخته شود.

کار باید به مرور، تولید و ارائه شود، فرهنگ سازی آن صورت گیرد، جای خود را در نظام آموزش و پرورش باز کند و از حلقهٔ دوم وارد حلقهٔ اول شود.

دربارهٔ مجلات هم دو، سه نکته‌ای را عرض می‌کنم. ما نه در مجلات، که در هیچ زمینه‌ای نباید به وضع موجود راضی باشیم. اینکه بنشینیم و از خودمان تعریف کنیم، راه‌گشا نخواهد بود. این موضوع در جامعهٔ ما مرسوم شده است ولی قطعاً کارساز نخواهد بود.

غافل نشویم، در نقد است که پیشرفت می‌کنیم!

دوستان سردبیر ما خودشان باید در هر بخش همکارانی خارج از سیستم داشته باشند که نقاد بی‌رحم باشند؛ زیرا ما با بهره‌گیری از نقد است که پیشرفت می‌کنیم.

اگر چنین اتفاقی بیفتد و مجلات به درستی نقد شوند، اولاً سود آن به خود دست اندرکاران مجلات می‌رسد و می‌توانند کارشان را توسعه بخشند و در مرحلهٔ دوم، زمینهٔ پیشرفت‌های بیشتر فراهم خواهد شد.

در دفاتر مختلف کار همدیگر را تکمیل کنیم

نکتهٔ بعدی، هماهنگی و همپوشانی با برنامهٔ درسی است. ما هر کدام یک عنصر از برنامهٔ درسی هستیم و باید همدیگر را تکمیل کنیم. در هر صورت، مجله برای معلم و دانش‌آموز است و باید مسئلهٔ او را پاسخ دهد و حل کند تا مورد پذیرش قرار گیرد. نکتهٔ آخر که باز هم بر آن تأکید می‌کنم، همسویی همهٔ کارها با ارزش‌ها و مبانی دینی و ارزشی است که باید مورد توجه باشد. درست است که برنامه‌های ارائه شده در قالب‌های دینی نباید غلیظ و غلو شده باشند ولی نباید هم این استدلال، بهانه‌ای برای حذف

این برنامه‌ها باشد. رعایت ظرافت و استفاده از هنر در این خصوص بسیار مهم و مورد تأکید و توصیهٔ همه بزرگان و مسئولان است و باید مورد توجه قرار گیرد. اشتباه نکنیم؛ هر چیز قدیمی و سنتی الزاماً بد و ناپسند نیست و چه بسا، بسیاری از این امور پسندیده و لازم باشد و ما از آن‌ها غافل شده باشیم، که در این صورت باید در این زمینه تجدید نظر کنیم.

عطر و بوی اسلام و شریعت پیامبر باید همواره از مجلات رشد قابل استشمام باشد

یادمان باشد پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی نمی‌توانیم بگوییم ما مجلهٔ مذهبی نیستیم. مجلات ما در یک فضای دینی منتشر می‌شوند و باید در آن‌ها عطر و بوی اسلام و شریعت پیامبر همواره قابل استشمام باشد و فضای جامعه را عطرآگین کند.

ما نمی‌گوییم شما ۳۶۵ مناسب است را در مجلات بیاورید، ولی نپرداختن حتی یک مجله هم به دههٔ مبارک فجر، جای تأمل و سؤال دارد. همه چیز ما مدیون انقلاب و دههٔ فجر است و نمی‌توانیم در مجله‌ای که متعلق به نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی است، نسبت به آن‌ها بی‌توجه باشیم.

من در هر جمع دیگری از خط به خط مجلات رشد دفاع می‌کنم و اگر این مسائل را مطرح می‌کنیم، برای این است که از وضعیت خوبی که داریم، به وضعیت و شرایط بهتری قدم بگذاریم.

**دکتر محمود امانی طهرانی، دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی:**

از کم‌فروش‌ترین نظام‌های آموزشی دنیا هستیم

اشاره

در اولین روز از پانزدهمین دوره همایش سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و پس از مراسم اختتامیه این همایش، دکتر محمود امانی طهرانی در خصوص «نقش مجلات رشد در تحول بنیادین در آموزش و پرورش» سخنرانی کرد. ایشان پس از مروری بر اسناد بالادستی تحول در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی به عنوان جزء اصلی تحول در آموزش و پرورش که مسئولیت آن بر عهده سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است، به بررسی و بازگویی نقش و جایگاه مجلات رشد در طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخت و دیدگاه‌های خود را که منتج از بررسی‌های میدانی و پژوهشی بود، بیان کرد. وی تأکید کرد که نباید طرح تحول بنیادین در آموزش و پرورش از یک تحول همه جانبه و ریشه‌ای به تغییر نظام آموزشی به نظام ۳-۳-۶ تنزل پیدا کند؛ همان چیزی که متأسفانه در نگاه عمومی مردم به طرح وجود دارد و به عنوان یک آسیب جدی این طرح ارزشمند را تهدید می‌کند. مشروح سخنان دکتر امانی در ادامه آمده است.

بسم ... الرحمن الرحیم

خدمت تمامی همکاران عزیز عرض سلام و احترام دارم و از خداوند بزرگ کمک می‌طلبم تا این دقایقی را که در کنار هم هستیم، از دقایق پربار عمر ما قرار دهد و خیر و برکتی از این زمان را به بچه‌های ایران که همگی ما به عشق آن‌ها این محیط را برای کار و خدمت انتخاب کرده‌ایم، عنایت فرماید. قبل از آنکه وارد بحث نقش مجلات رشد در تحول بنیادین آموزش و پرورش بشوم، اجازه می‌خواهم که ابتدا حس و نگاه خود را نسبت به مجلات و تولیدات دفتر انتشارات کمک آموزشی بیان کنم.

هر آدم منصف و بدون غرضی انتظار انتشار مجلات رشد را داشت!

حدود ۳۴ سال پیش حضرت امام (ره) با پیروزی انقلاب اسلامی، این کشور را تحویل ملت - که ما هم بخشی از آن بودیم - دادند و از ما خواستند تا آن را آن گونه که شایسته یک

باید آن را قدر بدانیم و همگی در رشد و بالندگی آن کوشا باشیم. همچنین باید اقدامات و تغییراتی را که این بنای مستحکم و قابل دفاع را از کارکرد و وضعیت کنونی به وضعیت و شرایطی مؤثرتر منتقل می‌کند، مورد توجه قرار دهیم و در توسعه آن بکوشیم.

اتفاقات مهم و مؤثری در عرصه آموزش و پرورش افتاده است

چهار، پنج سال اخیر برای آموزش و پرورش، سال‌های حساس و مهمی بوده است و شاید ما به دلیل اینکه در کوران حادثه بوده‌ایم، هنوز اهمیت آن را درک نکرده باشیم.

کمی که فاصله بگیریم و دقت کنیم، خواهیم دید که چه اتفاقات مهم و مؤثری در این چند سال در عرصه آموزش و پرورش افتاده است.

این دو سه اتفاق مهم، دو سه کار بنیادی، پژوهش بنیاد و اساسی است که به تولید دو سه سند منجر شده است.

برخی از این سندها، مانند سند تحول بنیادین، در ۸ فصل و در ۱۱۴ راهکار منتشر هم شده و در این سند مشخص و معین شده است که آموزش و پرورش برای رسیدن به اهداف عالی خود به کدامین سو باید برود.

سند دیگری که در حال تصویب است، سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران است. بخش‌های مختلف این سند هم در حال تصویب‌اند و امهات این سند بعید است که در زمان تصویب نهایی تغییر کند.

این دو کار به علاوه یک کار بنیادین دیگر (فلسفه تعلیم و تربیت نظام جمهوری اسلامی ایران) در واقع زیر ساخت این دو کار بوده است. این فلسفه هم به کوشش علما، دانشمندان و

کشور اسلامی است، اداره کنیم. در برخی جاها باید وضع موجود را، حفظ می‌کردیم. یعنی اگر بنای خوبی گذاشته شده بود و با اهداف انقلاب مغایر نبود، منطقی و درست این بود که با تغییراتی که می‌توانست هدف‌های انقلابی را پوشش دهد، آن وضع را حفظ کنیم و توسعه دهیم.

مجلات رشد از این نوع بود؛ یعنی کاری بود که هر آدم منصف و بدون غرضی، انتظار داشت این بنا و زمینه خدمت به معلمان و دانش‌آموزان توسعه یابد و خوشبختانه با هوشمندی و مدیریتی که صورت گرفت، این مجلات هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی بسیار خوب و مؤثر توسعه یافتند. توسعه این مجلات نسبت به مجلات پیک فوق العاده چشمگیر و مؤثر بوده است.

امروز هم هر کدام از این مجلات که چاپ و منتشر می‌شود، ما حس و نگاهی را که به یک نوزاد داریم، به آن‌ها هم داریم. نوزادی که در خانواده بزرگ آموزش و پرورش چشم همه به اوست و همه انتظار موفقیت و کار آمدی بیشتر او را دارند.

به عقیده من، وجود مجلات رشد یک نعمت الهی است

همین دیروز مجله شماره ۸ رشد مدرسه فردا را ورق می‌زدم و احساس می‌کردم در صفحه صفحه این مجله، مطالب خوب و آموختنی برای مخاطبان در خصوص نیازهای روز آنان وجود دارد و مجله با کمال هنرمندی و دقت به همه هنرها در جهت جلب نظر مخاطب آراسته شده است. نکته‌های ناب، آموزنده، شیرین و حرفه‌ای آن حاکی از توانمندی عزیزان در تشخیص و تأمین نیازهای مخاطبان و مشتریان این مجله است. به عقیده من وجود مجلات رشد یک نعمت الهی است که

صاحب نظران در چند سال متوالی تولید و پس از کسب نظر و اجماع بزرگان حوزه دین و تعلیم و تربیت مبنای کار تعلیم و تربیت و تولید سندهای بعدی، از جمله سند برنامه ملی درسی و سند تحول بنیادین قرار گرفت.

حرف اساسی اسناد تحولی آموزش و پرورش چیست؟

امروز با هم مروری بر این سندهای تحول محور خواهیم داشت تا ببینیم حرف اساسی این اسناد چیست و نقش مجلات رشد در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و انتظارات تولیدکنندگان این سند از ما در این دفتر چیست.

صحبت در این خصوص را با حدیثی شریف از حضرت علی، امیرالمؤمنین (ع) آغاز می‌کنم. «یا کمیل، ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه»: ای کمیل هیچ حرکتی از تو سر نمی‌زند؛ مگر آنکه در انجام آن حرکت و کار تو نیازمند شناخت و معرفت هستی.

پس شناخت مبنای کار است. ما در این زمینه در آموزه‌های اسلامی، احادیث مختلفی در زمینه شناخت و اهمیت آن در تمامی امور داریم.

در همین زمینه حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که مسیری را طی می‌کند و آن مسیر را با بصیرت و شناخت نمی‌پیماید، هر چه با سرعت بیشتری حرکت کند، چه بسا که به دلیل بی‌بصیرتی و عدم شناخت درست مسیر، از هدفی که به دنبال رسیدن به آن است، دورتر شود.»

به هر حال، ما به کسب آگاهی عمیق در خصوص مبنای تحول بنیادین آموزش و پرورش نیازمندیم و باید که با کسب این آگاهی بتوانیم اموری را که در حوزه مأموریت‌های ما تعریف شده

است، به خوبی به انجام برسانیم و بتوانیم اقدامات خود را با اتقان بیشتر، هدفمندی زیادتر و جهت‌گیری صحیح‌تری به پیش ببریم. پس ما ابتدا بر چیستی تحول متمرکز خواهیم شد. درباره چیستی تحول، مانند هر کار دیگری با دو نوع تعریف روبه‌رو هستیم. یکی از تعاریف در مورد چارچوب‌های مفهومی و دیگری در باره چارچوب‌های عملیاتی است.

چارچوب‌های مفهومی، شامل آن چیزهایی است که بنیادها را می‌سازد و تعاریف‌های عملیاتی آن چیزهایی است که اقدام‌ها را مشخص می‌کند.

هر دوی این سندها، مخلوطی از این دو نوع تعاریف و چارچوب‌هاست که البته من این‌ها را به تناسب موضوع در کنار هم آورده‌ام و تفکیکی برای آن‌ها قائل نشده‌ام.

در ابتدا کلمات و واژه‌های کلیدی را با هم مرور می‌کنیم. مهم است که در این اسناد دقیق شویم و بدانیم که اساساً تربیت به چه معنا به کار رفته است.

به تربیت در این اسناد مفهومی چه نگاهی شده است؟

تربیت عبارت است از جریان زمینه ساز هدایت افراد جامعه به سوی تکوین و تعالی پیوسته هدایت خویش، برای شکوفایی فطرت و رشد همه جانبه و متعادل استعدادهای طبیعی در مسیر قرب الهی و سیر متربیان با کسب شایستگی لازم با درک شرایط خود و برنامه بهبود مداوم آن براساس انتخاب و التزام آگاهانه نظام معیار که موجب تحقق حیات طیبه برای متربی شود.

تربیت یعنی شکوفایی و رشد همه‌جانبه انسان!

نگاهی به این تعریف نشانگر آن است که تعریف مذکور آمیخته و عصاره‌ای از تمامی آموزه‌های اسلامی و دینی ماست.

یعنی، بحث اختیار که یکی از افتخارات اعتقادی شیعه است، در آن وجود دارد. بحث تفاوت‌های فردی و سطوح حیات طیبه عنوان شده و بحث شکوفایی و رشد همه جانبه مورد توجه قرار گرفته است. این تعریف حکایت از این دارد که تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم، زمینه‌سازی است و اصل، وجود و ماهیت خود انسان است.

انا هدیناه السبیل، اما شاکرا و اما کفورا؛ ما انسان را هدایت می‌کنیم، اما این خود انسان است که تصمیم می‌گیرد و انتخاب می‌کند.

این تعریف، تعریفی است که از فلسفه تعلیم و تربیت گرفته شده است.

اما بر اساس آن یک عبارت بندی جدیدی هم در برنامه درسی ملی صورت گرفته است.

حال باید دید مأموریت ما برای تحقق آن تربیت چیست؟

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و متولی فرایند تعلیم و تربیت رسمی در همه ساحت‌هاست. الهام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی نظام معیار اسلامی است که با تأکید بر شایستگی‌های مورد نیاز تدوین شده است.

زمینه دسترسی دانش‌آموزان در سنین مختلف را طی ۱۲ پایه تحصیلی (۴ دوره ۳ ساله) به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و جهانی به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه، الزامی در ساختاری اثربخش و کارآمد فراهم کند.

انجام دادن این مهم هم به عنوان زیرساخت تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مورد توجه بوده است.

چشم انداز تعلیم و تربیت اسلامی کجاست؟

اما چشم اندازی که ترسیم شده است، چیست؟ کجا قرار است برویم؟

نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و دوام‌بخش آن‌هاست.

این نظام بر شکوفایی فطرت، شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی، ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت محور و مشارکت جو، برخوردار از مربیان و معلمان مؤمن و آراسته به فضایل اخلاق اسلامی و عامل به عمل صالح تعالی جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، متعهد، امین، بصیر و حق شناس تأکید دارد. این در واقع چشم انداز نظام آموزشی ما در افق ۱۴۰۴ است.

چشم انداز مدرسه در این افق نظام آموزشی چیست؟

در سند تحول، برای مدرسه مشخصات و ویژگی‌هایی ذکر شده است که کلیات آن نشان‌دهنده یک مدرسه پویا و زنده است. این مدرسه جو مناسبی دارد و برای دانش‌آموزان بسیار خوشایند است. در نگاه به مدرسه در این سند آن را در جایگاهی رفیع و مرکزی برای تربیت، بالیدن و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان می‌بینیم. این مدرسه از فناوری‌های روز برخوردار است؛ از همه امکانات روز برای انجام مأموریت‌هایش استفاده می‌کند و نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و ارتقای فرزندان این کشور است. مربیان و معلمان مدرسه از توان بالایی برای انجام وظایف خود برخوردارند و از همه امکانات موجود برای فراهم کردن محیطی خوشایند برای دانش‌آموزان استفاده می‌کنند.

این چشم انداز بسیار امید بخش است و تحقق آن ان شاءالله آینده‌ای روشن را برای این کشور رقم خواهد زد.

چشم انداز ۱۴۰۴ این است؛ بعد از آن چه خواهد بود؟

ما اینجا جمع شده‌ایم تا ببینیم برای رسیدن مدرسه به آن جایگاه چه اقداماتی باید انجام دهیم، سهم ما در بروز این تحول چیست و این مدرسه به دنبال چه هدف‌هایی باید باشد. از بین هدف‌ها من به چهار تا از آن‌ها اشاره می‌کنم.

هدف کلان اول، تربیت انسانی با هدف‌های متعالی مورد نظر است. تربیت انسان مؤمن، معتقد، موحد و آراسته به همه صفات نیکویی که قبلاً از آن‌ها نام بردیم.

هدف دوم در سیاست‌های کلان این سند، بهسازی و تحول در برنامه ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیر ساخت‌های مربوطه است.

سومین هدف، ارتقاء اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی است.

هدف چهارم کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی است. در تعریف این هدف ما از تعاریف مفهومی فاصله گرفته و به تعاریف عملیاتی نزدیک شده‌ایم.

حال باید دید چگونه می‌خواهیم از این هدف‌های کلان به هدف‌های جزئی‌تر و عملیاتی‌تر برسیم.

هدف، پرورش تربیت یافتگانی است که به لحاظ اعتقادی و دینی، از دانش‌های پایه و عمومی، توان تفکر و کشف پدیده‌ها و رویدادها و درک عمیق از مسائل سیاسی اجتماعی و احترام به قانون و اندیشه‌ورزی و مسئولانه عمل کردن برخوردار باشند.

ضمناً درکی عمیق از مفاهیم اقتصادی داشته باشند و به مفاهیم کار، تلاش و سخت‌کوشی، قناعت و مصرف بهینه پای‌بند باشند. همچنین کسب مهارت‌های لازم برای زندگی شخصی و زندگی در اجتماع مورد نظر بوده است؛ یعنی، هر فردی باید حداقل یکی از آداب و مهارت‌های زندگی را به خوبی فرا گرفته باشد تا در صورت جدا از سیستم رسمی نظام تعلیم و تربیت، بتواند با استفاده از آن مهارت با کسب روزی حلال به خود و خانواده و جامعه‌اش خدمت کند.

زمینه بعدی، ارتقای بهداشت فردی، خانوادگی و گروهی و روانی و اجتماعی و توجه به محیط‌زیست است.

آخرین این اهداف، قدر شناسی و درک زیبایی شناسی و قدرت درک زیبایی‌های طبیعت و انسان است؛ همان چیزی که در غرب از آن به چشم آموخته تعبیر می‌شود، تا بداند و درک کند که چگونه ببیند و چگونه بشنود و مفاهیم هنری و خیال‌انگیز را درک و آموخته‌های لازم را از آن دریافت کند.

من تلاش کردم این حرف‌های کلان را از پراکندگی به یک تقسیم بندی منظم تر برسانم تا در این وقت محدود، بهتر بتوانیم با آن ارتباط برقرار کنیم. دیدم که کل این حرکت‌های تحولی، در کیفیت بخشی و بسط دادن در هشت مقوله قابل تقسیم بندی و ارائه است.

یکی عوامل مادی و زیر بنایی است. مثل اینکه مدرسه چگونه باشد. دوم بحث‌های راجع به محیط، سوم فضا و کارکنان مدرسه، چهارم برنامه‌های درسی و مواد آموزشی، پنجم فرایند یاد دهی - یادگیری، ششم زمان آموزش، هفتم ارزشیابی به دو معنا و هشتم مشارکت و همیاری جامعه است.

گزیده عوامل مطرح در اسناد تحولی

در هر کدام از این موضوعات گزیده‌ای از آنچه را در اسناد تحولی آمده است، به اختصار مورد توجه قرار داده‌ایم.

اول به سراغ عوامل مادی و زیر بنایی می‌رویم. مدرسه باید برخوردار از فضایی مناسب، خوشایند، دارای فضاهای آموزشی و پرورشی مانند کلاس درس، کارگاه، آزمایشگاه، نمازخانه، مکان‌های ورزشی و پژوهشی در حد اعتدال و با تأمین هزینه‌های لازم برای ارتقای کیفیت آموزشی باشد.

دوم، تأمین عوامل مادی و زیربنایی دوره پیش دبستان، به ویژه در مناطق محروم و غیر برخوردار با مشارکت مردم و غیردولتی با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی؛

سوم، تأمین پوشش لازم برای برخورداری از کیفیت مناسب؛ چهارم، طراحی فضاهای تربیتی، متناسب با اقتضات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی و تحولات جمعیتی با استفاده از فناوری‌های نوین تجهیزات آموزشی و رعایت الگوی معماری اسلامی- ایرانی با توجه به نقش محوری نمازخانه در طراحی مدرسه.

پنجم، متناسب سازی فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی بر اساس نیازها و تفاوت‌های جنسیتی دانش‌آموزان با تأکید بر فراهم آوردن الزامات فرهنگ اسلامی و ایرانی و به وجود آوردن فضای محرمیت برای مدارس دخترانه (به گونه‌ای که در مدارس دخترانه دانش‌آموزان بتوانند بدون داشتن دغدغه حجاب آزادانه فعالیت و تحصیل کنند)؛

و ششم، اهتمام به طراحی، ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه‌ها. این مطالب را از اسناد مختلف ذکر کرده‌ام و در واقع مدرسه‌ای با این مشخصات مطلوب ماست.

اسناد تحول درباره محیط یادگیری چه می‌گویند؟

یکی از موضوعاتی که هم در سند تحول بنیادین و هم در برنامه درسی ملی بسیار مورد تأکید است، تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری است. تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری یعنی یادگیری فقط در کلاس درس انجام نمی‌گیرد. یکی از تهدیدهایی هم که در همین زمینه مطرح می‌شود، تقلیل مدرسه به کلاس درس است.

دوم، ایجاد، توسعه و غنی‌سازی واحد اطلاعات و منابع آموزش و پرورش در سطح مدرسه، از قبیل کتابخانه، کارگاه، آزمایشگاه، و شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات است.

سوم، ایجاد موزه و نمایشگاه علم و فناوری در هر یک از شهرستان‌ها تا پایان برنامه ششم توسعه است.

چهارم، ایجاد شبکه‌ای از محیط‌های یادگیری مثل پژوهش سراها، اردوگاه‌ها، خانه‌های فرهنگ و کتابخانه‌های عمومی است. اما در همین باب محیط‌های یادگیری، باید بینیم اصولاً در باب محیط‌های یادگیری چه تلقی‌هایی وجود دارد؟

محیط یادگیری، محیطی منعطف، غنی و سازگار با نیازهاست. محیط یادگیری باید به گونه‌ای باشد که مربیان بتوانند، به سهولت از امکانات و تجهیزات استفاده کنند.

محیط یادگیری باید خانه دوم مربیان باشد؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های یاددهی - یادگیری زمینه تحقق اهداف درسی را در آن فراهم کند و در واقع مدرسه زندگی را شکلی عینی ببخشند. البته مدرسه زندگی در این اسناد تعریفی خاص دارد و ساماندهی و مدیریت می‌شود.

محیط یادگیری به گونه‌ای انتخاب و سازماندهی می‌شود که مربی بتواند با توجه به توانایی‌های خود و در زمان مناسب به مجموعه‌ای از هدف‌های قصد شده تا سرحد کمال دست یابد.

محیط یادگیری باید برای متریبان جذاب و دوست داشتنی، وجد آور و برانگیزاننده باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های محیط یادگیری استفاده از فناوری‌های هوشمندانه و نوین و ایجاد فرصت‌های تربیتی در محیط‌های آموزشی و تربیتی و توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی ارتباطات و اطلاعات در این محیط‌هاست.

پس از بحث محیط‌های یادگیری، به این موضوع می‌پردازیم که اسناد تحولی در باب معلمان و کارکنان مدرسه چه نظری دارند؟

معلم و مربی نقش راهنما و راهبر یادگیری را بر عهده دارند و متریبان را با منابع آموزشی آشنا می‌کنند. معلم و مربی برنامه ریز درسی و آموزشی است و فرصت‌های مناسب یادگیری را برای متریبان فراهم می‌آورد و به‌عنوان پژوهشگر عمل می‌کند.

در اسناد تحول چه تلقی و تصویری از مدیر مدرسه وجود دارد؟

به مدیر در این نگاه اختیاراتی داده شده است. او را مسئول برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی می‌داند و در حالت بهینه تعداد کلاس‌های تحت پوشش او را کاهش داده است تا فقط تدارکات‌چی نباشد و بتواند نقش واقعی خود را به خوبی ایفا کند. معلم و مدیر تسهیل‌کننده موقعیت‌های یادگیری هستند.

بحث دیگر در این اسناد در مورد کارکنان و معلمان، ارتقای سطح منزلت شغلی و اجتماعی آنان است.

استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای و عمومی معلمان و کارکنان و نظام رتبه بندی آنان از دیگر موارد مطرح شده در این اسناد است.

در حال حاضر بیشتر معلمانی که وارد این سیستم می‌شوند،

معلم هم خارج می‌شوند و تدارک خاصی برای ارتقای آنان دیده نشده است. در حالی که در بسیاری از مشاغل فرد براساس تجربه، سال‌های خدمت و تلاش خود امکان ارتقا به مدارج عالی‌تر را دارد. دوم، طراحی نظام ارتقای حرفه‌ای معلمان در آموزش و پرورش است که چیزی فراتر از آموزش‌های مرسوم بدو خدمت و ضمن خدمت است. این تربیت براساس فراهم آوردن فرصت‌هایی برای یادگیری معلمان در مدرسه و کلاس درس خواهد بود.

موضوع سوم راجع به معلم، ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت مؤثر در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه و به‌ویژه سازوکارهایی است که موجب تقویت هویت فردی معلمان شود.

چهارم، توسعه زمینه پژوهشگری معلمان و افزایش سطح توانمندی‌های حرفه‌ای آنان به شکل فردی و گروهی است.

پنجم نیز رصد کردن تحولات آموزش و پرورش و تربیت معلم و تحولات جهانی در زمینه علوم تربیتی و روان‌شناسی است.

چهارمین بخش، به برنامه‌های درسی و آموزشی مربوط می‌شود.

در این باب، به طور طبیعی بیش از سایر بخش‌ها در اسناد بالا دستی، سخن گفته شده است.

در سازماندهی محتوا، اصولی حاکم است و در آموزش و پرورش هم مورد توجه قرار دارد.

برای مثال، اصل اول درونی‌سازی برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. یعنی اگر این اصول درونی نشوند، محکوم به از بین رفتن هستند. یا مثلاً اهمیت، اعتبار، سودمندی و قابلیت یادگیری

در ارتباط با مخاطبان، نیازها و ویژگی‌های آنان بسیار مهم است.

مسئله دیگر این است که برای موفقیت در برنامه‌های آموزشی و تربیتی به چه برنامه‌های دیگری باید توجه کنیم.

در برنامه درسی ملی و در سند تحول، حوزه‌های مربوطه

این گونه ذکر شده‌اند. در سند تحول به ۱۲ حوزه اشاره شده است: تربیت اخلاقی، دینی؛ تربیت علمی و فناورانه؛ تربیت زیستی و بدنی؛ تربیت اجتماعی، سیاسی؛ تربیت اقتصادی و حرفه‌ای. در حوزه برنامه درسی ملی این عناوین آمده است: تفکر و حکمت؛ قرآن و معارف اسلامی؛ زبان و ادبیات فارسی؛ فرهنگ و هنر؛ کار و فناوری؛ سلامت و تربیت بدنی؛ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛ ریاضیات و علوم تجربی و زبان‌های خارجی. برای اولین بار است که شما ملاحظه می‌کنید به حوزه‌های جدیدی مانند تفکر و حکمت و آداب و مهارت‌های زندگی توجه شده است.

اصول حاکم بر مواد و رسانه‌های مؤثر در یادگیری چیست؟

در این خصوص به اصولی مانند اصل یادگیری فعال، و اصل بهره‌گیری از بسته‌های آموزشی توجه کامل شده است. پنج‌مین محور تحول، فرایند یاددهی - یادگیری است. راهبردهای یاددهی - یادگیری باید زمینه را برای خودراهبری در یادگیری و آموزش خلاق، یادگیری همیارانه و ارزشیابی فردی و گروهی فراهم سازند. راهبردهای یاددهی - یادگیری باید تعادل و توازن لازم را بین، رویکرد فرایند مدار و نتیجه مدار برقرار سازند. مسئولیت یادگیری یادگیرنده تنها متوجه مربی نیست، بلکه خانواده و همه ارکان آموزش‌دهنده در جامعه مانند رسانه‌ها در این باره مسئولیت دارند؛ یعنی، یادگیری باید در یک فضای فعال و با مشارکتی همه جانبه انجام شود تا یادگیرنده به‌طور عمیق و مؤثر آنچه را باید، فرا بگیرد. محور ششم، محور زمان یادگیری است. من معتقدم ما یکی از

کم‌فروش‌ترین نظام‌های آموزشی دنیا هستیم. بچه‌های ما زمان خیلی کمی به مدرسه می‌روند و خیلی کم در مدرسه به سر می‌برند و لذا مدرسه نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند.

در سال گذشته روزهای مدرسه رفتن بچه‌های ما ۱۴۷ روز بود. این مقدار برای دانش‌آموز ما خیلی کم است. نتیجه این کم‌فروشی وضعیت فعلی آموزش و پرورش ماست. البته به این نوع از سیستم، کم‌فروشی طلبکارانه هم می‌گویند؛ چون معلمان ما در چنین شرایطی مدعی هستند که خیلی کار می‌کنند. البته درست است که حقوق معلمان کافی نیست و به لحاظ معیشتی مشکل دارند ولی در هر حال بچه‌ها از چنین وضعیتی لطمه می‌خورند.

برخی از کشورها به دلیل فقر فراوان و فراگیر این کار را می‌کنند. مثلاً در بنگلادش بچه‌ها روزی سه ساعت و نیم به مدرسه می‌روند؛ چون مدرسه‌ها چند شیفته هستند و برای کلاس درس مشکل دارند؛ ولی در کشورهای برخوردار از ساعت ۸ صبح تا ۲/۵ بعد از ظهر در مدرسه هستند و ۲ ساعت از این زمان زنگ رشد بچه‌هاست.

یکی از نکته‌های مثبت این اسناد تحولی این است که به زمان آموزش اهمیت زیادی داده شده است.

طول مدت آموزش در دوره اول متوسطه ۲۰۰ روز و در دوره دوم متوسطه ۲۲۰ روز در سال است.

البته در کشورهای مثل ژاپن برنامه درسی دانش‌آموز را ۱۲ ماهه طراحی و اجرا می‌کنند و در وسط‌های سال فرصت‌هایی برای تعطیلات کوتاه وجود دارد.

در این اسناد، زمان تربیت به دو زمان تربیت رسمی و غیر رسمی تقسیم شده و تربیت رسمی نیز شامل دو قسمت کلاسی و غیر کلاسی است.

موضوع هفتم بحث ارزشیابی است. در اسناد تحول آمده است

که استقرار کامل نظام ارزشیابی و ارزشیابی مداوم و مستمر در تمامی سطوح در نظام تعلیم و تربیت رسمی مورد نظر است. در این اسناد هم ارزشیابی کمی و هم ارزشیابی کیفی مورد توجه قرار گرفته است.

جایگاه مشارکت همگانی در اسناد تحول

آخرین موضوعی که در این اسناد تحول مورد اعتنا قرار گرفته، مشارکت همگانی است. این موضوع به نحوی مطرح شده است که همه عواملی که در حوزه تعلیم و تربیت دخیل و مؤثرند، به خوبی دیده شوند. زمینه‌های استفاده از مشارکت همه کسانی که توان تولید را دارند، در موضوع بسته‌های آموزشی دیده شده است. این موضوع که دیوارهای مدرسه‌ها برداشته شود و بچه‌ها بتوانند از همه امکاناتی که وجود دارد بهره بگیرند نیز مورد توجه قرار گرفته است.

آنچه گفتیم همه حرف‌های قشنگی هستند که اگر بر روی کاغذ بمانند و در عمل به کار گرفته نشوند، هیچ تأثیری نخواهند داشت و آب هم از آب تکان نخواهد خورد.

حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «اگر پس از آنکه حق بر شما آشکار شد، بدان عمل نکردید، وارد وادی سرگردانی خواهید شد که سرگردانی شما در آن چندین برابر خواهد بود.»

با کارهایی که انجام شده است، در حقیقت نقشه راه برای همگی روشن شده و حالا زمان شروع و اقدام و عمل است. ما با شنیدن مختصاتی که از مدارس، معلمان، و نظام تعلیم و تربیت ذکر شد، نوعی ناباوری را در درون خود احساس می‌کنیم. این حس ناباوری ناشی از چیست؟

باید با آسیب‌شناسی این تحول آن نقاط را پیدا کنیم و ببینیم چه اشکالات، موانع و آسیب‌هایی در گذشته خود یا در مسیر راه

داریم که این موقعیت‌های جدید در باورمان نمی‌گنجد. به نظر من این اشکالات ناشی از مسائلی است که بدان اشاره خواهیم کرد.

آسیب‌شناسی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

یکی تقلیل سطح تحول بنیادین از اجرای جامع به اجرای حداقلی و میرا و به دست فراموشی سپردن محورهای اصلی است. در قالب مثال، مثل این است که یک راه هزار کیلومتری در پیش داشته باشیم و هر لحظه برگردیم و بگوییم ببینید چقدر راه را طی کرده‌ایم!

زیبایی و تأثیر این کار در کلیت و جامعیت آن است. دومین آسیب بسنده کردن به اجرای ظاهری تحول است. من نگران این هستم که نظام ۳-۳-۶ در کشور به عنوان همه تحول معرفی شود؛ یعنی، همه تلاش ما معطوف به این شود که سال دیگر پایه ششم بی مشکل برگزار شود. اگر بحث مهمی مثل تحول در تغییر نظام آموزشی خلاصه شود، خسرانی عظیم و نوعی فریب افکار عمومی است. باید دقت داشته باشیم که ضریب تأثیر این تغییر نظام در کلیت بحث تحول بسیار ناچیز است و اگر تحول به همین سادگی صورت می‌گرفت که اسم آن را تحول و آن هم تحول بنیادین نمی‌گذاشتند.

سومین آسیب، تقلیل سطح مدرسه به کلاس درس است. متأسفانه الان بسیاری از مدارس ما تبدیل به کلاس درس شده‌اند و کار آمدی خود را به عنوان مفهومی در حد و قواره مدرسه از دست داده‌اند. مدارس ما باید به مدرسی تبدیل شوند که بچه‌ها در آن‌ها زندگی کنند و لذت ببرند.

کم رنگ شدن نقش تربیتی مدرسه هم به نوعی حاصل

همین کاهش سطح مدرسه به کلاس درس است.

آسیب دیگر نبود یا کمبود مغز متفکر و منسجم برای اجرای بحث تحول و تحقق واقعی اهداف آن است؛ یعنی، آن گروهی که قرار است این کار را پیش ببرد.

نقش مجلات رشد در تحول بنیادین

من برای مجلات رشد در بحث تحول بنیادین سه نقش قائلم؛ اولین آن کمک به مدیریت در تحقق تحول بنیادین است. این موضوع می‌تواند در کمک به شناخت تحول، توسعه آن و اطلاع رسانی به مخاطبان و مجریان طرح در سطوح مختلف، به خصوص مدارس باشد. مجلات رشد می‌توانند در این زمینه کارهای ترویجی انجام دهند. موضوع دیگر کمک به شناخت جوانب این تحول و گام‌های اساس برای عملیاتی شدن آن است؛ یعنی، این مجلات کمک کنند تا همان شناخت و معرفتی را که در اول بحث از آن یاد کردیم، در مخاطبان اتفاق بیفتد.

دومین قدم توانمندسازی کلیه عوامل دخیل برای برنامه‌ریزی تحول است؛ یعنی، هر کس به اندازه نقشی که بر عهده دارد، برنامه‌ریزی کند و کارهای مربوط به نقش خود را به خوبی انجام دهد. برای مثال، معلمان که نقشی مهم در برنامه تحول دارند، باید برای این کار، آگاه، مجهز و آماده شوند.

سوم، توانمندسازی مخاطبان برای سازماندهی و اجراست. این کارها باید از طریق ارائه نمونه‌ها و الگوها انجام شود. توسعه دادن کسب تجربه در این زمینه که تنها گفتن و نوشتن و حرف زدن نباشد و به‌طور مداوم بین اجزای مختلف دخیل در این طرح گفت‌وگو و تعامل صورت گیرد.

بازنمایی فعالیت‌های انجام شده و کارها هم خود نقش مهمی در این میان بر عهده دارد و مجلات می‌توانند در این زمینه هم

نقش داشته باشند. می‌تواند کارگروه‌هایی تشکیل شود و به مدیریت این طرح عظیم در زمینه‌هایی که نام بردیم در سرتاسر کشور کمک کند.

اگر شما در حال حاضر سؤالی را برای مسئولان در مورد چپستی طرح تحول مطرح کنید، گمان می‌کنم بیشتر آنان به موضوع ۳-۳-۶ اشاره کنند. پس لازم است در این مجلات به تناسب مخاطبان و از مدیران کل استان‌ها تا مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها مطالبی آگاه‌کننده و اقناع‌کننده به چاپ برسد تا کسانی که مدیریت کار را در سطوح مختلف بر عهده دارند، از این زمینه ارتباطی و اطلاع‌رسانی گسترده استفاده کنند و از ظرفیت عظیم موجود در مجلات رشد بی‌بهره نمانند. طبیعتاً در مجلات رشد بزرگسالان این نقش پراهمیت‌تر است.

دومین نقش مجلات رشد، نقش اختصاصی آن‌ها به عنوان بخشی از بسته آموزشی است.

این شعارهایی که امروز بیان شد محقق نخواهد شد، مگر اینکه مطالب و محتواهای یادگیری فراتری نسبت به آنچه امروز در اختیار مخاطبان است، به آن‌ها عرضه شود.

بازشناسی ظرفیت‌های مجلات رشد و اختصاص دادن بخشی از آن‌ها به بحث تحول بنیادین در این مسیر بسیار راه‌گشا خواهد بود.

توجه به نیازهای روز، غنی‌سازی محیط‌های یادگیری و کمک به بهره‌گیری بیشتر دانش‌آموزان از فضاهای موجود از مأموریت‌های اصلی مجلات رشد است و پرداختن به بحث تحول بنیادین نیز در همین جهت می‌تواند این مأموریت‌ها را بیش از پیش پوشش دهد.

البته ما باید در این مقطع با نگاه به تحول و اسناد معتبری که زمینه‌ساز این تحول‌اند، به این موضوع پردازیم و چیزی بیش از

اطلاع رسانی و تبلیغ را مد نظر قرار دهیم؛ مشروعیت خود را از آن حوزه‌ها بگیریم و البته این موضوع مهم و حساسی است. سوم، فراهم ساختن منابع یادگیری فراگیر، جذاب و متنوع برای مخاطبان است تا زمینه رشد شناختی و فراشناختی آنان را فراهم آورد.

چهارم، استقرار مفهوم یادگیری به کمک بسته‌های آموزشی است. این بسته آموزشی که سازمان تعهد کرده است آن را تولید کند، تنها با وجود مجلات رشد کامل خواهد شد. از سوی دیگر، این موضوع که قرار است دانش آموز چیزی فراتر از کتاب درسی و در قالب بسته آموزشی در اختیار داشته باشد، به اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی نیاز دارد که این نقش را نیز مجلات رشد می‌توانند به خوبی ایفا کنند.

مجلات رشد در وهله اول یک ماهیت حرفه‌ای و رسانه‌ای دارند که اگر این نقش از آنان گرفته شود، سودمندی و اثر خود را از دست می‌دهند. این مجلات باید بتوانند در مواردی که به حوزه کاری آنان مربوط است، در مخاطبان خود ایجاد انگیزه کنند. این مجلات باید برای ایفای نقش در ارتباط با تحول بنیادین از تمام تکنیک‌های حرفه‌ای خود استفاده کنند. مخاطبان هم انتظار دارند مجله همین کار را بکند و آنان را با دنیای جدیدی که به نوعی به آنان مربوط می‌شود، آشنا کند. حال اگر جو کلی مجله در خدمت تحول باشد، خیلی به سازمان و آموزش و پرورش در این حوزه کمک خواهد کرد.

دوم، بازنمایی و تحلیل عملکردهای مناسب و تقویت الگو سازی در این زمینه است.

سوم، تحلیل عملکردها و ایجاد حساسیت در مخاطبان است. یعنی آن نقشی که مجلات می‌توانند به‌عنوان یک نقش نظارتی ایفا کنند؛ یعنی روی گزاره‌های سند متمرکز شوند و فضایی برای

پاسخگویی و مطالبات مخاطبان فراهم آورند.

چهارم، فراهم کردن بستر نقد و اظهار نظر مخاطبان در این موضوع است تا این برنامه تحولی گام به گام در مسیر درست خودپیش برود و گفتمان تحول از سطح نظر تا عمل همه‌گیر شود. پنجم هم آن انذار و هشدار است که باید به‌طور مداوم داده شود تا همه با حواسی جمع و بادقت مأموریت‌های خود را درباره امور تحول به خوبی انجام دهند و بدانند که مخاطبان با ابزارهایی مانند مجلات بر کار آنان نظارت می‌کنند.

البته مجلات باید از نقش تبلیغی و دولتی فاصله بگیرند تا معلمان احساس نکنند کاری تشریفاتی و موقت را انجام می‌دهند. اگر مجلات بتوانند این وادی را به خوبی بشناسند و مخاطب را با خود همراه کنند، نقش خویش را به خوبی انجام داده‌اند.

گزارش نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش شیمی

۲۷ سال تلاش، ۱۰۰ شاخه رشد و هزاران پیوند دوستی

الناز خمایی زاده

در این مراسم **حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان**، سخنان خود را با تأکید بر لزوم برگزاری چنین مراسمی آغاز کرد و گفت: «اگر هم‌نشینی با اهل دل نباشد، کار اجرایی برای مدیران کار گل خواهد بود. چراکه انسان در چارچوب اتاق‌ها و میزهای اداری می‌پوسد و اگر احساس و عاطفه‌ای داشته باشد، معمولاً با ارجاعات اداری خشک می‌شود؛ مگر اینکه چنین جلساتی برگزار شود تا آدمی با دیدن دوستان و همکاران نشاط یابد.»

دکتر محمدیان با اشاره به الزامات برنامه درسی ملی کشور ادامه داد: «در برنامه جدید نگاه به علوم باید نگاهی متفاوت با گذشته باشد. تکلیف و رویکرد شکوفایی فطرت در برنامه درسی ملی باید مبتنی بر نظریه اسلامی تعلیم و تربیت باشد؛ نظریه‌ای که در آن پنج عنصر تفکر، تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق اهمیت بسیاری دارد و این نظریه‌ها در چهار عرصه ارتباط با خدا، خلق، خلقت و خود معنا می‌یابد.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت

مراسم نکوداشت انتشار یکصدمین شماره مجله رشد آموزش شیمی در نخستین روز از ماه خرداد سال ۹۱ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برگزار شد و از افراد برگزیده‌ای که به مدت ۲۷ سال در تولید این مجله نقش داشته‌اند، تقدیر به عمل آمد. دیدارها تازه شدند و همکاران دیروز و دوستان امروز و مانند فرمول‌ها و پیوندهای شیمی دوباره به یکدیگر پیوند خوردند. از نکات قابل توجه در جشن، سه رقمی شدن شماره مجله رشد آموزش شیمی بود. در این مراسم، چه آن‌ها که با علم شیمی پیوند داشتند چه آن‌ها که نداشتند، آمده بودند؛ از حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش گرفته تا مرتضی خلخالی، پدر آموزش رشد شیمی در ایران، استادان شیمی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، معلمان از سرتاسر کشور، سردبیران و هیئت تحریریه پیشین و فعلی مجله رشد شیمی جملگی در طبقه هشتم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی گرد آمده بودند تا انتشار یکصدمین شماره مجله را در کنار یکدیگر جشن بگیرند.

آموزش و پرورش در ادامه با نقب زدن به داستان معجزه پیامبر و نوع نگاه ایشان به هدف خلقت و مسلم بودن شعور در آفرینش، به یکی از وظایف مهم برنامه درسی ملی اشاره کرد و گفت: «دانش آموز، گاه موجودی بی سواد و بی درک و گاه دارای استعداد و شعور تلقی می شود. این دو نگاه با یکدیگر بسیار متفاوت است. معجزه پیامبر صرفاً به سخن واداشتن سنگریزه های تسبیح نبود بلکه او گوش انسان ها را باز کرد تا تسبیح سنگریزه ها را بشنوند. سنگریزه ها همیشه تسبیح گو هستند اما گوش ما نمی شنود. برنامه درسی ملی نیز باید گوش ها را باز کند.»

وی در ادامه با تقسیم بندی علم به دو بخش «دینی» و «غیردینی» گفت: «ما علم را به این دو بخش تقسیم کرده و تصور می کنیم کسی که با کتاب سر و کار دارد، عالم دینی و هر آن کس که با دنیا سر و کار دارد عالم غیردینی است. این در حالی است که مفسر قول خداوند، به شخصی می گویند که آیات الهی را کشف رمز کرده و مفسر فعل خداوند نیز کسی است که رازهای آفرینش را تبیین می کند. با این نگاه، او نیز عالم دینی است و رتبه ای از مفسر قول خداوند کمتر ندارد. مجلات رشد نیز باید این نگاه را به یک نگاه فراتر تبدیل کنند.»

دکتر محمدیان در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر اینکه «دانش آموختن نباید مقوله زمختی شود» ادامه داد: «بنده بر حسب مسئولیتم صرفاً به مرور عناوین مجلات علمی یا آموزشی اکتفا نمی کنم، بلکه به محتوای مجلات نیز توجه دارم و در ستون های این مجلات، رویکرد فرهنگی را دنبال می کنم. به همین خاطر معتقدم این مجلات باید مجلات فرهنگی - آموزشی باشند و این معنا در ارتباط با برنامه درسی ملی باید بیشتر تقویت شود.»

به اعتقاد رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مجلات رشد می توانند با هدف ترغیب، پشتیبان برنامه درسی،

کلاس و دانش آموز باشند اما در عین حال باید از ویژگی ژورنال بودن نیز بهره داشته باشند و مسائل جدیدی را که در این حوزه اتفاق می افتد اطلاع رسانی کنند. وی در همین زمینه به مشکل بزرگ برخی معلمان اشاره کرد و گفت: «معمولاً معلمان در مقابل تغییر کتاب های درسی به سختی مقاومت می کنند. کتاب های مقطع ابتدایی سی سال تغییر نکرده بودند و تحقق این تغییر، نارضایتی معلمان را در پی داشت. در واقع، این کتاب ها سالیان درازی به روزرسانی نشده بود و طبیعی است که معلم، بعد از سی سال از پیشرفت ها بی خبر و یا کم خبر باشد و در مقابل تغییرات مقاومت کند. مجلات رشد می توانند این نقیصه را برطرف کنند.»

وی با اشاره به لزوم یکی شدن برنامه ها پس از یکی شدن ساختار تشکیلاتی سازمان افزود: «توقع دارم که همه اعضای سازمان مانند حلقه های پیوسته، یکدیگر را تکمیل کنند. گروه شیمی باید در مجله شیمی عضو فعال داشته باشد و مجلات دیگر باید این گروه آموزشی را پشتیبانی کنند.»

نقد کتاب های درسی کشور در مجلات رشد و لزوم تحقق این هدف در این مجلات بخش دیگری از صحبت های رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی بود. بنا بر تأکید وی، «نقد کتاب های درسی در مجلات آموزشی رشد، خط قرمز نیست در صورتی که این مجلات باید تربیون خوب معلمان و محلی برای طرح مشکلاتشان در شرایطی باشد که معیار و محکی به عنوان برنامه درسی ملی ایجاد شده است.»

وی با اذعان به اینکه نگاه انباشته کردن ذهن دانش آموز با فرمول ها، باید از زاویه دید فرهنگی - آموزشی و یا نگاه به خلقت و آفرینش تبیین شود، خطاب به معلمان و دست اندر کاران مجله رشد شیمی گفت: «بنده از ظرفیت های عنصری و جدول مندلیف چیز زیادی به خاطر ندارم؛ چرا که این یادگیری تنها مبتنی بر حفظ

کردن بوده ولی آنچه را با آن زندگی کرده‌ام، هرگز از یاد نبرده‌ام. لذا از شما خواهش می‌کنم دانش را در خدمت زندگی بیاورید و زندگی را هم به صیانت طبیعه تبدیل کنید. ما در برنامه درسی ملی به دنبال آن هستیم که بر تنوع منابع و وسایل آموزشی تأکید کنیم. کتاب‌های درسی نباید تنها وسیله آموزشی باشند. از سوی دیگر، دانش‌نامه‌ای که در اختیار پایگاه مدارس رشد قرار گرفته است، باید فراگیر شود.»

حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان در پایان سخنانش اظهار امیدواری کرد که این نشست‌ها به نشست‌های کوتاه‌مدت هفتگی تبدیل شوند و ضمن تشبیه این نشست‌ها به «ایستگاه‌های درنگ»، گفت: «می‌توان در مجال قهوه نوشیدن، درباره کارهای گذشته و اهداف آینده نیز تأمل کرد.»

در بخش دیگری از این مراسم **محمد ناصری**، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مدیرمسئول مجلات رشد، پشت تریبون قرار گرفت و درباره مجله رشد آموزش شیمی که در بهار ۹۱ به ایستگاه صدم رسیده است، سخن گفت:

«برای ما خانواده بزرگ مجلات رشد، ایستگاه صدم، ایستگاه «دادی احترام» به آن‌هایی است که این راه طولانی و پر فراز و نشیب را در طول ۲۷ سال، عاشقانه، عالمانه و صبورانه با موفقیت طی کرده‌اند. ما همواره از رسیدن بهار خوشحال می‌شویم؛ اما در این بهار، جشن سده مجله رشد آموزش شیمی را برگزار می‌کنیم. بی‌تردید در این بهار، خشنودی باغبان‌های این باغ دل‌انگیز بیشتر و مانا تر است. بذرهایی که آن‌ها کاشته‌اند، اینک به بار نشست و گل‌های رنگارنگی رویداده که مشام جان هزاران معلم مشتاق در جای‌جای این مرز و بوم اسلامی، به عطر آن معطر شده است.»

ناصری با تقدیر از سیدرضا آقاپورمقدم، نخستین سردبیر مجله رشد شیمی، دکتر نعمت‌الله ارشدی، سردبیر فعلی و مهدیه

سالار کیا، مدیر داخلی مجله رشد آموزش شیمی، از شخصیت‌های اثرگذار دیگری از جمله مرتضی خلخالی، پدر آموزش شیمی و نیز اعضای هیئت تحریریه مجله غلامعباس پارسا، مجتبی باقرزاده، محمدرضا یفتیان، احمد خرم‌آبادی‌زاد، رسول عبدالله میرزایی و نیاز والی اصفهانی و عباسعلی زمانی که در برنامه‌ریزی، طراحی و تهیه محتوایی در خور و مورد استفاده مجدانه تلاش می‌کنند، قدردانی کرد و گفت: «تنگی وقت مجال نام بردن از همه عزیزان گذشته و در گذشته، از اعضای محترم هیئت تحریریه، گرافیک‌ها و همه عوامل مؤثر تولید و توزیع را به بنده نمی‌دهد اما به یقین همه آن‌ها که طی این سال‌های طولانی آموختن را وجهه همت خود قرار دادند، نزد خدای بزرگ مأجورند؛ چنان که امام باقر(ع) فرمودند: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که علم را با آموختن زنده کند»

وی درباره ویژگی‌ها و رویکردهای مجله رشد آموزش شیمی در صد شماره منتشر شده گفت: «رشد آموزش شیمی طی ۲۷ سال انتشار مداوم و مستمر خود، نقش بسزایی در افزایش دانش عمومی شیمی بین معلمان و علاقه‌مندان این حوزه دانش و نیز روزآمدی، تحول و پیشرفت آموزش شیمی در کشور داشته است.»

ناصری با اشاره به اینکه این موفقیت‌ها مرهون پیگیری خط مشی و رویکردهای محتوایی و ژورنالیستی خاص مجله رشد آموزش شیمی بوده است، به برخی از این رویکردهای محتوایی و ژورنالیستی اشاره کرد.

«رصد و پایش تحولات روز و علمی دانش شیمی در ایران و جهان و کمک به روزآمدسازی دانش شیمی در کشور، همگرایی با برنامه‌های درسی و تلاش برای اشاعه، تقویت و تکمیل آموزش رسمی شیمی در مدارس و دانش‌افزایی معلمان کشور، نگاه «مسئله مدار» به آموزش شیمی از رهگذر انتقال تجارب آموزشی

معلمان در تدریس مباحث و موضوعات و یا آزمایش و تجربه آن‌ها در عمل، کاربردی کردن آموزش شیمی و پیوند دانش شیمی با زندگی روزمره و از این رهگذر، لذت‌بخش و دل‌پذیر کردن این درس، همگام و همراه کردن آموزش شیمی با فناوری‌های نو و دانش ارتباطات و اطلاعات، پیگیری و توجه به روند آموزش شیمی در استان‌های کشور و ارتباط با مراکز و انجمن‌های علمی و آموزشی در استان‌های کشور، جذب استادان و صاحب‌نظران برجسته شیمی کشور به همکاری و مشارکت در تولید محتوای مجله، جلب مشارکت معلمان در تولید محتوای مجله و انتقال و تبادل تجارب آموزشی و علمی خود با جامعه فرهیختگان، تشویق معلمان به نوشتن و تدوین و تنظیم ایده‌ها و تجارب خود، استقبال از تغییر، نوآوری و تحول و به پیشواز تحولات آینده رفتن، رعایت تنوع موضوعی و تعدد عناوین مطالب شیمی، به قصد پوشش دادن به دامنه بیشتر و گسترده‌تری از علاقه‌ها و نیازهای مخاطبان و نیز ارائه حجم مناسب و متعادل مطالب، پرهیز از درازگویی و تأکید بر ایجاز و کوتاهی برای عرضه مطالب بیشتر و میدان دادن به قلم و نگاه‌های متکثر و متنوع خطامشی از جمله رویکردهای محتوایی و ژورنالیستی مربوط به مجله رشد آموزش شیمی بود که ناصری ضمن اشاره به آن‌ها ابراز امیدواری کرد که این مجله به همت سردبیر پرتلاش و سایر همکاران مسیر رشد و کمال را طی کرده و در هر شماره دل، جان، اندیشه و عمل مخاطبان را سرشار از دانایی و توانایی کند.»

پس از پایان سخنان مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مدیر مسئول مجلات رشد، نوبت به نعمت‌الله ارشدی، سردبیر مجله رشد شیمی رسید تا با ابراز قدردانی از نگاه و تفکر مؤثر در برگزاری این‌گونه مراسم، عبارت‌هایی را از سرمقاله یکصدمین شماره مجله رشد شیمی قرائت و ابراز امیدواری کند که

احساسات موجود در متن جملات او با فیلم و نماهنگی که پس از پایان سخنانش پخش شد همراه شود. وی گفت: «برای ما ۱۰۰ نخستین عدد سه رقمی است و این نخستین، خود شروعی نو و بهاری تازه است؛ بهاری است که ما را به درنگ و می‌دارد، درنگ بر آنچه تاکنون انجام داده‌ایم، آنچه باید انجام می‌دادیم و آنچه در آینده باید انجام دهیم. درنگی که ما را به محاسبه کارهایمان فرا می‌خواند و شاید از این روست که نگران می‌شویم. نگران از اینکه رسالت علمی - آموزشی خود را در چارچوب سیاست‌های مصوب و هدف‌های نظام آموزشی کشور به انجام نرسانده باشیم. نگران از اینکه پاسخی گوی نیازهای شما خواننده گرامی نبوده باشیم و نگران کاستی‌های دیگر. همه این نگرانی‌ها صافی ذهن ما شد تا در آغاز چنین بنویسیم، ولی طرح آن‌ها بستر راهمان شد تا پر امید و با نشاط به آینده بنگریم و همچنان در راستای تحقق آرمان‌های علمی - آموزشی کشور گام برداریم.»

ارشدی پس از پایان قرائت گزیده‌ای از سرمقاله خود افزود: «نگاه به گذشته و تغییر آینده برای من نقطه عطف است. امیدوارم که نیروهای تازه‌نفسی وارد این مسیر شوند. همچنین امیدوارم که عدد ۱۰۰ و سه رقمی شدن باعث شود که دوستان و همکارانمان در این مجله، همچون شخصی که با بالاتر رفتن سن خود تجربه بیشتری می‌اندوزد، مسئولیت بیشتری بر دوش خود حس کرده و تولیدات بهتری را آماده کنند تا نیازها رفع شود.»

پس از صحبت‌های ارشدی، نماهنگی چهار دقیقه‌ای توأم با نمایش تصاویر و فهرست اسامی اعضای شورای نویسندگان، مدیران داخلی، صفحه‌آرها و عکاسان به ترتیب زمان همکاری، همراه با ترانه‌ای از شادروان محمد نوری برای حاضران پخش و با تشویق آن‌ها همراه شد.

بخشی دیگر از مراسم نکوداشت انتشار یکصدمین شماره

مجله رشد شیمی به سخنرانی غلامعباس پارسا و سید مرتضی خلخالی، دو تن از استادان و کارشناسان علم شیمی اختصاص داشت.

وضعیت کنونی آموزش شیمی و مواردی از الزامات و ضرورت‌های آموزشی آن، بخش اصلی صحبت‌های پارسا را تشکیل می‌داد. به عقیده وی حدود نود درصد فارغ التحصیلان دبیرستانی وارد دانشگاه می‌شوند و از این حیث می‌توان ارزیابی نسبتاً درستی از خروجی دانش‌آموزان ارائه کرد.

پارسا با اذعان به اینکه اگر کتاب درسی تغییر کند، دانش‌آموز فارغ التحصیل شده دیگر قادر به تأمل و تعقل نیست، در اشاره به عوامل مختلفی که در این امر دخیل اند گفت: «بیش از نود درصد عناوین کتاب‌های درسی با عناوین استاندارد جهانی مطابقت دارد اما موضوع این است که مطالب این کتاب‌ها بسیار چکیده نوشته شده است؛ بنابراین، در استان‌های مختلف دانش‌آموزان و حتی دبیران برداشت متفاوتی از مطالب کتاب‌های درسی دارند. بخشی از رسالت عمده مجله رشد آموزشی این است که این نقص را جبران کند. امری که تحت حمایت آموزش و پرورش نیازمند کاری سنگین و برنامه‌ریزی شده است.»

عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش شیمی با ارائه این پیشنهاد که شماره‌هایی اختصاصی از مجلات آموزشی رشد به عناوین مهم و کلیدی در کتاب‌های درسی بپردازند، ادامه داد: «برای مثال لازم است که شماره‌های ویژه به صورت تفصیلی به عنوان‌هایی از جمله تعادل، پایداری، انرژی، ظرفیت گرمایی، دما، مکانیک کوانتوم، کاتالیزور و سایر عناوین و مطالب کلیدی دیگر بپردازند و در این مسیر از تجربه و مقالات علمی متخصصان و دبیران مجرب و صاحب نظر یاری جویند و بهره‌مند شوند.

پارسا، شیمی را «علم زندگی» نام گذاشت و با اشاره به

اینکه امروزه حدود بیست درصد از تولیدات ملی آمریکا مستقیماً به صنایع شیمیایی و حدود سی درصد دیگر نیز به صورت غیرمستقیم به صنایع شیمیایی مرتبط است، این علم را کلید موفقیت‌هایی چون زندگی بهتر، رفاه مناسب و اقتصاد رو به رشد دانست.

این کارشناس برجسته شیمی ادامه داد: «این موفقیت‌ها نیاز به سیاست‌گذاری در شیمی و صنایع شیمی دارد و مجله رشد آموزش شیمی می‌تواند در این مسیر مبحثی در خصوص مسائل روزمره زندگی ما انسان‌ها و بحث شیمی باز کرده و با ایجاد امکان تأمل جدی در این مبحث، نقش جدی خود را در این مسیر ایفا کند.» وی در پایان، نقد و بررسی روش‌های ارزیابی کنونی و ارائه روش‌های یادگیری مؤثر، نقد و بررسی کتاب‌های متعدد در زمینه شیمی، ارائه روش‌های مناسب یادگیری در زمینه‌های شیمی و سامان‌دهی پایگاه‌های اطلاعاتی به منظور افزایش قدرت تعامل را از جمله اقدامات در خور انجام در مجله رشد شیمی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دانست.

در ادامه این مراسم استاد پیش‌کسوت و پدر رشد آموزش شیمی که نهال این مجله را در زمین فرهنگ نشاند و طی یک دهه تلاش شاهد شکوفایی آن شد، درباره فلسفه ایجاد مجله رشد و تاریخچه مجلات آموزشی در سطح جهانی و نیز ایران سخن گفت. سیدمرتضی خلخالی راه‌اندازی این مجلات را به دوران جنگ سرد و سال ۱۹۵۰ میلادی منتسب دانست که طی آن رقابت علمی و فناورانه میان بلوک غرب و شرق، به‌ویژه آمریکا و شوروی سابق، به اوج خود رسید. به گفته او در دورانی که آیزنهاور، رئیس‌جمهوری آمریکا بود، آمریکایی‌ها بهترین راه برای ایجاد زمینه‌های فروپاشی شوروی را راه‌اندازی کانون‌های علمی-آموزشی می‌دانستند. مسائلی که در این کانون مطرح می‌شد، فلسفه تعلیم و تربیت بود که با تغییر زیربنای آموزش توصیفی

و غیرنظام‌مند، انقلابی را در زمینه آموزشی رقم زد. خلخالی ادامه داد: «این انقلاب منجر به آن شد که تراز تفکر توصیفی به سوی تماتیک، حل مسئله، مفهوم‌سازی، استقرا و قیاس حرکت کند. از جمله اقداماتی که در آن سال‌ها انجام شد، وارد کردن بسیاری از مفاهیم دانشگاهی در سطح مدارس بود. شیمی کشاورزی نیز در همان زمان برای اولین بار مطرح شد.»

به گفته پدر آموزش رشد شیمی در آن زمان استقبال زیادی از این طرح صورت گرفت و با گذشت شش سال، دانش‌آموزان دبیرستانی از نظر اهداف سیاسی - نظامی بسیار پیشرفت کردند و دانشمندان بسیاری به عرصه علم معرفی شدند؛ هر چند که بعدها آمارها نشان داد که بچه‌ها توان و علاقه درگیر شدن با مفاهیم سنگین را ندارند. به همین خاطر به تدریج انتخاب درس‌هایی چون شیمی و فیزیک با کاهش مواجه شد. انتخاب رشته شیمی در عرض چهار سال از ۴۳ درصد به ۱۵ درصد رسید و تنها پنج درصد از دانش‌آموزان درس فیزیک را انتخاب کردند. در واقع، این جریان باعث شد که دانش‌آموزان به دنبال درس و مطالعه گسترده علمی بروند اما مجال رفتن به سراغ رشد ارزشی را نداشته باشند. خلخالی با اشاره به اینکه امروز دانش‌آموزان ایرانی نیز به واسطه تست کنکور با چنین مشکلی مواجه‌اند، ادامه داد: «برای حل این مشکل در دهه هفتاد میلادی کتاب‌هایی همچون **شوگ آینده** منتشر شد و تحول و انقلابی دیگر را به وجود آورد. از آن دهه به بعد، آونگی که به سمت ساختار سطح سنگین علمی پیش می‌رفت، به پایین و به سمت زندگی اجتماعی فرود آمد.»

پدر آموزش رشد شیمی با اظهار تأسف از اینکه در حال حاضر همچنان روح پنجاه سال پیش بر برنامه‌های درسی فیزیک، شیمی و ریاضی دانش‌آموزان امروز حاکم است و روح دانش‌آموزان را مسخ می‌کند، گفت: «امروز دانش‌آموزان تنها از نظر علمی، مطالبی

را فرا می‌گیرند و سپس به سراغ تست می‌روند. آن‌ها فرصت رشد ارزشی و اجتماعی را ندارند و اگر بخواهند به سراغ صله رحم با خویشاوندان خود بروند، نگران تست‌های کنکور خود هستند.»

خلخالی در پایان ضمن اشاره به اینکه دانشمندان آمریکایی از سال‌ها پیش به فکر چنین روزی بوده و براساس آن مسیر خود را عوض کرده‌اند، ادامه داد: «ما همچنان از نظر علمی در پنجاه سال پیش سیر می‌کنیم؛ در حالی که انجمن‌های معلمان در انگلیس و آمریکا مسائل روان‌شناسی و تربیتی را وارد آموزش کرده‌اند و به این ترتیب، آموزش و مفهوم جالبی که ما اسمش را رشد گذاشته‌ایم، در همان سال‌ها پایه‌گذاری شده است.»

مراسم نکوداشت انتشار یکصدمین مجله آموزش رشد شیمی با تقدیر رسمی و اعطای هدایا به برگزیدگان این مجله در بخش‌های مختلف آن همراه بود. ارسطو نوئی، بهروز مصیبیان (مدیر داخلی پیشین مجله)، فرشاد رستمی، عباسعلی زمانی، شراره معصومی، زهرا ارزانی، بهنام شمس، خورشید کوچکی، غلامرضا براکوهی، لیلا یوسفی، حسن سالاری، معصومه شاه‌محمدی، محمود مافی، دکتر منصور عابدینی، دکتر حسین آقایی، دکتر محمدرضا ملاردی، حسام‌الدین امینی، محمدباقر جلالی، مسعود روحی لاریجانی، دکتر عیسی یآوری، دکتر رحمت‌الله رحیمی، دکتر ناصر سید متین، دکتر حسین رحمانی، جعفر وافی، سیدرضا آقاپور مقدم، سید مرتضی خلخالی، دکتر نعمت‌الله ارشدی، مهدیه سالارکیا، دکتر غلامعباس پارسا، دکتر مجتبی باقرزاده، دکتر احمد خرم‌آبادی زاد، دکتر رسول عبدالله میرزایی، دکتر محمدرضا یافتیان و نیاز والی اصفهانی از جمله برگزیدگان مجله رشد آموزش شیمی بودند که در پایان در کنار یکدیگر عکس یادگاری انداختند.

مجله رشد آموزش شیمی با پیشینه انتشار ۲۷ ساله تاکنون تولید محتوایی شامل ۶۴۰۰ متن و تصویر داشته است.

رشد آموزش جغرافیا به شماره ۱۰۰ رسید

جشنی برای جغرافیای صد شمارهای

سمانه آزاد

اشاره

می‌گویند از روزی که انسان به زمین قدم نهاده، به محیطی وارد شده است که موضوع اصلی علم جغرافیاست. شاید به همین دلیل هم باشد که قدمت دانش جغرافیا را به اندازه حضور انسان بر کره زمین می‌دانند. دانشی که تا پیش از انقلاب اسلامی و در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی زیر سایه سنگین دانش تاریخ بوده اما پس از انقلاب گروه جغرافیا به یکی از گروه‌های فعال این سازمان تبدیل شده است. شاهد این موضوع هم انتشار فصل‌نامه رشد آموزش جغرافیاست که در کنار فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، تنها نشریه‌های جغرافیایی کشور را شامل می‌شوند. حالا این فصل‌نامه پس از ۲۷ سال انتشار و گام برداشتن در راه کمک به آموزگاران جغرافیا برای آموزش بهتر فرزندان ایران، به صدمین شماره خود رسیده است. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به رسم خود و به این بهانه، همکاران این مجله را دور هم جمع کرد تا هم یاران دیرین با هم دیداری داشته باشند و هم به پاس خدماتشان مورد تقدیر قرار گیرند.

مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا، در آخرین روزهای مهر ماه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. در این مراسم همکاران قدیمی مجله، همان کسانی که نخستین شماره‌ها را با سختی‌های فراوان منتشر کرده بودند و نیز همکاران فعلی مجله، حضور داشتند. قرار بر این بود «استاد محمدحسن گنجی» یا به قول محمد ناصری «گنج جغرافیای ایران» نیز در این مراسم حضور داشته باشد و به پاس همکاری‌ها و همیاری‌هایش با مجله رشد آموزش جغرافیا مورد تقدیر قرار بگیرد اما تقدیر چنین بود که در این مراسم تنها یاد و خاطره بنیان‌گذار دانش جغرافیای نوین ایران گرامی داشته شود.

مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا علاوه بر همه اتفاقاتی که در این گونه مراسم مرسوم است، با حاشیه‌هایی نیز همراه بود. از جمله سخنان دکتر داریوش مهرشاهی درباره نحوه ورودش به رشته جغرافیا و دشواری‌های تألیف کتاب‌های درسی جغرافیا در دوران پس از انقلاب اسلامی

از زبان دکتر عبدالرضا فرجی‌راد تا هشدارهای دکتر مهدی چوبینه درباره «عواقب بی‌مهری به آموزش جغرافیا».

مراسم نکوداشت انتشار یکصدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا، با نمایش فیلمی از افرادی آغاز شد که این نشریه به همت آن‌ها پایه‌گذاری شده و استمرار یافته است. از زنده‌یادان دکتر حسن شکویی نخستین سردبیر مجله، حسن وحدانی‌تبار، وحید شیخ‌الاسلامی و دکتر مصطفی مؤمنی تا همکاران کنونی آن همچون دکتر سیاوش شایان، دکتر مهدی چوبینه، دکتر بهلول علیجانی و دکتر عبدالرضا فرجی‌راد.

پس از نمایش این فیلم، **محمد ناصری**، مدیر دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در سخنانی به تأثیر ثبات قدم همه همکاران مجله رشد آموزش جغرافیا در رسیدن آن به شماره صدم اشاره کرد و گفت: «معمولاً مجله‌های تخصصی و علمی عمر زیادی ندارند و آنچه باعث شده رشد آموزش جغرافیا تا صد شماره دوام بیاورد، به خاطر ثبات قدم همه کسانی است که به عنوان سردبیر، مدیر داخلی و اعضای هیئت تحریریه مجله مشغول به فعالیت بودند. انتشار مجلات رشد بیش از هر چیز مدیون ثبات قدم آن‌هاست بنابراین، باید به آن‌ها دست مریزاد گفت.»

وی سپس به آشنایی خود با دکتر سیاوش شایان و دکتر مهدی چوبینه، سردبیر و مدیر داخلی کنونی، مجله اشاره کرد و افزود: «سال ۱۳۶۴ بود که نخستین مجله رشد آموزش جغرافیا منتشر شد. پیش از آن دست‌اندرکاران وقت تصمیم گرفتند انتشار مجلات تخصصی را که تا آن زمان برعهده دفتر تألیف کتب درسی بود، به دفتر انتشارات کمک آموزشی واگذار کنند تا به این ترتیب چاپ و توزیع مجلات از انضباط بیشتری برخوردار شوند. در همان سال‌ها بود که با دکتر سیاوش شایان آشنا شدم. البته پیش

از آن و زمانی که سردبیر مجله رشد جوان بودم، با ایشان همکاری داشتم اما از آن پس بود که ارتباطات ما بیشتر شد و با بزرگواری به نام دکتر مهدی چوبینه هم آشنا شدم. می‌توانم شهادت دهم طی همه این سال‌ها، هرگاه این دو بزرگوار را دیده‌ام، احساس شرف کرده و روحیه گرفته‌ام.»

ناصری در ادامه به ویژگی‌های مجله رشد آموزش جغرافیا از جمله ارتباط گسترده آن با دفتر تألیف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و نیز انضباط آن اشاره کرد و این مجله را تریبونی برای ارتباط دفتر تألیف و گروه جغرافیا با مخاطبان در حوزه تازه‌ترین اخبار و تغییرات دانست.

وی همچنین به ارتقای استانداردهای مطبوعاتی مجلات رشد، از جمله مجله رشد آموزش جغرافیا، اشاره کرد و ادامه داد: «به نظر می‌رسد در سال‌هایی که گذشته، استانداردهای مطبوعاتی مجله ارتقا پیدا کرده است. یکی از دلایل این موضوع نیز همراهی هیئت تحریریه مجلات است. در واقع، تخصصی بودن یک مجله مانند رشد آموزش جغرافیا و استفاده از ظرفیت مطبوعات نه تنها هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند بلکه چنین مجله‌هایی باید از قالب‌های مطبوعاتی بهره ببرند که به نظرم این اتفاق در این مجله مد نظر بوده است.»

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه به بخشی از نتایج نظرسنجی دفتر مطالعات از مخاطبان درباره مجله رشد آموزش جغرافیا پرداخت. به گفته وی ۵۹/۹ درصد مخاطبان این مجله زنان و ۴۰/۱ درصد مردان هستند. بیشترین تعداد مخاطبان نیز در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال قرار دارند.

ناصری بخش دیگری از نتایج این نظرسنجی را این چنین ارائه داد: «از نظر تحصیلات، ۶۹ درصد مخاطبان مدرک لیسانس،

۱۴/۸ درصد فوق لیسانس، ۱۳/۴ فوق دیپلم و ۷ درصد نیز مدرک دکترا دارند.

همچنین ۷۴ درصد از مخاطبان این مجله بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس دارند. ضمناً از نظر مخاطبان، مجله متوسط رو به بالا ارزیابی شده است.»

مطالبات معلمان از مجله رشد آموزش جغرافیا موضوع دیگری بود که ناصری در ادامه سخنان خود با استناد به نتایج این نظرسنجی به آن‌ها اشاره کرد: «در این نظرسنجی آموزگاران مطالباتی داشته‌اند؛ از جمله توجه بیش از پیش به کتاب‌های درسی، روش‌های تدریس جغرافیا، جغرافیای آب، هوا و خاک؛ چگونگی استفاده از فناوری‌های آموزشی در آموزش جغرافیا، ایران‌شناسی و جغرافیای ایران، روش تحقیق در جغرافیا، پژوهش‌های جدید در حوزه جغرافیا و معرفی گروه‌های آموزشی جغرافیا در مناطق.

علاوه بر این، معلمان خواستار دریافت تازه‌ترین اخبار ایران و جهان در حوزه جغرافیا، شناخت منابع و انجمن‌های معتبر در این حوزه و همچنین دسترسی به تجربه‌های معلمان دیگر در آموزش جغرافیا شده‌اند.»

محمد ناصری در پایان سخنانش اظهار امیدواری کرد که اعضای هیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا در ادامه راه انتشار این مجله به نتایج این نظرسنجی و مطالبات آموزگاران توجه بیشتری داشته باشند.

وقتی سیاست وارد جغرافیا شد

دکتر عبدالرضا فرجی‌راد، نخستین مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا دومین سخنران این مراسم بود. وی در این بخش به مشکلات تألیف کتاب‌های درسی پس از انقلاب اسلامی و دستاوردهای گروه جغرافیا در این زمینه اشاره کرد و

گفت: «من به‌عنوان فردی که از ابتدای انقلاب اسلامی تا به حال دستی در آموزش جغرافیا و نیز تهیه مجله رشد آموزش جغرافیا داشته‌ام است، باید این نکته را یادآوری کنم که تغییر کتاب‌های درسی و تألیف کتاب‌های جدید با مشکلات زیادی از جمله کمبود وقت و نیروی انسانی مواجه بود. چراکه در ابتدای انقلاب لازم بود کتاب‌های درسی جدیدی به سرعت و براساس اصول انقلاب اسلامی تألیف شوند. از سوی دیگر، به دلیل حساسیت کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بسیاری از کارشناسان به‌خصوص در زمینه علوم انسانی و اجتماعی تغییر کردند. طبیعتاً در این شرایط افرادی مسئولیت گروه‌های آموزشی را برعهده گرفتند که تجربه زیادی در این زمینه نداشتند و تنها همت و عشقی که به انقلاب داشتند سبب می‌شد که شبانه‌روز و با حساسیت زیاد، همه فکر و نیروی خود را صرف تألیف کتاب‌های درسی جدید کنند.»

وی در ادامه به فعالیت‌های گروه آموزشی جغرافیا پرداخت و گفت: «تا پیش از انقلاب اسلامی، گروه جغرافیا گروهی بسیار حاشیه‌ای بود که زیر سایه رشته تاریخ حرکت می‌کرد اما پس از انقلاب و در برهه‌ای که باید کتاب‌های جدیدی تألیف می‌شدند، افرادی همچون دکتر سیاوش شایان، منصور ملک عباسی، مرحوم وحید شیخ الاسلامی و مرحوم حسن وحدانی تبار وارد گروه جغرافیا شدند و کمک‌های بسیاری کردند. نخستین کاری که این گروه به انجام آن همت گماشت، تغییر کتاب جغرافیا بود. به این ترتیب، به جای کتاب جغرافیای کشورهای صنعتی که به معرفی هفت کشور صنعتی می‌پرداخت، کتاب جغرافیای کشورهای اسلامی را تدوین کردیم. این تقریباً نخستین کتابی بود که عکس‌های جدیدی از مناطق مختلف کشورهای اسلامی در آن آمده بود و البته برای نخستین بار در این کتاب بود که سیاست وارد جغرافیا شد. تا آن زمان کتابی پیدا نمی‌شد که در آن سیاست و جغرافیا

پیوند خورده باشند. از همین رو بود که کتاب جغرافیای کشورهای اسلامی در علاقه دانش‌آموزان به مطالعه جغرافیا تحولی به وجود آورد. البته این کتاب با اعتراض‌هایی از سوی آموزگاران به خصوص خانم‌ها همراه بود؛ چراکه مطالب آن باعث ایجاد سؤال‌هایی برای دانش‌آموزان و در نتیجه در دسرهایی برای معلمان شده بود.

برنامه‌ریزی برای تدوین کتاب جغرافیای استان‌ها، سفرهای استانی و جلب همکاری آموزگاران برای تولید این کتاب‌ها از دیگر فعالیت‌های گروه آموزشی جغرافیا در دوران انقلاب اسلامی بود که دکتر عبدالرضا فرجی راد به آن‌ها اشاره کرد: «در ابتدای کار، تقریباً به همه استان‌های کشور سفر کردیم که برای دبیران تعجب‌آور بود. به همین دلیل، درخواست ما مبنی بر کمک به تألیف کتاب‌ها جز از سوی چند استان مانند آذربایجان غربی و چهارمحال و بختیاری چندان جدی گرفته نشد. البته آن‌ها وقتی کتاب‌های جدید را دیدند، متوجه شدند که موضوع جدی است و همین باعث شد از سال‌های بعد وارد گود شوند و به تألیف کتاب‌های درسی کمک کنند.»

دکترای جغرافیا، نتیجه فرار از سربازی!

دکتر داریوش مهرشاهی، عضو گروه جغرافیای دانشگاه یزد است. او گرچه در دوره دبیرستان رشته ریاضی را انتخاب کرده، همواره به ادبیات علاقه داشته است. دکتر مهرشاهی با حضور در مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا و توضیح دادن درباره نحوه انتخاب رشته جغرافیا در دانشگاه حال و هوای این مراسم را تغییر داد: «بعد از اینکه در کنکور شرکت کردم، در چند دانشگاه از جمله دانشگاه ملی (شهید بهشتی) قبول شدم. البته دلیل شرکت در کنکور و ورود به دانشگاه نه، علاقه به علم، بلکه فرار از سربازی بود! به‌خاطر فرار از سربازی درس می‌خواندم تا

جایی که انقلاب شد و من از سربازی معاف شدم! پس از گذراندن درس‌های عمومی در سال نخست دانشگاه، نوبت به انتخاب رشته رسید. استادان رشته‌های گوناگون دور هم جمع شده بودند و برای انتخاب رشته به دانشجویان مشاوره می‌دادند. آن زمان رشته جامعه‌شناسی سر زبان‌ها بود و من هم قصد داشتم آن رشته را انتخاب کنم اما وقتی دکتر ایران‌پور جزنی را در گروه جغرافیا دیدم، تحت تأثیر او قرار گرفتم. در واقع، ایشان بسیار خوش تیپ بودند و صدای گیرا و ابهت خاصی داشتند و من که انسانی احساساتی هستم، تحت تأثیر ایشان، رشته جغرافیا را انتخاب کردم! البته بعدها پشیمان نشدم؛ گرچه هنوز هم دوست دارم ادبیات بخوانم!»

تاریخ رشد آموزش جغرافیا

«رشد آموزش جغرافیا در گذر زمان»، عنوان سخنرانی دکتر **سیدمهدی موسی کاظمی** بود که در آن به تحلیل ۹۹ شماره این مجله پرداخته بود.

موسی کاظمی که خود از اعضای هیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیاست، در سخنرانی خود مطالب ۹۹ شماره این نشریه را در چند محور مورد بررسی قرار داده بود و آمارهای جالب توجهی ارائه کرد: «براساس آمار، مخاطبان مجله بیشتر زنان هستند اما در زمینه تولید محتوا، مردان پیشی گرفته‌اند. به این ترتیب ۸۷/۵ درصد مطالب را مردان و ۱۲/۵ درصد را زنان تولید کرده‌اند. از ۱۰۲۷ عنوان مقاله در ۹۹ شماره مجله که وضعیت اشتغال نویسندگان آن‌ها مشخص بوده است، ۴۸ درصد را استادان دانشگاه، حدود ۱۷ درصد را معلمان و دبیران، ۲۷ درصد را کارشناسان سازمان‌های مختلف و ۹ درصد را دانشجویان ارائه داده‌اند.

از لحاظ تحصیلات، ۴۶/۵ درصد از نویسندگان مطالب و مقاله‌ها مدرک دکترا، ۳۳/۴ درصد مدرک کارشناسی ارشد و حدود

۲۱ درصد مدرک کارشناسی ارشد داشته‌اند. در زمینه استان محل اشتغال و تحصیل هم باید گفت بر اساس آمارها، ۶۲ درصد مقالات مربوط به استان تهران و البرز هستند. پس از آن‌ها استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان و خراسان (عمدتاً خراسان رضوی) قرار دارند.»

قلمرو موضوعی مقاله‌ها، تعداد صفحات مقالات و سال و فصل انتشار آن‌ها از دیگر محورهای این تحلیل بود. براساس این بررسی، ۵۲/۸ درصد مقاله‌های منتشر شده در ۹۹ شماره مجله تألیفی، ۱۵/۹ درصد ترجمه و ۳۱/۲ درصد سایر نوشته‌ها اعم از کشورشناسی، معرفی کتاب، مجلات علمی و... بوده‌اند.

سیدمهدی موسی کاظمی، مطالب ۹۹ شماره مجله رشد آموزش جغرافیا را به هفت دسته تقسیم بندی و آمارها را براساس این تقسیم‌بندی ارائه کرده است: «۳۷/۸ درصد، مقاله‌هایی با موضوعاتی در قلمرو جغرافیای انسانی، ۲۲/۲ درصد موضوعاتی در قلمرو جغرافیای طبیعی، ۲۴/۵ درصد در زمینه اطلاع‌رسانی هستند. حدود ۲۵ درصد بقیه مقالات و مطالب نیز در موضوعات آموزش، کشورشناسی و عمومی در زمینه تکنیک‌ها و روش‌ها هستند.»

وی در نهایت افزود: «بررسی عنوان‌های مقاله‌ها و مطالب رشد آموزش جغرافیا نشان می‌دهد که این نشریه در طول عمر خود، هم در زمینه تعداد مطالب و هم از لحاظ کثرت نویسندگان و توزیع جغرافیایی آن‌ها مجله پرباری بوده است. جمع‌بندی این بررسی نشان از آن دارد که سهم زنان در ارائه مقاله‌ها بسیار کم است. همچنین، در سال‌های اخیر سهم دانشجویان، معلمان و دبیران در ارائه مقاله‌ها افزایش یافته است. مدرک تحصیلی بیشتر نویسندگان با توجه به گسترش آموزش تحصیلات تکمیلی و ایجاد فرصت برای ادامه تحصیل معلمان و دبیران تغییر کرده است. در حیطه محتوای مقاله‌ها نیز بیش از ۶۵ درصد مقاله‌ها

در حوزه دانش و آموزش جغرافیا بوده‌اند. ضمن اینکه گرایش عنوان‌های مجله به مقالات و مطالب کم حجم بوده است و آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که انتشار مجله در سال‌های اخیر منظم شده است.»

حذف جغرافیا، حذف دل‌بستگی به مرز پر گهر

دکتر مهدی چوپینه مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا است. او که شوخ طبعی‌اش در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی زبانزد است، در سخنرانی کوتاه خود با عنوان «اندر عواقب بی‌مهری به آموزش جغرافیا» هم با زبان و روایت مخصوص به خود، درباره اهمیت دانش جغرافیا و عواقب کم‌توجهی به آن سخن گفت.

وی پس از اینکه نحوه ورودش به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را با روایتی طنزآمیز توضیح داد، گفت: «حساس می‌کنم در حوزه آموزش جغرافیا نوعی بی‌مهری اتفاق افتاده که باید به آن اشاره کنم. از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۱ زمان آموزش جغرافیا کم و کمتر شده است؛ یعنی روزگاری سهم آموزش جغرافیا در برنامه‌های آموزشی دوره‌های مختلف ۱۴ ساعت بود که اکنون به کمتر از ۸ ساعت رسیده است. در نظام‌های آموزشی بین‌المللی و در حوزه آموزش جغرافیا، ۱۸ مهارت جغرافیایی وجود دارد که ما هم می‌بایست تا جای ممکن برخی از این محورها را در برنامه‌های درسی می‌گنجانیم و در بخش‌هایی که امکان آن وجود نداشت، از ابزارهای کمکی، مانند مجلاتی که در اختیار داشتیم، استفاده می‌کردیم.»

مهدی چوپینه در ادامه به اهمیت دانش جغرافیا اشاره کرد و افزود: «محور مکان، مردم و محیط برای ایجاد بصیرت در مخاطبان تنها از طریق دانش جغرافیا اتفاق می‌افتد. البته اگر

بسترسازی می‌کند و اساساً یکی از محورهای مهم در این زمینه است. این مجله رابطه‌ای متقابل میان برنامه درسی و حوزه مطبوعات برقرار می‌سازد و امر اطلاع‌رسانی در حوزه برنامه درسی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، از طریق این مجله نظرسنجی‌ها و نیازسنجی‌هایمان را با سطح اطمینان بالاتری انجام می‌دهیم. در نهایت این مجله تا جایی که بتواند به نیازها و خواسته‌های معلمان پاسخ می‌دهد.»

آموزش جغرافیا، سرمایه‌گذاری برای فردا

آغاز فعالیت دکتر سیاوش شایان در مجله رشد آموزش جغرافیا به سال ۱۳۶۴ برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که او به‌عنوان نماینده دبیران جغرافیای کشور در جلسه هیئت تحریریه این فصل‌نامه شرکت کرد و به این ترتیب از زمان انتشار شماره دوم مجله، کار خود را به‌عنوان عضو هیئت تحریریه آغاز کرد. او که اکنون سردبیری این مجله را برعهده دارد، پس از قدردانی از دست‌اندرکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای همکاری گسترده در انتشار مجله رشد آموزش جغرافیا، در سخنانی به تحلیل محتوای ۹۹ شماره مجله در حوزه آموزش جغرافیا و نیز اسناد بین‌المللی و جهانی این حوزه پرداخت و گفت: «در نخستین شماره فصل‌نامه، مطلبی درباره ارزش‌ها و اهداف آموزش جغرافیا منتشر شده است. این مطلب از کتابی که یونسکو به‌عنوان دستورالعملی برای آموزش جغرافیا و برای همه کشورهای جهان منتشر کرده بود، برگرفته شده است.

از دیگر اسناد بالادستی جغرافیا که جنبه جهانی دارد و ما نیز در مجله به آن پرداخته‌ایم، منشوری است که اغلب کشورهای آن استفاده می‌کنند و ما نیز در شماره ۴۰ مجله این منشور را معرفی و بررسی کرده‌ایم.

دانش‌آموزان این مهارت‌ها را کسب نکنند، اتفاق مهمی نمی‌افتد و فقط این دانش‌آموزان دیگر افراد کاملی نیستند و نمی‌توانند به بسیاری از چیزهایی که در اطرافشان می‌بینند، واکنش مناسب نشان دهند. همچنین ممکن است فرصت‌های شغلی دنیا کمتر نصیب بچه‌های ما شود؛ چراکه دانش جغرافیا به‌عنوان یک دانش مکمل، بصیرت و بینشی را که مکمل دانش است فراهم می‌کند.» مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا به عواقب کم‌توجهی به دانش جغرافیا اشاره کرد و ادامه داد: «اگر به جغرافیا بی‌مهری کنیم، نقشه‌های ذهنی بچه‌های ما مغشوش می‌شود و در نتیجه آن‌ها توانایی کمتری خواهند داشت. علاوه بر این، هویت ملی و دینی محصولات نظام آموزشی ما کم‌رنگ می‌شود. بچه‌های امروز به دلیل وجود امکانات فناورانه و شبکه‌های اجتماعی، درون‌گراتر شده‌اند و در نتیجه در جامعه کمتر با هم تعامل دارند. شاید آموزش جغرافیا بتواند بخشی از این خلأ را جبران کند.»

چوبینه تأکید کرد: «اگر جغرافیا را از برنامه آموزشی حذف کنیم، دانش‌آموزان نسبت به مرز پر گهر بی‌تفاوت می‌شوند. حذف جغرافیا یعنی حذف دل‌بستگی به خاک، حذف سرزمین، رواج بی‌وطنی و شاید هم شیوع جهان‌وطنی. حذف جغرافیا از ادبیات آموزشی، حذف دانش اولیه بشر است؛ چراکه عمر جغرافیا همپای ظهور یا حضور انسان بر کره خاکی است. بدون جغرافیا ما مثل آدم‌های ماشینی خواهیم بود که خوب می‌خوانیم، خوب حساب می‌کنیم اما معلوم نیست بتوانیم تشخیص دهیم که در کجا قرار داریم.»

وی در ادامه به نقش مجله رشد آموزش جغرافیا اشاره کرد و آن را بخشی از بسته آموزشی دانست و گفت: «مجله رشد آموزش جغرافیا بخش اصلی و جدایی‌ناپذیر بسته آموزشی خواهد بود. بدون تردید این مجله، برای برنامه‌های درسی جدید در حوزه جغرافیا

جغرافیا؛ بستر تقویت هویت ملی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به‌عنوان آخرین سخنران مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا، بر ظرفیت دانش جغرافیا در شکوفایی فطرت در زمینه ارتباط با خود، خلق، خلقت و خدا تأکید کرد و گفت: «همه درس‌ها باید بر اساس برنامه درسی ملی و سند تحول آموزش و پرورش جایگاه منطقی خود را پیدا کنند. در جدول ساعات درسی هم به دنبال پر بها یا کم بها بودن عنوان درسی نیستیم. من معتقدم ما می‌توانیم به عناصر هویت‌ساز در ابعاد مختلف توجه کنیم؛ یعنی از بستر درس‌های دیگری مانند ادبیات برای آموزش مفاهیم جغرافیایی استفاده کنیم.

جدول ساعات درسی در هفته، عناوین و حوزه‌های یادگیری مشخص است. باید مطالب را به‌گونه‌ای توزیع کنیم که همه آن‌ها منتقل شوند. بنابراین، نخستین درخواستم از همکارانمان در مجله رشد آموزش جغرافیا این است که به ظرفیت‌های برنامه درسی ملی در آموزش جغرافیا توجه داشته باشند.»

وی در ادامه گفت: «رویکرد ما در برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش این است که دانش‌آموزانمان به مرحله‌ای از حیات طیبه برسند؛ یعنی نوعی زندگی که شایسته زیست انسانی و اسلامی هر فرد ایرانی باشد. رویکرد این برنامه و سند نیز شکوفایی فطرت است؛ به‌طوری‌که پنج عنصر تفکر، ایمان، اخلاق، عمل و علم در ارتباط با چهار عنصر خدا، خود، خلق و خلقت ارتقا پیدا می‌کنند.

بستر طبیعی و معقول این چهار عنصر دانش جغرافیاست؛ یعنی ارتباط با خدا، خلق، خلقت و خود به‌طور طبیعی در دانش جغرافیا اتفاق می‌افتد. در هیچ قسمت از جغرافیا به این عناصر بی‌توجهی

برخی دیگر از مطالبی که ما به‌عنوان سند بالادستی به آن نگاه می‌کنیم، درباره پیوستگی جغرافیا و آموزش آن است. این موضوع، تحت عنوان شناخت‌شناسی علم جغرافیا در چند شماره مجله به صورت دنباله دار چاپ شده است تا بتوانیم در آموزش جغرافیا از آن استفاده کنیم.

علاوه بر این‌ها در مقیاس پایین‌تر، به برنامه‌های درسی کشورهای مختلف توجه کرده‌ایم. به این ترتیب که در چند شماره به بررسی تطبیقی آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف مانند آلمان، آمریکا، برزیل، هند و مصر پرداخته‌ایم.

آسیب‌شناسی آموزش جغرافیا نیز از دیگر موضوعاتی است که ما در مجله به آن توجه کرده‌ایم. مقالاتی در باب آموزش جغرافیا در کشور، تحلیل کتاب‌های درسی‌مان در این زمینه، تحلیل برنامه درسی و مشکلات پیش‌رو، همه و همه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. البته ما در این زمینه خود را به آموزش و پرورش محدود نکرده‌ایم بلکه به این فکر بوده‌ایم که تولیدات‌مان در حد تحصیلات دانشگاهی هم باشد. بنابراین، به موضوعات دانشگاهی هم در مطالب و هم در سرمقاله‌ها پرداخته‌ایم.»

سردبیر مجله رشد آموزش جغرافیا در انتها اهمیت دانش جغرافیا و نقش آن در تقویت حس میهن‌پرستی را یادآور شد و افزود: «آموزش جغرافیا سرمایه‌گذاری برای فرداست، هدر دادن پول نیست. ما هویت ملی خود و دل‌بستگی به این آب و خاک را به‌وسیله این دانش تقویت می‌کنیم. هر قدر که در برنامه درسی برای دانش جغرافیا ارزش و اهمیت قائل باشیم، نتیجه آن را خواهیم دید. در واقع، آینده کشور را دانش‌آموزان می‌سازند؛ دانش‌آموزانی که به کشور خود علاقه دارند. پس سعی کنیم از این طریق به آینده کشور خود کمک کنیم.»

نمی‌شود. به همین دلیل، هم‌اکنون شاهد زیرمجموعه‌هایی مانند جغرافیای انسانی، جغرافیای سیاسی و جغرافیای طبیعی هستیم. پس، اگر هوشمندانه عمل کنیم و از ظرفیت برنامه‌دستی ملی استفاده لازم را در زمینه‌دانش جغرافیا ببریم، حتماً به عناصر هویت‌ساز در این دانش دست پیدا خواهیم کرد.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه به کتاب‌های استان‌شناسی و تأثیر آن‌ها بر تقویت هویت ملی پرداخت و گفت: «یکی از کارهای مثبتی که در این سال‌ها به همت سازمان اتفاق افتاد، تدوین کتاب جغرافیای استان بود که بعدها به استان‌شناسی تغییر نام داد. من اعتقاد داشتیم با ارائه‌دروس استان‌شناسی هم هویت ملی را تقویت می‌کنیم و هم دریچه‌ای به سوی شناسایی اقوام و هویت‌های استانی و قومی‌مان باز می‌کنیم. کتاب جغرافیای استان علاوه بر اینکه با سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و پرچم مقدس کشورمان آغاز می‌شود، همه‌شناسه‌ها و شاخصه‌های هویت ملی را در خود جای داده است و در عین حال به جایگاه و ارزش همه اقوام ایرانی می‌پردازد. این نشان می‌دهد که درس‌های جغرافیا و استان‌شناسی ما بسیار غنی هستند و ما باید بتوانیم از ظرفیت آن‌ها استفاده کنیم.»

توجه به نیازهای آموزگاران در فصل‌نامه‌دانش آموزش جغرافیا از دیگر نکاتی بود که حجت‌الاسلام محمدیان بر آن تأکید کرد: «در مقاله‌های علمی باید به نیازهای معلمان توجه کنیم و مطالبی روزآمد را به آن‌ها ارائه دهیم. تعداد صفحات کتاب‌های درسی و ساعات آموزشی ما محدود است اما می‌توانیم در مجلات آموزشی‌مان، به خصوص در مجلات رشد، دانش مخاطبان خود را گسترش دهیم و اطلاعات جدیدی را به آن‌ها ارائه کنیم.»

تولید و تدوین مجلات رشد دانش آموزشی توسط فصل‌نامه‌های تخصصی نیز پیشنهادی بود که حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر

محمی‌الدین بهرام محمدیان در آخرین سخنانش به آن اشاره کرد: «ما می‌توانیم در حوزه‌مجلات تخصصی رشد که مخاطبان اصلی آن‌ها دانش‌آموزان نیستند هم ضمیمه‌های دانش‌آموزی تولید کنیم. دست‌اندرکاران مجله‌هایی مانند رشد آموزش فیزیک، جغرافیا و ریاضی که مخاطبان اصلی آن‌ها معلمان هستند، اگر احساس می‌کنند مطالب مفیدی برای دانش‌آموزان دارند می‌توانند در کنار مجله، ضمیمه‌های دانش‌آموزی تولید کنند. علاوه بر این، می‌توانند به انتشارات مدرسه مأموریت دهند که این دانش را در قالب بسته‌های آموزشی تولید کند تا دانش‌آموزان در مطالعات آزادشان از آن‌ها استفاده کنند. همچنان که پایگاه ملی رشد نیز می‌تواند در این زمینه فعالیت کند.»

تقدیر از همراهان رشد آموزش جغرافیا

مهم‌ترین هدف از برپایی مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره‌مجله‌دانش آموزش جغرافیا، تقدیر از همه افرادی بود که بیش از ۲۷ سال با مجله‌دانش آموزش جغرافیا همراه و همگام بوده‌اند. کسانی همچون «محمدحسن گنجی»، «حسین شکویی»، «مصطفی مؤمنی»، «وحید شیخ‌الاسلامی» و «حسن وحدانی تبار» که از آن‌ها در این مراسم یاد شد.

تقدیر از دکتر عزت‌السادات نقاشیان، دکتر شوکت مقیمی، دکتر عباس سعیدی، دکتر ناهید فلاحیان، منصور ملک عباسی، دکتر عبدالرضا افتخاری، دکتر اصغر نظریان، دکتر سیدمهدی موسی کاظمی، دکتر محمد بای، کوروش امیری‌نیا، تقی گشتاسبی، مهندس سبحان، مهندس سعید بختیاری، زهره صداقت‌زاده، بهروز خاماچی و محمود مافی به پاس خدمات آن‌ها بخش دیگری از مراسم بود.

در بخش دوم تقدیر از همکاران مجله‌دانش آموزش جغرافیا،

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از چهار تن از کسانی که نقش بسزایی در جریان انتشار ۱۰۰ شماره مجله داشته‌اند، تقدیر کرد. به این ترتیب، تندیس ویژه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به «دکتر عبدالرضا فرجی‌راد»، «دکتر بهلول علیجانی»، «دکتر سیاوش شایان» و «دکتر مهدی چوبینه» اهدا شد.

مجله رشد آموزش فیزیک در پاییز به شماره ۱۰۰ رسید

بهار فیزیک در پاییز

سمانه آزاد

اشاره

اگر بگوییم فیزیک، علم حاکم بر جهان هستی و بنیان زندگی آدمی است به بیراهه نرفته‌ایم. از همین‌روست این علم نه تنها نیوتون، پاسکال و گالیله بلکه فیلسوفان بزرگی همچون ارسطو را نیز به خود جذب کرده است. شاید به همین دلیل هم باشد که برخی، فیزیک را، پس از ریاضی، نزدیک‌ترین علم به فلسفه می‌دانند.

نخستین قدم‌های آموزش این علم بنیادی در ایران، مانند سایر علوم به تأسیس دارالفنون باز می‌گردد. زمانی که «اگوستت کرشیش» اتریشی نخستین کتاب آموزشی در حوزه فیزیک را نوشت و گرچه اثر او چندان جامع و کامل نبود اما پس از او بزرگانی همچون «احمد آرام» به آموزش بنیادین، عملی و صحیح این علم به فرزندان ایران، همت گماشتند.

پس از آن و در دهه ۶۰، هم‌زمان با جنبشی که در آموزش و پرورش کشور ایجاد شد، استادانی مانند

«سیدجعفر مهرداد» از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مأمور برنامه‌ریزی برای انتشار مجله رشد آموزش فیزیک شد. مجله‌ای که قرار بود هم‌زمان با نوزایی علمی کشور، با هدف دانش‌افزایی آموزگاران، آشنایی با روش‌های تدریس و مواد و وسایل کمک‌آموزشی و نیز اطلاع از تحقیقات و اخبار جدید در حوزه فیزیک منتشر و در اختیار معلمان قرار گیرد.

اکنون پس از گذشت ۲۷ سال و با همت بزرگانی که سهم بسیاری در ارتقای سطح آموزش فیزیک داشتند، این مجله به شماره ۱۰۰ رسیده است و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌همین مناسبت یاران دیروز و امروز مجله را دور هم جمع کرد تا از همه کسانی که در این سال‌ها در رشد مجله سهم بوده‌اند، تقدیر کند.

رشد فیزیک، وفادار به سرمشق‌ها

مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش فیزیک در آبان ماه ۱۳۹۱ و هم‌زمان با هفته کتاب و کتابخوانی برگزار شد. موضوعی که از چشم **محمد ناصری**، مدیر دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی پنهان نماند و این مناسبت را به «**منیژه رهبر**» سردبیر مجله رشد آموزش فیزیک که برای ترجمه مجموعه «فیزیک مفهومی» برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹ شده است، تبریک گفت. ناصری همچنین، پس از گرمای داشت یاد و خاطره «اصغر نوروزیان» پدر آموزش فیزیک ایران به گزارشی از مهم‌ترین موضوعات ۱۰۰ شماره مجله رشد آموزش فیزیک اشاره کرد و گفت: «مجله رشد آموزش فیزیک درصد شماره خود سرمشق‌هایی را مدنظر قرار داده و به آن‌ها وفادار بوده است. از جمله آن‌ها می‌توان به‌عنایت ویژه به دانش‌افزایی معلمان از طریق طرح مباحث، روش‌ها و منابع موجود؛ معرفی آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی؛ آینده‌نگری در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی فیزیک و بررسی وضعیت موجود آن طی ربع قرن اشاره کرد. علاوه بر این‌ها، کاربردی کردن فیزیک و گره زدن آن به زندگی نیز از مهم‌ترین موضوعاتی است که در بسیاری از شماره‌های این مجله به چشم می‌خورد.»

وی در ادامه به فعالیت‌های مؤثر دست‌اندرکاران مجله رشد فیزیک همچون استفاده از زبان و بیان فصیح و روان در ارائه مطالب مجله پرداخت و افزود: «از فعالیت‌های مثبتی که می‌تواند یک رسانه را از کلی‌گویی دور کند؛ شکستن عناوین کلی به مباحث و سوژه‌های خردتر است که در مجله رشد فیزیک این کار به‌خوبی صورت گرفته و سوژه‌های متعدد و متنوعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. کمک به تبادل تجربه‌ها میان معلمان فیزیک؛ جلب

مشارکت آن‌ها در تولید محتوا برای مجله؛ نقد و پایش برنامه و کتاب‌های درسی این حوزه و بهره‌گیری از تجربه‌ها و اندوخته‌های همکاران حوزه فیزیک، از دیگر فعالیت‌های مثبتی است که در مجله رشد آموزش فیزیک شاهد آن هستیم.»

مدیر دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در انتها دست‌اندرکاران فصل‌نامه رشد آموزش فیزیک را به استفاده از قالب‌های متنوع رسانه‌ای و نیز تجربیات معلمان در سراسر کشور تشویق کرد و گفت: «با توجه به این که ما در این دفتر به کار انتشار مجلات مشغولیم، بهتر است به استفاده از قالب‌های متنوع رسانه‌ای توجه بیشتری داشته باشیم. علاوه بر این، همه معلمان و دیگر افرادی که در حوزه آموزش فیزیک، حرفی برای گفتن و تجربه‌ای برای ارائه دارند در اطراف ما نیستند. چه بسا معلمان باتجربه‌ای در نقاط دیگر کشور باشند که تجربه‌های بسیار غنی دارند و می‌توانند آن‌ها را در اختیار دیگران قرار دهند. هر چه دامنه تولیدکنندگان مطالب مجله گسترده‌تر باشد، مجله بهتر و ماندنی‌تر خواهد بود. به این امید که مجله رشد آموزش فیزیک بتواند راه خود را بهتر از همیشه طی کند.»

فیزیک قدسی، پیوند فیزیک با دین

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد آموزش فیزیک، بر پیوند دانش با زندگی و نیز جایگاه علوم طبیعی در برنامه درسی ملی تأکید کرد و گفت: «من از فیزیک و علوم تجربی به‌عنوان دانش طبیعی منقطع از عالم ماورا طبیعت یاد نمی‌کنم به‌همین جهت هم در برنامه درسی ملی، موضوعاتی مانند علوم تجربی را در حوزه ارتباطی دانش با عالم خلقت پیگیری می‌کنیم.»

در برنامه درسی ملی به ارتقای پنج عنصر تفکر، علم، عمل، ایمان و اخلاق در چهار عرصه ارتباطی با خود، خدا، خلق و خلقت تأکید شده است. ما در این برنامه به جای واژه طبیعت از خلقت استفاده کردیم چون در واژه طبیعت نوعی کژتابی و کج فهمی وجود دارد. معمولاً کسانی که این واژه را استخدام کرده‌اند گمان برده‌اند که طبیعت پدیده‌ای منقطع از علت فاعلی خود است یا برای آن علت فاعلی و علت غایی تصور نمی‌کنند. اما اگر با نگاه و جهان بینی الهی‌مان به خلقت نگاه کنیم، هم تفسیرپذیری خوبی پیدا خواهد کرد و هم ما را از مبدا آن منقطع نخواهد کرد.»

ارتباط میان فیزیک با دین و معاد نکته‌ای بود که رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به آن اشاره کرد و گفت: «پیش از این در حوزه ارتباط میان فیزیک و فلسفه مطالعات زیادی انجام شده است اما درباره ارتباط میان فیزیک و عالم معاد این اتفاق نیفتاده است. شاید عنوان فیزیک قدسی تعبیر جدیدی به نظر بیاید اما می‌توان فیزیک و دین را به هم پیوند زد.

گرچه ما باید در راه ترویج علم و پیوند علم با زندگی بکوشیم اما زندگی ما تنها به دنیای مادی محدود نمی‌شود. ما زندگی را امتدادی از این جهان به جهان دیگر می‌دانیم از این‌رو، فیزیک در آنجا هم وجود دارد گرچه فیزیک مادی نیست و به قول ملاصدرا در آن جهان حرکت به حرکت جوهری تبدیل شده است. امیدوارم رشد فیزیک به راه خود ادامه دهد و در این باب نیز تأملاتی داشته باشد.»

همواره همراه رشد فیزیک

نزدیک به سی سال پیش، سیدجعفر مهرداد از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حکمی را دریافت کرد که طی آن، به‌عنوان یکی از اعضای هیئت تحریریه مجله رشد

آموزش فیزیک انتخاب شده بود. گرچه مهرداد در آن زمان دوران بازنشستگی‌اش را می‌گذراند اما باز هم به منظور اعتلای سطح آموزش فیزیک در مدارس، قدم‌های نخستین برای انتشار این مجله را برداشت و تاکنون هم همواره همراه و هم‌گام این نشریه بوده است.

او در مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد آموزش فیزیک، در سخنانی کوتاه درباره نحوه ورودش به این مجله گفت: «در سال ۱۳۶۲، رئیس‌وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دکتر غلامعلی حداد عادل طی نامه‌ای، احکام هیئت تحریریه مجلات رشد را صادر و ابلاغ کرد و ۱۴ ماه پس از آن نخستین شماره مجله رشد آموزش فیزیک منتشر شد.»

مهرداد در ادامه گفت: «دکتر غلامعلی حداد عادل، علت موجهه و تامل مجلات رشد از جمله رشد فیزیک بود اما رشد، بالندگی، دوام و بقای آن حاصل زحمات افراد بسیاری است که در واقع علت مبقیه انتشار مجله بودند.

این علت مبقیه، ویژگی‌هایی داشتند که باعث رشد و تداوم انتشار مجله شدند. از جمله اینکه به کار خود علم داشتند؛ پایه و مایه کار را می‌دانستند و به کار خود ایمان و اعتقاد داشتند. اما از همه مهم‌تر همت عالی آن‌ها بود که باعث شد امروز صدمین شماره مجله منتشر شود و امیدوارم از این پس نیز راه مجله ادامه داشته باشد تا به قول پروین اعتصامی:

دبیه معرفت و علم چنان باید بافت
که توانیم فرستاد به بازاری چند

نخستین قدم: تحول در آموزگاران

تاسی و یکمین شماره رشد آموزش فیزیک، نام اصغر لطفی به‌عنوان سردبیر در این مجله درج شده است. او که آن زمان

مسئولیت گروه فیزیک در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را نیز برعهده داشت، نهالی را که به‌دست استاد سیدجعفر مهرداد کاشته شده بود، تا سی‌ویکمین شماره رشد داد.

وی با حضور در مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد فیزیک، از اهداف انتشار این مجله و نیز ایجاد آزمایشگاه برای آموزگاران درس فیزیک به منظور آموزش بهتر به دانش‌آموزان سخن گفت: «هر فرایند آموزشی دو طرف دارد؛ یاددهنده و یادگیرنده. همیشه معتقد بودم ما نمی‌توانیم یادگیرنده را تغییر دهیم اما باید خودمان را که یاددهنده هستیم تغییر دهیم. با همین دیدگاه بود که وقتی همراه با دوست بزرگوارم، شهید سید کاظم موسوی به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آمدیم، تصمیم گرفتیم ابتدا خود و سپس معلمان را تغییر دهیم. به‌همین منظور آزمایشگاهی را ایجاد کردیم و همه معلمان فیزیک را به مدت یک هفته در دبیرستان البرز آموزش دادیم تا درس فیزیک را همراه با آزمایش تدریس کنند و به این ترتیب فهم و درک عمیقی از مفاهیم فیزیک در دانش‌آموزان صورت گیرد. پس از آن هم کتابی را در این زمینه تألیف کردیم که به‌صورت دست‌نویس چاپ و توزیع شد چرا که فرصت حروف‌چینی را هم نداشتیم.»

یکی دیگر از روش‌های آموزش دبیران و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای آنان، تولید مجله‌ای در حوزه آموزش فیزیک بود. به این ترتیب بود که نخستین گام‌های انتشار فصل‌نامه رشد آموزش فیزیک برداشته شد: «یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزش معلمان، انتشار مجله بود. به‌همین دلیل سراغ دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی رفتیم. با استقبال ایشان و گروه‌های آموزشی دیگر، هیئتی برای تولید مجلات تشکیل شد و به این ترتیب ابتدا مجله رشد آموزش ریاضی و پس از آن رشد آموزش فیزیک منتشر شدند.»

اصغر لطفی در آخر گفت: «تا وقتی دانش‌آموزان مطلبی را باور نکنند، آن را یاد نمی‌گیرند. با آگاهی به این موضوع بود که در مجله سعی کردیم به معلمان کمک کنیم تا بتوانند به بهترین شکل مطالب و مفاهیم فیزیک را به دانش‌آموزان منتقل کنند. امیدوارم این روند همچنان ادامه پیدا کند.»

فیزیک، بنیان زندگی انسان

سیدحجت‌الحق حسینی، عضو هیئت تحریریه فصل‌نامه رشد آموزش فیزیک است. او نیز در سخنانی به ارتباط میان فیزیک و طبیعت اشاره کرد و گفت: «انسان نخستین منشاء همه اتفاقات طبیعی را آسمان و اسطوره می‌داند. بعدها این موضوع در مقوله دین هم تکرار و گرایش‌های دینی به طبیعت مطرح شد. همچنان که کتاب‌های آسمانی نگاه ویژه‌ای به طبیعت دارند.

در قرآن، ۸۵۰ آیه راجع به طبیعت‌شناسی وجود دارد. ۱۴ سوره صراحتاً اسامی طبیعی دارند و در ۲۶ سوره به تفصیل درباره طبیعت‌شناسی بحث شده است. البته طبیعت‌شناسی دینی نه برای بهره‌برداری از طبیعت بلکه برای نشان دادن نشانه‌های توحید و معاد در آن‌هاست. پس از آن نیز فلسفه و فیلسوفان به کنکاش و جست‌وجوگری در فیزیک پرداختند اما بیش از آن‌ها فیزیک در زندگی انسان حضور دارد. حضوری از ابتدای خلقت تا به‌حال.

بشر برای رهایی از پاره‌ای رنج‌ها، باید راهی را برای مهار نیروها و انرژی‌ها پیدا می‌کرد که جز با رفتار علمی و شناخت فیزیک ممکن نبود. طوری که به قول **محمد عبدالسلام** دانش امروز مخصوصاً با رویکرد فیزیکی، بنیان فناوری فرداست.»

فیزیک، جلوه‌گاه ریاضی

ریاضی و فیزیک رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند تا جایی که

برخی ریاضی را الفبای فیزیک و برخی فیزیک را جلوه‌گاه ریاضی می‌دانند. حجت‌الحق حسینی در سخنانی به رابطه این دو علم پرداخت و گفت: «فیزیک به ما هو فیزیک وجود خارجی دارد اما ریاضی، علمی اعتباری است. ریاضیات آنجا که می‌توانسته مباحث فیزیک را حل و فصل کند، در اعمال گالیله بنیان‌گذار فیزیک تجربی، به‌عنوان جداکننده روش علمی از روش‌های غیرعلمی به کار رفته است. به تعبیر من، فیزیک جلوه‌گاه ریاضی است. اما متأسفانه فیزیک آموزشی ما بیشتر مهارت حل مسئله است تا درک و فهم طبیعی فیزیک. این درحالی است که امروزه فیزیک به‌طور جدی وارد همه عرصه‌های زندگی بشر شده و پاسخگوی بسیاری از نیازهای اساسی و مهم انسان برای پیشرفت شده است و این ویژگی خاص روزگار ماست.»

یاد نادره مردان

نام اسفندیار معتمدی برای خوانندگان مجلات رشد آشناست. کسی که سال‌هاست به تاریخ آموزش و پرورش در ایران می‌پردازد تا غبار تاریخ، خدمات آن‌ها برای رشد و توسعه کشورمان را نپوشاند.

او در مراسم نکوداشت انتشار صدمین شماره رشد آموزش فیزیک هم یاد و خاطره همه کسانی را که با همت خود جنبش و تغییری در نظام آموزشی کشور را ایجاد کردند، زنده کرد: «اصغر نوروزیان، با فعالیت‌هایش جنبشی را در میان آموزگاران ایجاد کرد. او اعتقاد داشت نباید ذهن دانش‌آموزان را از مطالب غیر کاربردی انباشته کرد و به‌همین دلیل هم باید تغییری در آموزگاران ایجاد کرد. نوروزیان در سال ۱۳۳۸ سه آزمایشگاه فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی برای آموزش معلمان در مدرسه ولی‌الله نصر که امروز دبیرستان نرجس نامیده شده، ساخت.

پس از آن، معلمان از گوشه و کنار کشور به آزمایشگاه آمدند تا آموزش ببینند. سپس انجمن معلمان علوم تجربی، انجمن‌هایی در شهرهای دیگر و حتی آزمایشگاه سیار راه‌اندازی شدند. نتیجه این جنبش علمی، تلاش برای دگرگونی نظام آموزشی در سال ۱۳۴۵ بود. براساس این دگرگونی، آموزش علوم نه فقط در دبیرستان، بلکه در دوره ابتدایی هم آغاز شد. در این دوره بود که کسانی همچون دکتر محمود بهزاد، هوشنگ شریف‌زاده، ابوالقاسم قلم‌سیاه و محمدعلی بیگامی تلاش خود را برای نگارش کتاب‌های حوزه علوم برای دوره‌های مختلف تحصیلی آغاز کردند.»

معتمد در ادامه سخنانش به نقش انتشار مجله رشد فیزیک اشاره کرد و گفت: «با تلاش‌های این بزرگان بود که نوزایی علمی در کشور صورت گرفت. پس از آن و با تغییرات دیگر، زمینه و بستر ایجاد و تولید مجله رشد آموزش فیزیک فراهم شد. وقتی این مجله را از شماره یک تا صد مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که محتوای آن هم رشد داشته است. شماره‌های نخست این مجله به دانش‌افزایی معلمان اختصاص دارد چرا که در آن زمان این موضوع، مهم‌ترین نیاز معلمان بود. اما حالا علاوه بر اینکه محتوای مجله ارتقا پیدا کرده، معلمان هم دست به قلم شده و مقالات علمی می‌نویسند و این از نتایج فعالیت‌های مثبت مجله رشد آموزش فیزیک است.»

مجله رشد فیزیک؛ پیوند فیزیک و زندگی

«رشته فیزیک، نخستین انتخاب من برای تحصیل در دانشگاه بود. چرا که معلمان خوب و کتاب خوب استاد نوروزیان در دوره دبیرستان باعث شده بود حس کنجکاوی من نسبت به جهان اطراف برانگیخته شود. دوران تحصیلم در دانشگاه با افتتاح راکتور هسته‌ای مصادف شد که آن زمان جزئی از مرکز اتمی دانشگاه

تهران بود. من در همان مرکز کارآموزی خود را گذراندم و در آنجا بود که فهمیدم همه آنچه را که در فیزیک خوانده‌ایم تنها نظریه و تئوری نیستند بلکه کاربرد عملی هم دارند. این‌ها باعث شد تا تحصیلاتم را در رشته فیزیک هسته‌ای ادامه دهم. اکنون هم اگر به گذشته بازگردم، بار دیگر فیزیک را انتخاب می‌کنم چرا که باعث شد با محیط اطرافم برخورد منطقی و درست داشته باشم.»

دکتر منیژه رهبر، سردبیر کنونی مجله رشد آموزش فیزیک که از شماره ۳۸ با این مجله همراه بوده، پس از بیان علاقه خود به رشته فیزیک، مشارکت در انتشار این مجله را یکی از دستاوردهای بزرگ زندگی حرفه‌ای خود دانست و ادامه داد: «شاید برای بسیاری از دانش‌آموزان ما، فیزیک درسی سخت باشد. اما این اشکال سیستم آموزشی ماست که کمتر به ارتباط میان آنچه در کتاب‌ها می‌خوانیم با آنچه در دنیای اطرافمان می‌گذرد توجه می‌کند. اگر می‌خواهیم در راه و مسیر ترویج علم قدم بگذاریم باید مطالب درسی فیزیک را با آنچه در جهان اطراف می‌گذرد پیوند دهیم.»

به حافظه سپردن فرمول‌ها به‌جای سعی در درک مفاهیم فیزیک، از موضوعاتی بود که منیژه رهبر به آن اشاره کرد و گفت: «ما امروز شاهدیم که دانش‌آموزان وقت بسیاری را صرف آموزش می‌کنند اما متأسفانه کتاب‌هایی که ترویج می‌شوند، بیش از آنکه به درک مفاهیم منجر شوند، آن‌ها را به حفظ کردن مفاهیم تشویق می‌کنند. به‌همین دلیل است که به‌رغم تلاش و کوششی که صورت می‌گیرد، شاهد دستاورد چندانی در این حوزه نیستیم.»

رهبر به اهمیت استفاده از آزمایشگاه در تدریس درس فیزیک نیز اشاره کرد و گفت: «متأسفانه در سیستم آموزشی ما، به آزمایشگاه اهمیت چندانی داده نمی‌شود در صورتی که فیزیک بیش از هر چیز یک علم تجربی است که اساس آن بر تجربه و

آزمایش است. اکنون بیشتر دانش‌آموزان ما قادر به حل بسیاری از مسائل فیزیک هستند اما کاربرد آن را نمی‌دانند و وقتی با مسئله‌ای مربوط به زندگی روزمره‌شان روبه‌رو می‌شوند قادر به حل آن نیستند و نمی‌توانند از دانش خود استفاده کنند. به‌همین دلیل است که ما در مجله رشد آموزش فیزیک بر انتقال ساده مفاهیم به مخاطبان، مفهومی کردن فیزیک و نیز پیوند این مفاهیم با زندگی واقعی تأکید داشته‌ایم. البته می‌دانیم که تا رسیدن به وضعیت مطلوب راهی طولانی در پیش داریم ولی سعی ما همواره در این جهت خواهد بود تا دانش‌آموزان ما بتوانند با استعداد خود کشورمان را به جایگاه شایسته خود برسانند.»

تقدیر از رشد دهندگان رشد

از اهداف اصلی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای برگزاری نکوداشت انتشار صدمین شماره مجله‌های رشد، تقدیر از همه کسانی است که در رشد و بالندگی این مجلات نقش داشته‌اند. در انتشار مجله رشد آموزش فیزیک بزرگان بسیاری نقش داشته‌اند که طی این مراسم و در دو بخش مورد تشویق و تقدیر قرار گرفتند.

در بخش نخست از «آزیتا سیدفدایی»، «جهانگیر ریاضی»، «عزت‌الله عرضی»، «اسفندیار معتمدی»، «حجت‌الحق حسینی»، «روح‌الله خلیلی بروجنی»، «محمدعلی سعادت‌بخت»، «امیر بیژن عدالت»، «صمد فرخی» و «محمدرضا خوش‌بین خوش‌نظر» تقدیر شد.

بخش دوم نیز به تقدیر از مرحوم «اصغر نوروزیان»، «اصغر لطفی»، «سیدجعفر مهرداد»، «احمد احمدی»، «غلامعلی محمودزاده» و دکتر «منیژه رهبر» اختصاص داشت که تلاش آن‌ها در طی بیش از ۲۷ سال، تدوam حیات فصل‌نامه رشد آموزش فیزیک را در پی داشت.

گزارشی از برگزاری چهل و دومین جشنواره فیلم رشد

۴۶ کشور در ۴۲۰۰ سانس فیلم مهمان جشن سینمایی رشد

حمید نورشمسی

تأمین رسانه‌های آموزشی کار خود را آغاز کرد. این جشنواره که به منظور حمایت از تولید فیلم‌های مربوط به پروژه‌های وزارت آموزش و پرورش، شرکت‌ها و مؤسسات برای مدارس و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، پخش تلویزیونی، آموزشی و انتشار وب برگزار می‌شود امسال در ۲۳ موضوع متنوع از جمله هنر، زیست‌شناسی، حرفه‌وفن و موضوعات متنوع آموزشی میزبان دانش‌آموزان و مربیان آموزشی سراسر کشور بود. در مراسم افتتاحیه این جشنواره در کنار جمعیت قابل توجه دعوت شده به این مراسم چند تن از مسئولان برگزارکننده جشنواره و مسئولان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سخنرانی پرداختند.

جشنواره فیلم رشد بستر تحقق بسته آموزشی به‌جای کتاب درسی

حمیدرضا کفایش، معاون تألیف و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی نخستین سخنران این مراسم و به رسم میزبانی در

خورشید شاید هر روز از مغرب غروب کند و برای مردم شهر تاریکی را سوغات بیاورد اما خورشید غروب روز ۵ آبان‌ماه سال ۹۱ در حوالی مرکز شهر تهران تازه راه طلوع را می‌پیماید و سینمای مرکز شهر را روشن‌تر از روزهای دیگر خود می‌کند. خورشید این بار برای چهل و دومین سال متوالی نه از مشرق که از پشت درهای سینما فلسطین و برای چهل و دومین سال متوالی و با نمایش مجموعه‌ای از آثار سینمایی آموزشی به روی مردم شهر تابیدن گرفته و می‌رود تا بار دیگر جلوه تازه‌ای از وجود خود را به رخ بکشاند.

چهل و دومین جشنواره فیلم‌های آموزشی رشد با هدف ایجاد نوآوری، خلاقیت، بالا بردن سطح کیفی فیلم‌های آموزشی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی و ایجاد فرصت و انگیزه برای فیلم‌سازان، کارگردانان، نویسندگان، و هنرمندان وابسته و غیروابسته در زمینه تولید فیلم‌های آموزشی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در توسعه آموزش و فرهنگ مدارس عصر روز جمعه ۵ آبان و با میزبانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر

سخنرانی خود با اشاره به برگزاری ۴۲ دوره جشنواره فیلم رشد با اشاره به استفاده از تجربیات گذشته برگزاری جشنواره برای پربارتر شدن این جشنواره، اهداف جشنواره را «شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی از سراسر جهان»، «بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت سینما در آموزش و پرورش و نقش مؤثر آن در پیشبرد فرایند یاددهی و یادگیری»، «تبادل فرهنگی و هنری بین کشورهای مختلف دنیا و جمهوری اسلامی ایران»، «ارتقای جایگاه فیلم‌های آموزشی و تربیتی از نظر کمی و کیفی در سطح کشور و تشویق هنرمندان برجسته ایران و سایر کشورها به تهیه ساخت فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی»، «آگاهی از تحولات و نوآوری‌های علمی - آموزشی و تربیتی کشورهای جهان»، «ایجاد ارتباط متقابل بین تولیدکنندگان فیلم‌ها و برنامه‌های علمی، آموزشی و تربیتی با علاقه‌مندان و خواستاران امتیاز فرهنگی این نوع آثار» و «توسعه فرهنگ به کارگیری فیلم آموزشی در فرایند برنامه درسی برای تحقق بسته آموزشی به‌جای کتاب درسی» اعلام کرد.

دبیر چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد گفت: «جشنواره چهل و دوم با ارسال ۳ هزار فراخوان (به زبان فارسی) در اردیبهشت‌ماه سال جاری به ده‌ها مؤسسه و مرکز تولید فیلم، افراد حقیقی و حقوقی و چاپ در نشریات و مطبوعات کار خود را آغاز کرد؛ در همین راستا تعداد ۱۲ هزار آیین‌نامه و فرم فراخوان انگلیسی از طریق روابط بین‌الملل دفتر جشنواره با پست الکترونیکی به مؤسسات فیلم‌سازی، جشنواره و افراد دست‌اندرکار تولید فیلم در سراسر جهان فرستاده شد که نتیجه این رویداد، ارسال ۱۱۴۸ فیلم ایرانی و ۲۷۴ فیلم خارجی به دبیرخانه جشنواره بود.»

وی یادآور شد: «مردادماه سال جاری به مدت ۳۰ روز کار انتخاب فیلم‌ها انجام شده است و فیلم‌های ایرانی شامل ۹۵۲ فیلم

در بخش آزاد، ۱۴۵ فیلم در بخش فرهنگیان و ۵۱ فیلم در بخش دانش‌آموزان فیلمساز است و فیلم خارجی نیز شامل ۲۲۹ فیلم در بخش آزاد و ۴۵ فیلم در بخش دانش‌آموزی است.»

حمیدرضا کفاش خاطرنشان ساخت: «در بخش مسابقه ۱۷۶ فیلم شامل ۸۶ فیلم در بخش مسابقه ایرانی آزاد، ۳۷ فیلم در بخش مسابقه خارجی آزاد، ۱۳ فیلم در بخش مسابقه فرهنگیان فیلمساز، ۱۰ فیلم در بخش مسابقه دانش‌آموزی ایرانی، ۷ فیلم در بخش مسابقه دانش‌آموزی خارجی، ۱۷ فیلم در بخش ویژه نهضت سواد آموزی، ۴ فیلم در بخش ویژه ۱۳۷ ثانیه‌ای شهروندی، ۲ فیلم در بخش ویژه تولیدات دفتر به رقابت می‌پردازند.»

معاون «تألیف، تولید مواد و رسانه‌های آموزشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش تصریح کرد: «از مجموع فیلم‌های انتخاب شده در بخش مسابقه ۱۰۹ فیلم ایرانی، ۴۴ فیلم خارجی و ۲۳ فیلم بخش ویژه است.»

حمیدرضا کفاش موضوعات جشنواره چهل و دوم را نیز این‌گونه اعلام کرد: «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش در حوزه دانش و مهارت و تربیت»، «استقرار نظام آموزشی "۳-۶"»، «تعلیم و تربیت اسلامی (خانواده، معلم، دانش‌آموز و توسعه آموزش و مفاهیم قرآنی)»، «اقتصاد سالم (هدفمندی یارانه‌ها، توسعه بورس، اصلاح الگوی مصرف، کالای ایرانی، افتخار ایرانی)»، «فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی»، «مقاومت ملی پایدار (آموزش در شرایط بحران)»، «توسعه فناوری‌های نوین در آموزش و پرورش»، «آموزش و پرورش استثنایی»، «آموزش و مهارت‌های زندگی و آداب و حقوق شهروندی» و «ارزش‌ها و مفاهیم دفاع مقدس.»

معاون «تألیف، تولید مواد و رسانه‌های آموزشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش تأکید

کرد: «این جشنواره در گروه‌های «فیلم‌های علمی»، «فیلم‌های مستند»، «فیلم‌های انیمیشن»، «فیلم‌های تربیتی داستانی کوتاه»، «فیلم‌های تربیتی داستانی بلند» و «تماهنگ» برگزار می‌شود.»
ادامه این مراسم پس از پخش فیلمی درباره یک معلم جانباز، با حضور جواد شمقدری، کفاش و حجت‌الاسلام محمدیان، معاون وزیر آموزش و پرورش از این معلم جانباز همراه همسرش تقدیر شد. وی نیز هدیه خود را به مردم زلزله‌زده تقدیم کرد.

وزارت ارشاد حامی آموزش و پرورش در سینما
در ادامه این مراسم **حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان**، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به سخنرانی پرداخت.

وی اهداف این جشنواره را تولید و تقدیر از سازندگان آثار سینمایی آموزشی به منظور آن جهت تسهیل یادگیری مفاهیم پیچیده خواند و گفت: «قصد ما تولید و معرفی فیلم‌های تربیتی - آموزشی و تقدیر از پدیدآورندگان این آثار و در گام بعدی انتقال آنان به تک‌تک مدارس است.»

وی ادامه داد: «براساس اسناد تحول بنیادین و برنامه ملی درسی استفاده از فیلم آموزشی بخشی قابل اجرا و ضروری در مدارس است. چرا که می‌تواند فرایند یادگیری مفاهیم پیچیده را آسان ساخته و تربیت را عینیت بخشد. به همین دلیل است که ما به جشنواره اهتمام داریم و نسبت به تولیدات برگزیده اقدام کرده‌ایم.»
محمدیان سینمای کودک و سینمای آموزشی را سینمایی پاک خواند و با اشاره به رشد و نمو این نوع سینما در صورت قرار گرفتن در چارچوب‌های برنامه‌های آموزشی از معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست تا حمایت‌های خود از این سینما

را به سمتی سوق دهد که وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد مرتبط با کودکان و نوجوانان نقش پررنگ‌تری را در این امر ایفا کند.

معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همچنین با اشاره به لزوم رشد تربیتی دانش‌آموزان با بهره‌گیری از فیلم‌های ساخته شده برای آنان از معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست تا حمایت‌های سینمایی خود را به سمتی سوق دهند که وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد مرتبط با کودکان و نوجوانان نقش اصلی خود را در این حیطة ایفا کند. وی یادآور شد: «هنگامی که پشتیبانی‌های لازم از وزارت آموزش و پرورش در این زمینه صورت گیرد، این امر سبب حمایت بیشتر مخاطبان از این فیلم‌ها خواهد شد.»

سینما و مسئله مهارت زندگی

جواد شمقدری معاون امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز سومین و آخرین سخنران این مراسم بود که پس از خواندن سرودی توسط بچه‌های دانش‌آموز، به سخنرانی پرداخت. وی با اشاره به قدمت ۵۰ ساله جشنواره فیلم رشد یادآور شد: «فیلم، زبان تاریخی ماست و هر کشوری که می‌خواهد تاریخ ماندگاری داشته باشد از ابزار فیلم استفاده می‌کند و جشنواره‌ای که ۴۲ دوره یا نیم قرن را پشت سر گذشته باشد به‌عنوان عقبه تاریخی ایران اسلامی قابل احترام است.»

معاون سینمایی با اشاره به سرانته پایین کتابخوانی در کشور خاطر نشان کرد: «دوست‌داران فرهنگ باید جهاد کتابخوانی را در کشور راه‌اندازی کنند و با ایجاد خوراک مناسب برای فیلم‌ها به موفق بودن آثار تولید شده توسط کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها بپردازند.»

وی آموزش و پرورش را یکی از ارگان‌هایی دانست که می‌تواند حلقه مفقوده پژوهش را احیاء کند و تأکید کرد: «آثار موفق از ذهن‌های خلاق تولید می‌شود اما این ذهن خلاق به تنهایی کافی نیست و اگر به لایه‌های پنهان آن نفوذ کنیم شاهد خواهیم بود که پژوهش و سیعی در آن حوزه شده است.»

این مقام مسئول در حوزه سینمایی افزود: «هنگامی که می‌خواهیم برای اولین بار در هر حوزه گام برداریم احتمال خطا و لغزش وجود دارد و عده‌ای آماده هستند که با بزرگ‌نمایی، از این لغزش ابزاری برای بازی هدفمند استفاده کنند اما نباید از این لغزش‌ها ترسید و باید به هدف فکر کرد.»

معاون سینمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تولید فیلم‌های منتقدانه با حمایت این معاونت گفت: «در هر مسیر تولید فیلم‌های انتقادی موافق و مخالفانی وجود دارد و فیلمساز می‌تواند در کنار نقد و چالش راه نجات و سعادت را بیابد.»

وی با یادآوری به این موضوع که فیلم‌های آموزشی فیلم‌هایی هستند که مهارتی را به فرد می‌آموزند تصریح کرد یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که کشور ما به آن نیاز دارد مهارت زندگی است، مسئله‌ای که فیلمسازان داخلی از آن غافل شده‌اند و گوی و میدان را به دیگران داده‌اند.

شمقدری با اشاره به منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد آموزش و تهیه و تدوین کتب آموزشی مهارت‌های زندگی گفت: «در حال حاضر بیشتر کتاب‌هایی که در حوزه آموزش مهارت‌های زندگی، موفقیت، شادمانی و... است توسط کشورهای دیگر تولید می‌شوند و با فرهنگ اسلامی ما همخوانی ندارند پس یکی از وظایف شما تولید آثاری است که سبک زندگی اسلامی را به نمایش می‌کشد.»

در پایان این مراسم از استان‌های ممتاز که در دوره گذشته

آثار متعددی در جشنواره ارائه کردند و حضور پررنگی داشتند با حضور کفاش، شمقدری و محمدیان تجلیل شد و پس از آن نیز یک انیمیشن برزیلی و یک فیلم سینمایی با عنوان «شعله در باد» به نمایش درآمد.

جشنواره چهل و دوم رشد اما به جز سینما فلسطین و سینما صحرا در ۱۲۰ سالن دانش‌آموزی شهر تهران در مدارس و کانون‌های فرهنگی تربیتی آموزش و پرورش نیز میزبان فیلم‌های برگزیده خود بود.

همچنین هم‌زمان با برگزاری جشنواره فیلم رشد در تهران برای به تصویر کشیدن اقتدار ایران اسلامی فیلم‌های مرتبط تاریخی، علوم اجتماعی و مربوط به خلیج فارس در شهرستان ابوموسی اکران شد که برای اجرای این طرح استان هرمزگان به‌عنوان استان معین انتخاب شد.

همچنین امسال برنامه ویژه‌ای برای دانش‌آموزان، فرهنگیان و اولیای دانش‌آموزان مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی پیش‌بینی شد و طی آن، منتخبی از فیلم‌های شاد این جشنواره در مناطق زلزله‌زده اهر، ورزقان و هریس اکران شد.

چهل و دومین جشنواره فیلم‌های آموزشی رشد در نهایت و پس از یک هفته اکران فیلم‌های منتخب جشنواره در ۴۲۰۰۰ سانس با معرفی برگزیدگان خود در عصر جمعه ۱۳ آبان به کار خود پایان داد.

در این مراسم که با حضور جمعی از مسئولان بخش آموزشی و سینمایی کشور، علاقه‌مندان به فیلم‌های آموزشی، هنرمندان، فیلمسازان و دانش‌آموزان فیلمساز در سینما فلسطین برگزار شد. حمیدرضا کفاش، دبیر این جشنواره ضمن اعلام آمار و ارقام قابل تأمل این دوره از جشنواره به تشریح این آمار و ارقام پرداخت.

وی که پیش از این نیز تعداد آثار رسیده به جشنواره را ۱۱۴۵

اثر ایرانی و ۲۷۱ اثر خارجی اعلام کرده بود گفت: «پس از پذیرش ۱۷۶ اثر، این فیلم‌ها طی هفته گذشته در ۴۲۰۰ سانس و با ۸۴۰ هزار نفر ظرفیت تماشاچی به نمایش درآمدند.»

کفاش در این مراسم بار دیگر به اهدای جایزه سیف‌ز در این جشنواره اشاره و با تأکید بر بازتاب رسانه‌ای این جشنواره و گفت: «این جشنواره در ۵۰ سالگی خود شاهد چاپ ۱۰۰۰ خبر، ۲۰ مقاله و ۸۰ گفت‌وگو در ۱۰۰ خبرگزاری و روزنامه، پیرامون اهداف، برنامه‌ها و حاشیه‌های خود بوده است.»

ثبات سیاسی با فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی

مهندس ایرج حسابی نیز یکی از حاضران در مراسم پایانی چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد بود که بر ایجاد ارتباط فرهنگی با دیگر کشورها تأکید کرد و گفت: «حضور ۴۶ کشور در این جشنواره در زمانی که آمریکا و اروپا دست به تحریم ایران زده‌اند نقشی غیرقابل انکار در ثبات سیاسی و اجتماعی کشور خواهد داشت.»

مهندس حسابی افزود: «پروفسور حسابی همواره معتقد بودند که به‌قول معروف مچ‌گیری از سیاستمداران یک کشور منوط به ارتباط با شاعران، فیلمسازان، مقاله‌نویسان و هنرمندان آن سرزمین است. وقتی که این ارتباط برقرار شد این وظیفه را ناخودآگاه آنان برعهده خواهند گرفت.»

حسابی تقدیر و تجلیل از جانبازان راز دیگر نکات بارز جشنواره خواند افزود: «یکی از دلایل موفقیت و استمرار جشنواره فیلم رشد، ثبات مدیریت و عدم تغییر مدیریت کلان آن بوده است.» او یادآور شد: «در کارهای بین‌المللی زمانی می‌توان به موفقیت دست یافت که مدیران بتوانند ارتباط‌های ایجاد شده خود را گسترش دهند و هر ساله تجربیات خود را در راه تداوم جشنواره‌ها به کار بگیرند.»

جشنوارهٔ رشد؛ حامی مطمئن سند تحول در نظام آموزش و پرورش

حسین هژبری، معاون فرهنگی و پرورشی وزیر آموزش و پرورش نیز به‌عنوان دیگر سخنران مراسم اختتامیه با اشاره به آنکه یکی از بزرگ‌ترین اهداف آموزش و پرورش، توانمندسازی دانش‌آموزان در حوزه‌های فرهنگی است خاطر نشان کرد: «اختتامیهٔ جشنوارهٔ رشد که نماد زحمات و به‌ثمر نشستن تلاش ما بود برای من باشکوه است.»

او با اشاره به طرح یاران مدرسه خاطر نشان ساخت: «در این طرح به دانش‌آموزان طرح‌ها و نقش‌هایی در حوزهٔ ادارهٔ مدرسه داده می‌شود که دانش‌آموزان نه‌تنها در حوزهٔ تعلیم و تربیت بلکه مدیریت، مسئولیت اجتماعی، تعاون و... نیز پویا می‌شوند.»

هژبری تصریح کرد: «وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های تحول محور خود به دنبال رسانه‌ها و نرم افزارها و ابزارهای کمک آموزشی است که به واسطهٔ آن‌ها در فرایند آموزش تصریح شود لذا برگزاری جشنوارهٔ فیلم رشد یکی از راه‌های رسیدن به برخی از این ابزارهاست که همواره مورد حمایت ما بوده است.»

او با اشاره به این موضوع که این وزارت‌خانه به دنبال فرصتی است تا فیلم‌های آموزشی هم در شبکه تولید و توزیع قرار گیرند گفت: «برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در این حوزه صورت گرفته است و تا حد زیادی این هدف تحقق یافته است.»

معاون وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: «از نگاه ما همهٔ دانش‌آموزان ایرانی در یک جایگاه و موقعیت یکسان و مهم قرار دارند و براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به‌همین دلیل هم‌زمان با تهران اکران فیلم‌ها در برخی از استان‌ها و مناطق زلزله‌زده و ابوموسی انجام می‌شود.»

او یادآور شد: «در سند تحول بنیادین روش‌های و فناوری‌های

نوبین در کنار معلم که محور آموزش قرار دارد و ۴۲ دوره جشنواره فیلم رشد منبعی مطمئن و ارزشمند برای دستیابی به برترین فیلم‌های آموزشی، علمی و تربیتی است.»

هژبری با اشاره به ارسال بسته‌های فیلم برتر به مدارس کشور یادآور شد: «با توجه به حجم بالای این آثار که متأسفانه در برخی مدارس به خوبی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، تا ایده‌آل فاصله داریم که امیدواریم با فرهنگ‌سازی لازم به‌زودی ابزارهای کمک آموزشی از جمله فیلم‌های آموزشی هم جزئی از تدریس شوند.»

هنر؛ ابزار تسهیل آموزش

حجت‌الاسلام والمسلمین محی‌الدین بهرام محمدیان معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در مراسم اختتامیهٔ چهارم و دومین جشنوارهٔ فیلم رشد، هنر را ابزاری برای تسهیل در آموختن و آموزش و تلاش جشنوارهٔ رشد را نیل به فراگیر شدن این هدف دانست.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی نیز دیگر سخنران این مراسم بود که در مراسم اختتامیهٔ جشنوارهٔ نظام تعلیم و تربیت اسلامی را نظامی خواند که با تکیه به این پشتوانه برای تحقق حیات طیبهٔ انسان از طریق شکوفایی فطرت انسان‌ها طراحی شده است.

او دانش واقعی را دانشی خواند که در حوزهٔ این نظام سامان بگیرد و رفتار انسانی را اصلاح کند و به رابطه با خدا و سرانجام اصلاح رابطه با خلق خدا به دلیل رابطه با معبود برسد.

محمدیان افزود: امروزه ما به جشنوارهٔ فیلم رشد نیز چنین نگاهی داریم و ابزار هنر را به کار گرفته‌ایم تا به تسهیل آموختن و فراگیر شدن آموزش‌ها بینجامد.

وی در انتهای سخنان خود متذکر شد: «امید است یافته‌های

جشنواره در سال تحصیلی جاری و آینده برای دانش‌آموزان پربار باشد.»

در ادامه مراسم اختتامیه این جشنواره برگزیدگان جشنوارهٔ چهل و دوم به شرح زیر تقدیر شدند:

بخش دانش‌آموزان فیلم‌ساز:

۱. تندیس زرین، لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی به فیلم مستند «خانوادهٔ شمعدانی» به کارگردانی فاطمه انصاری

۲. تندیس زرین، لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی به فیلم کوتاه «سوختن در آب، غرق شدن در آتش» به کارگردانی زانیار طهماسبی

۳. تندیس زرین، لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی به انیمیشن «نقاشی ذهن» اثر مسعود طایری

۴. دیپلم افتخار و لوح تقدیر به «چرا با صدای خروس خورشید درمی‌آید» به کارگردانی گلابر یاندمیدزه از کشور گرجستان

بخش فرهنگیان فیلم‌ساز:

۱. تندیس سیمین، لوح تقدیر و جایزهٔ نقدی به فیلم «آرزوها» به کارگردانی محمد مقیم‌پور بیژنی

۲. دیپلم افتخار و جایزهٔ نقدی به «آن مرد ایستاده است» به کارگردانی علیرضا نوروزی

بخش مستندهای علمی و آموزشی:

۱. جایزهٔ نقدی و تندیس جشنواره به شرکت منالیزا از کشور فرانسه برای ساخت چند فیلم علمی و آموزشی

۲. دیپلم افتخار، لوح زرین و جایزهٔ نقدی به مستند «بازمانده تیس» به کارگردانی بابک مجیدی

۳. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «پرواز با بالهایم» به کارگردانی رسول انتشاری
۴. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «رصدخانه مراغه» به کارگردانی حسین پورستار
۵. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «مهرا» به کارگردانی حسن نقاشی
۶. تندیس زرین و جایزه نقدی به فیلم «سلام خدای مهربان» به کارگردانی حسن نقیان فشارکی

بخش فیلم کوتاه داستانی:

۱. جایزه ویژه و جایزه نقدی به فیلم «۳ در ۳» به کارگردانی نونورجا از کشور پرتغال
۲. تندیس زرین و جایزه نقدی به فیلم «عینک جادویی» به کارگردانی دانیال رپتر از کشور مکزیک
۳. تندیس ویژه و جایزه نقدی به فیلم «نامه‌ها، عکس‌ها، آدم‌ها» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان
۴. جایزه ویژه و نقدی به فیلم «مسئول» به کارگردانی سرجوباره خون از کشور اسپانیا
۵. جایزه ویژه دبیر جشنواره لوح تقدیر و جایزه نقدی برای به تصویر کشیدن آرزوی صادقانه یک فیلم‌ساز استثنایی به فیلم «۲۴ ساعت مرخصی» به کارگردانی ناصر شهریاری احمدی

بخش پویانمایی:

۱. جایزه ویژه هیئت داوران، جایزه نقدی به پویانمایی «صدای جاده» به کارگردان برزان رستمی
۲. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به پویانمایی «انتظارات بزرگ» به کارگردانی الکسی گونینگو از کشور پرتغال

۳. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به پویانمایی «آهوی گردن‌دراز» به کارگردانی سیدحسن سلطانی
۴. تندیس زرین، لوح تقدیر و جایزه نقدی به پویانمایی «ماسوله» به کارگردانی بهرام عظیمی

ب

بخش سیفژ:

۱. فیلم «شعله در باد» به کارگردانی فرهاد مهران‌فر
۲. «اتاق رحمت» به کارگردانی هوشنگ حسینی
۳. «گراماز» به کارگردانی عباس رافعی
۴. «سلام مادر» به کارگردانی امیر طرفه‌حسینی
۵. «و خدایی که» به کارگردانی مهشید فریدفر
۶. «مادر پاییزی» به کارگردانی سیروس رنجبر
۷. «مدرسه نیکان» به کارگردانی حسن شریعتمداری
۸. «آوای آشنا» به کارگردانی سهیلا کریمی
۹. «آسان‌ترین کار کوچولوها» به کارگردانی مصطفی خسروی

بخش فیلم‌های ۱۳۷ ثانیه‌ای:

۱. مهدی طالبانی
۲. مهدی نصیری
۳. فاطمه سلطانی
۴. سمیه میرمهدوی

بخش فیلم‌نامه:

۱. رحیم کریم‌زاده
۲. عادل عطاران
۳. مریم طیار
۴. طهر زنگانه

بخش فیلم داستانی بلند:

۱. جایزه ویژه و جایزه نقدی به فیلم «آقای مدیر» به کارگردانی حسن آفاکریمی
۲. دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «گاتو» به کارگردانی راجان خوسه از کشور هندوستان
۳. جایزه ویژه و جایزه نقدی به فیلم «آوان» به کارگردانی آرش سجادی حسینی
۴. تندیس زرین لوح تقدیر و جایزه نقدی به فیلم «شعله در باد» به کارگردانی فرهاد مهران‌فر.

آمارها چه می گویند؟

ماهنامه رشد آموزش راهنمایی از نگاه مخاطبان

تحلیل وضعیت مخاطبان از نظر شغل

با توجه به جدول و نمودار زیر ۸۵/۲ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، معلم و فقط ۲/۹ درصد از آنان را مدیران تشکیل داده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی وضعیت مخاطبان از نظر

شغل

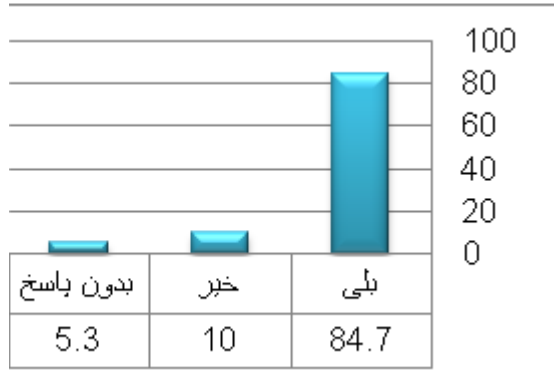
شغل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
معلم	۱۷۸	۸۵,۲	۸۹,۰	۸۹,۰
معاون	۱۳	۶,۲	۶,۵	۹۵,۵
مدیر	۶	۲,۹	۳,۰	۹۸,۵
غیره	۳	۱,۴	۱,۵	۱۰۰,۰
کل	۲۰۰	۹۵,۷	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۹	۴,۳		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

در این نوشتار به تحلیل یافته‌ها و تحلیل اجمالی برخی از نتایج نظرسنجی در مورد ماهنامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی پرداخته می‌شود. که با توجه به اهداف تحقیق و نظرات پاسخ‌گویان، ارائه شده است. در حیطه آمار توصیفی داده‌ها با استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودار ستونی ارائه گردیده‌اند.

در حیطه آمار استنباطی، روش تحلیل واریانس یک راهه ANOVA و آزمون تعقیبی LSD مورد استفاده قرار گرفته است. تمامی تحلیل‌ها در حیطه آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است.

وجود مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
بلی	۱۷۷	۸۴,۷	۸۹,۴	۸۹,۴
خیر	۲۱	۱۰,۰	۱۰,۶	۱۰۰,۰
کل	۱۹۸	۹۴,۷	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۱۱	۵,۳		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

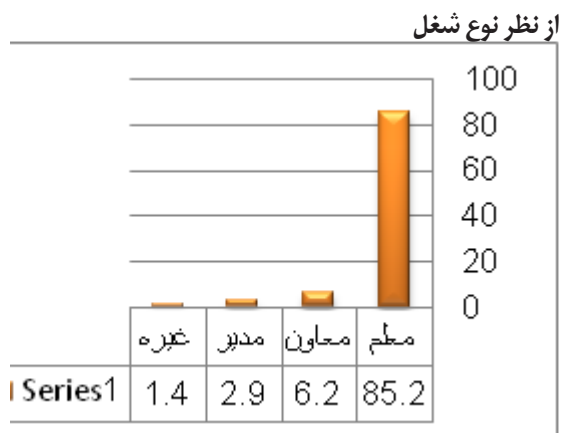
نمودار شماره ۲: نمودار ستونی تحلیل وضعیت وجود یا عدم وجود مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدارس



تحلیل متناسب بودن مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با اهداف این دوره

با توجه به جدول و نمودار زیر ۸۲/۸ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با اهداف این دوره تناسب دارد. تنها

نمودار شماره ۱: نمودار ستونی تحلیل وضعیت مخاطبان



تحلیل وضعیت وجود یا عدم وجود مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدارس

با توجه به جدول و نمودار زیر ۸۴/۷ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدارس وجود دارد. تنها ۱۰ درصد از مخاطبان در دفتر مدارس شان این مجله نیست.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی وضعیت وجود یا عدم وجود مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدارس

۷/۲ درصد از مخاطبان معتقدند که مطالب ارائه شده در این نشریات متناسب با اهداف دوره راهنمایی نیست.

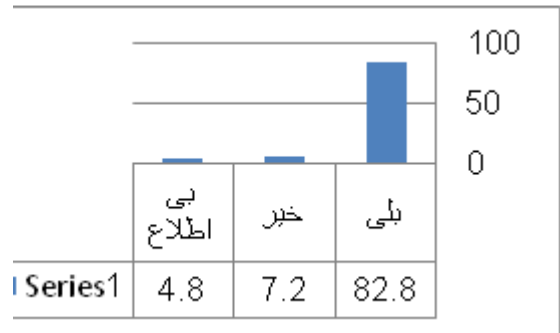
جدول شماره ۳: توزیع فراوانی متناسب بودن مطالب

مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با اهداف این دوره

متناسب بودن با اهداف	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
بلی	۱۷۳	۸۲٫۸	۸۷٫۴	۸۷٫۴
خیر	۱۵	۷٫۲	۷٫۶	۹۴٫۹
بی اطلاع	۱۰	۴٫۸	۵٫۱	۱۰۰٫۰
کل	۱۹۸	۹۴٫۷	۱۰۰٫۰	
بدون پاسخ	۱۱	۵٫۳		

نمودار شماره ۳: نمودار ستونی تحلیل متناسب بودن مطالب

مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با اهداف این دوره



تحلیل مفید بودن مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای مدیریت کلاس

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۷۰ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای مدیریت کلاس درس مفید است. حدود ۲۰ درصد از مخاطبان معتقدند که مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای مدیریت کلاس درس مفید نیست. حدود ۱۰ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

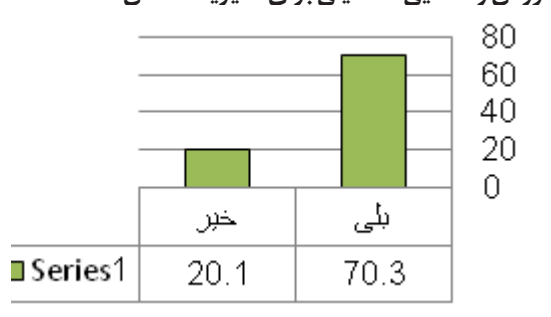
جدول شماره ۴: توزیع فراوانی مفید بودن مطالب مجله رشد

آموزش راهنمایی تحصیلی برای مدیریت کلاس

متناسب بودن با اهداف	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
بلی	۱۴۷	۷۰٫۳	۷۷٫۸	۷۷٫۸
خیر	۴۲	۲۰٫۱	۲۲٫۲	۱۰۰٫۰
کل	۱۸۹	۹۰٫۴	۱۰۰٫۰	
بدون پاسخ	۲۰	۹٫۶		
کل	۲۰۹	۱۰۰٫۰		

نمودار شماره ۴: نمودار ستونی مفید بودن مطالب مجله رشد

آموزش راهنمایی تحصیلی برای مدیریت کلاس



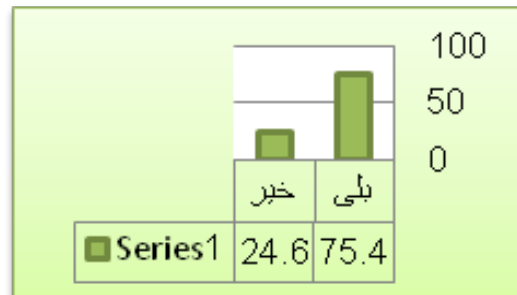
تحلیل کاربردی بودن مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای پیاده‌سازی در کلاس

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۵ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای پیاده‌سازی در کلاس درس مفید است. حدود ۲۱ درصد با این نظر موافق نیستند. حدود ۱۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی کاربردی بودن مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای پیاده‌سازی در کلاس

کاربردی بودن مطالب	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
بلی	۱۳۵	۶۴٫۶	۷۵٫۴	۷۵٫۴
خیر	۴۴	۲۱٫۱	۲۴٫۶	۱۰۰٫۰
کل	۱۷۹	۸۵٫۶	۱۰۰٫۰	
بدون پاسخ	۳۰	۱۴٫۴		
کل	۲۰۹	۱۰۰٫۰		

نمودار شماره ۵: نمودار ستونی کاربردی بودن مطالب مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی برای پیاده‌سازی در کلاس



تحلیل نظر مخاطبان در مورد ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی با رشد معلم

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۷/۵ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که با ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با رشد معلم موافق هستند. حدود ۱۵/۳ درصد با این نظر موافق نیستند. حدود ۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

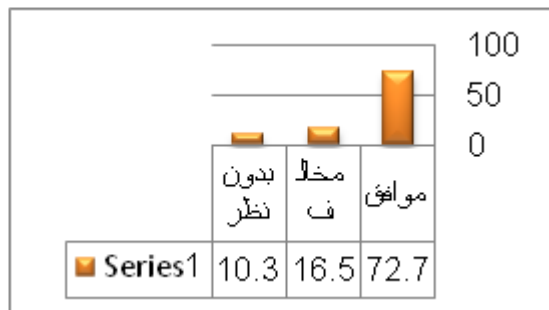
جدول شماره ۶: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی با رشد معلم

ادغام رشد راهنمایی با رشد معلم	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
موافق	۱۴۱	۶۷٫۵	۷۲٫۷	۷۲٫۷
مخالف	۳۲	۱۵٫۳	۱۶٫۵	۸۹٫۲
بدون نظر	۲۰	۹٫۶	۱۰٫۳	۹۹٫۵
کل	۱۹۴	۹۲٫۸	۱۰۰٫۰	
بدون پاسخ	۱۵	۷٫۲		
کل	۲۰۹	۱۰۰٫۰		

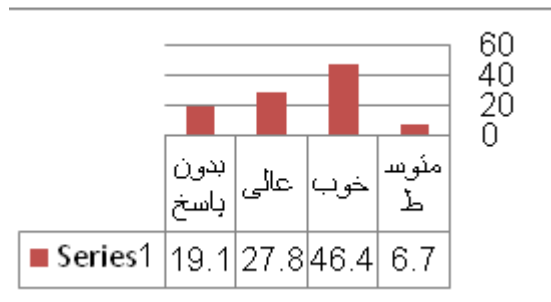
جدول شماره ۷: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد تصویر
یا عکس روی مجله رشد آموزش راهنمایی

درصد فراوانی تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	عکس روی مجله رشد آموزش راهنمایی
۸,۳	۸,۳	۶,۷	۱۴	متوسط
۶۵,۷	۵۷,۴	۴۶,۴	۹۷	خوب
۱۰۰,۰	۳۴,۳	۲۷,۸	۵۸	عالی
	۱۰۰,۰	۸۰,۹	۱۶۹	کل
		۱۹,۱	۴۰	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۲۰۹	کل

نمودار شماره ۶: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد ادغام
مجله رشد آموزش راهنمایی با رشد معلم



نمودار شماره ۷: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد تصویر
یا عکس روی مجله رشد آموزش راهنمایی

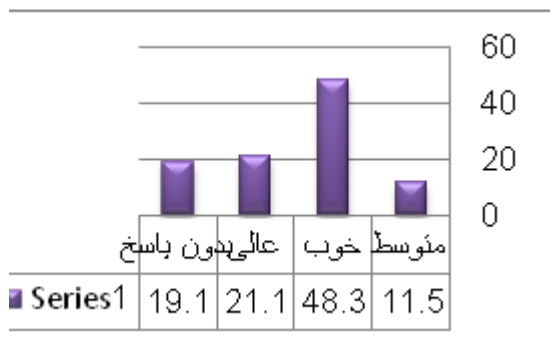


تحلیل نظر مخاطبان در مورد تصویر یا عکس روی
مجله رشد آموزش راهنمایی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۲۷/۸ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که تصویر روی جلد مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی عالی هستند. هیچ یک از شرکت کنندگان در نظرسنجی تصویر روی جلد مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف نمی‌دانند. حدود ۱۹ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

تحلیل نظر مخاطبان در مورد سرمقاله‌های مجله رشد آموزش راهنمایی

نمودار شماره ۸: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد سرمقاله‌های مجله رشد آموزش راهنمایی



با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۲۱ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که سرمقاله‌های مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی عالی هستند. هیچ یک از شرکت کنندگان در نظرسنجی سرمقاله‌های مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف نمی‌دانند. حدود ۱۹ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد سرمقاله‌های مجله رشد آموزش راهنمایی

سرمقاله‌های مجله رشد آموزش راهنمایی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
متوسط	۳۴	۱۱,۵	۱۴,۲	۱۴,۲	۱۴,۲	۱۴,۲
خوب	۱۰۱	۴۸,۳	۵۹,۸	۷۴,۰	۷۴,۰	۷۴,۰
عالی	۴۴	۲۱,۱	۲۶,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰
کل	۱۶۹	۸۰,۹	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰
بدون پاسخ	۴۰	۱۹,۱				
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰				

تحلیل نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون رموز معلمی مجله رشد آموزش راهنمایی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۴ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که مطالب پیرامون رموز معلمی مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. تنها یک نفر از شرکت کنندگان در نظرسنجی مطالب پیرامون رموز معلمی مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند. حدود ۱۹ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون رموز معلمي مجله رشد آموزش راهنمائي

مطالب پیرامون رموز معلمي مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی
ضعیف	۱	۵	۶	۶
متوسط	۳۵	۱۶,۷	۲۰,۶	۲۱,۲
خوب	۶۹	۳۳,۰	۴۰,۶	۶۱,۸
عالی	۶۵	۳۱,۱	۳۸,۲	۱۰۰,۰
کل	۱۷۰	۸۱,۳	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۳۹	۱۸,۷		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

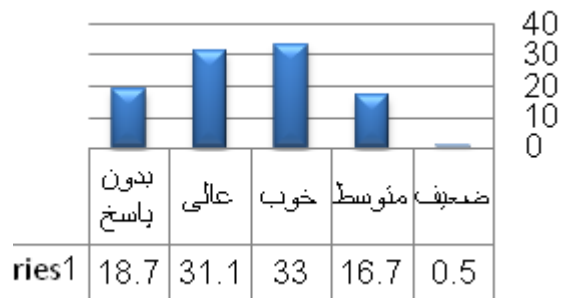
تحلیل نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون معلمان معمار مجله رشد آموزش راهنمائي

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۵۷ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند بیان نمودند که مطالب پیرامون معلمان معمار مجلات رشد آموزش راهنمائي تحصیلی خوب و عالی هستند. چهار نفر از شرکت کنندگان در نظرسنجی مطالب پیرامون معلمان معمار مجلات رشد آموزش راهنمائي را ضعیف می‌دانند. حدود ۲۹ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

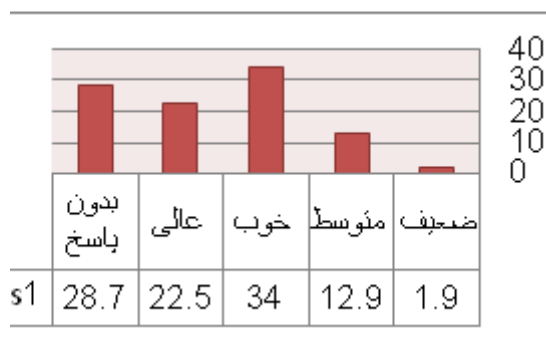
جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون معلمان معمار مجله رشد آموزش راهنمائي

مطالب پیرامون معلمان معمار مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی
ضعیف	۴	۱,۹	۲,۷	۲,۷
متوسط	۲۷	۱۲,۹	۱۸,۱	۲۰,۸
خوب	۷۱	۳۴,۰	۴۷,۷	۶۸,۵
عالی	۴۷	۲۲,۵	۳۱,۵	۱۰۰,۰
کل	۱۴۹	۷۱,۳	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۶۰	۲۸,۷		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

نمودار شماره ۹: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون رموز معلمي مجله رشد آموزش راهنمائي



نمودار شماره ۱۰: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد مطالب پیرامون معلمان معمار مجله رشد آموزش راهنمایی



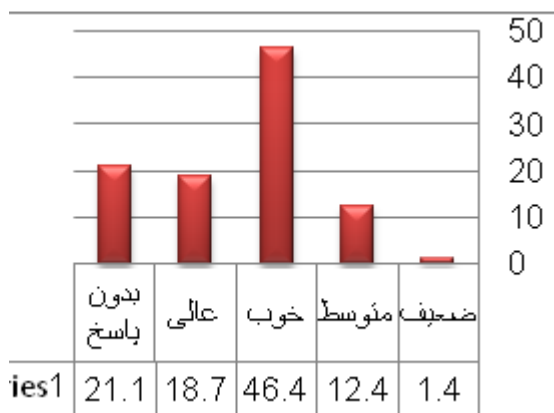
جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد گزارش‌های مجله رشد آموزش راهنمایی

گزارش‌های مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
ضعیف	۳	۱,۴	۱,۸	۱,۸
متوسط	۲۶	۱۲,۴	۱۵,۸	۱۷,۶
خوب	۹۷	۴۴,۴	۵۸,۸	۷۶,۴
عالی	۳۹	۱۸,۷	۲۳,۶	۱۰۰,۰
کل	۱۶۵	۷۸,۹	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۴۴	۲۱,۱		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

تحلیل نظر مخاطبان در مورد گزارش‌های مجله رشد آموزش راهنمایی

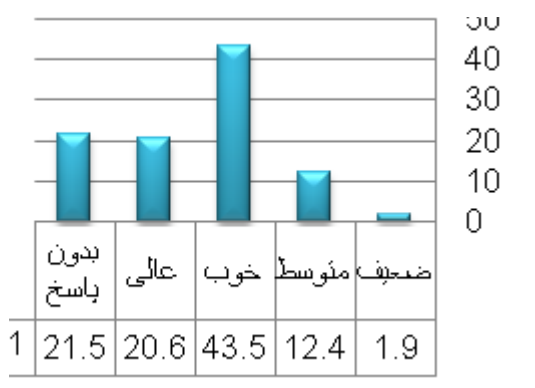
با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۵ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که گزارش‌های مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. کمتر از ۲ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گزارش‌های مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند. حدود ۲۱ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال ندادند.

نمودار شماره ۱۱: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد گزارش‌های مجله رشد آموزش راهنمایی



تحلیل نظر مخاطبان در مورد گفت‌وگوهای مجله رشد آموزش راهنمایی

نمودار شماره ۱۲: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد گفت‌وگوهای مجله رشد آموزش راهنمایی



با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۴ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که گفت‌وگوهای مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. کمتر از ۲ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفت‌وگوهای مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند. حدود ۲۱ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پاسخی به این سؤال ندادند.

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد گفت‌وگوهای مجله رشد آموزش راهنمایی

گفت‌وگوهای مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی	درصد فراوانی
ضعیف	۴	۱,۹	۲,۴	۲,۴	۲,۴
متوسط	۲۶	۱۲,۴	۱۵,۹	۱۸,۳	۱۸,۳
خوب	۹۱	۴۳,۵	۵۵,۵	۷۳,۸	۷۳,۸
عالی	۴۳	۲۰,۶	۲۶,۲	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰
کل	۱۶۴	۷۸,۵	۱۰۰,۰		
بدون پاسخ	۴۵	۲۱,۵			
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰			

تحلیل نظر مخاطبان در مورد دعوت به نوشتن در مجله رشد آموزش راهنمایی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۵۸ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که دعوت به نوشتن در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. یک درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی دعوت به نوشتن در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

جدول شماره ۱۳: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد

دعوت به نوشتن در مجله رشد آموزش راهنمایی

درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	دعوت به نوشتن در مجله رشد
۱,۳	۱,۳	۱,۰	۲	ضعیف
۲۱,۹	۲۰,۶	۱۵,۳	۳۲	متوسط
۷۱,۶	۴۹,۷	۳۶,۸	۷۷	خوب
۱۰۰,۰	۲۸,۴	۲۱,۱	۴۴	عالی
	۱۰۰,۰	۷۴,۲	۱۵۵	کل
		۲۵,۸	۵۴	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۲۰۹	کل

تحلیل نظر مخاطبان در مورد تجارب و خاطرات معلمان در مجله رشد آموزش راهنمایی

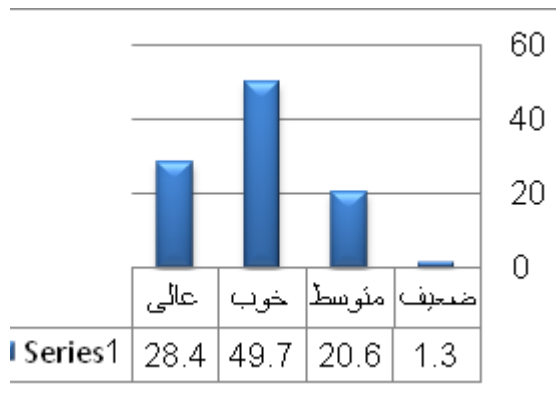
با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۸ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که تجارب و خاطرات معلمان در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. حدود ۳ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی تجارب و خاطرات معلمان در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

جدول شماره ۱۴: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد تجارب و خاطرات معلمان در مجله رشد آموزش راهنمایی

تجارب و خاطرات معلمان در مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی
ضعیف	۶	۲,۹	۳,۶	۳,۶
متوسط	۲۰	۹,۶	۱۱,۹	۱۵,۵
خوب	۵۴	۲۵,۸	۳۲,۱	۴۷,۶
عالی	۸۸	۴۲,۱	۵۲,۴	۱۰۰,۰
کل	۱۶۸	۸۰,۴	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۴۱	۱۹,۶		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

نمودار شماره ۱۳: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد

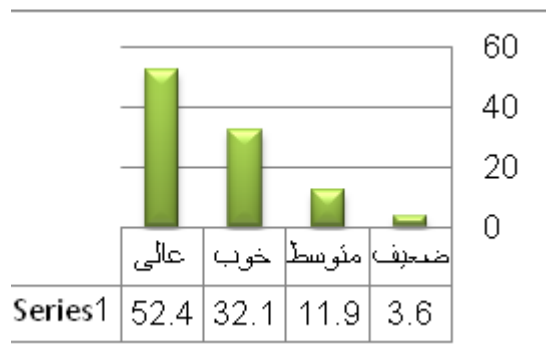
دعوت به نوشتن در مجله رشد آموزش راهنمایی



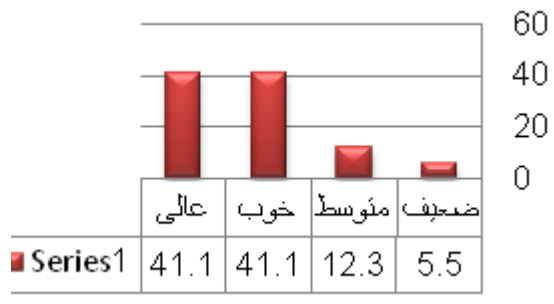
جدول شماره ۱۵: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد آموزش + بازی در مجله رشد آموزش راهنمایی

آموزش + بازی در مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
ضعیف	۹	۴,۳	۵,۵	۵,۵
متوسط	۲۰	۹,۶	۱۲,۳	۱۷,۸
خوب	۶۷	۳۲,۱	۴۱,۱	۵۸,۹
عالی	۶۷	۳۲,۱	۴۱,۱	۱۰۰,۰
کل	۱۶۳	۷۸,۰	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۴۶	۲۲,۰		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

نمودار شماره ۱۴: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد تجارب و خاطرات معلمان در مجله رشد آموزش راهنمایی



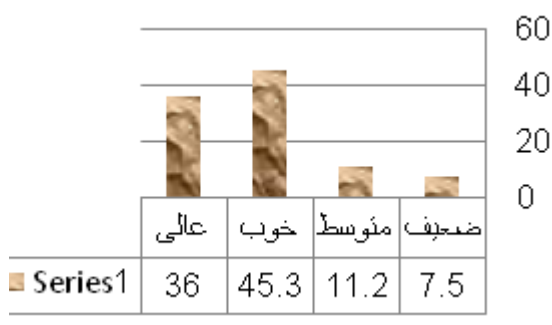
نمودار شماره ۱۵: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد آموزش + بازی در مجله رشد آموزش راهنمایی



تحلیل نظر مخاطبان در مورد کارگاه تفکر خلاق در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۲ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که کارگاه تفکر خلاق در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. حدود ۶ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی کارگاه تفکر خلاق در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

نمودار شماره ۱۶: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد کارگاه تفکر خلاق در مجله رشد آموزش راهنمایی



تحلیل نظر مخاطبان در مورد ویژه‌نامه ضمن خدمت در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۵۲ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که ویژه‌نامه ضمن خدمت در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. حدود ۱۰ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی ویژه‌نامه ضمن خدمت در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

تحلیل نظر مخاطبان در مورد کارگاه تفکر خلاق در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۶۲ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که کارگاه تفکر خلاق در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. حدود ۶ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی کارگاه تفکر خلاق در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

جدول شماره ۱۶: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد کارگاه تفکر خلاق در مجله رشد آموزش راهنمایی

کارگاه تفکر خلاق در مجله رشد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
ضعیف	۱۲	۵,۷	۷,۵	۷,۵
متوسط	۱۸	۸,۶	۱۱,۲	۱۸,۶
خوب	۷۳	۳۴,۹	۴۵,۳	۶۴,۰
عالی	۵۸	۲۷,۸	۳۶,۰	۱۰۰,۰
کل	۱۶۱	۷۷,۰	۱۰۰,۰	
بدون پاسخ	۴۸	۲۳,۰		
کل	۲۰۹	۱۰۰,۰		

تحلیل نظر مخاطبان در مورد ویژه‌نامه استان‌ها در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

با توجه به جدول و نمودار زیر حدود ۵۲ درصد از مخاطبان که در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند، بیان نمودند که ویژه‌نامه استان‌ها در مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی خوب و عالی هستند. حدود ۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی ویژه‌نامه استان‌ها در مجلات رشد آموزش راهنمایی را ضعیف می‌دانند.

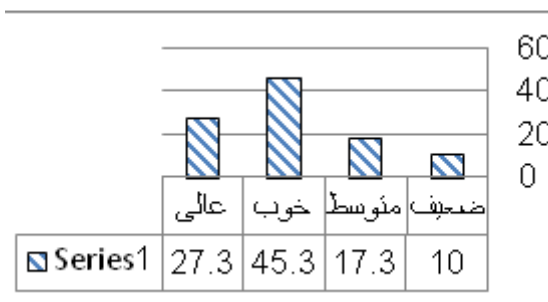
جدول شماره ۱۸: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد ویژه‌نامه استان‌ها در مجله رشد آموزش راهنمایی

درصد فراوانی در مجله رشد	درصد فراوانی	درصد	درصد	درصد فراوانی	ویژه‌نامه استان‌ها در مجله رشد
۷,۱	۷,۱	۴,۸	۱۰	۱۰	ضعیف
۲۲,۰	۱۴,۹	۱۰,۰	۲۱	۲۱	متوسط
۷۳,۸	۵۱,۸	۳۴,۹	۷۳	۷۳	خوب
۱۰۰,۰	۲۶,۲	۱۷,۷	۳۷	۳۷	عالی
	۱۰۰,۰	۶۷,۵	۱۴۱	۱۴۱	کل
		۳۲,۵	۶۸	۶۸	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۲۰۹	۲۰۹	کل

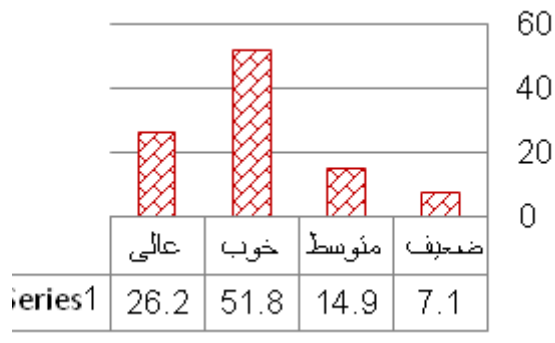
جدول شماره ۱۷: توزیع فراوانی نظر مخاطبان در مورد ویژه‌نامه ضمن خدمت در مجله رشد آموزش راهنمایی

درصد	درصد	درصد	فراوانی	ویژه‌نامه ضمن خدمت در مجله رشد
۱۰,۰	۱۰,۰	۷,۲	۱۵	ضعیف
۲۷,۳	۱۷,۳	۱۲,۴	۲۶	متوسط
۷۲,۷	۴۵,۳	۳۲,۵	۶۸	خوب
۱۰۰,۰	۲۷,۳	۱۹,۶	۴۱	عالی
	۱۰۰,۰	۷۱,۸	۱۵۰	کل
		۲۸,۲	۵۹	بدون پاسخ
		۱۰۰,۰	۲۰۹	کل

نمودار شماره ۱۷: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد ویژه‌نامه ی ضمن خدمت در مجله رشد آموزش راهنمایی



نمودار شماره ۱۸: نمودار ستونی نظر مخاطبان در مورد ویژه نامه ی استان ها در مجله رشد آموزش رهنمایی



در حیطه آمار استنباطی، با روش تحلیل واریانس یک راهه ANOVA و آزمون تعقیبی LSD تأثیر نوع شغل (معلم، معاون، مدیر و غیره) بر هر یک از عوامل بررسی شده است که نتایج آن به صورت خلاصه در ادامه آورده شده است.

* در پاسخ به این سؤال که «آیا مطالب ارائه شده در مجله رشد متناسب با اهداف دوره رهنمایی تحصیلی است؟» پاسخ ۸۷ درصد از مخاطبان مثبت بوده است و بین پاسخ معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مشاغل مدرسه اختلاف معناداری وجود ندارد.

* در پاسخ به این سؤال که «آیا مطالب ارائه شده در مجله رشد برای مدیریت کلاس درس مفید است؟» پاسخ ۷۸ درصد از مخاطبان مثبت بوده است و بین پاسخ معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مشاغل مدرسه اختلاف معناداری وجود ندارد.

* در پاسخ به این سؤال که «آیا مطالب ارائه شده در مجله رشد امکان کاربرد در کلاس را دارد؟» پاسخ ۶۵ درصد از مخاطبان مثبت بوده است و بین پاسخ معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مشاغل مدرسه اختلاف معناداری وجود ندارد.

* در تمامی عوامل مورد بررسی بین پاسخ معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مشاغل مدرسه اختلاف معناداری وجود ندارد. به جز در مورد مطالب سرمقاله ها و مطالب معلمان معمار که بین پاسخ معلمان، معاونان، مدیران و دیگر مشاغل مدرسه اختلاف معناداری وجود دارد و میزان رضایت مدیران نسبت به این دو قسمت از گروه های دیگر بیشتر می باشد.

مجلات کمک آموزشی کودکان در جهان

دکتر نیره شاه‌محمدی

خود را در زمینه نوشتن و هنرهای دیگر فراهم می‌سازند. نویسندگان و تصویرگران جوان و تازه‌کار، انتشار آثار خود در مجله‌های کودکان را به‌عنوان بخش مهمی از رشد خلاقانه خویش به‌شمار می‌آورند. بسیاری از نویسندگان و هنرمندان بنام و قدیمی، به‌کار در نشریات روی می‌آورند چرا که نشریات را وسیله مناسبی برای عرضه کار خود به هزاران و چه بسا میلیون‌ها کودک و نوجوان می‌دانند.

مجله‌های بسیار خوب کودکان، توازن مهمی را میان آموزش، اطلاعات و سرگرمی برقرار می‌سازند. یک مجله باید سرگرم‌کننده باشد و توجه فوری کودکان را به خود جلب کند. به‌هرحال، اگر مجله‌ای تنها تفریحی باشد و هیچ نوع داستان یا مقاله ادبی نداشته باشد، به مجله‌ای دورانداختنی مثل کتاب کمیک‌استریپ تبدیل می‌شود.

علی‌رغم بروز مشکلات عظیم اقتصادی در سراسر جهان، تعداد مجله‌های کودکان همواره روبه افزایش بوده است و مجله‌های خوب و با کیفیت کودکان به ابزاری قدرتمند در جلب

کلمه «مجله» از کلمه عربی «مخزن» مشتق شده است که از نظر لغوی به معنای انبار کالاهای گوناگون است؛ و شامل انتخاب گسترده‌ای از انواع ادبی گوناگون اعم از داستان، غیرداستان، فانتزی، شعر و سرگرمی‌های مختلف مانند جدول، کاردستی، تصویر، عکس و... می‌شود. متون انتخابی نسبتاً کوتاه، تنوع موضوعی و شکل یا فرمت مجله، از عواملی هستند که کودکان را به خواندن مجله تشویق می‌کند. این ویژگی‌ها، پاسخگوی نیازهای کودکانی با علائق و ذائقه‌های مختلف بوده و آن دسته از کودکان را که از خواندن مطالب بلند و سنگین پرهیز دارند، ارضا می‌کند.

مطالب اکثر مجله‌ها و نشریات کودکان، مفردی خلاق و پرشور برای خوانندگان خود مهیا می‌سازند و این شانس را به کودکان می‌دهند که دنیای هنر را بی‌واسطه کشف کنند. اکثر مجله‌های کودکان، مسابقه‌های خلاقیتی همچون داستان‌نویسی، مقاله‌نویسی، و نقاشی برگزار می‌کنند و با انتشار آثار کودکان و اهدای جوایز، آن‌ها را به تلاش در این زمینه‌ها تشویق می‌کنند. این مسابقات برای طیف وسیعی از کودکان امکان تمرین و توسعه توانایی‌های

کودکان به مطالعه و خواندن مطالب الهام‌بخش و مفید، تبدیل شده‌اند.^۱

ویژگی‌های مجله‌های کمک آموزشی کودکان

چند ویژگی اصلی این مجله‌ها را از سایر مجله‌ها مجزا می‌سازد:

۱. از تمامی شیوه‌های پرداخت موضوع و شگردهای جذب مخاطب استفاده می‌کنند.

۲. جایگزین معلم نیستند بلکه به‌عنوان ابزار آموزشی قدرتمندی، فضای معلم‌محور را تعدیل و دانش‌آموزان را در آموزش خودشان سهیم می‌کنند. راهنمای معلم از بخش‌های جدانشدنی این مجله‌ها هستند.

۳. مجله‌های آموزشی کودکان، محتوا محور نبوده و صفحاتی از آن به فعالیت‌های جالبی به‌صورت چپستان، سرگرمی، لطیفه، قصه، داستان، یک بازی آموزشی سرگرم‌کننده یا ساختن وسیله آموزشی و... اختصاص می‌یابد.

۴. اغلب این مجله‌ها نقش مهمی برای والدین در آموزش فرزندان خود، به‌خصوص در مقطع پیش‌دبستانی و پایه اول، قائل هستند و با گنجانیدن فعالیت‌هایی در مجله، که کودک به کمک والدین خود آن‌ها را انجام دهد یا تکمیل کند، آنان را در روند آموزشی کودک سهیم می‌کنند.

۵. این مجله‌ها نثر روانی دارند. به‌رنامه زبان آموزشی کودکان توجه می‌کنند و هر شماره مجله را با واژگان و ترکیباتی می‌نویسند که کودک در دوره زمانی انتشار هر شماره آموخته است.

۶. در مجله کمک آموزشی خاص کودکان تصویرسازی، عکس، نقاشی و گرافیک بر جملات برتری دارند. در این مجلات تصویر بیش از جملات نقش انتقال مفهوم را برعهده دارد.^۲

وظایف و تأثیرات نشریات دانش‌آموزی

نشریات دانش‌آموزی برحسب نوع کاربرد و تأثیراتی که می‌توانند بر مخاطبین خود داشته باشند، وظایف متعددی را به‌عهده دارد. توجه به مجموعه وظایف و تأثیرات آن‌ها، عامل مهمی در برنامه‌ریزی برای کاربرد مؤثرشان در رشد فردی و توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود.

اهم وظایف نشریات دانش‌آموزی عبارت‌اند از:

۱. افزایش آگاهی و اطلاعات

۲. ارشاد و هدایت

۳. آموزش

۴. سرگرمی

۵. اطلاع‌رسانی

جذابیت در مجلات کودکان و نوجوانان^۳

از آنجایی که نشریات با مخاطبان از پیش تعیین شده‌ای روبرویند که لازم است به نیازهای فوری آن‌ها و ارضای کنجکاوی‌های روزانه آن‌ها در زمانی کوتاه پاسخ گویند. یکی از روش‌های پاسخگویی توجه به جذابیت آن‌هاست و محققان ارتباطات اجتماعی، این عوامل جذابیت‌زا را که معیار گزینش و ارجحیت مطالب است، «ارزش‌های خبری» نامیده‌اند. در مقوله‌های مطبوعاتی، مطلبی ارزش انتشار دارد که دارای یک یا چند ارزش خبری باشد.

این ارزش‌های خبری عبارت‌اند از: دربرگیری، درگیری، شهرت، مجاورت، شگفتی، فراوانی تعداد و مقدار و تازگی.^۴

● **دربرگیری**:^۵ موضوعی است که بر تعداد فراوانی از مخاطبان نشریه تأثیر گذار باشد. مثلاً گران شدن چغندر قند، با اینکه برای یک

مجله روستایی - کشاورزی دارای ارزش دربرگیری است، برای یک مجله دانش‌آموزی، این ارزش را ندارد.

● **شهرت^۶**: اشخاص، اشیا و نهادهایی که دارای شهرت باشند، از ارزش خبری شهرت برخوردارند. شهرت می‌تواند منفی یا مثبت باشد.

● **برخورد، درگیری^۷**: موضوعاتی که کشمکش محور اصلی آن‌هاست. مثل جنگ، سرقت، تصادفات، حوادث و... البته، این برخورد و درگیری، می‌تواند به شکل برخورد دو اندیشه متفاوت هم باشد. مثل اختلاف فکری، مناظره، نقد و...

● **شگفتی و استثنایی بودن^۸**: موضوعاتی که به علت غیرعادی و عجیب و استثنایی بودن، مورد توجه مخاطبان نشریه است.

● **بزرگی و فراوانی تعداد و مقدار^۹**: این ارزش خبری، به اعداد و ارقام بستگی دارد. هرچه این اعداد و ارقام بیشتر باشد، موضوع مربوط به آن، از ارزش خبری بیشتر برخوردار است.

● **مجاورت^{۱۰}**: مخاطبان نشریات، معمولاً به موضوعاتی که از نظر جغرافیای و معنوی به آن‌ها نزدیک باشد، علاقه بیشتری دارند. ارزش خبری مجاورت، به دو شکل سنجیده می‌شود: الف) مجاورت جغرافیایی: منطقه، شهر و کشور مجاور ب) مجاورت معنوی: مشابهت‌های فرهنگی، عقیدتی، قومی اجتماعی و...

● **تازگی^{۱۱}**: هرچه موضوعی از نظر زمانی مخاطبان نشریه نزدیک‌تر باشد، ارزش خبری بیشتری دارد.

نتیجه بی‌توجهی به ارزش‌های خبری، کم‌شدن جذابیت نشریه و ریزش تیراژ است. مناسب‌ترین راه برای افزایش جذابیت نشریه، توجه به قالب‌هایی است که ظرفیت توجه به ارزش‌های خبری را داشته باشد. ادبیات، فاقد این ظرفیت است و اگر بخواهیم معیار گزینش مطالب ادبی را هم ارزش‌های خبری قرار دهیم، ادبیاتی آفت‌زده خواهیم داشت.

در ادامه برخی از مجلات کودکان و نوجوانان که در کشورهای دیگر منتشر می‌گردند معرفی می‌گردند.

۱. مجله تاپ^{۱۲} (بلژیک)

مجله تاپ، مجله باکیفیتی است که در بلژیک منتشر می‌شود و مخصوص گروه سنی ۱۲-۱۵ سال است. این مجله مطالبی متنوع دارد و در عین حال مجله‌ای آموزشی - فرهنگی است.

۲. مجله‌های اسلاویج^{۱۳} و کارتینا گالریجا^{۱۴} (بلغارستان)

در بلغارستان، مجله «اسلاویج» از اوایل دهه ۱۹۰۰ و برای گروه سنی ۳-۸ سال تأسیس شد و تمرکز این مجله بر ادبیات و هنر است. همچنین مجله کارتینا گالریجا در سال ۱۹۲۵ تأسیس گردید و در زمینه هنر و ادبیات خاص گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله، منتشر می‌شود.

۳. ویاسیولکا^{۱۵} (بلوروس)

مجله ویاسیولکا در کشور بلوروس ویژه کودکان ۵ تا ۱۰ سال منتشر شده و در بهترین آثار نویسندگان بلوروسی و جمهوری‌های همسایه به چاپ می‌رسد. در این مجله ستونی به نام‌های کودکان اختصاص دارد.

۴. مجله‌های خورشید کوچک^{۱۶}، آویشن^{۱۷}، آتشبازی^{۱۸}، نشریه‌های زنبور کوچک^{۱۹}، ستاره صبح^{۲۰}، آتش کوچک^{۲۱} (جمهوری چک و اسلواکی)^{۲۲}

مجله خورشید کوچک در سال ۱۹۶۷ برای کودکان زیر ۶ سال تأسیس شده است، مجله آویشن مخصوص کودکان ۶ تا ۸ سال بوده و توسط شاعر چک فرانیتسک هرویین^{۲۳} در سال ۱۹۴۵

تأسیس گردید. مجله آتشبازی نیز از چهل و پنج سال پیش تاکنون کودکان ۹-۱۱ ساله را سرگرم می‌کند. در همه این مجله‌ها شعر، داستان‌های خوب، فانتزی، افسانه‌های پریان، مسابقه و نقاشی‌های کودکان منتشر می‌شود.

نشریه‌های زنبور کوچک برای گروه‌های سنی پیش‌دبستان، ستاره صبح برای گروه‌های سنی ۷-۹ سال، آتش کوچک برای گروه‌های سنی ۹-۱۱ سال و خورشید کوچک برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال می‌باشند. همه این مجله‌ها دارای مطالب متنوعی هستند. مجله‌های کودکان در جمهوری‌های چک و اسلواکی توسط بهترین هنرمندان این کشور تصویرگری می‌شوند. بسیاری از آن‌ها، چاپ آثارشان در این مجله‌ها را بخشی از رشد هنری خود تلقی می‌کنند.

۵. کریبل کرایل^{۲۴} (دانمارک)

این مجله برای گروه سنی ۹ تا ۱۳ سال بوده و از سال ۱۹۸۹ آغاز به انتشار کرده و از مجله ادبی کریکت^{۲۵} امریکایی الهام می‌گیرد.

۶. مجله‌های نوروس^{۲۶}، ستاره^{۲۷}، چاپ^{۲۸} (استونی)

مجله «نوروس» برای گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال بوده و بر محور علائق عمومی کودکان تهیه می‌شود. مجله ستاره خاص کودکان ۶ تا ۱۰ سال بوده، نامه‌های کودکان را منتشر و آن‌ها را در کار تولید مطالب مجله شرکت می‌دهد. مجله چاپ برای کودکان گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال چاپ شده و مجله ایست ادبی که تصویرگری آن را دانش‌آموزان برعهده دارند. این سه مجله به زبان استونی منتشر می‌شوند.

۷. مجله سنتره^{۲۹} (پاکستان)

سنتره از ژانویه سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون توسط انتشارات کفایت^{۳۰}، بزرگ‌ترین شرکت انتشاراتی پاکستان، در کراچی به چاپ می‌رسد. این مجله در قالب ماهنامه و به زبان اردو منتشر می‌شود. سنتره به‌عنوان بخشی از مواد خوانداری زبان اردو در برنامه درسی مدارس پاکستان، برای آموزش خواندن به دانش‌آموزان ۸ تا ۱۲ ساله (دوره ابتدایی) گنجانده شده است.

۸. مجله په په ووله^{۳۱}

این ماهنامه آموزشی که اولین شماره آن در بهار ۱۹۹۲ میلادی توسط انتشارات «رهایی کودکان کردستان»^{۳۲} منتشر شد، تنها مجله آموزشی است که به زبان کردی در کردستان عراق به چاپ می‌رسد. په په ووله شامل موضوعات متنوعی از قبیل داستان، شعر، اطلاعات عمومی، معرفی افراد مشهور، معرفی شهرهای کردستان، معرفی لباس‌های محلی، بازی، انیمیشن، تصاویر و نقاشی‌های کودکان است.

۹. مجله ماجد^{۳۳}

ماجد نام مجموعه کتاب‌های کمیک و مجله‌ای مخصوص کودکان است که در ابوظبی برای کودکان و نوجوانان اماراتی منتشر می‌شود. این مجله که اولین شماره آن در سال ۱۹۷۹ منتشر شده است، از سال ۲۰۰۵ تاکنون در قالب هفته نامه با تیراژ ۱۷۵/۰۰۰ نسخه توسط شرکت رسانه‌های ابوظبی به چاپ می‌رسد. هم‌اکنون این مجله یکی از پرخواننده‌ترین نشریات کودکان و نوجوانان در بیشتر کشورهای عرب‌زبان می‌باشد، اما سوریه تنها کشور عربی است که آن را دریافت نمی‌کند.

۱۰. مجله دنیای داستان‌های علمی^{۳۴}

اولین شماره این مجله در سال ۱۹۷۹ برای کودکان و نوجوانان چینی در این کشور به چاپ رسیده است. این مجله هم‌اکنون در قالب ماهنامه و با تیراژ ۱۳۰/۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود، اما مدیران مدعی هستند تعداد مخاطبان آن به مراتب بیشتر از رقم مذکور است.

۱۱. مجله مورز یلکا^{۳۵}

این مجله که اولین شماره آن در سال ۱۹۲۴ منتشر شد، ماهنامه‌ای ادبی و هنری است که برای کودکان ۶ تا ۱۲ ساله روسی چاپ می‌شود. نام این مجله که به مدت ۸۷ سال بدون وقفه چاپ شده، به‌عنوان مداوم‌ترین مجله دنیا در فهرست رکورد های گینس به ثبت رسیده است. این مجله مطالبی مانند داستان، شعر، تصاویر زیبا، مقالات، مطالب سرگرم‌کننده مانند چیستان، جدول و معما را برای کودکان چاپ می‌کند. مورز یلکا نام شخصیت کارتون زرد رنگی است که در سال ۱۹۳۷ توسط آمینادف کانواسکی^{۳۶} خلق شد.

۱۲. مجله بوف^{۳۷}

اولین شماره مجله بوف در سال ۱۹۷۶ توسط ناشر کانادایی «بایارد کانادا»^{۳۸} منتشر گردید. سالانه ۱۰ شماره از این مجله برای گروه سنی ۹ تا ۱۳ سال به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. در سال ۲۰۱۰ تیراژ این مجله ۸۲/۴۹۳ نسخه بوده است. مجله بوف موضوعات گوناگونی مانند: سرگرمی، مقالات حل مسئله، داستان‌های علمی، ستون مشاوره با خوانندگان، بخش‌های طنز و کمیک استریپ را در بر می‌گیرد.

۱۳. مجله کفشدوزک^{۳۹}

در ایالات متحده آمریکا ناشران متعددی در زمینه مواد کمک آموزشی کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند و مجلات زیادی در این زمینه منتشر می‌شود. از جمله این ناشران می‌توان به شرکت چاپ و نشر کاروس^{۴۰} اشاره کرد که از ۳۵ سال پیش تاکنون کتاب‌ها و مجلات زیادی را برای گروه‌های سنی مختلف به چاپ رسانده است. از مجلات چاپ شده توسط این شرکت می‌توان مجلات داستانی «کفشدوزک» (گروه سنی ۳ تا ۶ سال)، «کریکت»^{۴۱} (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال) و مجلات غیرداستانی (علمی، هنری و علوم انسانی) «پپرس»^{۴۲} (گروه سنی ۷ تا ۱۰ سال) و «بیندیش»^{۴۳} (کودکان و نوجوانان ۱۰ سال به بالا) را نام برد.

از دیگر محصولات این شرکت، می‌توان به «اودیسه»^{۴۴} (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال)، «صورت‌ها»^{۴۵} (کودکان ۹ سال به بالا) «دانه‌های سیب»^{۴۶} (گروه سنی ۶ تا ۹ سال)، «حفاری»^{۴۷} (گروه سنی ۹ تا ۱۴ سال)، «عنکبوت»^{۴۸} (گروه سنی ۶ تا ۹ سال) و «دانستن»^{۴۹} (۶ تا ۹ سال) اشاره کرد.

۱۴. هامتی دامتی^{۵۰}

هامتی دامتی (گروه سنی ۵ تا ۷ سال) مجله‌ای است که از اکتبر سال ۱۹۵۲ تا سال ۲۰۰۰ به‌عنوان مجله‌ای همسو با «چیلدرن دایجست»^{۵۱} (گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال، ۷۰۰/۰۰۰ نسخه در ماه) توسط دفتر انتشاراتی کاروس به چاپ می‌رسید. در سال ۲۰۰۹ دو هفته‌نامه «چیلدرن دایجست» به «جک و جیل»^{۵۲} تغییر نام داد، اما هامتی دامتی همچنان با همان نام به چاپ می‌رسد و امروزه در کنار «جک و جیل» و «لاک‌پشت»^{۵۳} (گروه سنی ۳ تا ۵ سال) یکی از سه مجله‌ای است که توسط این شرکت انتشاراتی

برای کودکان تهیه می‌شود. این مجله که نام آن از یک شعر کودکان اقتباس شده، با ارایه داستان، کاردستی و تمرین، نوآموزان را به خواندن و افزایش مهارت‌های خواننداری ترغیب می‌نماید.

۱۵. تایم برای کودکان^{۵۴}

«تایم برای کودکان» مجله دیگری است که توسط انتشارات «تایم»^{۵۵} در ایالات متحده آمریکا به چاپ می‌رسد. این مجله به صورت هفته نامه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را به مطالعه علاقه‌مند می‌کند. این مجله غیرداستانی ایزاری قوی برای آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن است. از ویژگی‌های بارز «تایم برای کودکان» به غیر از تیراژ بالا، ترجمه آن به بسیاری از زبان‌های زنده دنیا می‌باشد. «تایم برای کودکان» به پنج قاره دنیا ارسال می‌شود.

۱۶. خیال‌کن^{۵۶}

گاه‌نامه «خیال‌کن»، مجله آموزشی دیگری است که ۵ شماره از آن در سال (تعداد صفحات هر شماره ۴۰ یا ۵۰ صفحه است) برای کودکان ۷ تا ۱۲ ساله آمریکایی به چاپ می‌رسد. این مجله که اولین شماره آن در سال ۱۹۹۳ به چاپ رسیده است، مطالبی همچون مهندسی، علوم اجتماعی، باستان‌شناسی و علوم ریاضیات را دربردارد که در کتاب‌های درسی کودکان ابتدایی و راهنمایی کمتر گنجانده شده‌اند. این مجله مبادرت به چاپ مقاله‌های دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون نیز می‌نماید و چهار سال پیاپی (از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷) برنده جایزه طلای انتخاب والدین^{۵۷} شده است.

۱۷. مجله هیجان^{۵۸}

این مجله با ارایه مطالب انگیزشی، اطلاع رسانی و آموزشی

پرخواننده‌ترین نشریه استرالیایی است. کودکان استرالیایی برای دسترسی به آخرین اخبار و جدیدترین اطلاعات در مورد فیلم‌ها، بازی‌ها، کارتن‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، همچنین خواندن داستان‌های طنز، جوک‌ها، کمیک‌ها و مطالب ورزشی «هیجان» را مطالعه می‌کنند.

«جدی نگیرید»^{۵۹} یکی دیگر از مجلات پرطرفدار استرالیایی است که دختران و پسران ۷ تا ۱۳ ساله آن را مطالعه می‌کنند. این مجله که در ۱۰۰ صفحه به چاپ می‌رسد جدیدترین موسیقی‌ها، بازی‌های ویدئویی، فیلم‌ها، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها، مطالب ورزشی و سرگرمی را در اختیار خوانندگان خود قرار می‌دهد. «جدی نگیرید» تنها مجله مخصوص جوانان است که به شدت از چاپ مطالب کم‌ارزش اجتناب کرده و محتوای آن مملو از خواندنی‌های سالم و شاد است. این مجله بخشی از برنامه درسی استرالیا بوده و به منظور گسترش مطالعه در بین دانش‌آموزان استرالیایی به طور مداوم در اختیار مدارس این کشور قرار می‌گیرد. مطالب این مجله در قالبی شاد و آموزنده تهیه می‌شوند به طوری که دانش‌آموزان، معلمان و والدین از خواندن آن‌ها لذت می‌برند.

«توماس و دوستان»^{۶۰} مجله دیگری است که برای کودکان استرالیایی منتشر می‌شود. «توماس» نام یک وسیله نقلیه مخزن‌دار است که موقعیت‌های سرگرم‌کننده‌ای را برای کودکان فراهم می‌آورد. هر شماره از این مجله دربردارنده داستان‌های جذاب از جزیره «سودور»^{۶۱} است، جایی که وسایل نقلیه موتوری دوست‌داشتنی در آن به کار و بازی مشغولند.

«دوستان پرتحرک»^{۶۲} هم مجله‌ای سرگرم‌کننده و آموزشی است که کودکان استرالیایی آن را می‌خوانند. در این مجله شخصیت‌های ثابتی به نام‌های «سام»^{۶۳}، «مری»^{۶۴}، «جف»^{۶۵} و «آنتونی»^{۶۶} در تمام صفحات با کودکان همراه هستند. کودکان

با خواندن این مجله توسط شخصیت‌هایی که در همه صفحات آن‌ها را همراهی می‌کنند، مرتباً تشویق می‌شوند که مهارت‌های حرکتی نوپای خود را با مهارت‌های خواندن و نوشتن و ریاضی ترکیب کنند.

«منطقه کی»^{۶۷}، «کرش»^{۶۸}، «دی. ام. ای. جی»^{۶۹} (گروه سنی ۷ تا ۱۲ ساله)، «حواس پرت ... ولی واقعی»^{۷۰} و «فرشته کوچولو»^{۷۱} مجلات دیگری هستند که کودکان استرالیایی آن‌ها را مطالعه می‌کنند.

۱۸. مجله آکویلا^{۷۲}

مجله آکویلا که توسط انتشارات «جوانه تازه روییده»^{۷۳} در انگلستان به چاپ می‌رسد ماه‌نامه‌ای است که در هر شماره به موضوعی متفاوت می‌پردازد. آکویلا در ابتدا توسط متخصصان آموزشی‌ای تولید شد که بر روی کودکان تیزهوش کار می‌کردند. سرمایه این مجله در آن زمان توسط یک شرکت انتشاراتی آموزشی بین‌المللی تأمین می‌شد. از آنجا که این پروژه برگشت مالی قابل قبولی نداشت، در سال دوم چاپ تا مرز متوقف شدن پیش رفت. اما گروهی از افراد اعم از طراح، نویسنده و ویراستار که معتقد بودند مجله آکویلا ارزش چاپ شدن را دارد، نسبت به چاپ آن در شرکت انتشاراتی مستقلی اقدام نمودند.

در مدت ۱۶ سال، این شرکت انتشاراتی کوچک و مستقل جای خود را در بازار رقابت ثابت کرد. با وجودی که مجله آکویلا از چاپ هر نوع آگهی بازرگانی امتناع می‌کند، اما موفقیت مالی آن مرهون ارزش و شایستگی‌هایی است که والدین و معلمان بر آن تأکید دارند. در این مجله یک قانون برای مخاطبان وجود دارد: «جوانترها قلم به‌دست بگیرند و درباره هرچه دوست دارند برای ما بنویسند». لحن سردبیر آرام ولی جسورانه است. برخلاف مجلات

دیگری که با هدف آموزش کودکان چاپ می‌شوند، مخاطبان آکویلا احساس نمی‌کنند برای نویسندگی شدن باید حتماً بزرگ شوند. صفحات «پاسخ به نامه‌ها» ستون‌های پرخواننده مجله هستند زیرا در آنجا امکان تمرین گفت‌وگو و ابراز عقیده وجود دارد. آکویلا معتقد است همه بچه‌ها استعدادهای پیچیده و درخشانی دارند که باید پروراندن شود. این مجله، سالانه ۱۲ موضوع جدید را در اختیار معلمان قرار می‌دهد که برای مطرح کردن در کلاس مناسب می‌باشد. آکویلا برای گروه‌های سنی ۸ تا ۱۳ ساله منتشر می‌شود و حاوی مطالب علمی، زبان انگلیسی، فضاوردی، ریاضیات، محیط‌زیست، تاریخ، فلسفه، شناخت حیوانات، هنر و ورزش است.

۱۹. مجله در جست‌وجوی سیب^{۷۴}

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، شرکت بایارد^{۷۵} ناشر کتاب‌ها و مجلات کودکان به زبان فرانسوی است. از جمله محصولات این شرکت می‌توان به «در جست‌وجوی سیب» اشاره کرد که به‌صورت ماهنامه در ۴۲ صفحه منتشر می‌شود. این مجله شامل داستان‌های زیبا، شخصیت‌های دوست‌داشتنی، مطالب آموزنده و فعالیت‌های خلاقانه بوده و به پرسش‌های کودکان درباره مسائل مختلف پاسخ می‌دهد.

«یادگیری خواندن»^{۷۶} ماهنامه‌ای در ۵۲ صفحه است که توسط شرکت انتشاراتی بایارد میلان به زبان فرانسوی چاپ می‌شود. هر شماره از این مجله همراه با یک عدد سی‌دی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. هدف از انتشار این مجله یاری رساندن به کودکانی است که به مطالعات غیردرسی علاقه‌مند می‌باشند. هر شماره از این مجله علاوه بر کمیک، بازی، داستان‌های کوتاه و یک داستان بلند، دربردارنده یک فرهنگ لغت است که به توضیح

درباره واژگان دشوار می‌پردازد. از دیگر مجلاتی که توسط این شرکت انتشاراتی چاپ می‌شوند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «گوزن»^{۷۷} به صورت ماهنامه در ۵۲ صفحه به چاپ می‌رسد. این مجله به توضیح علمی درباره طبیعت می‌پردازد و کودکان را به جست‌وجو و کشف طبیعت تشویق می‌کند. لحن احساساتی این مجله کودکان را نسبت به حفظ محیط‌زیست آگاه می‌نماید. «سورتمه»^{۷۸} مجله‌ای است که به صورت ماهنامه در ۳۶ صفحه منتشر می‌شود. داستان‌های بلند و کوتاه، بازی‌های آموزشی، مدارک و مستندات و معما از مطالب موجود در این مجله می‌باشند. کودکان با مطالعه این نشریه به ابزارهایی برای کشف بهتر دنیای اطرافشان دست می‌یابند. «فر فرفه»^{۷۹} هم ماهنامه دیگری است که در ۳۶ صفحه منتشر شده و به کودکان در آموختن کلمات و تصاویر کمک می‌کند. داستان‌های بلند و کوتاه، شعرهای کودکانه، کمیک‌استریپ و برجسب‌های بزرگ و جالب از محتویات این مجله است.^{۸۰}

۲۰. مجله‌های یپ^{۸۱}، کولولین^{۸۲}، نورتن سارکا (فنلاند)

در فنلاند، چندین نشریه خوب برای تمامی گروه‌های سنی کودکان منتشر می‌شود. «یپ» برای گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۴ سال از سال ۱۹۳۸ شروع به انتشار کرد. «کولولین» (برای گروه سنی ۷ تا ۱۵ سال) و «نورتن سارکا» (برای گروه سنی ۸ تا ۱۷ سال) نیز مجله‌هایی هستند که پنجاه سال از عمرشان می‌گذرد. نورتن سارکا در زمینه‌های علم، طبیعت، کارهای دستی و موسیقی فعالیت دارد و از همکاری، نظرات و نامه‌های کودکان استقبال می‌کند.

۲۱. مجله‌های سیب کوچک، آسترایی^{۸۳}، پیی^{۸۴}،

داستان‌های زیبا^{۸۵}، خواندن را دوست دارم^{۸۶}، اوکاپی^{۸۷}، ایماژ دک^{۸۸}، واپی تی^{۸۹} واکو^{۹۰}، دیابلو^{۹۱}، میکادو^{۹۲} (فرانسه) در فرانسه حدود صد و سی و پنج مجله برای کودکان ۲ تا ۸ ساله منتشر می‌شود. مجله «آسترایی»^{۹۳} (کودکان ۷ تا ۱۱ سال) بر محور علائق عمومی کودکان تهیه می‌شود. «پیی» (کودکان ۱۸ ماهه تا ۳ ساله) با هدف یاری رسانی به رشد مهارت‌های دیداری و زبانی خردسالان اقدام به چاپ داستان‌هایی ساده، تصاویر و بازی‌های گوناگون می‌کند. مجله‌های داستان‌های زیبا (کودکان ۳ تا ۷ سال) و خواندن را دوست دارم (کودکان ۷ تا ۱۲ سال) مشوق خوانندگان مبتدی بوده و کودکان را به مطالعه تشویق می‌کنند. مجله‌های اوکاپی (کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال)، «ایماژ دک» (کودکان ۸ تا ۱۲ سال)، «واپی تی» (کودکان ۷ تا ۱۲ سال)، «واکو» (کودکان ۳ تا ۱۲ سال) «میکادو» (کودکان ۹ تا ۱۲ سال) و دیابلو (کودکان ۷ تا ۹ سال) از دیگر مجلات کودکان در فرانسه به‌شمار می‌رود که مطالبی چون جغرافی، تاریخ، علم، ورزش، حیوانات و طبیعت را چاپ می‌کنند.

۲۲. سگ رنگ وارنگ^{۹۴}، اسب قاصد^{۹۵}، فلو^{۹۶}، گشیشیت میت پفیف^{۹۷} و پشه^{۹۸} (آلمان)

یکی از مجلاتی که در آلمان منتشر می‌شود مجله «سگ رنگ وارنگ» (گروه سنی ۶ تا ۱۶ سال) است که به معرفی نویسندگان و تصویرگران جوان معاصر پرداخته و تلاش دارد تازه‌کارانی را کشف کند که آثاری ارزشمند و خوب دارند. از دیگر مجله‌های کودکان در آلمان می‌توان از اسب قاصد و فلو (گروه سنی ۱۰ تا ۱۵ سال) نام برد. «فلو» در سال ۱۸۷۵ تأسیس یافت و دو نوع چاپ از درون همین مجله به‌وجود آمده است (گروه سنی ۶ تا ۷ سال و ۸ تا ۹ سال). هر دو مجله یاد شده در مدارس مورد

استفاده قرار می‌گیرند.

از دیگر مجله مخصوص کودکان، «گشیشست میت پفیف» و پشه (گروه سنی ۸ تا ۱۱ سال) می‌باشند که بر تاریخ بشر در عصرهای مختلف متمرکز شده و محبوبیت بسیاری در مدارس دارند.

۲۳. «دوستی»^{۹۹}، «اطریش جوان»^{۱۰۰}، «کوچکترها»^{۱۰۱}، کلوپ پاندا و «گنجشک پست»^{۱۰۲} (اطریش)

اکثر مجله‌های خوب کودکان در اطریش، مجله‌های وابسته به کلوپ‌ها یا سازمان‌ها هستند. از این گروه می‌توان به مجله‌های «دوستی»، «اطریش جوان»، «کوچکترها»، کلوپ پاندا و «گنجشک پست» اشاره کرد. این مجلات به‌طور وسیعی در مدارس مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲۴. مجله‌های نشریه کوچک^{۱۰۳}، دوستان جوان^{۱۰۴}، قورباغه^{۱۰۵}، پاندا، بهار^{۱۰۶}، پیتزین (ایتالیا)

مجله‌های نشریه کوچک و دوستان جوان (گروه سنی ۷ تا ۱۴) از سال ۱۹۳۴ آغاز به کار کرده و حاوی افسانه‌های پریان، داستان و بازی است و کودکان نیز علاوه بر ارسال نامه، با آن همکاری می‌کنند. مطالب دو مجله قورباغه (گروه سنی ۶ تا ۱۳) و «پاندا» که هر دو از سوی فدراسیون جهانی حیات‌وحش منتشر می‌شوند، بر موضوع‌هایی در مورد طبیعت و محیط‌زیست متمرکز است. مجله بهار (ویژه نوجوانان) مخاطبان خود را در درک وقایع جاری، احساسات یکدیگر، پیشرفت تخصصی و استفاده از اوقات فراغتشان یاری رساند. یکی از مجله‌های جدید ایتالیایی «پیتزین» نام دارد که ویژه کودکان ۸-۱۴ ساله منتشر می‌شود و مطالب آن بر محور علائق عمومی استوار است.

۲۵. پرنده قرمز^{۱۰۷}، جهانی از عجایب^{۱۰۸}، مونس علمی کودکان^{۱۰۹}، مونس کودکان^{۱۱۰}، داستان‌های مصور برای کودکان^{۱۱۱}، درباره طبیعت برای کودکان^{۱۱۲} (ژاپن)

یکی از مجله‌های ادبی مشهور ژاپن که از سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۳۶ به چاپ می‌رسد (پرنده قرمز) نام دارد. در این مجله، تصاویری بسیار خوب و داستان‌هایی با کیفیت بالا منتشر می‌شود. مؤسسه انتشاراتی «فوکوینکان شوتن»^{۱۱۳} سه مجله منتشر می‌کند که عبارت‌اند از: جهانی از عجایب (گروه سنی ۸ تا ۱۲) مطالب آن درباره علائق عمومی کودکان است، مونس علمی کودکان (گروه سنی ۴ تا ۷ سال) مطالبی درباره علوم طبیعی، علم، علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافی و نجوم منتشر می‌کند و مونس کودکان (گروه سنی ۵ تا ۷) که از سال ۱۹۵۶ آغاز به کار کرده و در هر شماره تنها یک داستان ادبی با تصاویری بسیار زیبا منتشر می‌کند.

نشر «فروبل کان»^{۱۱۴} دو مجله منتشر می‌کند که عبارت‌اند از: داستان‌های مصور برای کودکان حاوی داستان‌ها و تصاویری عالی است و کتاب درباره طبیعت برای کودکان مطالب آن درباره طبیعت است. مجلات بسیار زیاد دیگری مانند خورشید^{۱۱۵} (گروه سنی ۴ تا ۶)، داستان‌های کودکان^{۱۱۶} (مجله‌ای ادبی)، داستان‌های مصور گاکن^{۱۱۷} توسط کمپانی «گاکوشوکن کیوشا»^{۱۱۸} منتشر می‌شوند و عمده مطالب آن‌ها داستان‌های مصور است.

39. ladybug
40. Carus publishing Company
41. cricket
42. ask
43. muse
44. Odyssey
45. faces
46. Apple seeds
47. dig
48. spider
49. know
50. Humpty Dumpty
51. Children digest
52. Jack and jill
53. turtle
54. Time for kids
55. TIME
56. imagine
57. Parent's choice gold award
58. Mania
59. Just kidding
60. Thomas and friends
61. Sodor
62. The wiggles
63. Sam
64. Murray
65. jeff
66. Anthony
67. K -zone
68. Krash
69. DMAG
70. Wacky ...but true
71. Little Angel
72. Aquila
73. New leaf publishing ltd
74. Pomme d' Api
75. bayard
76. J'apprends a lire
77. wappiti
78. Toboggan
79. toupie

پی نوشت

2. <http://fa.wikipedia.org>
۳. میرزابیگی، علی (۱۳۷۶). «نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان». تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم.
۴. شکرخواه، یونس. خبر، ۱۳۷۳، انتشارات مرکز آموزش رسانه‌ها.
5. Impact
6. Fame/Prominence
7. conflict
8. oddity
9. Maynitude
10. proximity
11. timeliness
12. Top
13. Slaveiche
14. Kartinna Galerija
15. Vayasyolka
16. Slunicko
17. Materidouska
18. Ohnicek
19. Vcielka
20. Zornicka
21. Ohnik
22. Cazech and Slovak RePublics
23. Frantisek Hrubin
24. Krible Krable
25. Cricket
26. Noorus
27. Taheka
28. Trukitahe
29. suntra
30. Kifayat publishers
31. Pepule
32. Kurdistan Save the Children (KSC)
33. Majid
34. Sience fiction world
35. Murzilka
36. Aminadav Kanvsky
37. owl
38. Bayard Canada

۸۰. خیرآبادی، معصومه (۱۳۹۰)، مجلات کمک‌آموزشی دیگر کشورها، سال‌نامه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، سال ۱۳۹۰.

81. JP
82. Koululainen
83. Astrapi
84. PoPi
85. Les Belles Histoires
86. J'aime lire
87. Okapi
88. Images Doc
89. Wapiti
90. Wakou
91. Diablo
92. Mikado
93. Astrapi
94. Der Bunte Hund
95. Stafette
96. Fllu
97. Geschichte mit Pfif
98. Mucke
99. Freundschaft
100. Jungosterreich
101. Kleines volk
102. SPatzenPost
103. Il Giornalino
104. Giovani Amici
105. La Rana
106. Primavera
107. Akaitori
108. Takusan no Fushigi
109. Kagaku no tomo
110. Kodomo no tomo
111. Kinda Ohanashi
112. Kinda Bukku
113. Fukuinkan Shoten
114. Froebel Kan
115. Ohisama
116. Ohanashi Chairudo
117. Gakken Ohanashi Ehon
118. Gakushukenkyu sha

۱۰۰ رسانه آموزشی جهان

دکتر نیره شاه‌محمدی
معصومه خیرآبادی

در دنیای امروز هنگامی که از رسانه‌های آموزشی سخن به میان می‌آید، طیفی از نسخه‌های چاپی و فضاهای برخط (آن‌لاین) و مجازی به ذهن متبادر می‌شود. بیشتر مجلات علاوه بر نسخه چاپی، از طریق سایت‌ها نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار دارند. مجلاتی نیز هستند که تنها در نسخه‌های الکترونیکی به مخاطبان خود ارائه می‌شوند. برخی از شرکت‌های انتشاراتی بزرگ نیز به صورت تخصصی، مجلات آموزشی منتشر می‌کنند.

به منظور آشنایی با منابع آموزشی کشورهای دیگر، صد عنوان از رسانه‌های آموزشی جهان معرفی می‌گردد. به دلیل آنکه ارائه توضیحات کامل درباره هر یک از عنوان‌های نام برده شده از حوصله یک شماره خارج است، در این شماره تنها به ذکر عنوان رسانه‌ها و نشانی وبگاه‌ها بسنده شده و معرفی دیگر ویژگی‌ها را به شماره‌های آینده موکول نموده‌ایم.

الف) محصولات آموزشی دفاتر انتشاراتی

● مجلات آموزشی شرکت راتلج (تیلر و فرانسیس):^۱ آرشیو و یک نسخه رایگان (نمونه) از تمامی مجلات این دفتر انتشاراتی در پایگاه اینترنتی این دفتر به نشانی: tandfonline.com قابل مشاهده است.

۱. تکنولوژی، تربیت و آموزش و پرورش: مجله تخصصی

انجمن «فناوری اطلاعات در آموزش معلمان»

۲. آموزش تربیت بدنی و ورزش: مجله رسمی «انجمن

تربیت بدنی» برای معلمان این رشته

۳. آموزش در دوران کودکی: مجله رسمی «انجمن

بین‌المللی آموزش در دوران کودکی»

۴. رفتار در تربیت معلم: مجله ویژه «انجمن آموزشیاران

معلمی»

۵. آموزش و پرورش ۱۳-۳: مجله‌ای بین‌المللی با رویکرد

آموزش کودکان ۳ تا ۱۳ ساله

۶. آموزش دوزبانه و دوزبانگی (مجله بین‌المللی):^۷ مختص مسائل آموزش در محیط‌های دوزبانه

۷. نشریه یادگیری زبان:^۸ مجله رسمی «انجمن یادگیری زبان»

۸. نشریه اروپایی مطالعات آموزش در دوران کودکی:^۹ مجله رسمی «انجمن اروپایی مطالعات آموزش در دوران کودکی»

۹. تکنیک‌های آموزشی^{۱۰} (مجله بین‌المللی): نشریه رسمی «مؤسسه ملی آموزش سنگاپور»

۱۰. روان‌شناسی آموزشی:^{۱۱} مجله بین‌المللی با موضوع روان‌شناسی تجربی آموزشی

۱۱. نشریه بین‌المللی بازی:^{۱۲} با توجه به نقش بازی در آموزش

۱۲. معلم جدید:^{۱۳} مجله رسمی «انجمن معلمان و کالج نیویورک»

۱۳. نشریه اروپایی تربیت معلم:^{۱۴} مجله تخصصی «انجمن آموزش معلمان در اروپا»

● مجلات آموزشی دفتر انتشاراتی اسپرینگر:^{۱۵} مشخصات تمامی مجلات روی پایگاه اینترنتی دفتر انتشاراتی اسپرینگر به نشانی springer.com قابل دسترسی است. چکیده مقالات به صورت برخط و متن کامل آن‌ها از طریق خرید اینترنتی در سایت این دفتر ارائه می‌شود.

۱۴. نشریه آموزش معلم علوم:^{۱۶} مجله رسمی «انجمن معلمان علوم»

۱۵. آموزش چندزبانه:^{۱۷} دسترسی به متن کامل مقالات این مجله به صورت آن‌لاین روی پایگاه اینترنتی به نشانی multilingual_education.com امکان‌پذیر است.

۱۶. ادبیات کودکان در آموزش:^{۱۸} فصل‌نامه‌ای بین‌المللی شامل مقالات و مصاحبه‌هایی با نویسندگان کودک و نوجوان، نقد آثار کلاسیک برای خوانندگان جوان، توصیف طرح‌های موفق برای خواندن در کلاس درس و ارائه موضوعات مرتبط با مهارت خواندن به معلمان است.

۱۷. نشریه آموزش و پرورش در دوران کودکی:^{۱۹} ویژه دست‌اندرکاران آموزش کودکان از جمله مربیان پیش دبستانی، معلمان و استادان تربیت معلم

۱۸. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و آموزشی:^{۲۰} این مجله به بیان رابطه بین فناوری اطلاعات و ارتباطات با آموزش و پرورش می‌پردازد. چشم‌انداز مجله تمامی سطوح آموزشی از برنامه‌های خرد کاربردی مانند نمونه‌های کلاس درس تا پروژه‌های کلان مانند سیاست‌گذاری‌های ملی در حوزه فناوری اطلاعات و آموزش را دربر می‌گیرد.

۱۹. تکنولوژی، دانش و یادگیری:^{۲۱} مجله‌ای بین‌المللی که به آموزش زبان، هنر، علوم و ریاضیات با استفاده از تکنولوژی‌های جدید توجه دارد. محتوای این مجله متشکل از مقالات و گزارش‌های آموزشی با استفاده از فناوری است.

۲۰. خواندن و نوشتن:^{۲۲} مجله‌ای بین‌رشته‌ای که مقالاتی با موضوع کسب مهارت‌های خواندن و نوشتن را منتشر می‌کند. این مقالات تلفیقی از رشته‌های زبان‌شناسی، پردازش اطلاعات، عصب‌شناسی، روان‌شناسی شناختی، علوم گفتاری و شنیداری و آموزش و پرورش هستند.

۲۱. تغییر آموزشی:^{۲۳} ایده‌های مهم و شواهدی از تغییر در آموزش را منتشر می‌کند. در این مجله، تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر تغییر در روند آموزش بررسی می‌شود.

cjs.sagepub.com
۳۰. کودک بالاستعداد^{۳۳} (فصل نامه):
gcq.sagepub.com
۳۱. توسعه مدارس^{۳۴} (گاه نامه):
imp.sagepub.com
۳۲. سیاستگذاری آموزشی^{۳۵} (دو ماه نامه):
epx.sagepub.com
۳۳. مدیریت آموزشی^{۳۶} (فصل نامه):
ecl.sagepub.com
۳۴. نشریه سوادآموزی در دوران کودکی:^{۳۷}
ecl.sagepub.com
۳۵. نشریه معلولیت های ذهنی:^{۳۸}
jid.sagepub.com
۳۶. پژوهش در آموزش زبان دوم:^{۳۹}
ltr.sagepub.com
۳۷. نشریه ناتوانی های یادگیری:^{۴۰}
ldx.sagepub.com
۳۸. موضوعاتی در رهبری آموزشی:^{۴۱}
jel.sagepub.com
۳۹. نشریه تربیت معلم:^{۴۲}
jte.sagepub.com
۴۰. مدیریت در آموزش و پرورش:^{۴۳}
mie.sagepub.com
۴۱. موضوعات ویژه آموزش کودکان در سنین پایین:^{۴۴}
tec.sagepub.com

۲۲. نشریه بین المللی دوران کودکی:^{۲۴} این مجله با مطرح کردن مسائل چندفرهنگی، آموزش کودکان و توسعه پایدار و مسائل جاری در آموزش و پرورش، به موضوع مراقبت و آموزش کودکان در دوران ابتدایی می پردازد.

۲۳. مروری بر روان شناسی آموزشی:^{۲۵} مجله ای بین المللی است که مطالب مربوط به روان شناسی آموزشی، اعم از مقالات پژوهشی، گزارشات و نظرات جدید در این حوزه را منتشر می کند.

۲۴. نشریه آموزش رفتاری:^{۲۶} منبعی برای استفاده از اصول رفتاری و فناوری در آموزش و پرورش دانش آموزان معلول، در معرض خطر و عادی تمامی سنین است.

۲۵. تحقیق در تکنولوژی آموزشی و توسعه:^{۲۷} نشریه «انجمن روابط آموزشی و تکنولوژی» است که هر ماه دوبار چاپ می شود.

۲۶. نشریه اروپایی روان شناسی آموزشی:^{۲۸} این فصل نامه با رویکردی بین رشته ای و تلفیق مسائل روان شناسی، جامعه شناسی و آموزش و پرورش، به بحث در حوزه های مذکور می پردازد.

۲۷. محقق استرالیایی در حوزه آموزش و پرورش:^{۲۹} مجله رسمی «انجمن پژوهشگران آموزش و پرورش» استرالیا که با چاپ مقالات علمی، دیدگاه های محققان بین المللی را در حوزه آموزش و پرورش مطرح می کند.

● مجلات آموزشی شرکت انتشاراتی سیج^{۳۰}

۲۸. زبان اول^{۳۱} (فصل نامه):

fla.sagepub.com

۲۹. نشریه کانادایی روان شناسی مدرسه ای^{۳۲} (فصل نامه):

(ب) مجلات الکترونیکی و سایت های آموزشی
۴۲. آموزش در اسکاتلند (مجله الکترونیکی):^{۴۵}

۴۳. معلم آن لاین: ۴۶
educationnews.com
۴۴. دوران کودکی امروز: ۴۷
teachingtoday.glencoe.com
۴۵. آموزش استثنایی (مجله بین‌المللی): ۴۸
internationaljournalofspededucation.com
۴۶. آموزش روان‌شناسی تربیتی ۴۹ (مجله الکترونیکی):
teachingeduppsych.org
۴۷. آموزش زبان انگلیسی، تمرین و نقد: ۵۰
edlinked.soe.ac.nz
۴۸. یادگیری و آموزش ۵۱ (مجله آن‌لاین):
jolt.merlot.org
۴۹. شورای ملی معلمان زبان انگلیسی ۵۲ (وبگاه):
ncte.org
۵۰. «در مدرسه» ۵۳ (وبگاه آموزشی):
insidetheschool.com
۵۱. کتابداران (مجله الکترونیکی):
teacherlibrarian.com
۵۲. مدیریت کلاس درس هوشمند ۵۴ (وبگاه آموزشی):
smartclassroommanagement.com
۵۳. یادگیری ابتدایی ۵۵ (وبگاه آموزشی):
learningfirst.org
۵۴. آموزش ۵۶ (وبگاه):
education.com
۵۵. جهان آموزش ۵۷ (وبگاه):
educationworld.com
۵۶. اخبار آموزشی ۵۸ (وبگاه):
educationnews.com
۵۷. آموزش امروز ۵۹ (وبگاه):
teachingtoday.glencoe.com
- ج) مجلات آموزشی
۵۸. معلم استرالیایی: ۶۰
ozteacher.com.au
۵۹. صفحه آموزش: ۶۱
metromagazine.com.au
۶۰. مربی استرالیایی: ۶۲
hardiegrant.com.au
۶۱. راه‌حل‌های فناوری در آموزش: ۶۳
educationtechnologysolutions.com.au
۶۲. راه‌های دیگر: ۶۴
home-ed.vic.edu.au
۶۳. معلم: ۶۵
research.acer.edu.au
۶۴. ارتباط: ۶۶
research.acer.edu.au
۶۵. محاسبات آموزشی استرالیایی: ۶۷
acce.edu.au
۶۶. رهبری در برنامه‌ریزی آموزشی ۶۸ (مجله الکترونیکی):
cmslive.curriculum.edu.au
۶۷. مطالعاتی درباره یادگیری، ارزیابی، نوآوری و توسعه: ۶۹
sleid.cqu.edu.au
۶۸. معلمی در اسکاتلند: ۷۰

۸۲. آموزش علوم و محیط‌زیست^{۸۴} (مجله بین‌المللی):
ijese.com
۸۳. مسائل تربیت معلم:^{۸۵}
ite.chapman.edu
۸۴. مدرسه آمریکایی:
asbj.com/MainMenuCategory/Archive
۸۵. تربیت معلم (فصل‌نامه):^{۸۶}
tejournal.org
۸۶. موضوعات جاری در آموزش و پرورش:^{۸۷}
cie.asu.edu
۸۷. آموزش و رفتار کودکان:^{۸۸}
muse.jhu.edu
۸۸. مدارس؛ مطالعاتی درباره آموزش و پرورش:^{۸۹}
press.uchicago.edu
۸۹. نشریه آمریکایی آموزش:^{۹۰}
press.uchicago.edu
۹۰. مربی آمریکایی:^{۹۱}
aft.org
۹۱. معلم آمریکایی:^{۹۲}
aft.org
۹۲. آموزش و پرورش آینده:^{۹۳}
educationnext.org
۹۳. مطالعات انتقادی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی:^{۹۴}
jceps.com
۹۴. معلم یادگیرنده:^{۹۵}
learningteacher.eu
۹۵. معلم کانادایی:^{۹۶}
learningteacher.eu
- teachingscotland.org.uk
۶۹. پشتیبانی یادگیری:^{۷۱}
learningsupport.co.uk
۷۰. آموزش و پرورش امروز:^{۷۲}
collegeofteachers.ac.uk
۷۱. آموختن تکنولوژی به منظور آموزش:^{۷۳}
teachingtechnology.co.uk
۷۲. طراحی و تکنولوژی آموزشی^{۷۴} (مجله بین‌المللی):
ojs.lboro.ac.uk
۷۳. تکنولوژی آموزشی استثنایی:^{۷۵}
tamcec.org
۷۴. آموزش مؤثر:^{۷۶}
uncw.edu
۷۵. مدرسه راهنمایی:^{۷۷}
amle.org
۷۶. سوادآموزی از طریق علوم^{۷۸} (مجله الکترونیکی):
ejlts.ucdavis.edu
۷۷. یادگیری دیجیتالی در تربیت معلم:^{۷۹}
iste.org
۷۸. آموزش و تربیت معلم:^{۸۰}
sciencedirect.com
۷۹. مدرسه ابتدایی:^{۸۱}
press.uchicago.edu
۸۰. دبیرستان:^{۸۲}
muse.jhu.edu
۸۱. سوادآموزی و باسوادی:^{۸۳}
rrcna.org

28. European Journal of Psychology in Education
29. An Australian Educational Researcher
30. SAGE Publication
31. First Language
32. Canadian Journal of School Psychology
33. Gifted Child Quarterly
34. Improving Schools
35. Educational Policy
36. Educational Administration Quarterly
37. Journal of in Early Childhood Literacy
38. Journal of Intellectual Disabilities
39. Language Teaching Research
40. Journal of Learning Disabilities
41. Cases in Educational Leadership
42. Journal of Teacher Education
43. Management in Education
44. Topics in Early Childhood Special Education
45. Education Scotland (connected magazine)
46. The teacher online
47. Childhoods Today
48. International Journal of Special Education
49. Teaching Educational Psychology
50. English Teaching: Practice and Critique
51. Journal of Online Learning and Teaching
52. National Council of Teachers of English (NCTE)
53. Inside the school
54. Smart classroom management
55. Learning first
56. Education
57. Education World
58. Education News
59. Teaching Today
60. Australian Teacher
61. Screen Education
62. Australian Educator
63. Education Technology Solutions
64. Otherways
65. Teacher
66. Connect
67. Australian Educational Computing
68. Curriculum Leadership
69. Studies In Learning, Evaluation, Innovation and Development
70. Teaching Scotland
71. Learning Support
72. Education Today
73. Teaching Technology for Education
74. Design and Technology Education: an International Journal
75. Journal of Special Education Technology (JSET)
76. The Journal of Effecting Teaching (JET)
77. Middle School Journal
78. Electronic Journal of Literacy through Science (EJLTS)
79. Journal of Digital Learning in Teacher Education
80. Teaching and Teacher Education
81. The Elementary School Journal

canadianmagazineteacher.com

۹۶. بیاموز: ۹۷

teachmag_digital.com

۹۷. ای. تی. ای: ۹۸

teachers.ab.ca

۹۸. نشریه کانادایی آموزش و پرورش: ۹۹

ojs.vre.ca

۹۹. نشریه کانادایی زبان‌شناسی کاربردی: ۱۰۰

ojs.vre.ca

۱۰۰. معلم مثبت: ۱۰۱

teacherplus.org

پی‌نوشت

1. Routlage (T&F)
2. Technology, Pedagogy and Education
3. Physical Education and Sport Pedagogy
4. Childhood Education
5. Action in Teacher Education
6. Education 3-13
7. International Journal of Bilingual Education and Bilingualism
8. THE Language Learning Journal
9. European Early Childhood Education Research Journal
10. Pedagogies
11. Educational Psychology
12. International Journal of Play
13. New Educator
14. European Journal of Teacher Education
15. Springer
16. Journal of Science Teacher Education
17. Multilingual Education
18. Children's Literature in Education
19. Early Childhood Education Journal
20. Educational and Informational Technologies
21. Technology, knowledge and Learning
22. Reading and Writing
23. Educational Change
24. International Journal of Early Childhood
25. Educational Psychology Review
26. Journal of Behavioral Education
27. Educational Technology Research and Development

82. The High School Journal
83. Literacy Teaching and Learning
84. International Journal of Environmental and Science Education
85. Issues in Teacher Education
86. Teacher Education Quarterly
87. Current Issues in Education
88. Education and Treatment of Children
89. Schools: Studies in Education
90. American Journal of Education
91. American Educator
92. American Teacher
93. Education next
94. The Journal of Critical Education Policy Studies
95. Learning Teacher Magazine
96. Canadian teacher magazine (CTM)
97. Teach Magazine
98. ATA Magazine
99. Canadian Journal of Education
100. Canadian Journal of Applied Linguistics
101. Teacher Plus

سایه‌اش هنوز کنار ماست

یادنامه زنده یاد علی نامور، تصویرگر مجلات رشد

به کوشش تهمینه حدادی

مقدمه

یادنامه‌ها تنها یادنامه‌اند. قرار نیست به تفصیل چیزی را بررسی کنند، قادر نیستند مفصل و تمام و کمال حق مطلبی را ادا کنند، تنها یادنامه‌ای هستند برای یادآوری اتفاقات بسیار مهم؛ آن قدر مهم که ردشان بر زندگی شخصی، هنری و حرفه‌ای دیگران باقی می‌ماند. یادنامه «علی نامور» هم از این قاعده مستثنی نیست؛ نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند، به ساعت‌ها بحث و تحلیل نیاز دارد تا بالغ شود. نیاز دارد تا علی نامور را به‌خوبی بشناسد، هنرش را درک کند و هر صبح که در ویتترین انتشارات مدرسه نگاهش به جلدهایی که او به تصویر کشیده است می‌افتد، «آه»های بلند نکشد. «علی نامور» هرروز بر شیشه ویتترین انتشارات مدرسه هست. علی نامور هنوز در راهروهای مجلات رشد در رفت و آمد است، هنوز در کتاب‌های درسی هست و هنوز پوستری از او در دفتر رشد نوجوان باقی است؛ پوستری از چهره او که روزی که داشت می‌رفت به جنوب تهران، دست‌به‌دست شد میان

مشایعت‌کنندگان. آنچه در پی می‌آید، درباره چیزهایی است که تا به حال گفته نشده‌اند. یادنامه‌ای است کوتاه، خیلی کوتاه، درباره بودنش، رفتنش، آرامشش و آثارش.

علی نامور

متولد: ۵۵/۱/۱

تاریخ فوت: ۸۹/۵/۱۰

تحصیلات: دانش‌آموخته دانشسرای تربیت معلم پارس‌آباد، کارشناس رشته هنرهای تجسمی
شغل: دبیر نقاشی، نقاش و تصویرگر کتاب

برخی کتاب‌هایی که علی نامور تصویرگری کرده است:

۱. او. : ترانه وفایی. **ایرانبان**

۲. **نبرد حران**. مژگان شیخی. مدرسه

۲۶. خانواده آقای چرخشی. طاهره ایبید. کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان
۲۷. نامه‌هایی به آقا غوله. محمدرضا یوسفی. کتاب چرخ
و فلک
۲۸. بندرختی که برای خودش دل داشت. فرهاد
حسن‌زاده. کتاب چرخ و فلک
۲۹. کلاغ‌ها هم می‌میرند. داوود غفارزادگان. سبزخامه
۳۰. من، زن بابا و دماغ بابام. محمدرضا شمس. افق

۳. مثل قیامت. محمدتقی اختیاری. مدرسه
۴. آریایی‌ها. جمشید خانیان. مدرسه
۵. هدیه روباه. مرجان کشاورزی آزاد. مدرسه
۶. ترانه‌های عاشقانه. مصطفی رحماندوست. شباویز
۷. خاله خاله‌جان، بابا مهربان. مصطفی رحماندوست.
شباویز
۸. عاشق و صنم. محمدرضا شمس. شباویز
۹. غصه‌پرداز. هدا حدادی. شباویز
۱۰. شب‌های سوری. هدا حدادی. شباویز
۱۱. دومرول دیوانه. محمدرضا شمس. شباویز
۱۲. پسری که نبود. فریده خلعتبری. شباویز
۱۳. خواب بیداری. فریده خلعتبری. شباویز
۱۴. فرشته گیسو بلند. مهدی میرکیایی. شباویز
۱۵. شاه شاخ‌دار. آتوسا شاملو. شباویز
۱۶. لطیفه‌های کودکان. داوود لطف‌الله. نشر پیدایش
۱۷. قصه‌هایی برای خواب کودکان. گیتا گرکانی و
ناصر یوسفی. پیدایش
۱۸. قصه‌های شیرین ویس و رامین. لاله جعفری.
پیدایش
۱۹. به همسرم جودی. سولماز جوشقانی. پیدایش
۲۰. لیلی نام تمام دختران زمین است. عرفان
نظرآهاری. صابرین
۲۱. کوله‌پشتی‌ات کجاست؟ عرفان نظرآهاری. به نشر
۲۲. کمدی الهی. داتنه. امیرکبیر
۲۳. دن کیشوت. سروانتش. امیرکبیر
۲۴. شازده گلابی. عذرا جوزدانی. سروش
۲۵. روبه آسمان. فریبا کلهر. سروش

غروب ...

غروب ...
به گاه ایستادن، تنه‌ایم ...
تکیه گاه دشت، بی‌نهایت خالیست
و دویدن‌ها مان در رویا، تمام نشدنی
از کنار مزرعه
و از کنار درختی که سال‌ها تنه‌است، می‌گذرم
جاده‌ای ساکت
ولی پر تپش از سایه یک سنجاقک
می‌ایستم
ابرها بالای دشت آرام‌اند
شاید، باران بیارد
چشمانم را با شتاب باز می‌کنم
جاده را سر می‌کشم
و می‌چرخم
دستانم موازی جاده
و چقدر شبیه بال‌های پرندگان تیز است
نگاهی به گذشته، کودک بودم
بازی
گریه
خواب
صبح، بیداری بی‌میل از قصه‌ها
دوری از پرواز و راه رفتن کنار ستاره‌ها
کودکی تیری بود از کمان جهیده
و چه زود غروب کرد
کنار فرزندانم روبه‌روی همین دشت ایستاده‌ایم

دست بر سر دخترم می‌کشم
موهایش به سوی درختان رم می‌کنند
نگاه مهریان همسرم را به یاد می‌آورم
سایه‌اش هنوز کنار ماست
دخترم را سخت در آغوش می‌کشم
سبزه‌ها خیس می‌شوند
پسرم استوار دستانش را دور کمرم حلقه می‌زند
چقدر فرصت خداحافظی نزدیک است
از پشت کوه‌ها به راه می‌افتد
اکنون برای ایستادن پیرم
و تنها از خاطرات دوران شاداب زندگی خرسندم
می‌بالم، مغرور می‌گردم
روی عصا محکم خم می‌شوم
ریه‌هایم از هوای تنه‌ایی لبریز می‌شوند
و من سردم می‌شود
روبه‌روی چشمانم، فرزندانم و فرزندانشان
زندگی باقیست
ولی دیگر از آن من نیست
و من بی‌شک امروز غروب خواهم کرد

۱۳۷۸/۱۲/۲۶

صبح ساعت ۷:۱۰

علی نامور

تندرقتش معنی داشت

۱

قرار شد برویم پارک لاله، زیرانداز بیندازیم و کارگاه‌ها مان را در هوای آزاد برگزار کنیم. این اتفاق هم افتاد. علی نامور از بین نامزدهای مختلف انتخاب شد (مدتی بود که بیشتر با «دوچرخه» کار می‌کرد). همین شد که پنج‌شنبه، هفتم مرداد، او زودتر از همه آنجا بود. مثل تمام روزهای تابستان اش بلوز و شلوار سفید و خنک پوشیده بود و منتظر مانده بود خبرنگارهای افتخاری نشریه «دوچرخه» روزنامه همشهری برسند و به کمک او جلد ویژه‌نامه «روز نوجوان» را کار کنند. دیر رسیدم. قرار هم نبود اول وقت آنجا باشم. بقیه کارگاه‌ها کنار هم برگزار می‌شدند. گروه علی نامور دورتر بود. نمی‌دانم چرا از بین همه آن‌ها، کارگاه تصویرگری را انتخاب کردم و اصلاً چه لزومی داشت علی نامور موقع سلام و احوال‌پرسی جلوی پایم بلند شود و حال خواهرم را بپرسد بعد بروم و شب ماجرا را به خواهرم بگویم و هردو شروع کنیم راجع به خوبی‌های نامور حرف زدن. می‌دانم که قطعاً همه این اتفاق‌ها معنی داشت؛ قطعاً.

۲

آن روز چشمم مدام دنبال این بود که نامور امروز چه چیزی خلق می‌کند. او مدام راجع به رنگ‌گذاری صحبت می‌کرد که، چطور از رنگ تیره به روشن برسیم. همه داشتند تندتند کلاغ می‌کشیدند و من مدام به این فکر می‌کردم که، چقدر کارهای نامور متفاوت شده است! او کلاغ می‌کشید و کلاغ‌هایش شبیه تصاویر کتاب‌های «فرشته گیسو بلند»، «غصه‌پرداز»، «من و زن بابام و دماغ بابام» نبود؛ حتی کتاب‌های طنزی که در این چند ساله تصویرگری‌شان را برعهده داشت. بعد از رفتنش این بحث داغ‌تر شد. یکی می‌گفت: «می‌دانید بدی قضیه چه بود؟ علی دیگر برعکس صدوپنجاه کتاب قبلی‌اش انتزاعی کار نمی‌کرد و درست وقتی که وارد دوره جدیدی از تصویرگری شد، از بین ما رفت؛ باید می‌ماند!» یکی دیگر می‌گفت: «آن روز که داشتم آخرین کتابش را ورق می‌زدم، دیدم، وای، عجب کارهای خوبی! باورم نمی‌شد چطور از آن سبک به این سبک متفاوت رسیده است.»

۳

یکشنبه نشسته بودیم توی تحریریه. قرار شد از خبرنگارهای افتخاری حاضر در کارگاه‌ها یادداشت، گزارش و خاطره بگیریم. یکی از بچه‌های کارگاه تصویرگری راجع به استادش نوشته بود: «او کتان‌های آل استار سفیدش را درآورد و به ما گفت، از آن‌ها ایده بگیریم! وقتی از کمبود آب برای رنگ‌هایمان نالیدیم، گفت، هنر در فقر به دنیا می‌آید و در ثروت می‌میرد!» عاشق این مطلب شدم؛ رفتم و عکس‌های او را نگاه کردم. هم‌کارم در تمام آن دو روز می‌گفت: «چه قدر نامور خوب است! اولین باری بود که می‌دیدمش. راستی، چند سالش است؟ سی و چهار سال!»

۴

روز بعد از آن هم‌کارم گریه می‌کرد. سه روز بعد از آن مدام عکس‌هایی را که از دست‌هایش در حین تصویرگری گرفته بودیم، نگاه می‌کردیم. چه دست‌های خاصی! این‌ها واقعاً معنی داشت؛ واقعاً.

۵

دوشنبه صبح خیلی‌ها این پیام را دریافت کردند: «علی نامور هم رفت». این جمله زیاده از حد ابهام داشت. شاید همان معنی را می‌داد که درباره‌ی خیلی‌ها که سفر می‌کردند برای هنر، صادق بود. اما، این طور نبود. باید دنبال دوستانش می‌گشتم برای گرفتن یادداشت. باید به خیلی‌ها زمان برگزاری مراسم را خبر می‌دادم. باید باور می‌کردم که او شنبه آمد اینجا، که یکشنبه رفته بود و آخرین تصویرگری‌اش را تحویل «سروش کودکان» داده بود، که همین دیروز پڑمان رحیمی‌زاده را دیده بود توی یک کتاب‌فروشی و پریده بود و او را ترسانده بود و بعد راهش را کشیده بود و رفته بود، بعد از گفتن این جمله: «اومده بودم بترسونمت و برم!» رحیمی‌زاده گفت: «واقعاً از شنیدن خبر فوت نامور ترسیدم!» همگی ترسیدیم؛ همگی.

۶

عجب روزی بود؛ همه بودند. نه برای جایزه‌های داخلی‌اش آمده بودند، نه برای جایزه‌ هزارویک شب کشور پرتغال، نه برای جایزه‌های تاپیه و بلگراد. نویسنده‌ها، تصویرگرها، مدیران مجلات رشد، ناشران برجسته. آرام بودند آن روز. زمانی که بود، با خودش آرامش می‌آورد. آن روز هم آرامش آورد. نمی‌دانم، شاید قرار بود با آن آرامش خداحافظی کنیم! نمی‌دانم چرا آن روز یکی از نزدیک‌ترین دوستانش مرا مخاطب قرار داد و گفت: «فیلم‌پرداری برای دخترش با تو.» بعد شانه‌هایم سنگینی کرد؛ اما معنی داشت. همه این اتفاق‌ها معنی داشت، و من مراسم را برای دخترش با دوربینی کوچک فیلم‌پرداری کردم. یکی دیگر هم آمد و گفت: «بعداً عکس‌ها را بدهید به سایت.» خواستم بگویم: «من خبرنگار نیستم؛ من کسی هستم که با نامور یک روز خوب را بعد از مدت‌ها گذرانده.» خانه هنرمندان آن روز شلوغ بود؛ یک شلوغی آرام!

۷

آن روز وقتی کارگاه تمام شد، نامور از جایش بلند شد و رفت. نماند مانند بقیه، که ناهار بخوریم و عکس ببندازیم. گفت: «می‌خواهم با همسر و دخترم باشم.» تند رفت؛ باید می‌رفت. حتماً معنی داشت این کارها؛ حتماً.

مردی که خودش را می کشید

گفت و گو با مهدیه حاجی ابوالحسن، همسر زنده یاد علی نامور

– بگذار این طور شروع کنیم؛ به نظر می آمد علی نامور از جمع گریزان است. مثلاً در بسیاری از محافل دیده نمی شد. این حس شخصی من است یا واقعاً او این خصلت را داشت؟

نه، واقعاً این طور بود. می توانم بگویم خلق و خوی درویشی داشت و اگر از جمع فاصله می گرفت، برای این بود که وارد حاشیه های تصویرگری یا نقاشی نشود. یاد نمی آید که یک بار هم درباره تصویرگری دیگری بد گفته باشد. قاعدتاً آدم هایی هستند که از هم خوششان نیاید، حتی خود من و شما هم ممکن است از کسانی خوشمان نیاید اما علی این طور نبود. او رابطه خوبش را با همه داشت و درباره کسی هم قضاوت نمی کرد.

– این فاصله گیری از جمع تو را اذیت نمی کرد؟

نه. در هر حال او رابطه های حرفه ای اش را داشت و ما با برخی از تصویرگران در رفت و آمد بودیم. یعنی جمع دوستانه خودمان را داشتیم اما مثل سایرین روابطمان گسترده نبود و هر کسی را دوست محسوب نمی کردیم.

«مهدیه حاجی ابوالحسن» همسر علی نامور، نقاش و تصویرگر است. او پیش از آشنایی با علی نامور تصویرگری می کرد و به تازگی هم دو عنوان کتاب با تصویرگری های او در انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.

با او در منزلش قرار می گذارم و چیزهایی را که می دانم دوست نخواهد داشت، از او نمی پرسم. خانه آن ها در یکی از کوچه پس کوچه های میدان امام حسین (ع) است و در و دیوارش حاکی از آن است که هنرمندی در این خانه زندگی می کند.

مهدیه خیلی راحت به سوالات پاسخ می دهد؛ به تمام سؤالاتی که حتی خودم برای مطرح کردن آن ها مردد بوده ام. با او درباره شخصیت علی نامور، کار کردنش و حتی مرگش صحبت می کنیم. خیلی راحت، خیلی آهسته، خیلی آرام. . .

– کدام تصویر گرها بودند که آثارشان را دوست

داشت؟

* فرشید شفیعی و محمدعلی بنی اسدی. همیشه آثارشان را دنبال می‌کرد. جالب است که هر دوی این افراد هم بدون اینکه حس علی را دربارهٔ خودشان بدانند، در تمام مراسم علی شرکت کردند.

– خودش تصویرگری را چه‌طور شروع کرد؟

* برحسب یک اتفاق. او دانشجوی رشتهٔ هنرهای تجسمی بود. یک روز یکی از استادانش کتابی به او می‌دهد و می‌گوید برو برای کتاب نقاشی بکش تا نمرهٔ درسی را که با من داری، به تو بدهم. علی هم می‌رود و کار می‌کند. بعد از مدتی می‌بیند کتاب با نام استادش و البته بی‌اجازه چاپ شده است. پیگیر قضیه می‌شود و استاد به او توضیح می‌دهد که کاری که علی انجام داده تصویرگری است. از آن به بعد، علی از تصویرگری خوشش می‌آید و به‌طور جدی وارد این کار می‌شود.

– این قضیه آن موقع تا چه حد برایش جدی بود؟

* زیاد؛ سه تا از کتاب‌هایش در همان زمان دانشجویی چاپ شدند.

– اما نقاشی را هم دنبال کرد؟

* بله.

– و کدام را بیشتر دوست داشت؟

* نقاشی.

– همین رشته را هم در هنرستان تدریس می‌کرد؟

* بله، هفته‌ای سه روز.

– معلم مهربانی بود؟

* بله، خب با برخی از دانش‌آموزانش رفت‌وآمد داشت و گمان می‌کنم بیشتر افراد علی را با رفتارهای خوبش می‌شناختند. پس

قاعدتاً به‌عنوان معلم هم خوش‌رفتار بوده.

– برگردیم به تصویرگری. می‌گویند بعضی تصویر گرها

بدقول‌اند. آقای نامور هم جزء آن دسته بود؟

* نه. جالب است که همیشه کارهایش را زودتر از موعد هم تحویل می‌داد.

– زمان‌هایی که به کارهایش اصلاحی می‌خورد، چه؟ آن

موقع‌ها هم خوش‌قول بود؟

* بله. او آدم صبوری بود و تا جایی که می‌توانست و به کار لطمه نمی‌خورد، نظر ناشران را می‌شنید و اثرش را تغییر می‌داد. اتفاقاً من بیشتر از او نسبت به اصلاحی‌ها حساس بودم و ضرورتی نمی‌دیدم که همهٔ آن‌ها اعمال شود اما او به ناشرها احترام می‌گذاشت. شده بود که بخواهد کاری را کامل پس بگیرد. متن هم برایش بسیار مهم بود. شده بود اثری از یک نویسندهٔ برجسته را به او بدهند و بگویند متنش خوب نیست و آن را قبول نکرده باشد.

– علی نامور آتلیه نداشت و در خانه کار می‌کرد. دوست

دارم دربارهٔ نوع کار کردنش بگویم.

* او از صبح تا شب طراحی می‌کرد. در مهمانی و سفر و کنار سفرهٔ غذا هم دفترش همراهش بود. شب‌ها هم دفترش را می‌گذاشت بالای سرش تا اگر احیاناً بی‌خواب شد، بلند شود و طراحی کند. می‌شد که چند هفته هم از خانه بیرون نمی‌رفت. یک‌بار حساب کردیم دیدیم یک ماه است تا دم در خانه هم نرفته است. تمام آن مدت فقط طراحی و نقاشی می‌کرد.

– آدم شلخته‌ای هم بود؟

* شلختگی‌های خاص هنرمندان را داشت، اما این شلختگی نظم داشت. چیزی گم نمی‌شد.

– در تصویرگری از چه موادی استفاده می‌کرد؟
*رنگ پلاستیک ساختمان.

متن آمده بود در دست دختر لیوان است، او در دست دیگرش گل می‌گذاشت. معتقد بود تصویرگری باید با دنیای رئال فاصله داشته باشد.

– جدأ؟

*بله. زمان دانشجویی که پول نداشت، از این نوع رنگ استفاده می‌کرد. بعدها هم که دیگر می‌توانست رنگ‌های نقاشی بخرد، ترجیح می‌داد از همین رنگ استفاده کند.

– خب این متکی نبودن به متن تصویرگری را سخت می‌کند. او واقعاً می‌توانست آن طور که می‌خواهد تصویرگری کند؟

*بعضی ناشرها بودند که این اجازه را به او می‌دادند و او با آن‌ها راحت‌تر و بیشتر کار می‌کرد، اما در هر حال مثل هر تصویرگر دیگری آرزوی این بود که آن طور که می‌خواهد تصویرگری کند

– شما یک دختر کوچک هم دارید. کار کردن برای آقای نامور در این شرایط سخت نبود؟

*جالب است که این موضوع را مطرح کردید. نه اتفاقاً آن‌را راحت می‌توانست کارهای پدرش را ببیند و پدرش معتقد نبود بچه نباید به چیزی دست بزند. آن‌را می‌نشست پهلوی پدرش و علی هم به کارش ادامه می‌داد. علی می‌گفت حتی اگر روی یک کار تمام‌شده لکه‌ای هم ایجاد شود، باید روی آن لکه کار کرد و آن‌را بخشی از کار کرد. به‌خاطر همین دلوپسی نداشت.

– علی نامور جز شعرهایی که از او در اختیار داریم، چیز دیگری هم نوشته است؟

*او برای خودش شعر می‌گفت. یک دفتر شعر دارد که در سال‌های مختلفی آن‌ها را سروده.

– حالا آن‌را ز چه عکس‌عملی نسبت به کارهای پدرش دارد؟

*اگر کارهای پدرش را میان صد تا کار دیگر هم بگذارم، آن‌ها را می‌شناسد و جالب اینکه تحلییشان می‌کند. درباره‌ی جزء به جزء کار حرف می‌زند و نظر می‌دهد.

– جز تدریس، نقاشی، تصویرگری و... کار دیگری هم انجام می‌داد؟

*ساز می‌زد، اواخر عمرش هم انیمیشن و کار حجم را شروع کرده بود که نصفه ماندند. البته باید بگویم هفته‌ی آخر عمرش، یعنی از ۲ تا ۱۰ مرداد، جز شرکت در یک کارگاه که شما هم آنجا بودید، هیچ کاری انجام نداد. ناگهان دست از کار کشید.

– چرا؟

*روز دوم مرداد گفت که دلش می‌خواهد بمیرد و یک بار دیگر به دنیا بیاید و این بار همه‌ی عمرش را پای نقاشی نگذارد. می‌خواهد با خانواده‌اش باشد، همین!

– چرا علی نامور در حالی که کار رئال انجام می‌داد. در تصویرگری آن قدر از متن فاصله می‌گرفت؟

* همان طور که گفتم، مهم بود متن خوبی دستش برسد و بتواند از آن ایده بگیرد اما بعد خودش به ایده‌پردازی می‌پرداخت. اعتقاد داشت متن و تصویر دو دنیای متفاوت‌اند. بنابراین اگر در

- بله. خوب یادم هست. آن روز در کارگاه تصویرگری موقع ناهار گفت که باید زود بروم؛ چون می‌خواهد ناهار را با شما و دخترتان بخورد. بعد اوایل هفته بعدش آمد دفتر دوچرخه و ما دوشنبه صبح مطلع شدیم فوت کرده است. واقعاً ایشان بیماری قلبی داشت؟

*بله. هم بیماری قلبی داشت، هم سندروم مارفان و دکتر به او گفته بود که زیاد عمر نخواهد کرد و البته علی به من نگفته بود. چندبار به شوخی گفته بود که قلبم درد می‌کند و من جدی نگرفته بودم. در واقع خودش هم مسئله قلبش را جدی نگرفته بود. درباره سندروم هم دکتر گفته بود هیچ دارو و جراحی‌ای برای او کارساز نیست.

- می‌شود درباره آن روز صحبت کنیم؟

*بله، اما دوست دارم اول این نکته را بنویسید. من وقتی چهار سال و یک ماه داشتم، روز دهم مرداد پدرم فوت شد. آن روز هم روز دهم مرداد پدرش را از دست داد؛ در حالی که چهارسال و دو ماه داشت. آن روز صبح من به علی گفتم می‌خواهم بروم بهشت زهرا برای دیدن پدرم و او گفت آخر هفته مرا می‌برد و خوب، من و علی آخر هفته به بهشت زهرا رفتیم!

- آن روز عصر چه شد؟

آن روز صبح من با علی صحبت دیگری هم داشتم. علی گفت که باید از این به بعد خودم کار کنم و درآمد مستقل داشته باشم. آن موقع به من برخورد و از دستش عصبانی شدم. دلیلی برای این کار نمی‌دیدم. اما در هر حال قبول کردم و همان روز ساعت ۵ بعدازظهر قراردادی را با یک نفر امضا کردم تا از آن به بعد یک کارگاه داشته باشم. همان موقع که من قرارداد را امضا کردم، علی جلوی در خانه و سوار بر ماشین فوت کرد.

- چطور مطلع شدید؟

*من تا ساعت ۱۲ شب خانه نیادم. علی ساعت پنج بعدازظهر جلوی در خانه و سوار بر ماشین فوت کرده بود. همسایه‌ها دیده بودند که صدای گاز دادن ماشین تکرار می‌شود؛ آمدند و دیدند فوت شده. آن‌ها شماره‌ای از من نداشتند. شب پلیس با من تماس گرفت و من مطلع شدم.

- خود تو هم تصویرگری می‌کنی. از زمانی که با علی آشنا شدی این کار را شروع کردی؟

*نه من قبل از آشنایی با علی سه کتاب تصویرگری کرده بودم اما بعد دیگر این کار را انجام ندادم. چندسالی کار خوب انجام می‌دادم. الان اما نقاشی می‌کنم و تصویرگری را دوباره شروع کرده‌ام.

- به‌عنوان کسی که در این رشته سررشته‌ای هم دارد، کدام سبک کار علی را می‌پسندیدی؟

*من همه‌شان را دوست داشتم. با همه آن‌ها ارتباط می‌گرفتم و نمی‌توانم بگویم کدام را ترجیح می‌دادم.

- در اغلب تصویرگری‌های آقای نامور وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم مردی قد بلند با ریش‌های بلند وجود دارد. این مردها به‌شدت شبیه خودش هستند. چرا علی نامور خودش را می‌کشید؟

*همان‌طور که می‌دانید، علی درویش مسلک بود و از طرفی، در هنر هم برایش مهم بود با اثر ارتباط بگیرد. پس نمی‌شد توقع داشت که خودش را جای قهرمان‌های داستان تصور نکند. او خودش را جای قهرمان‌ها می‌گذاشت؛ می‌شد خود آن‌ها و در

نتیجه خودش را در دل داستان تصویر می‌کرد.

- شما متفاوت‌ترین مراسم چهلم را برگزار کردید. در واقع به جای مراسم، نمایشگاهی از آثار علی برپا کردید. چطور تصمیم گرفتید این کار را بکنید؟

*علی برای من نمرده بود و ضرورتی نمی‌دیدم برنامه‌ای برای بیشتر ناراحت شدن اطرافیانم برپا کنم. همین شد که آثارش را به نمایش گذاشتم. همان طور که هنوز در برخی سایت‌ها آثارش را ارائه می‌دهم.

- و سؤال آخر: چند وقت پیش کتاب جدیدی از آقای نامور چاپ شد و شما هم در جریان نبودید. چه حسی نسبت به این اتفاق داشتید؟

* در مجموع، مردم فراموشکار و بهانه تراشی داریم. بعد از مرگ علی خود من به تک‌تک ناشران مراجعه کردم و پرسیدم که آیا با علی تسویه حساب کرده‌اند یا نه. بعد آن‌ها با تعجب می‌گفتند نه و اینکه نمی‌دانسته‌اند باید با چه کسی در این باره صحبت کنند. این عجیب‌ترین بهانه‌ای است که تا به حال شنیده‌ام. طبعاً هر کسی فوت می‌کند، خانواده‌ای دارد. درباره آن کتاب هم طبعاً کمترین توقع این است که به بازمانده‌های تصویرگر خبر بدهند که کتابی پس از چهار سال منتشر شده است. این کمترین وظیفه انسانی هر کسی است. شاید هنوز هم ناشرانی باشند که با علی حساب کتابی دارند و فراموش کرده‌اند.

از کشف و شهود معنوی تا کشف و شهود هنری

گفت‌وگو با فریبا نباتی، نویسنده و مترجم معاصر

کرد. بنابراین، یک روز علی نامور به دفتر انتشارات آمد. باید بگوییم که من از آقایانی که موهای بلند داشتند می‌ترسیدم اما آقای نامور از همان لحظه اول حس خوبی به من داد. قرار شد ایشان طرح بزنند و بیاورند و بعد ما درباره کار مفصل صحبت کنیم. دو روز بعد، علی نامور با ۳۹ طرح ریز و درشت آمد و آن‌ها را روی میز چید. طرح‌های او فوق‌العاده بود و برای من باور کردنی نبود که کسی در عرض دو روز بتواند این همه طرح بزند. تمام آن چند روز با خودم کلنجار می‌رفتم که چطور باید هزینه هنر او را پرداخت کنم و این موضوع آزارم می‌داد؛ چون هر انتشاراتی‌ای وسیعی دارد و نمی‌شد هزینه واقعی کار آقای نامور را پرداخت کرد.

– پس همین خوش‌قولی باعث شد که سفارش

کارهای بعدی را هم بگیرد؟

* نمی‌شود انکار کرد که او یک هنرمند با آثار خاص بود و در واقع بعد هنری آثارش باعث می‌شد تا مدیران انتشارات فعالیت او را بپذیرند. حالا اینکه عده‌ای به‌خاطر سلیقه و عدم شناخت از

عمده فعالیت‌های علی نامور با ناشرانی همچون شباویز، آستان قدس رضوی (به نشر) و مدرسه بوده است. در این میان، می‌توان از فریبا نباتی به‌عنوان کسی نام برد که طی ده سال تغییر و تحولات شخصی و حرفه‌ای علی نامور را به‌دلیل همکاری با انتشارات آستان قدس رضوی شاهد بوده است. فریبا نباتی روزنامه‌نگار، نویسنده و مترجم است و سال‌هاست به‌عنوان مدیر فرهنگی فعالیت می‌کند. او طی گفت‌وگو بر کشف و شهودی بودن علی نامور تأکید بسیار دارد. درباره تلاش‌های نامور برای ارائه آثار مناسب صحبت می‌کند و نیز درباره برخی خلقیات او که بسیاری از ما با آن‌ها آشنا هستیم.

– آشنایی شما و علی نامور از کجا شروع شد؟

* در واقع، عرفان نظر‌آهاری معرف علی نامور به من بود. خانم نظر‌آهاری گفت که می‌خواهد کتاب «کوله پشتی‌ات کجاست؟» را به تصویرگری خاص بدهد که خودش او را به ما معرفی خواهد

تصویرگری با آثار او ارتباط نمی‌گرفتند، مسئله‌ای جداست اما این خیلی مهم است که تو در کار کم نگذاری و خوش قول باشی. بودند افرادی هم طراز با علی نامور که بدقولی می‌کردند. قاعدتاً تو در این شرایط همکاری با علی نامور را ترجیح می‌دهی.

– و بعد آرام آرام رابطه خانوادگی شما آغاز شد؟

«آقای نامور به دفتر ما رفت و آمد می‌کرد. سروقت کارش را می‌آورد و پس از مدتی من فهمیدم با او چقدر مشترکات روحی دارم. فرهنگ ما و نوع نگاه ما به مذهب متفاوت بود اما پس از مدتی فهمیدم آقای نامور یک آدم کشف و شهودی است و او آرام آرام شروع کرد به صحبت کردن درباره این کشف و شهودها- که البته گفتنش در اینجا ضرورتی ندارد. مدتی که گذشت، خواهرزاده‌های من می‌خواستند تصویرگری یاد بگیرند و آقای نامور این آموزش را برعهده گرفت. او آدم راحتی بود و هربار می‌آمد منزل ما، من برایش ماکارونی درست می‌کردم و او چیزی نمی‌گفت. سال‌ها ماکارونی خورد تا اینکه یک روز خواهرزاده‌ام به من گفت که آقای نامور ماکارونی دوست ندارد!

یک‌بار هم یادم هست که من و همسر علی نامور در آشپزخانه بودیم، وقتی بیرون آمدیم دیدیم در حالی که دارد به محمد و فائزه تصویرگری یاد می‌دهد، به خواهرزاده کوچک‌ترم هم دیکته می‌گوید. حالا که بهش فکر می‌کنم، به حالت نشستنش، به حالت دیکته گفتنش و اینکه چندتا بچه دورش جمع شده بودند، خنده‌ام می‌گیرد. این خیلی خوب است که یک نفر پس از مرگش هم بتواند به دیگران شادی ببخشد. این‌ها را گفتم تا بدانید فردی بی‌دریغ بود و این همان ویژگی برجسته او بود. می‌دانید او با آن سابقه کار وظیفه‌ناداشت حواسش به همه کس و همه جا باشد اما همیشه مراعات احوال دیگران را می‌کرد. مراعات جیب دیگران را می‌کرد. مراعات همه چیز را.

– مراعات جیب دیگران را؟

«یادم هست یک‌بار پروژه‌های را با حسین نوروزی شروع کردیم و گویا نوروزی از من دلخور شده بود. آقای نامور جریان این دلخوری را به من گفت و قرار شد یک‌بار باهم به دفتر حسین نوروزی برویم. چند روز بعد به من زنگ زد که من نزدیک انتشارات هستم، می‌خواهید حالا برویم دیدن حسین نوروزی؟ به او گفتم: «آخر الان باید گلی چیزی دستمان بگیریم. همینطوری که نمی‌شود.» اما او گفت: «نه ضرورتی ندارد.» می‌دانم این را از این لحاظ گفت که گمان کرد من آن موقع ممکن است پول خرید گل را نداشته باشم. هم حواسش به من بود، هم حواسش به دلخور نبودن آدم‌ها از هم.

– گفتید بی‌دریغ بود. منظور شما را از این کلمه

نمی‌فهمم.

«ببینید مثلاً در آموزش تصویرگری به بچه‌ها گفته بود که من سعی می‌کنم تمام چیزهایی را که طی سالیان آموخته‌ام، به شما منتقل کنم یا اصلاً در کار کردن کم نمی‌گذاشت. هرکاری می‌کرد، تا به نتیجه دلخواه خودش و ناشر برسد و قاعدتاً ارزش مالی و معنوی این کارش هم دیده نمی‌شد، اما او همچنان ادامه می‌داد. گرچه در اواخر عمرش یک‌بار گفته بود که بیش از اندازه از حق زن و فرزندش زده و دیگر سر کارهایش مذاکره می‌کرد. نمی‌دانم شاید هم این به نوع رابطه ما برمی‌گشت. هیچ‌وقت نمی‌گذاشت من در مقابل ناشر دست خالی باشم. ارتباط من با این آدم هم طول، هم ارتفاع و هم ژرفا داشت؛ چون او خودش هنرمندی عمیق، روشن و باعاطفه بود. من در طول زمان خیلی‌ها را از دست داده‌ام اما گمان می‌کنم آخرین ضربه را علی نامور به من زد و هنوز یک سؤال برایم باقی است: آدم‌ها وقتی می‌خواهند

بروند، حتماً یک جور راضی می‌شوند برای رفتن و اطرافیان‌شان هم در یک لحظه این رضایت را می‌دهند. خیلی دوست دارم بدانم آقای نامور چرا راضی به رفتن شد؟

– حتماً معامله خوبی بوده؟

* نمی‌دانم. اصلاً نمی‌دانم. آخر او خیلی کارها داشت که انجام نداده بود و اگر چه جایزه‌های زیادی گرفته بود، حتماً قرار بود به جاهای بهتری هم برسد. اگر مانده بود، در تصویرسازی ایران حرکت دگرگون‌کننده‌ای ایجاد می‌کرد. او هر چه را در زندگی می‌خواست، برای همسرش می‌خواست. قاعدتاً رفتن چنین آدمی جای سؤال دارد.

– از مرگ او چه چیزی را به یاد دارید؟

* بخش عجیب ماجرا این است که خانواده آقای نامور هیچ‌وقت سر زده به خانه ما نمی‌آمدند و طولانی هم نمی‌نشستند. چندروز قبل از مرگش تماس گرفتند که ما داریم می‌آییم. آمدند و عجیب این بود که تا ساعت ۶ هم نشستند. بعد ناگهان علی بلند شد و بدون هیچ مقدمه‌ای گفت خداحافظ و از در رفت بیرون؛ در حالی که هنوز دختر و همسرش آماده نشده بودند. چند روز بعد مهدیه زنگ زد و گفت: «خاله به دادم برس. علی مرد.»

سرش داد زد که شلوغ نکن.

داشتیم فکر می‌کردم که حتماً دعوایشان شده.

مهدیه گفت: «علی مرد.» من دوباره داد زد.

بعد او گفت: «به خدا مرد، به خدا مرد.»

– قاعدتاً شما خیلی از کارهای آقای نامور را به‌عنوان

خریدار بررسی کرده‌اید. من این سؤال را از خانم ابوالحسن هم پرسیده‌ام. از شما هم می‌پرسم: آقای نامور هیچ‌وقت نگفت که چرا در تصویرسازی‌هایش، در هر کتاب و فضایی خودش را هم می‌کشد؟

* نه، اما اگر از لحاظ روان‌شناختی بخواهیم بررسی کنیم، این کار نوعی خودشیفتگی است. با این حال، شناخت من از او این را نمی‌گوید. من با هنرمندان زیادی سر و کار داشته‌ام و می‌توانم بگویم اغلبشان این خصیصه را دارند اما این خصیصه را در علی نامور و قیصر امین‌پور ندیده‌ام. شاید علی بیش از حد با کار درگیر می‌شده. قبلاً هم گفتم که او یک آدم کشف و شهودی بود. شاید به این طریق در آثارش حضور داشت.

– اما در اواخر عمرش گویا دیگر کشف و شهودی نبود. اثری از او دیده می‌شد که رد علی نامور در آن‌ها کم‌رنگ بود.

* یادم هست که یک بار یک جا یادداشتی گذاشته بود که باید برای آسایش خانواده‌ام بیشتر تلاش کنم. شاید انجام دادن آن کارهای غیرشهودی به‌همین دلیل بوده. در آن کارها تکنیک موج می‌زند و حتماً آن خطوط و طرح‌ها برای خود او پر از عمق و معنا بوده است اما بله، او در جایی از کشف و شهود در آثارش فاصله گرفت. چون از آن درجه ایثار و گذشت که ده سال پیش داشت، فاصله گرفته بود. با این حال هیچ‌وقت ندیدم مغرور شود.

– اما در نگاه اول مغرور به‌نظر می‌رسید.

* شاید از این لحاظ که بر روی آثارش تعصب داشت. بلد بود در جای لازم به افراد غیر متخصص تشر بزند. ارزش‌های وجودی خودش را شناخته بود اما در روابط اجتماعی‌اش نه. قضیه آن است

که او کمی خجالتی بود و نمی‌توانست با همه ارتباط بگیرد اما در رفتارش همیشه محتاط بود، به شدت برایش اهمیت داشت که دل کسی را نشکند.

- پس در واقع معتقدید که او تغییری درونی کرد، نه اینکه آثارش ضعیف شوند؟

*بله. یادم هست ما سال‌ها بعد درباره کاری صحبت کردیم و او گفت: «باشد کار می‌کنم، اما فلان دستمزد را هم می‌گیرم.» دنیایی که علی طی کار کردن به آن رسیده بود، عجیب بود. کارهایش غیرمتعارف و هنرمندانه بودند و صرف اینکه برای کودک و نوجوان هستند علی در آن‌ها کم نمی‌گذاشت. این اتفاقی است که متأسفانه زیاد شاهدش هستیم. اما بنابر همان اصلی که گفتیم، او تغییر کرد. به کشف‌های جدیدتری رسید.

- ممنون. حرف آخری هست که دوست داشته باشید بگویید؟

* بله. خوب است از علی عامه کن و گل محمد خداوردی هم یاد کنم. علی عامه کن برای ما کار هم کرده بود و گل محمد خداوردی هم یک‌بار به دفترانتشارات آمد و شبیه به علی نامور نشست و برایم از کشف و شهودهای معنوی‌اش گفت. و در آخر درباره علی نامور: همکاری بود که اگر به او تکیه می‌کردی، هیچ‌وقت بد نمی‌دید. علی با دلش زندگی می‌کرد.

یادداشت هنرمندان و نویسندگان درباره‌ی نامور



برای رسیدن به کمال باید خیز برداشت

غلامعلی مکتبی

جوانی غریب و عجیب با قد و قامتی بلند و کشیده، اندامی لاغر و چهره‌ای همچون خاطره، با رنگی پریده و مهتابی و با هیبتی محکم همچون کوه و لهجه‌ای آذری را می‌بینم که قصد ورود به اتاق را دارد.

با حالتی بسیار غریبانه، مؤدب و جذاب و دوست‌داشتنی، با هیئت و منظری که در خاطرات شیرین آدم می‌ماند و ماندگار می‌شود. با دستی کشیده و چسبیده بر بدن و دیگر دست او با انگشت‌های بلند و باریکش بالا آمده است تا نشان دهد که قصد صحبت دارد.

آن لحظه‌ای که توانست با همه‌ی خصوصیات فردی و جاذبه‌های پنهانی‌اش مرا با قدرت بخواند و در کنار خودش همچون دوستی دیرینه بنشانند؛ آن هم با نگاه‌های پر از حس و حال و اشتیاق فراوان و گرم و صادقانه‌اش، دورا دور و در خیال خود بغلش کردم و بوسیدمش.

این غریبه‌ی عجیب و غریب که اکنون در خاطره‌ام نشسته است، از راهی دور برای دیدن من آمده بود و من هم که سخت شیفته‌ی حال و احوال گیرایش بودم، دیگر او را غریبه نمی‌دیدم. آشنایی می‌دیدم که از این پس باید همراه و همدل من می‌شد. در چند لحظه‌ی گذرا، آن هم به راحتی، آهسته و آرام و سبک در کنارم نشست و گفت: «ببخشید، آقای مکتبی؟» گفتم: «خودم هستم». مات و میهوت گفت: «عجب، خیال می‌کردم که شما جوونید؛ کارهاتون که همینو نشون می‌ده» و من هم که از شوق به جوش آمده بودم به مزاح گفتم: «درست دیده‌ای جوون، جوونم و شانزده ساله‌ام.»

چهره‌ی مهتابی رنگ او کمی به سرخی گرایید و با شرمی نمکین که خاص جوانان شهرستانی است، لب به سخن گشود و گفت: «درسته.» و به شکلی نجوایی از او شنیدم که با خود می‌گفت: «برای رسیدن به کمال باید خیز برداشت.»

و من که تا آن وقت مجذوب شخصیت او شده بودم، به خوبی دیدم که این جوان، پر از جاذبه‌های پنهانی است! در خیال خودم بغلش کردم و بوسیدمش.

مدت‌ها بعد از این قضیه و در روزگاری که دیگر با هم آشنا و دوست شده بودیم، از او پرسیدم: «آن روز که بهت گفتم شانزده ساله‌ام و تو گفتی درسته، به چه و چگونه فکر می‌کردی؟ من که از این گفته‌ات خوشم آمد.»

ترانه‌های عاشقانه

مصطفی رحماندوست

«ترانه‌های عاشقانه» مرا «علی نامور» تصویرگری کرد. این کتاب، نخستین مجموعه شعر عاشقانه‌ای بود که برای نوجوانان چاپ و منتشر می‌شد و طبعاً حساسیت زیادی داشت. هم اینکه چگونه شعری می‌تواند برای نوجوانان شعر عاشقانه باشد که نه سیخ بسوزد و نه کباب، هم اینکه تصویرگری‌های شعرهای عاشقانه نوجوانانه، از چه گونه‌ای باشد که نه مینیاتورهای عاشقانه پیشین را یادآوری کند و نه جسم‌گرایی عاشقانه‌های امروز را.

دشواری سرودن را من گردن گرفته بودم و دشواری تصویرگری به گردن علی نامور افتاد.

علی از آن دست آدم‌هایی بود که کم حرف می‌زد. بروز نمی‌داد که چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند. این بود که دغدغه‌های من برای اینکه چه تصویرهایی فراهم خواهد آمد، دو چندان بود.

بارها از او پرسیدم که چه می‌خواهی بکنی؟ و او به نقطه‌ای - انگار دوردست - خیره شد و سکوتی کرد و سری تکان داد و گفت: «ببینم چه می‌توانم بکنم.» دغدغه‌ی سومی هم رخ نمود. اینکه علی کار تصویرگری کتاب را خیلی طول داد و بیم این را به وجود آورد که از پیشش برنمی‌آید.

بالآخره، دغدغه‌ها به خط پایان رسید و یک روز علی نامور تصویرهایی را که برای نخستین مجموعه شعر عاشقانه نوجوانان کشیده بود، رو کرد. این بار نوبت من بود که به گوشه‌ای دورتر خیره شوم، بعد سکوت کنم و بعد بگویم که فکر می‌کنم همان چیزی از آب درآمده و همان گونه‌ای شده است که در رویاهایم بود.

او گفت: «می‌دونید، وقتی اینو گفتید منو به یاد شعری از خواجه حافظ شیرازی انداختید که می‌فرماید: هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم. هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم، و لحظه‌ای به نظرم شانزده ساله آمدید.»

دستش را به گرمی گرفتم و گفتم: «خوب، حالا بفرمایید که کی هستید و از کجا می‌آیید.»

آخر وقت اداری بود و زمان رفتن به منزل. دستش را به گرمی گرفتم و گفتم: «خوب علی جون، خداحافظ تا فردا.» فردای آن روز آمد، با مجسمه‌ای کوچک و آهنی که مرد لاغر اندام و بلند قامتی را نشان می‌داد. او این مجسمه را که چیزی در دست دارد، به عنوان یادگاری برای من آورده بود.

مجسمه‌ای به غایت زیبا، زنده و گویا با هدیه‌ای در دست. این مجسمه با حالتی مرموز که دارد و نگاهی پرسشگر و عمیق به افق‌های دوردست و خیالی، در جایی از خانه قرار دارد که در هر زمان می‌توان به راحتی آن را دید و نگاهش کرد.

در خلوت خود، هر گاه دلم برای دوستی و آشنایی، رقیقی و عزیزی تنگ می‌شود، در خیال خود بال می‌گشایم و به سمت و سوی او به پرواز درمی‌آیم و این بار پروازی پر از شوق و بغض و بازگشتی غمگین و سبک.

علی نامور در دوران عمر کوتاه خود توانست نشان بدهد که راه صدساله را می‌شود یک شبه رفت، آن هم به راحتی.

از آن پس، علی در نظر من هنرمندی شد که کم حرف می‌زند، زیاد فکر می‌کند، در ذهن طرح‌های بسیاری می‌زند و آنچه روی کاغذ می‌آورد، ستودنی است.

تصویرها و شعرهای ترانه‌های عاشقانه در وبلاگ‌های بسیاری کلیک به کلیک گشتند و این نشان از آن داشت که مخاطبان هم عاشقانگی تصاویر نامور را به خوبی پذیرفته‌اند.

فقط حیف و صد حیف که ناشر کتاب نابکار از کار درآمد و من دیگر نخواستم نتیجه آن همه دغدغه و تلاش تجدید چاپ شود.



قفی شیشه‌ای

مجید ذاکری

چه کسی می‌دانست فردای آن روز شاد، ماتم باشد.

آن روز پس از مدت‌ها علی به دیدنم آمده بود. روز خوبی بود؛ پنج، شش نفر دیگر از بچه هم آمدند. جمع‌مان جور شد. خیلی وقت بود این‌طور دور هم جمع نشده بودیم. از هر دری حرف زدیم؛ علی از جدایی‌اش از آموزش و پرورش گفت، از سفرش به خارج از کشور، از مشکلات و معضلات، از ایده‌های جدیدش. تعدادی هم کار آورده بود ببینم.

از برنامه‌های آینده گفتیم و آینده بی‌برنامه. برای یک کار مشترک به توافق رسیدیم. آن روز گفتیم، خندیدیم و هی فکر کردیم و به هیچ نرسیدیم. ناهار خوردیم. علی نخورد؛ گفت از ناهار اداره خوشش نمی‌آید. به شوخی به او گفتیم هر که نخورده به بلایی سرش می‌آید...!

از کارهای جدیدش گفت و از دغدغه‌هایش؛ از کپی‌کاری‌های بچه‌های جدید.

کارهای جدیدش زیبا بودند؛ مثل قدیم؛ مثل روحش، لطیف بود و حساس.

علی روح بزرگی داشت؛ روح بزرگی قفسی کوچک. قفسی شیشه‌ای که با لرزه‌های زندگی لرزید، ترک خورد، شکست، هزار آینه شد و به خاک ریخت.

آن روز یک قرار کاری برای فردا گذاشتیم. قرار شد فردا علی زنگ بزند و شروع کنیم.

از فردای آن روز تا امروز گوشم به زنگ است و چشمم به در؛ چه کسی می‌دانست فردای آن روز شاد، ماتم باشد.



کاش قاب‌ها را شکسته بودیم

فرهاد حسن‌زاده

برای علی نامور که با نقاشی‌هایش داستان‌هایمان را معنی می‌کرد

تو سرد می‌شوی، آهسته‌آهسته
قهوه سرد می‌شود، آهسته‌آهسته
من سرد می‌شوم...

نه، من نباید سرد شوم

من آمده‌ام کمی نقاشی کنم از قامت بلند تو
در کنار درختی که زرد می‌شود آهسته‌آهسته
و کبوتری که شادی‌هایش درد می‌شود آهسته‌آهسته

و حس کرده بودیم تک‌تک برگ‌هایی را که آهسته‌آهسته
زرد می‌شوند
کاش قاب‌ها را شکسته بودیم.



علی از نوع نامور

هداحدادی
پیش از شنیدن درگذشت علی نامور، کتاب درخت پنیر به
دستم رسید. تصاویرش را نگاه کردم و گفتم: چقدر علی نامور
فرق کرده است!

بعد که خبر درگذشت او را شنیدم، با خودم فکر کردم که
این فرق کردن‌ها و این جست‌وجوها و این به دنبال چیزی که
نمی‌دانیم چیست گشتن‌ها، مسیر، ماجرا و هدف یک زندگی هنری
است. پرکار بود؛ پرکارترین تصویرگری که می‌شناختم. چه خوب
که علی نامور همیشه در حال گشتن بود و در خودش جامد نشده
بود. چه خوب که در کتاب‌های تازه‌اش فرق کرده بود و خوب فرق
کرده بود. چه خوب که جست‌وجو برایش تمام نشده بود و هنوز آن
چیزی را که می‌خواست پیدا نکرده بود.

پیدا کردن، آفت یک هنرمند است. نقطه‌ای است که نه واقعاً،
بلکه به صورت وهمی، هنرمند گمان می‌کند یافته است و در یافته
خودش غرق می‌شود، جامد می‌شود و برای همیشه از حرکت
باز می‌ایستد. هنر مثل هر موجود جاندار دیگری وقتی از حرکت
می‌ایستد در خود می‌پوسد و متعفن می‌شود و از بین می‌رود.

هرگز قلم موهایت را نشور
آن‌ها بویی از ته رنگ تو را دارند
تو، که خورشید از حاشیه نقاشی‌ات بیرون زده
و می‌خواهد از پشت کوه‌های قهوه‌ای...
راستی قهوه‌ات سرد شد... آهسته‌آهسته
شادی‌ات درد شد... آهسته‌آهسته
چهره‌ات زرد شد... آهسته‌آهسته
چرا نمی‌نوشی از این همه رنگ قشنگ؟
از این خونی که از رنگین‌کمان قرض گرفته‌ام

از این آب که مال شعر سهراب است
از این شرابی که می‌چکد از دیوان حافظ

من کنار سنگ مزار، چهره گلگون تو را در قابی از خنده
نمی‌خواهم

قاب‌ها واسطه‌اند برای ندیدن، نبوسیدن، نگفتن
کاش دردهایمان را به هم گفته بودیم برای روز مبادا
کاش مبادایمان را جا گذاشته بودیم توی کوچه‌های تنگ و
باریک امام حسین

و قدم زنان رفته بودیم تا مولوی و هیاهوی گنگ و بی‌نشاط
آدم‌هایی که آهسته‌آهسته رد می‌شوند

چیزی برای پیدا کردن جایی منتظر ما نایستاده است. همه چیز در جست‌وجو و اکتشاف و عبور معنا پیدا می‌کند و علی نامور در شوق این جست‌وجوها بود که از مسیری که ما می‌شناسیم، خارج شد و در مسیری که هیچ‌کس نمی‌شناسد و قدرت اکتشافش را ندارد، قدم گذاشت. گاهی علی نامور را تصور می‌کنم که در مسیر خیلی عجیب جدیدش، ذوق‌زده از چیزهای جدیدی که کشف می‌کند، از این بوته به آن بوته سرک می‌کشد، از این سایه به آن سایه می‌رود و پا در رودهای کوچک و ناپیدا می‌گذارد و از شلپ‌شلپ جهیدن آب در زیر پایش لذت می‌برد. گاهی او را تصور می‌کنم که در پیچ و خم تازهای می‌نشیند و به‌جایی خیره می‌شود. بعد، ذوق زده از نوری که در دورها دیده است، بلند می‌شود، همه چیز را جا می‌گذارد و می‌رود.



علی و علی

فرشید شفیعی
شاید خواب دیدم که وسط بزرگراه ایستاده‌ام و ماشین‌ها با سرعت از کنار من رد می‌شوند. پل عابر آنجا کمی جلوتر چپ و راست بزرگراه را به هم وصل کرده. زیاد دور نیست؛ می‌شود آدم‌های روی پل را تشخیص داد، آشنا اگر باشند و باز انگار خواب دیدم که علی و علی از روی پل به سلامت عبور می‌کنند. علی آن دوست که لاغر و کشیده است و علی آن دوست که لاغر و بسیار کشیده است.

چه خوب می‌شد یکی از سمت چپ و دیگری از سمت راست پل بالا می‌رفتند و در میان پل به هم می‌رسیدند. سلامی می‌کردند، دست می‌دادند و کمی با هم صحبت می‌کردند. اینکه

در حال انجام چه کاری هستند و یا پول فلان کار را، جایزه فلان را یا نمی‌دانم اصلاً شاید هم از کنار هم رد می‌شدند، بی‌هیچ حرفی و تنها یک اشاره سلام که آدم را یاد سلام آقای کوربه می‌اندازد و از طرف مخالف پل پایین می‌آمدند.

شاید هم این اتفاق افتاده بوده اصلاً یا شاید همین حالا در گوشه‌ای دیگر از هستی در حال رخ دادن باشد؛ زیرا که من خواب هستم و گویا اگر از خواب بیدار نشوم، همه چیز ممکن است، بی‌نیاز از امید. در بیداری‌ست که برای رخدادهای مورد علاقه باید امیدوار بود. در بیداری‌ست که در حسرت‌م، حسرت بی‌نیازی از امید. بی‌نیازی از امیدی که دوستان به خواب رفته‌ام در آن غوطه‌ورند.



با هم وارد بانک شدیم

مهدی صادقی
با هم وارد بانک شدیم. علی چک خودشو نقد کرد منم چک خودمو. بعدش خوشحال از اینکه پول تصویرسازی‌هامون رو گرفتیم، رفتیم با هم پیتزا خوردیم. وقتی اوادم خونه، متوجه شدم علی نامور تمام پول کارش رو گذاشته توی کیف من. وقتی بهش زنگ زدم، گفتم: می‌دونم تو شرایط بدی هستی و الان بیشتر از من به پول نیاز داری...
به سختی تونستم پولش رو بهش پس بدم...

چگونه احکام را به کودکان و نوجوانان بیاموزیم؟

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی

زهرا شعبانی

روش‌ها

نکته مهمی در دست‌نوشته‌های شهید مطهری دیدم. این مجموعه در یازده جلد در چند سال اخیر منتشر شده است. نیمی از کتاب‌ها به صورت الفبایی و نیمی دیگر به صورت موضوعی تنظیم شده است. در جلد دوم که مجموعه حرف «ت» است، سه موضوع تعلیم، تربیت و تبلیغ آمده است. «تبلیغ» به معنای «رساندن یک پیام» در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست توضیح داده شده است. ایشان معتقدند تبلیغ چهار رکن دارد، محتوا، حامل، ابزار و روش‌ها.

در مورد ارکان تبلیغ معارف دین (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) به آسیب‌شناسی پرداخته‌اند. محتوای معارف دینی که بسیار غنی است و جای هیچ شبهه نمانده است. در تربیت «حامل» که همان نویسنده و گوینده این معارف است، کم‌کار بوده‌ایم. «ابزار» تبلیغ هم در مقایسه با جهان امروز، بسیار مبتدی است. در میان معارف اسلامی کمتر از آثار قلمی مانند شعر، قصه یا فیلم و انیمیشن استفاده می‌کنیم. با این وجود بیشترین ضعف در روش‌های تبلیغ

«ظرف آبی بیاورید» این جمله پاسخ معصوم علیهم‌السلام به کسی بود که پرسیده بود: «چگونه وضو بگیرم؟» احکام شریعت را در قالبی ساده و شیرین به حکمت‌ها گره می‌زدند تا گوارای وجود مخاطب شود. مگر نه این است که انسان آفریده شد تا از کوچه پس‌کوچه‌های شریعت بگذرد و به «نور علی کل نور» برسد و خودش یکپارچه نور شود! پس چرا روش‌های آموزش و پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی به گونه‌ای است که گاهی مخاطب را به کوره راه و بن‌بست می‌کشاند و سپس او را رها می‌کند. همکار و یار دیرین حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی که با شنیدن نامشان، «نماز» در ذهن تداعی می‌شود به دفتر دعوت شده است تا در یک گپ و گفت دوستانه، روش‌های آموزش احکام را مرور کنیم تا بدانیم جای کدام روش ساده و جذاب خالی است؟!

دیده می‌شود. در شیوه‌های تبلیغ دویست سال از جهان مسیحیت فاصله داریم.

آن‌ها جامعه را به قسمت‌های کوچک به نام جنسیت، اصناف، قشر و غیره تقسیم کرده‌اند. آن قدر آزمون و تجربه داشته‌اند که امروز صاحب مجموعه متنوعی از روش‌های تبلیغ دین برای تمام جامعه حتی کوچک‌ترین دسته‌بندی‌های آن مانند زندانی، مسافر، کودک، والدین و غیره هستند.

وقتی این مطلب را خواندم، غصه خوردم. در بیست سال گذشته حدود پانصد جلد کتاب درباره نماز به زبان فارسی منتشر شده است. حدود سیصد کتاب را مطالعه کردم شاید دو یا سه کتاب درباره روش آموزش نماز باشد. همه درباره «محتوا» بودند.

بارها شنیده‌ام خانواده‌ها دوست دارند فرزندان‌شان نمازخوان باشند و به دنبال یک روش مناسب هستند اما هیچ پاسخی برای آن‌ها نداشته‌ایم و فقط طفره رفته‌ایم. موضوع «روش» بسیار مهم است. برای این که یک ایده خوب به یک برنامه اجرایی تبدیل شود ممکن است زمان طولانی صرف شود اما در آخر برای هر شخص به تفکیک سن، سطح تحصیلات، جنس و محل زندگی (در کشور اسلامی یا غیراسلامی) و غیره چند روش خوب خواهیم داشت.

روش بیان معارف دین (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) متفاوت است. در اعتقادات، تقلید حرام است. هر فردی خودش باید به باور دینی برسد.

در اخلاقیات نیز وجدان بنا بر فطرت انسان است.

در مورد احکام، تمام دستورالعمل‌ها را باید از یک فقیه دریافت کرد. موضوع تقلید و مرجعیت در شیعه یک پرسشی است که گاهی با ظن و گاهی با سوءظن مطرح می‌شود. در ماه‌های اول پیروزی انقلاب، گروهی از منافقین در دانشگاه تهران جلساتی

برگزار می‌کردند که بیشتر از همه موضوع مرجعیت در شیعه تخریب می‌شد. واژه «تقلید» را به گونه‌ای تعریف می‌کردند که این شبهه در فکر جوانان پیش می‌آمد که مگر ما حیوان هستیم که تقلید کنیم؟ در حالی که «تقلید» در هر حوزه‌ای مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و دین تعریف جداگانه‌ای دارد. کسی که می‌خواهد سفسطه کند می‌تواند معنای این واژه را از یک حوزه به حوزه دیگر ببرد. این که چرا باید تقلید کرد، فلسفه آن چیست در بحث ما نمی‌گنجد. ما به دنبال روش‌های بیان احکام هستیم.

مسئولیت آموزش احکام

اگر بخواهیم این موضوع را در قرآن جست‌وجو کنیم شاید روشن‌ترین آیه این باشد:

«فلولا نفر من کل فرقة طائفة لیتفقوهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم»

علما این آیه را، آیه «طلبگی» می‌نامند. آیه در اوج جنگ‌های حضرت رسول (ص) نازل شده است. آن قدر موضوع جهاد و جنگ پررنگ شده بود همه به آن سمت و سو می‌رفتند که به حوزه فقه بی‌توجه شده بودند.

در این مورد احادیث بسیاری نقل شده است از جمله؛

قال رسول الله: یا علی - اذا رایت الناس یشغلون بالفضائل فاشتغل انت با تمام الفرائض (میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۴۸)

حضرت رسول (ص) از حضرت علی علیه‌السلام خواسته‌اند هر گاه دید که مردم مشغول دریافت فضایل اخلاقی هستند او به تکمیل فرائض دینی بپردازد.

دکتر محمدرضا طالبان، حدود سال‌های ۷۷ تا ۸۰ در سه سال متوالی سال اول در منطقه ۶ تهران، سال دوم کل شهر تهران و در سال آخر در کل کشور، دو تحقیق انجام داد. یکی سنجش

دینداری و دیگری سنجش بزهکاری دختران و پسران دبیرستانی. با این محقق محترم در چند جلسه گفت‌وگویی داشتیم. می‌گفت در غرب تقریباً در هر دهه، سطح دینداری مردم را اندازه می‌گیرند و با قبل مقایسه می‌کنند. در شرق کمتر به این موضوع پرداخته می‌شود.

آقای طالبان دینداری را در چهار سطح تعریف کرده‌اند؛ ۱. اعتقادی، ۲. احساسی، ۳. مناسکی و ۴. پیامدی (رفتاری). نتیجه تحقیق به این صورت بوده است که در سطح اعتقادی بیش از ۹۷ درصد به اصول اعتقادی باور داشتند.

سطح احساس نسبت به سطح اعتقادی، ۲۰ درصد کاهش داشته است. در این سطح ارتباط کلامی و نوشتاری با خدا سنجیده شده است.

در سطح مناسکی، متغیرهای روزه و نماز آزمون شده است که نسبت به سطح اعتقادی ۴۰ درصد کاهش نشان داده است. یعنی حدود ۶۰ درصد دانش‌آموزان در این سطح قرار گرفته‌اند و در نهایت فقط حدود ۲۲ درصد در سطح پیامدی جای گرفته‌اند. یعنی ۸۰ درصد نسبت به سطح اعتقادی کاهش داشته است.

از این سه سطح، سطح مناسکی بیشتر از بقیه در روش‌های آموزش احکام کاربرد دارد. اگر بتوانیم کاری کنیم که دانش‌آموز با مناسک دینی انس و الفتی داشته باشد، در واقع توانسته‌ایم معارف دینی را همیشه به او یادآوری کنیم چون این مجامع تجلی معارف دینی است. احکام بر همه ابعاد مناسکی تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌گیرد.

آقای طالبان پنج بزه را که ممکن است دانش‌آموزی در سطح دبیرستان انجام دهد را هم سنجیده است که از این قرارند؛ ۱. سرقت، ۲. اعتیاد، ۳. دوستی با جنس مخالف، ۴. مالکیت اقلام مبتذل، ۵. تقلب

بیشترین فراوانی در «تقلب» دیده شد. همه از کنار آن با پوزخند می‌گذریم ۶۴ درصد دانش‌آموزان به این «بزه» آلوده‌اند. «تقلب» همراه این دانش‌آموزان تا رسیدن به سمت مدیریت، وزارت، کسب و کار در بازار و غیره است.

بعد از تقلب، ۵۴ درصد گفته‌اند که حداقل یک دوست از جنس مخالف دارند. در ادامه، محقق این موضوع را بررسی کرده است که کدام ابعاد دینداری در کاهش بزهکاری مؤثرتر است. مناسک دینی پاسخ این پرسش تحقیق بوده است.

از بین نمازهای پنج‌گانه نماز ظهر بیشترین تأثیر را در کاهش آسیب‌ها داشته است. آیه «حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی» بر این موضوع اشاره دارد. این که کدام نماز، نماز وسط است. نظرهای متفاوتی وجود دارد. امام خمینی (ره)، نماز ظهر را نماز وسط می‌دانند. اگر فرزندان مان به نماز مقید شوند به سوی مناسک دینی هم متمایل می‌شوند و به همان نسبت از کژی‌ها فاصله می‌گیرند. شاید تأکید حضرت رسول (ص) به حضرت علی (ع) که به تکمیل فرائض دینی بپردازد به خاطر همین اثر مهم است.

حضرت امام (ره) در جلد اول تحریر الوسیله در باب شرایط امر به معروف در مسئله ۳ فرموده‌اند که: «بیان احکام الهی مورد ابتلاء مکلفین لازم است. در رساله‌ها در مسئله شماره ۱۱ به این موضوع اشاره شده است که دانستن و آموزش آن واجب است. پس به دنبال روش‌های آموزش موضوعی نیستیم که مستحب است بلکه مورد تأکید و واجب است.

قال رسول الله (ص): یجی الرجل یوم القیامة وله من الحسنات کالسحاب والرکام او کالجبال الرواسی فبقول: یا رب اتحالی هذا و لم اعملها؟ فبقول: هذا علمک الذی علمت الناس یعمل به من بعدک. (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۹)

در این روایت حضرت رسول (ص) می‌فرماید که شخصی

در روز قیامت پاداش اعمال خود را می‌بیند که به بزرگی کوه‌ها و ابرهاست. به خداوند می‌گوید این پاداش برای من نیست و خداوند به او خطاب می‌کند این چیزی است که به مردم آموختی و آن‌ها بعد از تو به آن عمل کردند. پاداش عمل آن‌ها به حساب تو هم گذاشته شده است.

قال الصادق (ع): من علم خیرا فله بمثل امر من عمل به قلت فان علمه غیره - یجری ذلک له؟ قال: این علمه الناس کلهم جری له قلت و ان مات؟ قال و ان مات (بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۷) در این حدیث نیز تأکید شده است هر کس خوبی را آموزش دهد مانند این است که خود به آن عمل کرده است. حتی اگر آن که آموزش دیده است آن خوبی را به دیگری آموزش دهد و در نهایت تمام مردم آن را بیاموزند. حتی بعد از مرگ نیز پاداش عمل آن‌ها به حساب او هم گذاشته می‌شود.

از امام حسن عسگری (ع) نیز نقل شده است که: زنی خدمت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها رسید و عرض کرد مادر پیری دارم که دربارهٔ نمازش چند سؤال دارد. مرا به خدمت شما فرستاد تا بپرسم. آن‌گاه ده سؤال پرسید یا یک سؤال را ده بار تکرار کرد تا این که از کثرت پرسش شرمند شد و عرض کرد: شما را به زحمت نمی‌اندازم ای دختر رسول خدا. حضرت فرمود: هر چه می‌خواهی بپرس. اگر به کسی صد هزار دینار طلا بدهند تا بار سنگینی را به بالای بام ببرد آیا با این پرداخت، خسته می‌شود؟ عرض کرد: نه. فرمود: در پاسخ هر مسئله‌ای که من به تو می‌گویم خداوند بیشتر از فاصلهٔ زمین تا آسمان پر از لؤلؤ به من پاداش می‌دهد پس من از کسی که بار سنگینی را حمل می‌کند راحت‌ترم. از پدرم شنیدم که فرمود: هنگامی که علمای شیعه محشور می‌شوند هر یک از آن‌ها به اندازهٔ علم و جدیتش در راه ارشاد بندگان از خلعت‌های کرامت خداوند جایزه می‌گیرد به طوری که به هر یک از ایشان هزار

حله نور داده می‌شود (بحار، ج ۲، ص ۲۴)

رهنمودی از شهید مطهری

این شهید بزرگوار معتقد بود یکی از شرایط موفقیت در هر کاری انتخاب روش و اسلوب صحیح است. نقطه عطف علم جدید و علم قدیم دانشمندان جدید نیست بلکه اسلوب و روش‌هاست. علت سرعت پیشرفت و موفقیت علم جدید این نیست که پاستور از جالینوس و بوعلی سینا نبوغ بیشتری دارد بلکه سرش این است که اسلوب علما در تحقیق، تغییر کرده است.

ضرورت تنوع در روش‌ها

به دلیل این که ظرفیت، نیازها، شرایط، سن و جنس افراد متفاوت است، استفاده از روش‌های متنوع و متعدد ضرورت پیدا می‌کند تا امر تربیت و هدایت بیشتر و بهتر تحقق یابد. در ادامه، روش‌های بیان احکام آورده می‌شود.

روش روخوانی و توضیح

یکی از روش‌های معمول و رایج در میان احکام این است که استاد از روی متن رساله یا کتاب فقهی، مسئله را می‌خواند و نکته‌های آن را توضیح می‌دهد. این روش زبانی و غیرفعال است و مخاطب از طریق شنیدن دریافت می‌کند. روان‌شناسان می‌گویند حدود سی‌درصد یادگیری از طریق شنوایی است. پس شایسته است روش‌های دیگر هم به کار گرفته شود.

در تحقیقی دریافتم که در گذشته علمای شیعه و سنی احکام را از احادیث استخراج می‌کردند. شیخ صدوق کتابی با عنوان «من لایحضره الفقیه» دارد که در آن تمام احادیث مربوط به احکام

را در دسته‌بندی‌های ویژه آورده است. در قرن‌های بعد سبک تغییر کرد و حدیث با توضیح عالم دینی مطرح شد. از آنجایی که برخی احادیث ظاهراً در تداخل با هم بودند و برخی دیگر سندیت نداشتند، این روش باعث سردرگمی مخاطب می‌شد. شیخ طوسی و سیدمرتضی توضیحاتی به آن‌ها اضافه کردند. در قرن‌های اخیر یعنی حدود سیصدسال اخیر، احادیث برداشته شد و فقط توضیح عالم ماند. حدود ۶۰ یا ۷۰ سال است که کتابی به نام رساله باب شد. مبدع یک فرهنگی است که مورد تأیید علما واقع شد. پس هنوز هم می‌توان در شکل ارائه احکام نوآوری کرد.

روش عملی

برای بررسی سیره معصومین علیهم‌السلام در باب آموزش احکام، بهترین منبع وسائل الشیعه تألیف مرحوم شیخ حر عاملی در بیست جلد است. عالمی دیگر مطالب جا افتاده را در بیست جلد دیگر آورده است که در مجموع، چهل جلد شده است. در این اثر آموزش احکام بسیار عملی است.

از پیامبر (ص) می‌پرسند چگونه نماز بخوانیم می‌فرماید: «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» زراره می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: آیا وضوی پیامبر (ص) را برای شما حکایت نکنم؟ گفتیم: چرا که نه، بفرمایید. سپس ظرف آبی خواستند. آستین‌ها را از دو زراعشان بالا زدند و به صورت عملی وضو را تشریح نمودند. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۲۷)

حماد می‌گوید روزی امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: ای حماد! آیا نمازت را خوب اقامه می‌کنی؟ عرض کردم: سرورم کتاب هُزیر را که درباره نماز نوشته است از حفظ هستم. حضرت فرمود: مانعی ندارد. برخیز و نماز بخوان (تا ببینم چگونه نماز می‌خوانی) ایستادم و یک نماز به‌عنوان نمونه خواندم. حضرت فرمود: ای

حماد! خوب نماز را اقامه نکردی. چه قدر زشت است که شخصی شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و یک نماز تمام و کامل و با آداب به جا نیاورد. حماد می‌گوید در خود احساس کوچکی کردم و گفتم: فدایت شوم حال که چنین است پس نماز را به من بیاموزید. حضرت ایستادند و دو رکعت نماز با آداب و رعایت حدود آن اقامه نمودند و فرمودند این چنین نماز اقامه کن (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۷۳)

اگر در مدرسه این شیوه رایج شود یعنی بچه‌ها کنار حوض وضو را بیاموزند و یکی یکی نماز را به‌صورت عملی تمرین کنند، دیگر در سن بالا دچار مشکل نخواهند شد.

در شهر ما عالمی بود که می‌گفت از حضرت عبدالعظیم حسنی که در زمان چهار امام معصوم علیهم‌السلام حیات داشته است، نکته‌ای آموختم. آن حضرت اعتقادات خود را در نزد معصوم علیه‌السلام عرضه می‌کرد. آن عالم بزرگوار شهر ما نیز عرضه احکام را در مسجدی که امام جماعت آن بود برای مثال باب کرد. هر شب هشت نفر به وضوخانه مسجد می‌آیند و در نزد ایشان وضو می‌گیرند. اگر اشکالی داشته باشند آموزش می‌بینند و در تاریخ مشخصی مثلاً ۲۰ روز دیگر باید دوباره در حضور ایشان وضو بگیرند.

اهمیت دسته‌بندی

حدود پانزده سال قبل تحقیقی انجام دادم و طی آن روش احکام‌گویی را آسیب‌شناسی کردم. به هر خانه‌ای که وارد می‌شدم می‌گفتم در خانه رساله دارید؟ پس از مشاهده رساله شاید به جرأت بتوانم بگویم که درصد در صد موارد، حدود صد صفحه اول مطالعه شده و بقیه صفحه‌ها تمیز و ورق زده نشده بود. متأسفانه همه احکام را از تقلید شروع می‌کنند

بعد نماز و روزه و بعد از آن دوباره به اول بازمی‌گردند. تصور عموم این است که احکام یعنی نماز و روزه!

در حالی که موسیقی، صدا، نگاه، کسب و کار، رابطه زن و مرد و حتی کوچک‌ترین موضوع‌های زندگی احکام دارند.

مرحوم دکتر بی‌آزار شیرازی اولین کسی است که براساس موضوع، احکام را دسته‌بندی کرد. مجموعه ده‌جلدی ایشان هنوز هم تجدید چاپ می‌شود.

فایده دسته‌بندی موضوعی این است که گروه‌های مختلف جامعه به احکام مربوط به خود جذب می‌شوند.

روش تقسیم‌بندی

شهید مطهری درباره روش تقسیم‌بندی می‌گوید: همه ارباب علوم، مسائل علم خود را به نحوی تقسیم می‌کنند. منطقیین، منطقی به تصورات و تصدیقات تقسیم می‌کنند و حکمای الهی، حکمت را به امور عامه و خاصه. اصولیین نیز اصول را به اصول لفظی و عقلی تقسیم کرده‌اند. بنابراین یکی از روش‌های مفید در تفهیم، تفهم، جاذبه و موفقیت درس احکام، روش تقسیم‌بندی است.

لازم است به چند نکته در دسته‌بندی احکام توجه شود، از جمله:

- محور دسته‌بندی واحد باشد.

- دسته‌بندی موضوعی خود دارای فایده باشد.

- اقسام دسته‌بندی متداخل نباشند.

در ادامه به چند تقسیم‌بندی اشاره می‌شود.

براساس سن: احکام کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان
براساس جنس: احکام دختران و بانوان، احکام پسران و مردان

براساس موضوع: عبادی، اقتصادی، اداری، خانوادگی، پزشکی
براساس شغل: هنرمندان، رانندگان، عکاسان، پرستاران، صاحبان رستوران، آرایشگران، متصدیان معاملات ملکی
براساس نیاز: بیماران، مسافران خارج از کشور، زوج‌های جوان، مأموران امنیتی. در تقسیم‌بندی براساس شغل، آقای فلاح‌زاده. حدود سی جلد کتاب تألیف کرده‌اند.

برای مثال در مسئله‌ای داریم که پوشیدن لباس نامحرم حتی پوشیدن دمپایی، حرام است. خریداری لباس جنس مخالف و استفاده از آن هم این حکم را شامل می‌شود. وقتی هنرپیشه مرد در نقش زن بازی می‌کند، مرتکب عمل حرام می‌شود. خیلی‌ها این احکام را نمی‌دانند مثلاً راننده نمی‌داند وقتی پول خرد ندارد چه حکمی در احکام درباره موقعیت او آمده است. دانستن این احکام به معنای آوردن دین در تاروپود زندگی است.

هرچه که نامش رفتار است، درباره‌اش احکام داریم. در حوزه رفتار، هر رفتاری از پنج حالت، واجب، حرام، مستحب، مکروه یا مباح خارج نیست.

وقتی بدانیم دین برای هر رفتارمان حرفی برای گفتن دارد، بیشتر با آن انس می‌گیریم.

روش مقایسه‌ای

در این روش دو موضوع در مقایسه با هم گفته می‌شود.

۱. مقایسه احکام زن و مرد

مثال: مستحب است مرد هنگام رفتن به سجده اول دست‌ها را به زمین بگذارد سپس زانوهای او را و زن بالعکس و موقع برخاستن از سجده مرد ابتدا زانوهای او را از زمین بلند کند سپس دست‌ها را و زن بالعکس

۲. مقایسه احکام بالغ و نابالغ
۳. مقایسه احکام نماز و روزه
۴. مقایسه احکام وضو و غسل

روش پرسش و پاسخ

در سیره ائمه علیهم السلام آمده است که ایشان، به‌ویژه آن دسته که با مردم ارتباط مستقیم داشتند بسیار از این روش استفاده می‌کردند. وقتی گوینده مطلبی را ارائه می‌دهد در واقع آن چه که خود صلاح می‌داند را می‌گوید اما وقتی پرسش می‌شود خلاء مطلب و نیاز مخاطب را می‌بیند و با توجه به آن صحبت‌ها را تکمیل می‌کند.

در آیات قرآنی ۸۸ جمله پرسشی آمده و ۱۲۹ بار واژه «سئل» و مشتقات آن دیده می‌شود. حدود ۱۲ سوره نیز با پرسش آغاز شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسئله؛ به دانش قفلی زده شده که کلید آن پرسش است. چند نکته درباره این روش وجود دارد؛ از جمله:

- پرسیدن، مخاطب را به تفکر دوباره یک حکم تشویق می‌کند.

- پرسیدن، زمینه یک آموزش دقیق را فراهم می‌کند.

- این روش مبتنی بر این اصل است که بهترین راه یادگیری هر چیز، کشف آن مطلب توسط پرسش‌های یادگیرنده است.

- در این روش خوب است همه دانش‌آموزان در پرسش و پاسخ‌گویی شرکت کنند.

- بهتر است از همه دانش‌آموزان پرسش شود.

- پرسش‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که بحث از موضوع اصلی خارج نشود.

روش آموزش تصویری

نقش مهم تصویر در آموزش مشخص است. متأسفانه درباره آموزش احکام به این روش خیلی کم‌کاری شده است. در روایتی داریم که حضرت رسول (ص) با چوبی روی زمین تصویر می‌کشید و مسائل را توضیح می‌داد.

چند سالی است که آقای فلاح‌زاده مجموعه‌ای به نام «نور الاحکام» را تهیه می‌کند. در این مجموعه احکام به کمک تصویر آموزش داده می‌شود.

برای مثال مسئله «حد ترخص» که به یک مسئله حد تبدیل شده و همه از علما شاکیند که نمی‌توانند آن را به خوبی تفهیم کنند، ایشان با تصویر چند شهر کوچک و بزرگ، شرح داده است.

روش قصه‌گویی

حدود سال ۵۸ بود. دیدم آقای قرائتی خیلی ناراحت است. علت را پرسیدم. گفت از این ناراحتی که رساله‌ها قابل درک نیستند، پرسیدم چرا این گونه فکر می‌کنید. پاسخ داد: به چند دلیل. یک؛ ادبیات آن مانند ادبیات عهد قاجار پر از الفاظ قدیمی است که امروزه کاربرد ندارد به همین خاطر جوان‌ترها دوست ندارند از متن رساله، حکمی یاد بگیرند.

دو؛ بسیاری از مسائل که امروزه کمتر کسی به آن مبتلا می‌شود در همه رساله‌ها هست مانند عرق شتر نجاست‌خوار. سه؛ ائمه معصومین علیهم السلام وقتی احکام می‌گفتند آن را با شیرینی حکمت می‌آمیختند. علما اسرار و حکمت‌های مسائل شرعی را به عرفان بردند و احکام را در عنوان فقه آوردند. در نتیجه رساله‌ها مانند کتاب‌های قانون مدنی شدند که هیچ‌کس دوست ندارد آن‌ها را بخواند و فقط اهل فن از عهده آن‌ها برمی‌آیند. چه اشکالی دارد وضو را به سبک ائمه علیهم السلام بیاموزیم. برای مثال از امام

رضا علیه‌السلام روایت کنیم که وضو سه حکمت دارد؛ پاکیزگی، نشاط و روشنی دل!

در اولین سالی که در آموزش و پرورش مسئول اقامه نماز شدم از آقای علی حسن زاده خواستم احکام را در قالب قصه بنویسد و تا جایی که امکان دارد حکمت و فوائد آن‌ها را هم بیاورد و اگر آیه‌ای درباره‌اش نازل شده است، به آن اشاره کند.

چهار جلد کتاب تألیف کرد. دو جلد برای مقطع راهنمایی و دو جلد برای مقطع دبیرستان. کتاب دختران و پسران هم از هم مستقل بود. بعد از سال‌ها هنوز هم از بهترین کتاب‌های احکام هستند. سالانه دو میلیون جلد چاپ شد. متأسفانه بعد از چند سال به خاطر هزینه‌های این ایده، دوباره از دانش‌آموزان خواسته شد بروند کتاب رساله بخوانند. یعنی نقطه، سرخط!

نکاتی در بیان احکام

۱. احکام به تناسب مخاطب و زمان و نیاز گزینش شود نه ترتیبی.
۲. به اولویت‌ها توجه شود.
۳. احکامی که در قرآن آیه‌ای دارند، آن آیه با توضیحات و پیام‌ها آورده شود.
۴. با استناد به آیات و روایات به برخی از حکمت‌ها و فوائد حکم اشاره شود.
۵. احکام دین برای مردم سهل و آسان معرفی شود.
۶. در ابتدا برای افراد به حداقل واجب اکتفا شود.
۷. قابل درک و فهم باشد.
۸. طوری گفته شود که مکلف دچار وسواس نشود.
۹. از همه مراجع با احترام یاد شود
۱۰. احکام به گونه‌ای بیان شود که بدآموزی نداشته باشد.

(مانند تشریح استمناء).

۱۱. به گونه‌ای بیان نشود که سوءاستفاده شود. در کنار بیان مذمت ربا، مسائل بانکی به طور کامل گفته شود تا مخاطب نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی بدبین نشود.

۱۲. تفاوت‌ها بیان شود مانند تفاوت سود علی‌الحساب و غیرعلی‌الحساب.

۱۳. احکام بانوان توسط آقایان بیان نشود.

۱۴. برخی از احکام را تا سؤال نکرده‌اند بیان نشود.

۱۵. داشتن تسلط علمی بر مسائل شرعی و مطالعه پیش از تدریس.

۱۶. تهیه طرح درس و داشتن متن درس در زمان آموزش.

۱۷. در نظر گرفتن ترکیب مخاطب.

۱۸. زمینه‌سازی قبل از آموزش احکام.

۱۹. آموزش اصطلاحات و واژه‌های مربوط به احکام.

۲۰. ذکر مدارک احکام جهت اطمینان مخاطب.

۲۱. نیازسنجی در موضوعات احکام.

تصویر سازی احکام

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی

زهره شعبانی

همه هم با شوق به آن‌ها مراجعه می‌کنند. آقای قرائتی از ایشان پرسید آیا با طعنه و توهین رفتار می‌کنند پاسخ دادند کمتر از نیم درصد از ایشان به این شکل رفتار می‌کنند. همه مشتاق شنیدن پاسخ‌هایشان هستند.

قسمت ناراحت‌کننده گزارش کار ایشان این بود که اکثر آن‌ها از اقشار تحصیل کرده هستند که بدیهی‌ترین موضوعات احکام را نمی‌شناسند.

شاید این همه بی‌اطلاعی به‌خاطر کم‌کاری ما در آموزش احکام در زمان تحصیل باشد. اتخاذ چند روش مناسب که بتواند یادگیری را نهادینه کند، بهترین راهکار است.

قابلیت تصویر سازی احکام

حدود بیست سال قبل یک محقق را مأمور کردیم تا روش‌های آموزش احکام را در کشورهای عربستان، مصر، سوریه، کویت، ترکیه، عراق و لبنان جمع‌آوری کند. بهترین آن‌ها روش تصویری ترکیه بود. در فیلم آموزشی،

پس از مرور روش‌های آموزش احکام در اولین نشست دفتر، جای خالی یک روش مناسب بیشتر از قبل دیده شد و در آخر، روش آموزش تصویری به‌عنوان یک راهکار ساده، روشن، جذاب و گویا که بیشترین برد آموزشی را دارد، به‌عنوان موضوع دومین نشست دفتر انتخاب شد.

ضرورت تصویر سازی احکام

ابتدا خوب است به این موضوع بپردازیم که احکام تا چه اندازه ضرورت و قابلیت تصویر سازی دارد. ضرورت این کار بدیهی است. مدتی است گروهی از طلبه‌ها در مترو در ارتباط مستقیم با مردم، به سؤالات دینی آن‌ها پاسخ می‌دهند. هر کدام از ۱۴۰ طلبه، به‌طور متوسط روزانه ۶۰ مراجعه‌کننده دارند. یعنی در روز، به پرسش‌های ۱۱۰ هزار نفر پاسخ می‌گویند. بیشترین فراوانی پرسش‌ها در حوزه احکام است. در ملاقاتی که این گروه از طلبه‌ها با آقای قرائتی داشتند من هم حضور داشتم. شاید برایتان جالب باشد که بدانید اکثر مراجعه‌کنندگان در طیف سنی ۲۰ تا ۴۰ سال هستند.

مربی با دانش‌آموزان کلاس در یک سفر یک روزه تقریباً تمام احکام مبتلا در سفر را با تحرک و شادابی آموزش داد. چند روز قبل احکام را مرور کردم و دیدم تقریباً تمام مطالب آن قابلیت تصویرسازی دارد. از تقلید گرفته تا نجاسات، مطهرات، نماز، روزه، اقتصاد و خانواده تا مسائل حقوقی. ارائه استفتائات هر مرجع در قالب تصویر بسیار ضروری است.

دوستی می‌گفت حدود ۵۵ مورد آموزش از راه نمایش توسط پیامبر اکرم(ص) پیدا کردم. برای مثال در سندی دستور داد همه توقف کنند و تا جایی که امکان دارد هیزم و خار و خاشاک جمع کنند. هیزم در بیابان داغ به چه کار می‌آمد؟ این سؤالی بود که از ذهن همه گذشت و عده‌ای اعتراض کردند. حضرت فرمود این یک تکلیف است. هیزم‌ها را جمع کردند. کوهی از هیزم بود. کسی تصور نمی‌کرد بتوان از بیابان این همه هیزم پیدا کرد. پیامبر(ص) دستور دادند هیزم‌ها را آتش بزنند. شعله‌های آتش زبانه می‌کشیدند و به آسمان می‌رفتند. پیامبر(ص) رو به جمع فرمودند که گناهان هم این‌گونه هستند. در نگاه اول کسی گناه بزرگی در زندگی‌اش نمی‌بیند اما وقتی گناهان کوچک ذره ذره جمع می‌شوند، کوهی از گناهان درست می‌کنند.

حضرت رسول(ص) می‌توانست همین مطلب را در یکی از منبرهای خود بگوید اما آن را در قالب نمایش آموزش داد. فرض کنیم ۷۰ نفر در آن سفر حضور داشتند. شک نیست این خاطره را برای خانواده و دوستانشان تعریف کرده‌اند و در واقع تعداد زیادی این تذکر الهی را در قالب یک نمایش جذاب و شیرین آموخته‌اند. روایت است در یکی از روزهای پاییز، حضرت در جمع مسلمانان شاخه درختی را تکان دادند و تعداد زیادی برگ زرد بر زمین ریخت. همه سکوت کرده بودند. فرمود: چرا دلیل این کارم را نمی‌پرسید. اصحاب سؤال کردند. سپس ایشان آیه‌ای را تلاوت

کردند که درباره نماز بود. فرمودند همان‌گونه که با اشاره دستم برگ‌ها ریختند با یک نماز، گناهان نماز گزار می‌ریزند. نقل است احکام نماز جماعت را در نماز جماعت نمایشی می‌آموخت. همه ۱۷ بخش نماز قابلیت تصویرسازی دارند که در ادامه اشاره‌ای به آن‌ها می‌شود.

وضو

هیچ مرجع شیعه‌ای نمی‌شناسم که گفته باشد نماز کسی که وضویش اشتباه است مورد عفو قرار می‌گیرد. بلکه همه نمازهایش باطل است. وضو یک عملیات ساده است که به راحتی آموخته می‌شود. شخصی می‌گوید نزد امام صادق(ع) رفتم و گفتم وضوی حضرت رسول(ص) را برایم توصیف کنید. حضرت فرمود ظرف آبی بیاورید و به جای توصیف کلامی، یک وضوی عملی گرفت. متأسفانه گاهی از ادبیات صد سال گذشته برای آموزش وضو استفاده می‌کنیم. عباراتی مانند از رستگاه مو تا زیر دهن، بین انگشت سبابه و انگشت ابهام و... مبهم هستند. در آموزش نمایشی، خطابه به حداقل می‌رسد.

ما که عارف نیستیم اگر بعد از نماز اثر چسب را روی دست دیدیم دوباره از سر شوق وضو بگیریم و نماز بخوانیم. نمازمان از سر تکلیف است. پس دقت کنیم تا درست بیاموزیم و مجبور نباشیم بعد از مدتی نمازهای چند ساله را اعاده کنیم. شاید خواندن این خاطره هم برایتان جالب باشد. برای عملیات بدر حدود چهارهزار رزمنده آماده بودند. به همه توصیه کردم وصیت‌نامه‌ها را بنویسند و قبل از عملیات ارسال کنند. آقای که معلوم بود خیلی گریه کرده است نزد آمد و گفت: امروز فهمیدم تمام غسل‌هایی که کرده‌ام اشتباه بوده است. پرسیدم چه‌طور؟

گفت: ابتدا سمت راست را می‌شستم، سپس سر و گردن و در آخر سمت چپ را. حالا هم که عازم عملیات هستم نمی‌دانم نمازها و روزه‌هایم را چگونه قضا کنم. شاید شهید شوم، تکلیف چیست؟ گفتم با توجه به سواد من، همه نمازهای باطل است اما اجازه بده از علمای قم هم بپرسم، شاید راهی باشد. آن زمان تماس با قم آن هم از مقرر فرماندهی خیلی سخت بود. به زحمت تماس گرفتم. گفتند فقط یک راه وجود دارد. اگر محل زندگی این آقا در یک مکان دور افتاده باشد که نتوانسته احکام را بیاموزد و به عالم و کتاب دسترسی نداشته، «عامل قاصر» است. تکلیف از او ساقط می‌شود. با خوشحالی به سوی جمع دویدم و فریاد زدم؛ برادر اهل کجایی؟! او هم پاسخ داد: تهران!

امروزه همه فکر می‌کنیم مردم استان‌های مرزی و شهرهای حاشیه‌نشین، در آموزش دین محروم هستند. در حالی که همین استان تهران و استان‌های دیگر به نوعی محروم هستند. در یک جمع ۵۰۰ نفری در تهران، روش تیمم را پرسیدم. تیمم چهارصد نفرشان باطل بود.

وقت

اولین پیام اوقات نماز، توجه به طبیعت است. آسمان، خورشید، ماه، ستاره‌ها و... مظاهر زیبای طبیعت هستند. حضرت علامه طباطبایی می‌فرمایند خداوند در قرآن به سی و اندی مورد قسم خورده است که بیشترین آن‌ها قسم به وقت است. پس نقش «وقت» در زندگی ما مشخص است. چندین ساعت تلاش کردم تا تصویری درباره فجر کاذب از اینترنت سرچ کنم اما بی‌نتیجه بود. دین از ما خواسته در زمان فجر صادق و کاذب و طلوع خورشید بیدار باشیم و با نگاه به طبیعت به دنبال صاحب نشان باشیم. پنج وقت نماز با زیبایی‌های طبیعت آمیخته شده‌اند. حتماً این

موضوع فلسفه‌ای دارد. متأسفانه حتی هم لباسی‌هایم هم این‌گونه نیستند که در هر وعده نماز به آسمان نگاه کنند.

چندی قبل نزد آقای قرائتی بودم. مهمانی از سوریه داشتند که برای شرکت در همایشی به ایران آمده بودند. دکترای ریاضی داشتند. به آقای قرائتی گفتند مدتی است درباره آیه «و الصبح اذا تنفس»؛ «قسم به صبح وقتی نفس می‌کشد» تحقیق می‌کنم. مزرعه‌ای در نزدیکی دمشق دارم. بعد از تصویربرداری از آسمان متوجه شدم شرق آسمان در زمان طلوع به مدت ۲۰ دقیقه به شکلی مانند تنفس شش‌ها، حرکت‌های سریع دارد و گویی تنفس می‌کند. تصویرهای آن دانشمند را ما هم دیدیم. دقیقاً مانند تنفس شش‌ها بود. اگر فریضه نماز بین دو وقت تعیین شده است در غیر این صورت باطل می‌شود، پس فلسفه‌ای دارد. نظم و برنامه‌ریزی در زندگی یکی از پیام‌های وقت‌شناسی است.

شهید عالیقدر، آیت‌الله بهشتی آن قدر وقت‌شناس بود که حتی یک‌بار در جلسات به بهانه ترافیک و مسائل دیگر، تأخیر نداشت. شاید بگویید مسئولیت سنگین قضاوت او را وقت‌شناس کرده بود. اما او قبل از انقلاب، وقتی هیچ سمتی نداشت این‌گونه بود. حدود سال ۵۵ بود. هجده سال داشتیم. به مشکلی برخوردیم. یکی از دوستانم توصیه کرد با ایشان مشورت کنیم. تماس گرفتم. گوشی را برداشت. بعد از سلام و احوالپرسی از ایشان خواستم وقتی برای مشورت تعیین کند. گفت باید دخترش را ببیند. بعد از چند دقیقه پاسخ داد. دو ماه و شش روز دیگر در فلان ساعت می‌توانی بیایی. عصبانی شدم و با یک خداحافظی تلفن را قطع کردم. به آن دوستی که او را معرفی کرده بود اعتراض کردم که من الان مشکل دارم و او می‌خواهد دو ماه و شش روز دیگر به من راه‌حلی بگوید. گفت دوباره تماس بگیر و این بار بگو که مشکلت را باید زودتر حل کنی و فرصتی نداری. یک هفته از تماس اول گذشته بود. دوباره زنگ

زدم. گوشی را برداشت و دوباره با همان وقار و صدای جذابیش جوابم را داد. موضوع را با توضیح بیشتر گفتم و خواستم زودتر وقت بدهد. باز هم گفت صبر کن تا دخترم را ببینم. بعد از دقایقی پاسخ داد چهارشنبه هفته آینده، ده دقیقه مانده به اذان صبح، این جا باش. آن موقع در شهرستان زندگی می کردم. خواهرم در تهران بود. به هر زحمتی بود سر همان ساعت پشت درب منزل ایشان ایستادم. قبل از اینکه در بزنم، در را باز کرد. بسیار مرتب و آراسته بود. با خوشرویی و احترام من را به خانه اش برد. بعد از مشاوره با هم نماز خواندیم. علت این همه نظم و برنامه ریزی را از او پرسیدم. هنوز نه انقلابی شده بود و نه قوه قضائیه بود و او در چند ماه آینده به اندازه ده دقیقه وقت اضافه برای مشاوره با من نداشت! چه طور توانسته بود به این باور برسد که وقت طلاست! او فقط یک پاسخ برای من داشت: من این نظم را از نماز آموختم.

اگر فلسفه اوقات نماز را با توجه به احادیث بدانیم دیگر نمازمان اول وقت خواهد بود و جایگاه نظم و برنامه ریزی در زندگی مشخص خواهد شد.

قبله

تمام احکام قبله، قابلیت تصویرسازی دارد. همه ۹ راهی که می توان با توجه به آن ها جهت قبله را پیدا کرد، قابلیت آموزش تصویری دارند.

حکمت آموختن جهت قبله در شرایط مختلف این است که یک مسلمان جهت ها را در تمام نقاط می شناسد. می داند جهت وجود دارد که باید به سوی آن نماز بگذارد، قرآن بخواند، غذا بخورد، مطالعه کند و...

جهتی که به سوی آن نماز می خوانیم پایگاه ابراهیم، اسماعیل و هاجر است. در هر نماز وقتی رو به سوی قبله می ایستیم به

یاد استواری آن ها در برابر حکم الهی می افتیم. حدود سیصد آیه درباره او آمده است. در مدیریتانه زندگی می کرد. جایی که از خوش آب و هوا ترین نقاط جهان است. خداوند دستور داد به مکه برود. سرزمینی که آب و هوایش با مدیریتانه بسیار متفاوت است. دستور سخت بعدی این بود که زن و فرزندش را تنها رها کند و خود باز گردد. چه محشری به پا شد. سعی صفا و مروه! کودکان ۱۳ ساله شد. مأموریت سخت بعدی، ذبح او بود و در نهایت همه از صابران شدند. این همه شکوه اطاعت از ولایت خداوند در سرزمینی اتفاق افتاد که قبله ماست. گروهی متأسفانه تنها فلسفه قبله را اتحاد مسلمانان معرفی می کنند در حالی که حکمت های دیگری هم وجود دارد.

لباس نماز گزار

حدود صد صفحه حدیث در وسائل الشیعه درباره لباس نماز گزار داریم. شاید جالب باشد که بدانیم هر چه درباره طرح، رنگ و جنس لباس آمده در احکام مربوط به نماز کاربرد دارد. امامان معصوم علیهم السلام همه لباس مختص نماز داشته اند. امروزه خانم ها چادر نماز دارند اما آقایان لباس ویژه نماز ندارند. در گذشته لباس نماز گزار، آن قدر شریف بود که وقتی روی مریض لاعلاج می انداختند شفا می گرفت. یادم است وقتی حضرت امام در نجف بود، در ایران برای شفای مریضی، پیراهن حضرت را روی مریض انداختند و بعد از یک شب شفا گرفت. توصیه شده است یک تکه از لباس نماز میت را در قبرش بگذارند.

شهید شریفی شاید اولین شهید انقلاب باشد. از شهدای ۱۹ دی بود. در منبری در اصفهان گفتم که نماز گزار باید لباس مخصوص داشته باشد. به خیاطی سفارش داده بود یک دست لباس ویژه برایش بدوزد. هر روز چند دقیقه قبل از نماز به خانه

می‌رفت و با آن لباس موقر و زیبا به مسجد می‌آمد. قصه لباس نمازگزار و کلاً لباس مؤمن را می‌توان تصویرسازی کرد.

اذان

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید پیامبر اکرم(ص) آن قدر برای مؤذن پاداش نام برد که گفتم مردم برای گفتن اذان به روی هم شمشیر خواهند کشید. حضرت در پاسخ فرمود؛ علی‌جان! روزگاری خواهد آمد که افراد شاخص جامعه اذان گفتن را عار می‌دانند.

زمانی مسابقات اذان‌گویی برگزار کردیم. بعد از مدتی دیدیم از میان این کار مؤذن تربیت نمی‌شود. بچه‌ها بیشتر به دنبال جایزه‌اند و در جمع در کوچه و خیابان اذان نمی‌گویند.

دوستی می‌گفت پسرم را تشویق کردم در مجمعی که زندگی می‌کردیم اذان بگوید. می‌خواستم عکس‌العمل همسایه‌ها را بررسی کنم. بعد از یکی دو هفته خانم یهودی جایزه‌ای برای تشویق پسرم آورد.

اینکه چگونه می‌توان این امر را فرهنگ‌سازی کرد کاری است که به تحقیق و پژوهش علمی نیاز دارد. در تحقیقی دیدم راز ورود موسیقی به دین اسلام، اذان است. آن قدر پیامبر اکرم(ص) بر این موضوع که اذان با صدای خوب و دلنشین گفته شود، تأکید داشتند که در زمان خلیفه دوم به این فکر افتادند که اساتید صوت نیکو را دعوت کنند. آن زمان ایرانی‌ها و یونانی‌ها مشهور بودند. از شیراز اولین گروهی موسیقی به مدینه دعوت شدند اما کار به ابتذال کشیده شد. در اولین روزهایی که به تهران آمده بودم آقای قرائتی گفت حضری به خاطر طولانی بودن مسیر خانه تا محل کار، لباس روحانیت را درآوری و این فاصله را با موتور بیایی. پذیرفتم. طلبه‌ای در همسایگی ما بود. روزی از من خواست

به‌جای او سر کلاشش بروم. آن روز درباره اذان صحبت کردم. حدود ۵۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی بودند. پرسیدم آن‌هایی که در خانه بلند اذان می‌گویند دست‌هایشان را بالا ببرند. همه خندیدند. فهمیدم با خودشان می‌گویند این آقا شهرستانی است. تهرانی‌ها را نمی‌شناسد. تشویقشان کردم در خانه اذان بگویند تا جنیان و شیاطین در خانه‌هایشان رفت و آمد نکنند. دو، سه نفری پذیرفتند. چند روز بعد در لباس روحانیت در حال خرید میوه از میدان امام حسین(ع) بودم. یکی از همان دانش‌آموزان من را در لباس شناخت و زیر گوشم گفت: حاج آقا اگر می‌توانی همین جا اذان بگو! از نکته‌سنجی او خوشم آمد. من هم نه فقط برای رضای خداوند بلکه برای خوش آمد او هم که شده، بلند اذان گفتم. مردم به دور ما جمع شدند. گویی صحنه غریبی می‌بینند.

یکی از تصاویر نماز جماعت را بارها مشاهده کردم. در احکام برای تکبیره الاحرام و قنوت حرکت دست‌ها تعریف شده است. متأسفانه در صف نمازگزاران این دو حرکت به اشکال بسیار متفاوت دیده می‌شود. در حالی که در قالب تصویر، به راحتی آموزش داده می‌شود. بهترین حالت دست‌ها در قنوت چسباندن دو انگشت کوچک به هم است. بقیه انگشتان هر دست به جز دو شست به هم می‌چسبند. دست‌ها باید تا ارتفاع صورت بالا و رو به آسمان باشد.

همین توضیحات در تصویر خیلی سریع‌تر و راحت‌تر آموخته می‌شود.

چندی قبل به این نتیجه رسیدیم که اگر فقط بخواهیم نمازخوان‌ها نمازشان را صحیح بخوانند، ساخت انیمیشن بهترین راه‌حل است. بهترین فرصت آموزش ۱۲ سال دوره تحصیل است. اگر در این مدت فرزندانمان نتوانند نماز خواندن را به شکل صحیح بیاموزند دیگر فرصت مناسب کم‌تر برایشان پیش خواهد آمد. این

طرح را ارائه دادیم اما متأسفانه به محض تعیین شدن اعتبار، به بایگانی رفت. اسلام مجموعه‌ای از اخلاق، عقاید و احکام است که مانند تاروپود فرش در هم آمیخته شده است. اگر فرزندانمان احکام مهمی مانند معاملات را زمان تحصیل نیاموزند چگونه می‌توانند در بازار و محل کار، به‌گونه‌ای کار کنند که در آخر لقمه حلال به‌دست آورند. احکام زندگی‌ساز است.

با تصویر کشیدن آن در قالب موضوع‌های تخصصی در دسته‌بندی‌های مشخص مانند سن، شغل، سفر و غیره ضریب خطا را به حداقل رساند.

کمی حرف حساب

در ادامه نشست، **محمد ناصری**، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با تأکید بر کاربردی بودن راهکار تصویرسازی احکام، گفت: «تلاش خواهیم کرد این طرح را در مجموعه خود، اجرایی کنیم. تمام فعالیت‌های انجام شده در آرشیو موجود است. در یک مطالعه کاربردی طرح تکمیل و اجرا خواهد شد.» **ناصر نادری**، معاون مجلات رشد نیز پس از مرور کوتاه بر فعالیت‌های انجام شده گفت: «اعتراف می‌کنیم در حوزه احکام کم‌کاری شده است. به‌جز چند کار کوچک از جمله طرح‌های داستانی آقای عرب‌لو، کار جدی صورت نگرفته است. قصه‌های تصویری نیز فقط لایه‌هایی از سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام را نشان داده‌اند و بیشترین حس دینی را القا کرده‌اند تا مفهوم‌شناسی و نظریه‌پردازی دینی.»

جعفر ربانی، سردبیر رشد معلم نیز با نقد نویسنده‌های امروزی که نمی‌توانند با لایه‌های ذهنی دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند؛ دلیل این پس‌رفت را استفاده غیرمنطقی و غیرعقلانی از واژه‌های خلاقیت، نوآوری، مدرسه هوشمند دانست و گفت: «وقتی

این واژه‌ها مشغله ذهنی ما می‌شوند تمام وقتمان برای نوآوری تلف می‌شود و دست آخر در حاشیه می‌مانیم. در گذشته، خیلی راحت مطالب را می‌آموختیم. اما حالا چه؟! سرمایه‌های زیادی در راه آموزش دین صرف می‌شود اما باز خورد نهایی بسیار ناچیز است. بُرد آموزشی فیلم و مجله محدود است اما در آموزش‌های کتاب‌های درسی پیوستگی وجود دارد. خوب است در تولیدهای کلان برنامه‌ریزی کرد.»

شهرام شفیعی، سردبیر رشد دانش آموز نیز بهترین راه آموزش احکام را الگوگیری از قرآن دانست و گفت: «جایگاه قرآن در این طرح کجاست. از حسن سلیقه قرآن در بیان مسائل غافل شده‌ایم. در روش قرآنی، تحصیل، حاصل را تأیید نمی‌کند چون حاصلش را تحصیل می‌داند. غیر از این؛ یعنی در جا زدن، خوب است به دنبال تمهید روشی برای آموزش احکام به کودکان باشیم.»

مرتضی مجدفر، سردبیر رشد آموزش ابتدایی یکی از آسیب‌های موجود را استفاده نابه‌جا از روش «غیرمستقیم گویی» دانست و افزود: «در تغییر کتاب‌های دینی پایه ابتدایی دیدیم دو مشکل وجود دارد که یکی تأثیرپذیری خیلی از نویسنده‌ها از روش غیرمستقیم گویی بود. تا جایی پیش رفتند که از آن سوی بام افتادیم و مطالب نامفهوم شد. «پرسش‌آفرینی» برای ارائه همه موضوع‌ها قابل استفاده نیست. به اعتقاد بنده اگر در مجله احکام مستقیم گفته شود بهتر پذیرفته می‌شود. کتاب درسی را معلم توضیح می‌دهد از مطالب مجله که در لفافه پیچیده شده باشد را چه کسی برای کودک روشن می‌کند. اگر برداشت او غلط باشد به هدف نمی‌رسیم.»

از این قاعده مستثنی نیست. «مخاطب‌شناسی» جهت شناخت روش ارائه مطلب ضروری است.»

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان جامعه هدف در این طرح را معلم معرفی کرد و گفت: «این موضوع در حیطه کاری ما نیست که درباره آن فکری کنیم. ستاد اقامه نماز می‌تواند معلم‌های کارآموده تربیت کند. یکی از مؤلفه‌های کشور اسلامی پخش اذان از مناره‌های مساجد شهر است. در نمایشگاهی در ترکیه یکی از پر فروش‌ترین غرفه کتاب‌های مذهبی کتاب «تهران؛ شهری که از گل دسته‌های صدای اذان نمی‌آید» بود. در واقع کتاب، سفرنامه یک زن ترکی به ایران است. در کتابش به این موضوع پرداخته است که موقع اذان درب برخی مساجد بسته است و تعدادی دیگری در حیاط فرشی برای اقامه نماز پهن کرده‌اند و درهای شبستان را بسته‌اند. دیدن این کتاب وجودمان را پر از درد کرد. هر که به سفر کربلا رفته باشد این تجربه را دارد که موقع اذان صبح هیچ‌کس نمی‌تواند بخوابد. صدای اذان آن قدر بلند است که تا دوردست‌ها نمی‌توان بی‌تفاوت شد و به خواب رفت. این حق هر مسلمانی است که اذان را در سه نوبت بشنود. هر نوبت بیش از چند دقیقه طول نمی‌کشد.»

فریبرز بیات، دبیر مرکز مطالعات دفتر درباره یک تجربه در آسیب‌شناسی مسائل اخلاقی کودکان گفت: «وقتی برنامه درسی ملی انگلیس را بررسی کردیم متوجه شدیم یک ارزش اخلاقی بنیادی مانند صداقت را در دو-سه سال اول تحصیل دانش‌آموز کار می‌کنند، سپس در پایه بعدی ارزش اخلاقی دیگری را پررنگ‌تر از بقیه مطرح می‌کنند تا در ذهن دانش‌آموز نقش ببندد. ما نیز چنین طرحی را ارائه دادیم اما در مقدمات ماند. وقتی حجم‌های از ارزش‌ها را به یک نسبت ارائه می‌دهیم طبیعی است دانش‌آموز نداند کدام یک اولویت دارند. ارائه موضوعات احکام نیز

در نشست علمی - کاربردی «آموزش و ساختن ذهنیت آدم‌ها نسبت به معلولیت» عنوان شد:

معلولیت نقص نیست؛ تفاوت است

معصومه دیودار

که قبل از انقلاب با نام پیک منتشر می‌شدند و بعد از انقلاب با نام رشد، در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفتند.»
وی افزود: «این مجلات بعد از انقلاب پر اولاد شدند و مجله‌ای که بیش از شش تا هفت عنوان نداشت، به سی عنوان افزایش یافت. همچنین شمارگان آن از حدود دو میلیون به چهار میلیون نسخه رسید. تلاش کارشناسان و سردبیران این مجلات در روند رسیدن به آن‌ها به مخاطب تأثیر داشته است.»
ناصری با اشاره به تعداد شمارگان مجلات رشد خاطر نشان کرد: «این اعداد و ارقام در یک حساب سر انگشتی نشان از آن دارد که می‌توان تعداد مجلات رشد را در یک کفه ترازو و سایر مطبوعات کشور را در کفه دیگر آن قرار داد. از این رو، می‌توان گفت مجلات رشد جایگاهی ویژه برای عنوان کردن حرف‌های مهم به شمار می‌روند.»

وی با تأکید بر اینکه مجلات رشد از رسانه‌های بسیار مهم کشور به شمار می‌روند و کتاب درسی نیستند، تصریح کرد: «شاید به جرأت بتوان گفت که تأثیرگذاری مجلات رشد در متن زندگی

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در مردادماه ۹۱ با برپایی نشست «آموزش و ساختن ذهنیت آدم‌ها نسبت به معلولیت»، پذیرای مهمانانی ویژه و متفاوت با سایر مهمانان خود بود.
در این نشست که با حضور مسئولان و سردبیران مجلات رشد، رئیس و مدیر فرهنگی و هنری انجمن باور، رئیس انجمن برنا، مشاوران و کارشناسان امور افراد با محدودیت جسمی حرکتی برگزار شده بود، بر لزوم ورود مجلات رشد به حوزه دانش‌آموزان با محدودیت جسمی و حرکتی تأکید شد. همچنین دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آمادگی خود را برای حضور در حوزه دانش‌آموزان نابینا و شکل‌گیری کتاب گویا برای این دانش‌آموزان اعلام کرد.

محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و مدیر مسئول مجلات رشد، نخستین سخنران این نشست بود که سخنان خود را با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری مجلات رشد در نیم‌قرن گذشته آغاز کرد و گفت: «مهم‌ترین فعالیت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، انتشار مجلاتی است

مخاطبان، که همان دانش‌آموزان، معلمان و همکاران فرهنگی هستند، بیش از کتاب درسی است. چرا که این مجلات با استفاده از تمام امکانات رسانه منتشر می‌شوند و هیچ اجباری در تهیه و خرید آن‌ها وجود ندارد، در دورترین نقاط ایران توزیع می‌شوند و به‌فروش می‌رسند و دانش‌آموزان آن‌ها را خریداری می‌کنند.»

مدیر مسئول مجلات رشد یادآور شد: «عراق نیست اگر بگوییم در روستاها، نشریه را با «رشد» می‌شناسند. یعنی تصورشان از نشریهٔ مکتوب به جز کتاب، مجلهٔ رشد است؛ چراکه ساز و کار توزیع آن به نوعی است که به دست تمام مخاطبان در سراسر کشور می‌رسد.»

ناصری پس از بیان توضیحاتی دربارهٔ مجلات رشد به معرفی مهمانان این نشست پرداخت و از آن‌ها به عنوان دوستانی نام برد که با وجود محدودیت‌های جسمی و حرکتی دستی در قلم دارند و در جست‌وجوی نگاهی نو به جامعهٔ معلول کشور هستند؛ نگاهی که باید نگرش و دید عموم جامعه را به این قشر تغییر دهد.

وی یادآور شد: «حضور افراد معلول در جامعه می‌تواند حساسیت، دقت، توجه و تعهد مسئولان را نسبت به ارائهٔ آگاهانهٔ طرح‌ها و زمینهٔ عملیاتی شدن برنامه‌ها برای این اقشار برانگیزد. مجلات رشد به‌عنوان رسانه‌ای که گستردگی مخاطبان آن به پهنای کشور است، به این موضوع توجه دارد. هدف آن است تا با برگزاری جلسه‌ای با حضور تنی چند از معلولان نخبهٔ کشور و سردبیران رشد، جایگاه این مسئلهٔ مهم در مجلات تعیین و راهکاری برای چگونگی پرداختن به این قشر ارائه شود.»

به گفتهٔ ناصر، این موضوع بنابر وظایفی که به‌عنوان یک رسانه بر عهدهٔ مجلات رشد است، باید در تمام مجلات عمومی مطرح و واقعیت موجود با تمام خوبی‌ها و سختی‌های آن دیده شود.

مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از مجلات عمومی و دانش‌آموزی رشد که بالغ بر ۳۳ میلیون نسخه را شامل می‌شوند، از جملهٔ مهم‌ترین رسانه‌های فعال در این بخش نام برد و اذعان داشت: «شاید مجلات خاصی هم در این حوزه برای معلمان تهیه کردیم. باید این موضوع در بطن زندگی دیده شود و جدا از آن نباشد. اگر بخواهیم این موضوع را به‌طور دائم بررسی کنیم، نیازمند آنیم که یک مجلهٔ ویژه را به آن اختصاص دهیم.»

● کرامات انسانی را در معادلات انسانی مد نظر قرار

دهییم

مرتضی شاهرخ‌نیا یکی از مهمانان نشست «آموزش و ساختن ذهنیت آدم‌ها نسبت به معلولیت» بود. جانبازی که ویلچرش، خاطراتی از جنگ تحمیلی را با خود به همراه می‌آورد. شخصی که دستی در قلم دارد و می‌توان از وی به‌عنوان یکی از الگوهای واقعی، پهلوان، قهرمانان این مرز و بوم و متفکران جامعه نام برد که امروزه با تمام محدودیت‌های جسمی و حرکتی خود، در صدد معرفی قشر معلول به عموم جامعه است.

به نام آن که جان را فطرت آموخت

چراغ دل به نور جان برافروخت

ز فضلش هر دو عالم گشت گلشن

ز فیضش هر دو عالم گشت روشن

شاهرخ‌نیا با خواندن این شعر سخنان خود را آغاز کرد و با تأکید بر اهمیت امر آموزش گفت: «تاکنون پیرامون اهمیت امر آموزش مطالب بسیار نوشته شده، اما می‌خواهم یک شاهد قرآنی بیاورم که شاید عظیم‌ترین، مهم‌ترین و انکارناشدنی‌ترین مسئلهٔ امر آموزش باشد. اولین کلام، در آخرین کتاب به آخرین پیامبر

خدا، که یکی از افراد عادی جامعه بود و سواد نداشت، کلمه «اقرا» است؛ یعنی «بخوان». هنگامی که بر سر کلمه عربی، حرف همزه بیاید و آخرش ساکن شود، آن را تبدیل به فعل امر می‌کند. به این معنا که دیگر «قرا» نیست که خوانده شود و به معنای امر به خواندن است؛ یعنی همان «بخوان» است.

شاهرخ‌نیا افزود: «اگر بخواهیم این مسئله را از نظر آموزشی بررسی کنیم، باید گفته شود «قُل» به معنای «بگو»؛ چراکه پیامبر چیزی نداشت که بخواند، اما اینکه در اولین کلام خدا «اقرا» گفته می‌شود، بر اهمیت امر آموزش تأکید دارد. بنابراین می‌توان از آموزش به عنوان خطیرترین امر و مهم‌ترین رکن جامعه نام برد. شاید اگر به جای «اقرا»، کلمه «قال» عنوان می‌شد، قصه دیگری در خصوص آموزش مطرح می‌گردید.»

این استاد دانشگاه در ادامه از انسان و کرامات انسانی به عنوان دومین مسئله‌ای نام برد که باید مورد توجه قرار گیرد و گفت: «مخاطبان مجلات رشد طیف گسترده‌ای از جامعه اعم از دانش‌آموزان، اولیا، معلمان، مربیان را در بر می‌گیرند. پدر و مادرها بیش از دانش‌آموزان این مجلات را مطالعه می‌کنند و پی می‌برند که چگونه با کودک خود رفتار کنند. اگر آن‌ها بدانند که کرامات انسانی چه اهمیت و جایگاهی دارد، شاید بهتر عمل کنند. این می‌تواند تبدیل به یکی از مؤلفه‌ها و موضوعاتی شود که سردبیران رشد به آن بیشتر اهمیت دهند؛ چراکه انسان، نازپرورده خلقت است.»

وی برای نشان دادن جایگاه انسانی که خداوند هنگام خلق او به خود احسنت گفت، به یکی از جملات حضرت علی (ع) رجوع کرد که در خصوص کرامات انسانی می‌فرمایند: «من ابا دارم از اینکه سیلی به صورت کسی بزنم؛ زیرا هر انسانی تبلور مشیت الهی است و سیلی به صورت هر انسان، توهین به مشیت الهی

است.»

شاهرخ‌نیا در توضیح این فرمایش حضرت علی (ع) گفت: «با داشتن در این جمله به معنای ترسیدن، خجالت کشیدن، رو در بایستی، حیا و شرم داشتن یا ملاحظه کردن نیست بلکه هر یک از این کلمات معنا و جایگاه خاص خود را دارد. هر کس که با کلمه و جمله سر و کار داشته باشد، می‌تواند اهمیت این کلمه را در این جمله درک کند و به معنا و مفهوم واقعی آن پی ببرد. «با» تمام این کلمات را در بر می‌گیرد و در عین آنکه همه آن‌هاست، هیچ کدام نیست و معنایی بالاتر و فراتر از تمام این کلمات دارد.»

وی با اشاره به اینکه از نظر فلسفی، معنی با معنا متفاوت است، با آوردن مثالی تصریح کرد: «مادر، مامان، ننه، خانم والده یک معنا را دارند و به یک شخص اطلاق می‌شوند ولی در هیچ نامه‌ای نمی‌نویسند که لطفاً به سرکار خانم ننه‌تان سلام برسانید؛ چراکه ننه جایگاه دیگری دارد. هر چند ننه همان مامان و خانم والده است ولی جای این کلمه در چنین جمله‌ای نیست. در خصوص کلمه «با» نیز چنین چیزی صادق است.»

این محقق خاطر نشان کرد: «از دیگر سو، ما یک «وظیفه» داریم، یک «وضعیت». یک «باید»، و یک «هست». یک وضعیتی هست و در قبال آن وظیفه‌ای داریم. یک هستی هست که الان هست. در مقابل این هست، یک «باید» وجود دارد. به قول دکتر شریعتی، آدم، «بودن» است و انسان، «شدن». در خصوص وظیفه و وضعیت نیز می‌توان مطالب زیادی نوشت که هم برای دانش‌آموزان مفید باشد، هم برای اولیا و نیز مربیان.»

شاهرخ‌نیا با تأکید بر لزوم توجه به آسیب‌شناسی این موضوع که با وجود تمام تلاش‌های انجام شده تاکنون نتوانسته‌ایم به وضعیت دل‌خواه و مطلوب خود در جامعه دست یابیم و دائم در حال ترمیم وضع موجود هستیم، گفت: «مهم‌ترین آسیبی که باید

به آن اهمیت داده شود این است که هنوز به کودکان و جوانان نیاموخته‌ایم که آن‌ها وارثان زندگی‌اند، نه کاشفان زندگی. الان به گونه‌ای شده که هنگامی که اثاث تغییر می‌کند، همگان گمان می‌کنند که اصل نیز عوض شده است.»

وی افزود: «هنگامی که ماشین پراید یک شخص تبدیل به سوناتای چند صد میلیون تومانی می‌شود، به‌طور کل شخصیت دارنده آن تغییر می‌کند. تصورشان این است که چیزی را در زندگی کشف کرده‌اند؛ در حالی که تغییر اثاث، تغییر اصل نیست. حتی در مثل‌ها نیز آمده که «از اسب افتاده‌ایم نه از اصل» ولی این فرهنگ عمومی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.»

این پژوهشگر تأکید کرد: «اگر در نشریه رشد، در قالب سرمقاله سردبیر یا زیباترین و شیرین‌ترین داستان‌ها همانند شازده کوچولو، به سادگی و متناسب با سن و فهم دانش‌آموزان و علاقه اولیا به این مهم پرداخته شود که کودکان و نوجوانان وارثان زندگی هستند نه کاشفان زندگی، آن وقت است که می‌توان گفت یک کار اساسی در این خصوص انجام شده است.»

شاهرخ‌نیا همچنین پیشنهاد داد: «اگر بتوان ترتیبی داد که در مجلات رشد، دو صفحه روبه‌روی هم تحت عنوان مناسب‌ها و مناسب‌ها مد نظر قرار گیرد که در یک صفحه مناسب‌ها همانند روز تولد دانشمندان و ائمه و فیلسوفان و ... نوشته شود و آن‌را به صفحه مقابل ربط دهند و مناسب‌سازی و بهینه‌سازی شرایط زندگی -چه از لحاظ فیزیکی یا روحی، روانی و چه از نظر آموزشی، گفتاری و رفتاری مرتبط با آن -را به دانش‌آموزان بگویند، گام‌های بلندی در جهت بهینه‌سازی برداشته خواهد شد. پایه و اساس این مهم باید در آموزش و پرورش گذاشته شود.»

به گفته وی، در مجلات رشد، باید در خصوص باورها نوشت؛ باورهایی که ریشه در اعتقادات ما دارند. باید آن‌ها را به باورهای

ارزشی و ضد ارزشی تفکیک کرد و راه‌های شناخت آن‌ها را به دانش‌آموزان آموخت. این‌گونه است که می‌توان ضد ارزش‌ها را به ارزش تبدیل کرد.

این جانباز، در ادامه از معادلات ریاضی و انسانی سخن به میان آورد و گفت: «همه ما با معادلات ریاضی آشنا هستیم. در مقابل معادلات ریاضی، یک معادله دیگر هم داریم که در بیشتر جوامع حل نشده باقی مانده و آن، معادله انسانی است. علت حل نشدن معادلات انسانی و حل شدن معادلات ریاضی این است که در معادلات ریاضی با اعداد و ارقام سر و کار داریم. اعداد و ارقامی که نه حس دارند و نه روح و در عین حال ما خود، خالق آن‌ها هستیم و به آن‌ها بها داده‌ایم. اگر تنها یک صفر از آن‌ها کم شود، از اعتبار و ارزش‌شان کاسته می‌شود. چطور می‌شود که معادلات ریاضی که با اعداد سرو کار دارند -اعدادی که مخلوقات ما انسان‌ها هستند و اعتبارشان را از وجود ما گرفته‌اند- حل می‌شوند ولی معادلات انسانی که در رابطه با موجودیت ما انسان‌ها هستند و ما این موجودیت را از خداوند داریم، حل نمی‌شوند؟»

شاهرخ‌نیا درباره علت این امر گفت: «علت آن است که ما در معادلات ریاضی، با دانش بشری خود که آموخته‌ایم می‌توانیم تناسب ببندیم، ارتباط درست را بین اعداد تعریف کنیم و آن‌ها را در فرمول‌ها قرار دهیم و با گذاشتن عددی صحیح آن‌را حل کنیم. این در حالی است که در معادلات انسانی نمی‌توانیم تناسب‌ها صحیح ببندیم و ارتباط صحیح را برقرار کنیم. بسیاری از اولیا و حتی معلمان با دانش‌آموزان ارتباط صحیح ندارند؛ دل‌سوز نیستند و بسیاری از مشکلات دیگر در این خصوص مطرح است. این در حالی است که اگر معادلات ریاضی حل می‌شود، توسط دانش بشری است ولی در معادلات انسانی باید یک دانش الهی حکم‌فرما باشد تا بتوان تناسب صحیح را بین افراد در نظر گرفت.»

وی با اشاره به راه‌حلهایی که برای این مؤلفه‌ها می‌توان پیشنهاد داد، گفت: «این دو بیت شعر از عطار نیشابوری بیانگر آن است که حل این معادله بسیار دشوار است ولی غیر ممکن نیست.

مرد می‌باید تمام این راه را

جان فشاندن باید این درگاه را

دست باید شست از جان مردوار

تا توان گفتن که هستی مرد کار

راه‌حل اول: گذاشتن دوره‌های آموزشی برای معلمان و مربیان جهت ارتقای سطح علمی و بالابردن توان آموزشی و قابلیت انتقال مطالب با عشق و علاقه و اخلاص و قبول سختی کار و البته تأمین معاش معلمان. چرا که معلمی که گرفتار است و هزار نوع قرض و مشکل مالی دارد، زیاد نمی‌تواند برای چنین مسائلی دل بسوزاند.»

این پژوهشگر در توضیح چگونگی تحقق راه‌حل اول به جلساتی که در سه دبستان باغچه‌بان ۱، باغچه‌بان ۲ و نرجس برگزار شد، اشاره کرد و گفت: «در این جلسات من در خصوص کرامات انسانی صحبت کردم. «محبوبه خلوک»، رئیس انجمن برنا، درباره قوانین معلولان از دیدگاه «جان لاک» و «مهندس برجیان» درباره استانداردهای مناسب‌سازی، مهندس «سجادی» در خصوص فضاهای آموزش و میلمان شهری و میلمان آموزشی سخنرانی کردند. در پایان جلسه، از صحبت‌هایی که شده بود سؤالاتی طرح شد و در اختیار معلمان قرار گرفت. در این میان هیچ کدام جواب ندادند. سپس راه مشورت کردن را باز گذاشتیم تا آن‌ها بهتر یاد بگیرند. این جلسات در پرونده ضمن خدمت آن معلمان قرار گرفت. این جلسات بسیار مفید و مؤثر بودند ولی از آنجا که پشتیبان و حمایت‌کننده‌ای نداشتیم، تعطیل شدند. امید است دوباره برگزاری این جلسات رونق گیرد تا شاهد تأثیرات آن

در جامعه باشیم.»

شاهرخ‌نیا درباره دومین راه‌حل برای آموزش کرامات انسانی، گفت: «معلمان ما بسیار خوب هستند ولی گاهی اوقات امکانات آموزشی کم است و نمی‌توانند از آن‌ها کمک بگیرند. این درحالی است که آموزش صحیح به دانش‌آموزان توسط مربیان خبره و استفاده از تمام امکانات آموزشی و کمک آموزشی همانند مجلات رشد می‌تواند یکی از راه‌حلهایی باشد که باید مد نظر قرار گیرد.» این کارشناس امور معلولان از تهیه و تغییر و بازنگری مطالب کتاب‌های درسی و آموزشی و کمک آموزشی و برنامه‌های فوق درسی و کلاسی توسط کارشناسان و مربیان خبره و با تجربه و استفاده بهینه از مهارت‌های این بزرگواران در تمام سطوح تحصیلی، از ابتدایی تا دکترا، به‌عنوان سومین راه‌حل پیشنهادی سخن گفت.

وی در این خصوص خاطرنشان کرد: «باید تغییر نگرش در کتاب‌های درسی انجام شود و برخی از مطالب با صلاحیت کارشناسان امر تغییر کند. این کار بسیار دشوار ولی عملی است.» شاهرخ‌نیا با اشاره به چهارمین راه‌حل وصول به کرامات انسانی گفت: «یکی دیگر از راه‌های حل معادلات انسانی، مبادله نامه، کاردستی و نقاشی بین دانش‌آموزان عادی و استثنایی در تمام سطوح تحصیلی است. بهتر است این کار زیر نظر مستقیم آموزش و پرورش و با نظارت و راهنمایی معلمان و مربیان انجام شود تا حد و اندازه این نامه‌ها رعایت و تعاملات مد نظر کارشناسان آموزشی محقق شود. این امر می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.»

وی امر آموزش را اساسی‌ترین رکن یک جامعه دانست و اظهار کرد: «یک دانش‌آموز کلاس اول ۲۵ سال دیگر می‌تواند یکی از رکن‌های این جامعه باشد، در سمتی مانند وزارت یا ریاست و مدیریت مشغول به کار شود و در تصمیم‌گیری‌هایش از آنچه در

کلاس اول آموخته است، بهره بگیرد. از این رو باید به امر آموزش و آنچه به دانش‌آموزان آموخته می‌شود، توجه ویژه داشت.»
شاهرخ‌نیا همچنین از برگزاری نمایشگاه مناسب‌سازی شده و اماکن و وسایل آموزشی برای معلولان به‌عنوان یکی دیگر از راه‌حل‌های ممکن نام برد و افزود: «این نمایشگاه می‌تواند به‌صورت دوره‌ای یا فصلی یا به شکل‌های دیگر برگزار شود تا دانش‌آموزان و اولیا با موانع و مشکلات گوناگون فیزیکی، شهری، آموزشی، رفتاری موجود بر سر راه معلولان و راه‌حل‌های برطرف کردن آن‌ها آشنا شوند. از طریق این نمایشگاه‌ها می‌توان عموم جامعه را با راه‌های برون‌شد از این مشکلات و گذشتن از موانع و فائق آمدن بر تمام مشکلات و چشیدن طعم شیرین پیروزی آشنا کرد و برای معلولان موقعیتی به‌وجود آورد تا پیروزی را لمس کنند و در آن‌ها اعتماد به نفس ایجاد شود.»

وی با اشاره به کتابی با عنوان «نام‌های که هرگز فرستاده نشد» که نوشته یک خبرنگار روسی است و در قالب ۲۶ صفحه منتشر شده است، گفت: «این کتاب در بردارنده ماجرای یک گروه دانشجویان زمین‌شناسی است که با امکاناتی همانند کنسرو، خرما، چادر و کیسه خواب و... به مناطق شمالی سیبری سفر می‌کنند و به دنبال معادن زغال‌سنگ و طلا می‌گردند. یک شب که آسمان صاف است، این افراد بدون توجه به وسایل خود و بر اثر خستگی، تمام آذوقه خود را همان‌طور در طبیعت رها می‌کنند و به خواب می‌روند. نیمه‌های شب باران و برف و طوفان آذوقه آن‌ها را از بین می‌برد؛ تنها یک تفنگ و چند فشنگ و کیسه خواب و چند کنسرو و چند دانه خرما برای آن‌ها باقی می‌ماند. تمام اعضای این گروه به دلیل سرمای شدید می‌میرند. رهبر گروه این خاطرات را در دفتر خود می‌نویسد و آخرین نوشته‌های او این است که الان در فلان منطقه هستیم و من آخرین نفر هستم و این آخرین خط

است و آخرین خط را برای نام‌زد می‌نویسم. بعد هم یخ می‌زند و می‌میرد. دو سال بعد با ورود گروهی از محققان به منطقه جنازه این دانشجویان کشف می‌شود و همه می‌فهمند که این افراد در حدود صد متری یک کمپ مرده‌اند. متوجه می‌شوند که تصور این افراد از صدای پارس سگ‌ها، صدای زوزه باد بوده است. یعنی اگر این افراد به اندازه ۱۰۰ متر از محلی که بودند حرکت می‌کردند و از تلاش باز نمی‌ایستادند، می‌توانستند نجات پیدا کنند.»

شاهرخ‌نیا تصریح کرد: «رهبر گروه در دفتر خود می‌نویسد: زندگی یعنی چشیدن طعم شیرین پیروزی بعد از یک مبارزه سخت و جدی. سعدی نیز گفته:

زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو

نیست هنگام تأمل، بی‌درنگ آماده شو

ما اگر بتوانیم به بچه‌های خود، به‌خصوص کودکان استثنایی، یاد دهیم که چطور می‌توانند بر مشکلات پیروز شوند و طعم شیرین پیروزی را بچشند و اعتماد به نفس پیدا کنند، موفق خواهیم شد.»
به گفته وی، مؤلفه بعدی ترتیب دادن اردوهای یک و چندروزه دانش‌آموزان و اولیا و مربیان جهت بالا بردن دانش و تجربه زندگی و چگونگی آموختن، تعامل با یکدیگر، کمک کردن به هم و ایجاد انگیزه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان معلول و غیر معلول است. این محقق با اعتقاد به اینکه آموختن روش دارد، اظهار کرد: «اگر بسیاری از ما نمی‌دانیم که چگونه باید بیاموزیم، برای آن است که روش آموختن را بلد نیستیم. نمی‌دانیم چگونه باید آموخت. گاهی بلد نیستیم که چگونه باید به دیگران بیاموزیم و گاهی اوقات نمی‌دانیم که چگونه بیاموزیم و یاد بگیریم. در این میان، اگر بتوان اردوهای برگزار کرد که بچه‌های معلول و سالم در یک‌جا در کنار هم حضور داشته باشند و به دانش‌آموزان سالم آموخته شود که برای کمک کردن به یک معلول نباید کارهای او را انجام داد بلکه

می‌توان به او کمک کرد تا کارهایش را انجام دهد، خیلی خوب است. برای مثال اگر آن کودک معلول آب می‌خواهد، به او کمک کنند تا برود و آب بخورد نه آنکه برایش آب بیاورد. در این صورت خواهیم توانست گام‌های جدیدی در این راه برداریم.»

شاهرخ‌نیا از تهیه فیلم، نمایش‌های رادیویی، بروشورهای آموزشی و اجرای تئاتر توسط دانش‌آموزان این حوزه با موضوعات آموزشی و هنری و موسیقی به عنوان مؤلفه‌های دیگر جهت رسیدن به پاسخ معادلات انسانی نام برد.

وی از دیگر سو خواستار همکاری صمیمانه و همه‌جانبه همه ارگان‌های ذی‌ربط و مهم‌تر از همه صدا و سیما، شهرداری، پارک‌ها، سینماها با آموزش و پرورش در زمینه تأمین ابزارهای کمک آموزشی شد.

برگزاری سمینارها، همایش‌ها، تجلیل از نخبگان معلول به منظور تشویق و بالا بردن سطح علمی، ایجاد شوق و انگیزه برای فراگیری علم و آموختن آن از جمله پیشنهادهایی بود که شاهرخ‌نیا در این نشست عنوان کرد و گفت: «برانگیختن عزم ملی توسط آموزش و پرورش باید به دغدغه حال و آینده تبدیل شود. این مهم جز آموزش و پرورش از عهده هیچ ارگان دیگری بر نمی‌آید.»

ناآگاهی مسئولان جامعه نسبت به مسائل معلولان

محبوبه خلاق، رئیس انجمن برنا، دیگر مهمان این نشست بود که با اشاره به گروه ده درصدی معلولان و جانبازان در جامعه گفت: «برخی معتقدند که گاهی به دلیل مشغله‌هایی که جامعه با آن‌ها روبه‌روست، این افراد فراموش می‌شوند. این درحالی است که از طریق حضور این تعداد محدود و توجه به آن‌ها در مجلاتی مانند رشد می‌توان در نهادینه کردن و فرهنگ‌سازی این مهم در

جامعه گامی بلند برداشت. هنگامی که با مسئولان و مدیران ارشد جامعه و برنامه‌ریزان صحبت می‌کنیم و می‌بینیم از این موضوع آگاهی لازم را ندارند، نباید به آن‌ها خرده گرفت؛ چراکه این آگاهی از ابتدای امر به آن‌ها داده نشده است و اکنون در شرایطی قرار گرفته‌اند که در کنار حجم بزرگی از مشکلات پیش رویشان، باید معلولان را هم ببینند. از این روست که در بسیاری از مواقع معلولان در جامعه فراموش می‌شوند.»

به گفته این کارشناس، مسئولان، فی‌نفسه علاقه دارند برای معلولان کاری انجام دهند و در برنامه‌ریزی‌های جامعه شرایط آن‌ها را نیز در نظر گیرند ولی چون این مهم از ابتدای امر در وجود مسئولان نهادینه نشده، نمی‌توان به راحتی آن چیزی را که مورد نظر جامعه معلولان است، از آن‌ها خواست. امید است که با برقراری تعامل بین جامعه معلولان و مجلات رشد، به نیازهایی چون آشنایی جامعه با حقوق معلولان، کرامات انسانی و... پاسخ مناسب داده شود.

خلاق، یکی از راه‌های وصول به این هدف را آموزش غیرمستقیم و گنجاندن مطالب آموزشی در قالب طنز، داستان و قصه، تصویر و قراردادن یک معلول به عنوان شخصیت اصلی داستان و تصویرگری عنوان کرد.

به اعتقاد رئیس انجمن برنا، باید آموزش جامعه از پایه آغاز شود؛ چراکه آموزش این مهم به عموم جامعه کار دشواری است. در زمان حاضر باید جامعه را از کودکی با حقوق معلولان آشنا سازیم. حتی می‌توان از پایه پیش دبستانی این مهم را آغاز کرد و برنامه‌هایی را برای مهد کودک‌ها در نظر گرفت.

وی درخصوص چگونگی آشناسازی جامعه از دوران کودکی با مفهوم معلولیت گفت: «اگر از حقوق معلول سخن می‌گوییم، باید در ابتدای امر دانش‌آموزان را با معلول، مشکلات آن‌ها، حقوق

اجتماعی و زندگی و تعاملی که می‌توان در کنار معلولان داشت، آشنا سازیم و سپس به سایر مسائل توجه نشان دهیم.»
خلوق پیشنهاد داد که برای ورود به این بخش از اصول روان‌شناسی کودک بهره‌گیری شود؛ چراکه حساسیت موضوع به اندازه‌ای است که باید آن‌ها را از بحث ترحم و دلسوزی دور نگاه‌داشت. باید با روان‌شناسی تعمق بر انگیز وارد مسائل اجتماعی، روانی و فرهنگی شد تا بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت.

معلولیت یک تفاوت است

سهیل معینی، رئیس هیئت مدیره انجمن باور، سخنران دیگر این نشست، با تأکید بر برخی نکات گفت: «تمام صحبت ما بر محور آموزش است. تأکید ما نیز بر تغییر باورهاست. در روان‌شناسی اصلی وجود دارد که می‌گوید تغییر در رفتار انسان و گروه‌های انسانی حاصل نمی‌شود مگر آن که ذهن آن‌ها تغییر کند. دلیل بسیاری از مشکلات این است که ما همواره به دنبال رفتارها و نتایج متفاوت از ذهنیت‌های ثابت می‌گردیم. به این معنا که ذهن خود را نسبت به یک امر تغییر نمی‌دهیم اما انتظار داریم اگر مشکلی وجود دارد سریع حل شود. این یک گزاره اشتباه است؛ چراکه پیامدهای یک ذهنیت، زمانی تغییر می‌کند که آن ذهنیت تغییر کند.»

معینی با اعتقاد به اینکه کار اصلی مجلات رشد ذهنیت‌سازی و ذهنیت‌پردازی برای نسل آینده کشور است، گفت: «اگر بتوانیم ذهنیت مخاطب خود را تغییر دهیم، می‌توانیم امید داشته باشیم که رفتار میلیون‌ها تن از افراد جامعه ما در آینده تغییر کند. این کار بسیار خطیر است و اگر انجام شود، می‌توان به جامعه مدنی با افکاری نو امید داشت.»

رئیس هیئت مدیره انجمن باور درباره چگونگی انجام این

تغییر گفت: «برای این منظور قدر مطلق در نظر گرفته می‌شود. در آموزش و پرورش به بحث‌های ارزشی کلان خیلی توجه می‌شود و این اهمیت دارد. چراکه هدف‌گذاری‌ها بر روی کلان‌های جامعه در نظر گرفته می‌شود.»

وی که بیش از پانزده سال است در حوزه معلولان فعالیت می‌کند، پیشنهاد داد: «خلاقیتی که اکنون در جامعه احساس می‌شود، این است که ارزش‌های کلان جامعه کمتر به سیاست‌های راهبردی تبدیل می‌شوند و این سیاست راهبردی کمتر به طرح‌های مشخص مبدل می‌گردد.»

معینی تصریح کرد: «این بدان معناست که همواره از کرامات انسانی و اینکه دانش‌آموزان به ارزش‌ها احترام بگذارند سخن به میان می‌آید ولی در کار میدانی و در عمل، جایی که باید این ارزش‌ها به ذهنیت راهبردی و کاربردی برای افراد تبدیل شوند، با ضعف‌های بسیاری روبه‌رو هستیم.»

وی افزود: «به نوعی شاید بتوان گفت که در نظام آموزش و پرورش این‌گونه احساس می‌شود که به اندازه‌ای از ارزش‌ها صحبت می‌کنیم که از زندگی فاصله می‌گیریم و آنچه را در جلوی چشمان ما جاری است، نمی‌بینیم. تاچه اندازه دانش‌آموزان ما در آموزش و پرورش درباره محیط زیست و چگونگی حفظ آن می‌آموزند و با این مسئله آشنا می‌شوند؟ درحالی که این مهم در زندگی ما جاری است. در آموزش و پرورش از ارزش‌های کلان صحبت می‌شود؛ مثلاً درباره احترام به حیات ولی تا چه اندازه این مهم تبدیل به یک باور در دانش‌آموزان می‌شود؟»

به گفته این محقق، باور، ذهنیتی است که بلافاصله بعد از آن رفتار اتفاق می‌افتد. اگر درباره مسئله‌ای زیاد هم صحبت شود ولی در رفتار بروز پیدا نکند، می‌توان گفت که آن ذهنیت به باور تبدیل نشده‌است. این نکته بسیار اهمیت دارد که اگر در آموزش و پرورش

به ارزش‌هایی بها می‌دهیم، از آن‌ها تغییر رفتار نیز ناشی شود. در بسیاری از موارد شاهد این تغییر رفتارها در نسل امروز نیستیم. دانش‌آموز چقدر یاد می‌گیرد که در رفتارهای اجتماعی خود مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کند؟

وی با اشاره به محور مورد نظر و تغییر رفتار نسبت به یک گروه اجتماعی - که همانا افراد دارای معلولیت هستند - خاطر نشان کرد: «هنگامی که از تغییر رفتار دانش‌آموزان نسبت به افراد معلول سخن به میان می‌آید، باید بررسی کنیم که به دنبال چه چیزی هستیم اولین چیزی که باید اتفاق بیفتد این است که این مهم را لحاظ کنیم که معلولیت یک تفاوت است.»

رئیس هیئت مدیره انجمن باور افزود: «این، تفاوتی است در کنار سایر تفاوت‌ها و باید آن را شناخت؛ همان‌طور که اولین تفاوت بارز در دانش‌آموزان ما تفاوت جنسیتی آن‌هاست و دانش‌آموزان دختر و پسر باید یاد بگیرند که چگونه با یکدیگر تعامل داشته باشند و این تفاوت جنسیتی را رعایت کنند و به آن احترام بگذارند، یا تفاوت سنی را که بین آدم‌ها از بزرگ‌سال و پدر و مادر و کودک وجود دارد، تفاوتی که میان شخصی که در شهرستان زندگی کرده و شخصی که در شهر زندگی کرده است، یک خارجی و یک ایرانی، یک سیاه پوست یا سفید پوست، یا کسی که باور دینی و مذهبی او با ما متفاوت است.»

معینی تصریح کرد: «تمام بحث‌های کلان آموزش و پرورش باید بر این نکته تأکید داشته باشند که به افراد یاد داده شود که این تفاوت‌ها را هم ببینند هم نبینند. کجا ببینند و کجا نبینند. این تفاوت‌ها بسیار جدی هستند و وجود دارند.»

وی با تأکید بر اینکه کودکان با هم متفاوت‌اند، گفت: «یکی چاق دیگری لاغر است، یکی توان جسمی بیشتری دارد دیگری این توان را ندارد. واقعیت این است که این تفاوت‌ها را

همه افراد می‌بینند ولی اینکه در ذهن آن‌ها این تفاوت‌ها چگونه دیده و با آن‌ها برخورد شود، نکته‌ای است که تمام توان و کار آموزش و پرورش باید بر آن متمرکز گردد.»

وی در ادامه یادآور شد: «باید کاری کرد که دانش‌آموزان با این تفاوت‌ها به‌صورت طبیعی برخورد کنند. البته تحقق این هدف مکانیزم‌های خاص خود را لازم دارد و با شعار و نصیحت از بالا، درست نمی‌شود. باید به نوعی به این تفاوت‌ها بپردازیم که در ذهن دانش‌آموزان، به‌طور طبیعی جا بیفتد و دانش‌آموزان را در موقعیت‌هایی قرار دهیم که این تفاوت‌ها را در عمل بیاموزند. آموزش و پرورش جهانی معتقد است که یک دانش‌آموز با تمام تفاوت‌هایی که دارد، باید در کنار سایر دانش‌آموزان در یک مدرسه قرار گیرد و آموزش آن‌ها در کنار هم انجام شود؛ مگر دانش‌آموزانی که به هیچ‌عنوان نمی‌توانند در مدارس عادی باشند و در زمره دانش‌آموزان با معلولیت ذهنی یا استثنایی جای می‌گیرند.»

وی خاطر نشان کرد: «این الحاق در حد تعارف و سیاست‌گذاری نباید باقی بماند بلکه باید در عمل اتفاق بیفتد. هنگامی که می‌گوییم دانش‌آموز با تفاوت جسمی و حسی می‌تواند در مدرسه عادی درس بخواند، به چه معناست؟ وقتی دانش‌آموزی که با ویلچر به مدرسه می‌آید، در بدو ورود خود با شش پله روبه‌رو می‌شود، در می‌یابد که این مدرسه‌ای نیست که میزبان او باشد. در همان بدو ورود به او گفته می‌شود که جای تو در این مدرسه نیست. وقتی با چنین شرایطی در مدارس روبه‌رو هستیم، نمی‌توانیم از قرار و مدار، بخشنامه و صحبت با آموزش و پرورش درخصوص ملحق شدن دانش‌جویان معلول به دانش‌آموزان عادی سخن بگوییم.»

به اعتقاد رئیس هیئت مدیره انجمن باور، مدارس باید در اولین قدم به‌گونه‌ای باشند که دانش‌آموزان با تفاوت‌های جسمی و حسی - حرکتی بتوانند در آن‌ها حضور پیدا کنند، به کلاس بروند

و از سرویس بهداشتی استفاده کنند. این در حالی است که مدارس ما در همین اولین قدم با مشکل روبه‌رو هستند و باید این مشکلات مرتفع شوند.

این نخبه معلول با اشاره به بحث‌هایی فراتر از بخش فیزیکی این مهم یادآور شد: «آیا هنگامی که یک دانش‌آموز دارای تفاوت جسمی و حسی وارد یک مدرسه عادی می‌شود، ذهنیت سایر دانش‌آموزان و کادر آموزشی برای پذیرش او آماده است؟ یعنی فراتر از بخشنامه‌ای که از بالا آمده و گفته شده است که او را بپذیرند، آیا مدارس برای این پذیرش آماده شده‌اند؟ ما اگر خود به مسئله‌ای اعتقاد نداشته باشیم، نمی‌توانیم آن را منتقل کنیم. حتماً بخشی از کارمان لنگ خواهد زد؛ مگر آنکه خودمان به آن باور رسیده باشیم.»

وی با طرح سؤالی با این مضمون که آیا برای ما جا افتاده که معلولیت یک تفاوت است یا اینکه همواره تصور می‌کنیم معلولیت شتری است که در خانه همسایه می‌خواهد، گفت: «معلمی که هنوز این اعتقاد را پیدا نکرده است که می‌تواند پذیرای یک دانش‌آموز با تفاوت جسمی و حسی باشد و شرایط رشد او را فراهم کند، موفق نخواهد شد. تا زمانی که کلاس آموزشی برای این معلم برگزار نشود، او دانش‌آموزان با تفاوت جسمی و حسی را به راحتی نخواهد پذیرفت.»

معینی با بیان آمار جدیدی از سال ۹۰، درباره اینکه دو سال به طول عمر متوسط انسان افزوده شده است، اذعان داشت: «واقعیت این است که در پس این خبر شاهد سالمندی خواهیم بود. سالمندی تقریباً به معنای محتوم بودن معلولیت است. هنگامی که چنین چیزی را در باورهایمان نداریم، نمی‌توانیم دانش‌آموز معلول را به عنوان پدیده‌ای کاملاً طبیعی در زندگی خود بپذیریم.»

این پژوهشگر در ادامه به سؤالی اشاره کرد که در بسیاری از

مواقع از او به عنوان یک نابینا و رئیس انجمن باور، می‌شود: «از ما سؤال می‌شود که آیا جامعه نسبت به معلولیت نگرش منفی دارد؟ تجربه شخصی من می‌گوید جدا از فرهنگ‌سازی که باید انجام دهیم، اگر معلول ما توانمند باشد نگرش جامعه اصلاح خواهد شد. هنگامی که جامعه ببیند که معلول تحصیل می‌کند و قادر است خود و خانواده‌اش را اداره کند و از نظر اقتصادی همپای سایر افراد به پیش می‌رود، دلیلی برای داشتن دید منفی وجود نخواهد داشت. ولی وقتی در شهری کوچک با معلولی که تحصیل نکرده و متکدی است، سر و وضع درستی ندارد مواجه می‌شویم، طبیعی است که دید و نگاه جامعه نسبت به معلول مثبت نخواهد بود. بنابراین، آنچه باید اتفاق بیفتد این است که باید این تفاوت‌ها در جامعه نهادینه شوند و به قول معروف جا بیفتند.»

به گفته معینی، «درست است که افراد معلول محدودیت‌های حسی و جسمی دارند اما آنچه باید در ذهن دانش‌آموزان جا بیفتد، این است که این افراد می‌توانند با آموزش‌هایی که می‌بینند، به گونه‌ای دیگر همان کاری را بکنند که او با دست توانمند خود انجام می‌دهد.»

وی با اشاره به تعریفی که در توان‌بخشی وجود دارد، گفت: «این تعریف می‌گوید توان‌بخشی طرق انجام کار از راه‌های متفاوت است. شخصی که نمی‌بیند، نمی‌تواند آنچه را جلوی چشمانش است بخواند ولی اگر بتواند از خط بریل یا از رایانه‌ای استفاده کند که بتواند با اسکن کردن، متنی را بخواند، او هم می‌تواند به همان دانشی دست یابد که سایر افراد سالم جامعه به آن دست یافته‌اند ولی این کار از راهی متفاوت انجام می‌شود. بنابراین، مهم است که در میان دانش‌آموزان جا بیفتد که ورای تفاوت‌ها، توانمندی‌های یکدیگر را هم ببینند. این نکاتی است که باید در قالب طرح‌های پژوهشی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند و در نظام آموزشی به

آن‌ها توجه شود تا این ذهنیت در جامعه صورتی طبیعی به خود بگیرد.»

زمانی حضور افراد معلول در مسابقات ورزشی همانند رویا بود. از این رویا، واقعیتی به نام پارا المپیک شکل گرفت. معینی با بیان این سخنان گفت: «تمام کاری که در آموزش و پرورش باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در مرحله اول به دانش‌آموز بیاموزیم که کجا این تفاوت‌ها را ببیند و کجا آن‌را تفاوت ببیند نه محدودیت و ناتوانی. در ضمن، یاد بگیرد که در کنار دیدن این تفاوت‌ها به آن‌ها احترام بگذارد و بداند که دانش‌آموزی که چنین تفاوت‌هایی دارد، از جنبه‌های دیگر ممکن است توانمندی‌هایی هم داشته باشد.»

به گفته رئیس هیئت مدیره انجمن باور، تحقق چنین هدفی نیازمند عزم و تلاش یک گروه است تا بتوان ایده‌ها را به طرح و پروژه تبدیل کرد. ایده کلی، جهت را مشخص می‌کند ولی به عمل تبدیل نمی‌شود و باید با مشخص کردن پروژه‌های تعریف شده در جهت عملیاتی شدن این مهم برآییم.

وی در این باره به پروژه «من می‌توانم» که شامل کتابچه‌ای است که دانش‌آموزان با دنبال کردن داستان‌های آن با افراد دارای محدودیت جسمی حرکتی آشنا می‌شوند، اشاره کرد. در این کتاب‌ها، شخصیت‌ها افراد مختلفی هستند و در میان آن‌ها شخصیت‌های معلول نیز در نظر گرفته شده‌اند که از چهره‌های توانمند هستند.

بنابراین گزارش، این پروژه از جمله پروژه‌هایی است که در جهت تحقق این مهم تعریف شده است. در این کتابچه‌ها نکاتی از جمله فلسفه مسیر عبور معلولان در پیاده‌روها و چرایی در نظر گرفتن رمپ‌ها و شیب‌راه‌ها در کنار پله‌ها توضیح داده شده است تا دانش‌آموزان با این سازه‌های شهری آشنا شوند و از دیدن آن‌ها

تعجب نکنند.

معینی درباره گنجاندن شخصیت‌های معلول در داستان‌ها گفت: «حتماً نباید شخصیت معلول ما دانش‌آموز باشد بلکه پدری که استاد دانشگاه است و یکی از اولیا و مربیان فعال در مدرسه می‌تواند معلول باشند. حتی می‌توان یک معلم معلول را در زمره شخصیت داستان‌ها گنجاند. با این کار به‌طور بسیار ساده می‌توان نشان داد که معلولیت نه تنها در دانش‌آموزان بلکه در معلمان، مردم و هر شخص دیگری ممکن است وجود داشته باشد.»

معینی که بیش از ده سال سردبیری روزنامه ایران سپید تنها روزنامه بریل جهان را بر عهده داشته است، خواستار انتشار نشریات رشد خاص کودکان و نوجوانان نابینا شد و گفت: «حتی یک نشریه برای کودکان و نوجوانان نابینا نداریم. هنگامی که از شمارگان ۳۰ و ۴۰ میلیونی صحبت می‌کنیم، آیا منظور ما از این تعداد شمارگان برای تمام کودکان و نوجوانان با تمام محدودیت‌ها و تفاوت‌هاست یا آنکه فقط ۸۰ درصد از دانش‌آموزان دیده می‌شوند؟ تفاوت‌ها را باید دید. دانش‌آموزان نابینا چگونه می‌توانند از انبوه شمارگان مجلات رشد استفاده کنند؟»

به اعتقاد وی، اگر به دانش‌آموز با محدودیت جسمی و حرکتی اهمیت دهیم، به او می‌فهمانیم که در درجه اول یک دانش‌آموز است و در مرحله دوم صفت‌های متفاوتی دارد. در این نقطه است که باید تفاوت‌ها را نادیده گرفت. باید با ایجاد شرایط و امکانات برابر برای این دانش‌آموزان، آن‌ها را ببینیم.

معینی که مسئولیت بخش کتابخانه نابینایان حسینییه ارشاد را نیز بر عهده دارد، پیشنهاد کرد که از امکانات استودیوهای این بخش برای تبدیل مجلات رشد به سی‌دی‌های گویا بهره گرفته شود تا دانش‌آموزان نابینا و دارای مشکل خواندن بتوانند از این امکانات برای بهره‌مند شدن از اطلاعات مجلات رشد استفاده

کنند و به این ترتیب، برابری حقوق دانش‌آموزان محقق شود.

● نقش تصویر و داستان در انتقال معنای معلولیت به جامعه

ترانه میلادی، مدیر واحد فرهنگی - هنری انجمن باور است. او مدرک کارشناسی خود را در دو رشته گرافیک و ادبیات دریافت کرده است تا بتواند از طریق زبان داستان و تصویر، یافته‌ها و باورهای خود را به جامعه انتقال دهد.

وی با ارائه چند ایده به مجموعه مجلات رشد گفت: «در جوامع جهانی چندین سال است که مطالب مربوط به ارتباط افراد با یکدیگر، اعم از آموزش‌های محیطی و قوانین، را به صورت غیرمستقیم در قالب داستان‌هایی که هیچ ارتباطی با موضوع ندارند، آموزش می‌دهند. برای مثال، اگر کتاب آموزش الفبای انگلیسی را ببینید، در صفحه‌ای که حرف «O» را آموزش می‌دهد، این حرف را به صورت چرخ یک ویلچر در نظر گرفته است. با این آموزش، کودک به طور غیرمستقیم با ویلچر آشنا می‌شود و هنگامی که فردی را سوار بر ویلچر در خیابان می‌بیند، به او زل نمی‌زند و تعجب نمی‌کند.»

میلادی در ادامه گفت: «این درحالی است که کودکان در جامعه ما با وسایلی مانند ویلچر، عصا، و واکر و... نا آشنا هستند. این مهم نه تنها برای کودکان بلکه در مورد برخی از بزرگسالان جامعه ما صادق است. دلیل این امر آن است که به دلیل خودداری از مناسب‌سازی فضای شهری، افراد با محدودیت‌های جسمی و حرکتی امکان حضور در تمام بخش‌های شهر را ندارند. این گونه است که آن‌ها در جامعه کمتر دیده می‌شوند.»

این نخبه معلول با اشاره به نگاه‌های سنگین جامعه بر افراد معلول یادآور شد: «بارها اتفاق افتاده است که نگاه بزرگسالان

بر افراد با محدودیت‌های جسمی و حرکتی سنگینی می‌کند. در چنین لحظاتی نمی‌توان دلیلی برای این عمل پیدا کرد. سنگینی چنین نگاه‌هایی سبب می‌شود کودکان با محدودیت‌های جسمی و حرکتی بازگشت به فضای خانه را ترجیح دهند.»

نویسنده کتاب «دنیای استثنایی من» که برای اولین بار یک فرد استثنایی را قهرمان داستان خود قرار داده است تا از این طریق معلولیت را طبیعی جلوه دهد، پیشنهاد داد: «می‌توان با گنجاندن شخصیت‌های معلول در داستان‌ها به طور غیرمستقیم دانش‌آموزان را با این افراد آشنا ساخت. برای مثال، می‌توان درباره دوستی صحبت کرد و از میان چهار دوستی که قهرمانان داستان هستند، یکی از آن‌ها نابینا باشد. آموزش غیرمستقیم می‌تواند سنگینی و باورناپذیر بودن بحث معلولیت را از سکه بیندازد؛ چراکه هرگاه صحبتی در این باره به میان می‌آید، گفته می‌شود این موضوع سنگین است و باید مورد بررسی قرار گیرد.»

میلادی با تأکید بر اینکه معلولان جزئی از جامعه هستند گفت: «هنگامی که حضور این افراد در جامعه تکرار شود، خشونت و باورناپذیر بودن این مسئله نیز رنگ می‌بازد و به موضوعی ملموس در جامعه تبدیل می‌شود. باید در بخش‌های مختلف به معلولان پرداخته شود؛ برای مثال، اگر طرح جلد یک مجله پر از دانش‌آموز است، یکی از این دانش‌آموزان با محدودیت جسمی حرکتی در نظر گرفته شود یا یکی از شخصیت‌های پس زمینه و شخصیت‌های اصلی از افراد استثنایی الهام گرفته شود.»

وی که یکی از نخبگان معلول کشور است؛ در این باره گفت: «من در دانشگاهی تحصیل کرده‌ام که ۶۰ پله دارد. معلولانی که در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند، به دلیل داشتن شرایط نابرابر با سایر دانشجویان، سختی‌های فراوانی می‌کشند.»

میلادی در ادامه گفت: «درباره چگونگی پرداختن به معلولان

جامعه و معرفی آن‌ها، ایده زیاد وجود دارد ولی مسئولان کمتر به این ایده‌ها توجه نشان می‌دهند. از مسئولان خرده گرفته نمی‌شود؛ چراکه حضور معلولان در جامعه کم است. اگر در جامعه زیاد با معلولان روبه‌رو شویم، دیگر آن‌ها را فراموش نمی‌کنیم و در پس ذهن خود جایی را به آن‌ها اختصاص می‌دهیم. اگر محیط جامعه برای حضور معلولان جسمی حرکتی مناسب‌سازی شود، آن‌ها در جامعه حضور پیدا خواهند کرد.»

مدیر واحد فرهنگی - هنری انجمن باور با اعتقاد به اینکه در کشور ما در خصوص معرفی معلولان به عموم جامعه بسیار کند عمل شده است گفت: «معلولیت یک تفاوت است، باید احترام به کسانی که متفاوت‌اند، به دانش‌آموزان یاد داده شود؛ حتی دانش‌آموزان عینکی یا دانش‌آموزانی که مادرزاد چاق هستند. اگر طرح «من می‌توانم» به‌طور کامل اجرا شود، می‌توان گفت حرکتی در این زمینه انجام شده است.»

در تصویرسازی به معرفی معلولان توجه بیشتری شود

مهناز یآوری، استاد دانشگاه، یکی دیگر از مهمانان مجله رشد بود. او این جلسه را سرآغاز طرح‌های اجرایی در خصوص مباحث مربوط به معلولان عنوان کرد و گفت: «آموزش محیط زندگی و مناسب‌سازی آن برای افراد استثنایی در کتاب علوم اول دبستان بحث معلولان با تصویر یک ویلچر مطرح شده است. همچنین طرح «من هم می‌توانم» یکی از طرح‌هایی است که امسال اجرایی شد. امید است که این نکات در طرح‌های ارائه شده مدنظر قرار گیرد و در این خصوص از کارشناسان امر مشاوره گرفته شود؛ چراکه نکات ریز همچون موزاییک‌های پیاده‌روهاست که در طراحی خیابان‌ها وجود دارد و باید در تصویرگری این کتاب‌ها مد

نظر قرار گیرد. آیا به موزاییک‌های راه‌راه پیاده‌روها و سکه‌ای شدن آن‌ها هنگام رسیدن به خیابان توجه کرده‌اید؟ سکه‌ای شدن زنگ خطری برای افراد نابیناست که بدانند به خیابان نزدیک می‌شوند. این‌ها نکات ریزی است که باید در تصویرگری مد نظر قرار گیرند و به آن‌ها توجه شود.»

ضرورت شناخت جامعه از معلولان

در ادامه این نشست، مسئولان و سردبیران مجلات رشد به بیان نظرات خود درباره مطالب گفته شده پرداختند.

محبت‌الله همتی، مشاور مدیرکل مجلات رشد، با اشاره به اینکه برای تک‌تک انسان‌های سالم ممکن است اتفاقی بیفتد که سبب معلولیت جسمی آن‌ها شود، گفت: «تصادف یا هر اتفاق دیگری ممکن است سبب معلولیت جسمی شود. بنابراین ضرورت دارد که کودکان و دانش‌آموزان بدانند معلولیت چیست و چگونه باید با یک فرد معلول برخورد کرد.»

وی افزود: «باید به این نکته توجه داشت که مناسب نبودن مدارس سبب ترک تحصیل دانش‌آموزان معلول می‌شود. اگر این مهم به دغدغه‌ای برای سردبیران مجلات رشد تبدیل شود و آن‌را مد نظر قرار دهند و بخشی از مطالب مجلات را به افراد و دانش‌آموزان استثنایی اختصاص دهند، خواهیم توانست این بخش از جامعه را به دانش‌آموزان معرفی کنیم.»

همتی با تأکید بر اینکه نیازی نیست ۱۰۰ درصد مجلات رشد در این خصوص فعال شوند، گفت: «می‌توان در ابتدای امر از تصاویر پشت جلد مجلات کودک و شعرهایی که با تصویر نشان داده می‌شوند، آغاز کرد. می‌توانیم بخشی از این تصاویر را به بچه‌های معلول اختصاص دهیم. همین کار برای آغاز راه کافی است. در توزیع مجلات نیز می‌توان این نکته را مد نظر قرار داد.

اگر این مسئله دغدغه سردبیر باشد، راه حل پرداختن به آن نیز پیدا خواهد شد.»

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز، به جلسه‌ای که این مجله در پایان سال تحصیلی ۹۰-۹۱ برگزار کرده بود، اشاره کرد و گفت: «در آن جلسه وعده‌ای داده بودم که به آن عمل کردم و نتیجه آن در مجموعه جدید مجلات اتفاق افتاد. البته پرداختن به این بخش نیازمند گذر زمان است تا کارشناسان بتوانند آن را در قالب داستان و شعر و نکات آموزشی به دانش‌آموزان منتقل کنند.»

وی با اشاره به اینکه تلاش‌ها صورت می‌گیرد ولی آغاز و تحقق هر حرکتی نیازمند آزمون و خطاهایی است که به زمان نیاز دارد، گفت: «این بخش در مجلات رشد سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مطرح شده است و تمام تلاش ما بر آن بوده تا در لفافه به این بخش پرداخته شود؛ چرا که روان‌شناسان معتقدند با این موضوع در گروه سنی (ب) باید خیلی عادی برخورد شود نه اینکه مشخصاً و به‌صورت ویژه به آن بپردازیم.»

گرمارودی یادآور شد: «در این راستا از انتشار داستان‌هایی که شخصیت‌های آن‌ها به‌صورت بارز با معلولیت جسمی حرکتی مواجه بودند، اجتناب شد ولی در طول سال به این مهم پرداخته خواهد شد. پرورش داستان‌هایی که بتوان نحوه شناخت و برخورد با معلولان را در آن گنجانده، مستلزم گذر زمان و پخته شدن این مبحث است.»

توجه به معلولان رسالتی است بر دوش رسانه‌ها

شهرام شفیعی، سردبیر مجله رشد دانش آموز، نیز با تشکر از کسانی که مسائل مهمی را که در این جلسه مطرح کرده بودند، به اهمیت بخش ناگفته اشاره کرد و گفت: «پرداختن به آنچه

مطرح شد، وظیفه تمام رسانه‌هاست و این جلسه یکی از مهم‌ترین جلساتی است که تاکنون در رشد تشکیل شده و من توانسته‌ام در آن شرکت کنم. در واقع، این جلسه به مسائلی پرداخت که به روابط انسانی مربوط می‌شود.»

وی در ادامه با بیان جمله‌ای از شیخ ابوالحسن خرقانی گفت: «هر کجا خاری بر پای رود، آن بر جگر من رود. این جمله بیش از یک شعار اخلاقی یا صوفیانه است و تفسیر فلسفی آن این است که این کاروان انسانی که به سوی مقصد خود حرکت می‌کند، به‌صورت جمعی در حال حرکت است، "گیرم که غمت نیست غم ما نیز نیست" اشاره به آن دارد که اگر مشکلی وجود دارد، از نظر منطقی و عقلی به همه مربوط می‌شود.»

شفیعی با اشاره به اینکه همه به‌طور نسبی با معلول و معلولیت آشنا هستند، گفت: «همه ما ممکن است در بخشی از زندگی خود با محدودیت‌های جسمی حرکتی مواجه شویم. انسان از نقص آفریده شده است و این نقص روزی در زندگی آدم متجلی می‌شود. باید این مسئله مهم را به دانش‌آموزان و عموم جامعه یادآوری کنیم.»

به گفته سردبیر مجله رشد دانش آموز، در شرایطی که رسانه ملی کمتر به این بخش می‌پردازد، انجمن‌های کودک و نوجوان خود را مسئول توجه به این افراد نمی‌دانند و رسانه‌ها آن را مدنظر قرار نمی‌دهند و هر بخش از دیگری جدا افتاده است. افراد معلول دور از ذهنان عمومی باقی می‌مانند. این در حالی است که افراد فعال در حوزه رسانه باید با این بخش از جامعه به‌صورت مستقیم در ارتباط باشند. از دیگر سو این نکته باید مدنظر قرار گیرد که معلولان برای آدم‌های غیر معلول چه کاری می‌توانند انجام دهند. در این راستا برگزاری جلسات برای کمک به کودکان سرطانی، گنجاندن صفحه بریل در مجله دانش آموز و ایجاد شرایطی برای

تبدیل دانش آموزان نابینا به مخاطبان مستقیم مجلات رشد، از جمله ایده‌هایی است که برای عملیاتی شدن این امر مهم می‌توان به سردبیران و مسئولان رشد پیشنهاد داد.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، نیز با تأکید بر اینکه معلمان با توجه به نقشی که دارند می‌توانند فضاسازی‌های لازم را برای تفهیم این موضوع مهم انجام دهند، گفت: «در این مسیر با نمودار ساختن مهارت‌ها و خلاقیت‌های موجود می‌توان توانمندی‌ها و مزیت‌ها را مشخص کرد.»

جامعه در معرفی معلولان نابغه کوتاهی کرده است

جعفر ربانی، یکی از مشکلات و مسائلی را که در زمینه معرفی و شناساندن افراد با محدودیت جسمی و حرکتی در جامعه وجود دارد، تجسم نیافتن این موضوع در جامعه عنوان و تصریح کرد: «در بسیاری از مواقع که از معلول سخن به میان می‌آید، شخصیت‌های معروفی که در ذهن ما شکل می‌گیرند خارجی هستند، همانند استیون هاو کینگز، هلن کلر، طه حسین و... این در حالی است که در ایران نوابی مانند دکتر خزائی را داریم. البته پس از جنگ قطعاً هزاران جانباز با معلولیت جسمی توانستند به درجات بالای علمی و فرهنگی و هنری دست یابند که جامعه ما در معرفی آن‌ها کوتاهی کرده است و اغلب ما شناختی از آن‌ها نداریم.»

وی در ادامه گفت: «باید در این زمینه کار عملی انجام دهیم و برنامه‌ریزی مستقل و جامع داشته باشیم. امسال می‌توان به صورت پراکنده و در سال بعد به صورت منسجم به این مهم پرداخت. در این خصوص نیز دفتر مجلات رشد می‌تواند مشاوره دائمی برای برقراری ارتباط و انجام کارهای کارشناسانه در زمینه افراد با

محدودیت جسمی و حرکتی داشته باشد.»

حبیب یوسفزاده، سردبیر رشد نوجوان، از این جلسه به‌عنوان جلسه‌ای یاد کرد که باور و انگیزه او را تقویت کرده است و گفت: «شاید دسترسی ما به منابع تصویری در زمینه افراد با محدودیت جسمی و حرکتی محدود باشد ولی می‌توان با رجوع به بایگانی انجمن باور این محدودیت را جبران کرد.»

کاظم طلایی، مدیر هنری مجلات رشد، با پیشنهاد برگزاری جشنواره عکس معلولان توانا گفت: «رسانه‌هایی مانند فیلم و عکس بسیار تأثیر گذارند. فیلم، رسانه‌ای است که در مدت زمانی کوتاه تأثیر شگرفی بر ذهن و دیدگاه مخاطب می‌گذارد. این در حالی است که در بسیاری از فیلم‌های ما شخصیت بد داستان معلول است و این تأثیری منفی بر اذهان عمومی دارد. باید این باور را تغییر داد.»

حسین احمدی، شاعر نوجوانان، نیز با تأکید بر تأثیر شعر و سرود در دانش آموزان گفت: «در زمینه شعر و سرود می‌توان از این جریانات بهره جست. گروه‌های سرود در مدارس می‌توانند تلفیقی از دانش آموزان سالم و معلول باشند.»

ناصر نادری، معاون مجلات رشد، با تعریف خاطره‌ای گفت: «واژه معلول (توان‌یاب) را بارها شنیده بودم ولی برایم واژه‌ای عادی بود تا اینکه یکی از اقوام نزدیک در برهه‌ای از زندگی خود کم‌بینا و به تدریج نابینا شد. من شاهد آن بودم که این محدودیت جسمی سبب به‌وجود آمدن چه بحران‌هایی در زندگی او و خانواده‌اش شد.

از آن پس بود که واژه معلول برایم معنای دیگری پیدا کرد.» وی پیشنهاد داد تا در ادبیات داستانی شرح حال زندگی مفاخر معلول جای گیرد و ویژه‌نامه‌هایی در این خصوص در مجلات بزرگسالان گنجانده شود.

نصراله دادار، مشاور مدیرکل، نیز با تأکید بر اینکه باید از

خاص‌گرایی دور شویم و به حقوق انسان‌ها توجه کنیم، گفت: «این مهم چیزی است که کمتر در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. برخوردهایی که در مدرسه‌ها با این کودکان می‌شود، در خور توجه نیست. نباید از شأن و منزلت آن‌ها کاسته شود. باید به تفاوت‌های فردی توجه کنیم و آن را مد نظر قرار دهیم؛ چراکه این تفاوت‌ها نه می‌توانند ارزش باشد نه کاستی. در این خصوص نباید چیزی را خاص جلوه داد. قرآن نیز انسان را عام می‌پسندد. همه عزیزند. اگر حقوق انسان و در بخش خاص حقوق معلولان مورد توجه قرار گیرد، بهتر جواب خواهد داد.»

نیره شاه‌محمدی، عضو هیئت علمی حوزه معاونت مجلات، اظهار کرد: «تغییر نگرش مهم‌ترین کاری است که می‌توان در مورد افراد با محدودیت جسمی و حرکتی انجام داد. این تغییر از خانه و خانواده آغاز می‌شود، در مدرسه ادامه پیدا می‌کند و به جامعه تعمیم داده می‌شود. معلولیت نقص نیست و می‌توان این‌گونه فرض کرد که فرصتی است برای استفاده از سایر امکانات استعدادها و توانمندی‌های یک فرد.»

وی با اشاره به اینکه ناتوانی‌های جسمی و ذهنی تنها ناتوانی‌های موجود نیستند، گفت: «بسیاری از ناتوانی‌ها همانند لکنت زبان یا اختلالات خواندن و نوشتن پنهان‌اند. باید توجه داشته باشیم که در پرداختن به معلولیت، ترحم و دلسوزی نایجا ایجاد نکنیم؛ چراکه در این صورت از سوی دیگر بام خواهیم افتاد.»

فریبا کیا، مدیر سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، با اشاره به نگاه متفاوتی که نسبت به گفته‌ها و شنیده‌های این جلسه دارد، گفت: «با حضور در این جلسه متوجه شدم که انسان تا چه اندازه توانمند است و افراد با محدودیت جسمی و حرکتی چه توانمندی‌های بالقوه‌ای را بالفعل می‌کنند.»

وی همچنین از انتشار کتاب‌نامه استثنایی خبر داد و ضمن

تأکید بر ضرورت برگزاری پی‌پی‌چین جلساتی در دفتر مجلات رشد افزود: «وجود چنین افرادی برای احیای توانایی‌های بالقوه انسان‌ها که از نظر جسمی نقص ندارند، مؤثر خواهد بود.»

در پایان این جلسه، ناصری با اشاره به مطالب بسیاری که تاکنون درباره تفاوت‌ها منتشر شده است، گفت: «با این وجود آنچه از زبان یک معلول در مورد تفاوت‌ها گفته می‌شود، تأثیرگذارتر است. این رسالت بر عهده جامعه معلولان است که عموم جامعه را تحت تأثیر بگذارند. این تأثیر با حضور آن‌ها در جامعه محقق خواهد شد. باید از خود، خواسته‌ها و مسائلشان برای جامعه سخن بگویند و خواستار برقراری ارتباط باشند. اگر این مهم تکرار شود و تداوم داشته باشد، فرهنگ‌سازی خواهد شد و در بطن جامعه جای خواهد گرفت.»

شاهرخ‌نیا نیز در جمع‌بندی صحبت‌هایی که در این جلسه عنوان شد گفت: «بچه‌ها با دنیای رنگ آشنا هستند و آن را خیلی دوست دارند. اگر بتوان شرایطی را به‌وجود آورد که عکس‌های معلولان چاپ و منتشر شود بسیار نیکوست.»

وی با خواندن نقل قولی از طه حسین به جلسه پایان داد.

شعار کارآفرینان از زبان یک کارآفرین:

خواهی نشوی هم‌رنگ رسوای جماعت شو!

سمانه آزاد

خسرو سلجوقی که خود یک کارآفرین است در نشست «روش‌های خلاق در توسعه کارآفرینی در مجلات رشد» پس از ارائه آماری از وضعیت کارآفرینی و نیز تغییر محور سرمایه گذاری در دنیا، به تعریف فرایند کارآفرینی و فرد کارآفرین پرداخت. به گفته وی مهم‌ترین خصیصه این افراد خطرپذیری و عدم هماهنگی با مردمان دیگر است طوری که «خواهی نشوی هم‌رنگ! رسوای جماعت شو!» را شعار خود قرار داده‌اند! سلجوقی در ابتدا، با ارائه آمار، نقشه‌ای از وضعیت کارآفرینی در کشورهای گوناگون را ارائه داد و گفت: «در دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ میلادی، توسعه مبتنی بر تولید بود لذا مقیاس اندازه‌گیری آن هم عبارت بود از سرمایه، نیروی کار، واحدهای تولیدی و صنعتی. ایجاد شهرک‌های صنعتی، آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و مناطق ویژه اقتصادی نیز از جمله ساختارهایی بودند که برای گسترش توسعه پیش بینی شده بودند.

اشاره: کار در فرهنگ ایرانی اسلامی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. تا جایی که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بر شما باد به تلاش و سخت‌کوشی و مهیا شدن و آماده گشتن.» و در ادبیات‌مان نیز شاهد اشعاری همچون شعر مشهور سعدی هستیم که می‌گوید: «نابرده رنج، گنج، میسر نمی‌شود/ مزد آن گرفت - جان برادر - که کار کرد» اگر تاریخ را بنگرید نیز می‌بینید هیچ یک از بزرگان ما کار را عار ندانسته‌اند و همگی بر سخت‌کوشی و کار تأکید داشته‌اند و هر آن‌چه که اکنون داریم هم دستاورد تلاش‌ها و کارهای شبانه روزی همان‌هاست. اما منظور از کار چیست؟ آیا این روزها که بسیار حرف از کوچک شدن دولت و خصوصی سازی است می‌توان کار را به مشاغل اداری و دولتی محدود دانست؟ یا باید به فکر ایجاد شغل‌های جدید و کارآفرینی بود؟ به راستی کارآفرینی که مدت‌هاست از از تربیون‌های مختلف نام آن شنیده می‌شود و موضوع همایش‌های بسیاری شده است چیست؟ ویژگی‌های افراد کارآفرین چیست؟

اما در دو دهه اخیر، توسعه مبتنی بر دانایی مطرح شده که مقیاس آن نوآوری، نیروی انسانی کارآفرین، واحدهای تحقیقات و توسعه و شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. ساختارهای این نوع توسعه هم به مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری، مناطق توسعه فناوری نوین، دالان‌های علم و فناوری و دانشگاه‌های کارآفرین تغییر یافته‌اند. ایران در میان ۱۸۰ کشور رتبه ۱۴۳ را در حوزه کسب و کار دارد پس نمی‌توانیم در این زمینه مدعی باشیم. یعنی هنوز در ابتدای راه نوآوری قرار گرفته‌ایم و تا به توسعه مبتنی بر دانایی فاصله داریم.»

وقتی پای «فاوا» در میان است

وی در ادامه بر اهمیت، ضرورت و ارزش استفاده از فاوا (فناوری اطلاعات و ارتباطات) در همه جنبه‌های زندگی اشاره کرد و گفت: «در الگوی سنتی تأمین معیشت، سامانه‌های وجود داشته که حکومت با استفاده از آن‌ها سرویس‌هایی را به شهروندان ارائه می‌داد. اما در الگوی مدرن، سازمان‌ها از شبکه‌های جهانی استفاده می‌کنند و شهروندان بدون اینکه سازمان را ببینند از خدمات آن استفاده می‌کنند.» به گفته سلجوقی ارزش تولید با استفاده از فرایند فاوا، ارزش ۴۵۰ برابر پیدا می‌کند: «اگر دانش، مواد اولیه، سرمایه و نیروی انسانی را به عنوان متغیرهای ثابت در نظر بگیریم، ارزش تولید با فرایند انسان محور ارزش هزار دلاری دارد. همین فرایند با ابزار صنعتی ده هزار دلار و با اتوماسیون چهل هزار دلار ارزش دارد. این در حالی است که فرایند تولید با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) چهارصد و پنجاه هزار دلار ارزش پیدا می‌کند. یعنی اگر کاری را با استفاده از فاوا انجام دهیم ارزشی ۴۵۰ برابر پیدا می‌کند.» وی در ادامه به استفاده مجلات رشد از فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز اشاره کرد و افزود: «باید دید مجلات رشد تا چه حد می‌توانند از حالت کاغذی خارج شده و از قالب فاوا در ارائه مطالب خود استفاده کنند. یا حتی

به صورت موازی و در کنار مجلات کاغذی از این فناوری استفاده کرد.»

نقش مشاغل خدماتی در عصر ارتباطات

ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات همه جنبه‌های زندگی انسان را دگرگون کرده است و حتی مشاغل نیز از این تغییرات در امان نبوده‌اند. سلجوقی در این باره نیز گفت: «مشاغل عصر ارتباطات تغییر کرده و با مشاغلی که در ذهن من و شماست تفاوت دارند. مشاغل عصر ارتباطات ویژگی‌هایی دارند از جمله این که دائمی نیستند، به سرعت در حال تحول هستند و امکان رشد سریع و جهش دارند.» دنیا در سال‌های آینده شاهد تغییرات بیشتری در حوزه مشاغل خواهد بود. به گفته سلجوقی: «پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۴۵ میلادی، سه درصد از مشاغل در بخش کشاورزی، ۴ درصد در بخش صنعت و ۹۳ درصد در بخش خدمات قرار دارند. این در حالی است که در ابتدای قرن بیستم، ۸۵ درصد از نیروی کار آمریکا در بخش کشاورزی مشغول به کار بوده است. جالب است با این که هنوز به سال ۲۰۴۵ میلادی نرسیده‌ایم اما اکنون تنها دو و نیم درصد نیروی انسانی این کشور مشغول کار در بخش کشاورزی است. بنابراین پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۴۵ در آمریکا کم‌تر از سه دهم درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار باشند در حالی که میانگین جهانی سه درصد است. البته آمریکا با همین دو و نیم درصد بزرگ‌ترین تولید کننده گندم در جهان است. اکنون در ایران و در شهر دماوند نیز با استفاده از علم اپتوالکترومکانیک تنها یک نفر کشاورزی می‌کند و ۲۰۰ نفر استفاده می‌کنند. با استفاده از انرژی‌های معمولی در سال ۲۰۱۵ نیز سه نفر کشاورزی می‌کنند و ۱۰۰ نفر استفاده می‌کنند. یعنی مشکلی به نام غذا در دنیا نخواهد بود.» با توجه به این تغییر و تحولات، سلجوقی بر ارائه معرفی بخش خدمات و جذب افراد به این حوزه گفت: «شما به عنوان کسانی که رسانه‌ای را در اختیار دارند باید مشاغل بخش خدمات را به مخاطبان خود معرفی کنید. م

تاسفانه در ایران مشاغل خدماتی معادل اشتغال کاذب و پنهان، واسطه‌گری و مشاغل غیر مفید است. تا در نظام فکری ما چنین نگاهی به مشاغل حوزه خدمات باشد نمی‌توان انتظار داشت که این حوزه گسترش پیدا کند. در واقع خدمات سهولت کار و زندگی، افزایش بهره‌وری و سهولت دسترسی به اطلاعات، شفافیت و عدالت است. خدمات تسهیل فعالیت از طریق شبکه‌سازی، بهبود کیفیت خدمات و کاهش هزینه و افزایش رفاه است. از دیگر ویژگی‌های مشاغل خدماتی می‌توان به تنوع زیاد، زمان بری کم، خطرپذیری پایین و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری بالا اشاره کرد. به همین دلیل هم می‌توان هفت تا هشت هزار شغل خدماتی را نام برد.»

تحقیق و رسانه، جزء لاینفک عصر ارتباطات

استفاده از تحقیق و پژوهش در همه مشاغل به ویژه مشاغل عصر ارتباطات و اطلاعات نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. اکنون نیز مدت‌هاست که بر تحقیق و پژوهش به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای توسعه تاکید می‌شود. میانگین نرخ بازگشت سرمایه یکی از مقولاتی است که با تحقیق و پژوهش افزایش می‌یابد. سلجوقی با تاکید بر این نکته و ارائه آمار گفت: «میانگین نرخ بازگشت سرمایه در کشاورزی ۴ تا ۱۲ درصد، در صنعت ۱۰ تا ۲۰ درصد، امور نظامی ۵۰ درصد، مواد مخدر ۳۰۰ درصد و تحقیق و توسعه ۳۰۰۰ درصد است! این بدان معناست که امروزه حتی مواد مخدر را هم بدون تحقیق به بازار مصرف نمی‌فرستند. پس ما باید با استفاده از مجلات رشد تحقیق و پژوهش را وارد زندگی فرزندان مان کرده و آن‌ها را با این موضوع آشنا کنیم. تحقیق صرفاً به معنی لابراتورها و آزمایشگاه‌های عظیم نیست بلکه تحقیق باید وارد ساده‌ترین بخش‌های زندگی روزمره شود.» رسانه‌ها و آی تی نیز، جزء لاینفک عصر ارتباطات هستند. شاید به همین دلیل هم باشد که اکثر کشورهای دنیا با آگاهی به این موضوع، سرمایه خود را به این حوزه سوق می‌دهند.

سلجوقی با اشاره به این موضوع بر رسالت مجلات رشد تاکید کرد و گفت: «در دهه‌های آینده بیش از ۷۰ درصد رشد ناخالص ملی کشورها در حوزه ارتباطات و رسانه است. در واقع دنیا در حال سرمایه‌گذاری در این حوزه است. اکنون ۳۹ درصد تجارت آی تی دنیا در دست آمریکا، ۳۴ درصد در اروپا و ۱۵ درصد در ژاپن است. بنابراین قدرت در دست آن‌هاست. مجلات رشد باید جایگاه خود را چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه‌ای و جهانی پیدا کند.»

کارآفرینی چیست؟

برخی کارآفرینی را فرآیند خلق ارزش جدید (مادی یا معنوی) از طریق یک تلاش متعهدانه با در نظر گرفتن ریسک‌های ناشی از آن می‌دانند. برخی نیز آن را فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها، با تلاش و پشتکار بسیار همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی می‌دانند که با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت‌بخشی و استقلال صورت پذیرد. اهمیت کارآفرین و کارآفرینی به حدی است که «جوزف شومپتتر» اقتصاددان، کارآفرین را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی دانسته است. وی معتقد است فرد کارآفرین، صاحب فکر و ابتکار است و می‌تواند با استفاده از هوش و خلاقیت و همین‌طور ریسک‌پذیری و اندیشه خود فرصت‌هایی بیافریند و حتی یک شرکت زیان ده را به سوددهی برساند. سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی، یک درصد از افراد یک جامعه را کارآفرین و ۹۹ درصد را کارجو می‌داند. از نظر این سازمان جهانی جوامعی موفقند که بعد از شناسایی کارآفرینان خود، زمینه‌ای را برای کارآفرینی آن‌ها فراهم کند اما ویژگی‌های افراد کارآفرین چیست؟ سلجوقی در پاسخ به این سوال گفت: «کارآفرینی فرایندی است که چهار ویژگی اساسی دارد. نخستین ویژگی فرصت‌شناسی و فرصت‌سازی است که باید در کودکان و نوجوانان تقویت شود.

خلاقیت و پیدا کردن راهکار دومین ویژگی کارآفرینان است. تحقیقات نشان می‌دهد به طور هم‌زمان ۱۷ نفر در دنیا به یک ایده فکر می‌کنند اما کارآفرین کسی است که زودتر دست به تولید و خدمت می‌زند یعنی فکر کردن تنها کفایت نمی‌کند. سومین ویژگی کارآفرینان خطرپذیری است یعنی آن‌ها از ریسک کردن نمی‌ترسند و شعار آن‌ها این است: «خواهی نشوی هم‌رنگ! رسوای جماعت شو». چهارمین ویژگی هم داشتن برنامه و نقشه کسب و کار است. **سلجوقی خطاب به دست اندرکاران مجلات شد گفت:** «ما باید بتوانیم در مجلات خود، این چهار ویژگی را با زبان مناسب مخاطبان مان گفته و این ویژگی‌ها را در آن‌ها تقویت کنیم. به این ترتیب باید راهبرد اشتغال در کشور را عوض کنیم و هوش خلاق را به کار گیریم.»

وقتی پول حرف اول را نمی‌زند

در گذشته، اگر کسی قصد ایجاد کسب و کار جدید را داشت تنها به سرمایه مالی و پول مورد نیاز برای ایجاد آن فکر می‌کرد. یعنی پول و سرمایه فیزیکی نخستین نکته‌ای بود که هر کس در کسب و کارش به آن نیاز داشت. در حالی که امروزه سرمایه غیر ملموس و به کارگیری هوش خلاق در ایجاد فرصت جدید برای کسب و کار از اهمیت بیشتری برخوردار است. خسرو سلجوقی نیز در این جلسه بر تغییر نحوه سرمایه گذاری در جهان و عوض شدن جای سرمایه ملموس با ایده‌های و فکرهای جدید و استفاده از هوش خلاق اشاره کرد. وی در این باره گفت: «تا سال ۱۹۷۸ وجود حداقل ۸۰ درصد سرمایه ملموس برای آغاز یک کار لازم بود. سرمایه ملموس (Tangible Goods) شامل پول، زمین، رایانه و همه سرمایه فیزیکی و قابل لمس است و تنها ۲۰ درصد به ایده و فکر و سرمایه غیر ملموس (Intangible Goods) اختصاص داشت.

در سال ۱۹۹۷ این نسبت مساوی شد و به ۵۰ درصد رسید. اما در سال ۱۹۹۹ برای شروع یک کار به ۷۳ درصد ایده و فکر تازه و تنها ۲۷ درصد سرمایه ملموس نیاز بود. این در حالی است که میزان ایده و فکر و سرمایه غیر ملموس در سال ۲۰۰۷ به ۸۳ تا ۹۳ درصد رسید. یعنی امروزه دیگر برای شروع یک کار پول حرف اول و آخر را نمی‌زند.» **Intangible Goods** یا فکر تازه، ایده جدید و سرمایه غیر مادی که ۸۱ درصد سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و ۸۴ درصد سرمایه‌گذاری‌های سوئیس بر اساس آن است چیست؟ آیا می‌توان فکر و ایده و سرمایه غیر مادی را باعث قدرت کشورها دانست؟ شاید! چرا که کشوری مانند ایالات متحده آمریکا ثروت ناشی از منابع طبیعی‌اش سه درصد است در حالیکه ۸۱ درصد ایده و فکر است. میزان سرمایه غیرملموس کشوری مانند نیجریه هم منفی ۷۱ درصد است! بنابراین لازم است بدانیم سرمایه غیر مادی چیست؟ خسرو سلجوقی در این باره گفت: «هر سازمانی شش نوع سرمایه دارد که شامل دو نوع سرمایه مالی و چهار نوع سرمایه معنوی است. سرمایه مالی شامل سرمایه‌های «پولی» و «فیزیکی» است. سرمایه معنوی نیز سرمایه‌های «اجتماعی»، «انسانی»، «ارتباطاتی» و «سازمانی» را شامل می‌شود. در کشورهای توسعه نیافته برای سرمایه‌های پولی و فیزیکی که تنها یک تا سه درصد سرمایه را تشکیل می‌دهند سازمان‌های زیادی پیش بینی شده است در حالی که نمی‌دانیم سرمایه‌های معنوی را چطور پیدا کنیم، رشد دهیم و چطور محاسبه کنیم. کار افرادی مانند شما در مجلات رشد این است که چهار سرمایه معنوی و همین‌طور بهره‌وری را رشد دهید.»

رشد کارآفرینی در رشد

اگر کارآفرینی را فرایند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها بدانیم، کودکان و نوجوانان ما تا چه اندازه نوآرند و می‌توانند از فرصت‌های پیش‌رویشان در جهت کارآفرینی و کسب درآمد در آینده استفاده کنند؟ آیا ما آموزش‌های لازم در این زمینه را به آن‌ها ارائه داده‌ایم؟ کودکان، نوجوانان و حتی جوانان ما نقشه و برنامه‌ای برای شغل آینده خود دارند و یا مانند بسیاری خود را تنها در قامت «دکتر» و «مهندس» می‌بینند؟ به نظر می‌رسد معرفی مشاغلی غیر از شغل‌های کلیشه‌ای که همه با آن‌ها آشنا هستند و همین‌طور شناساندن نیازهای امروز و فردای جامعه می‌تواند فرزندان ما را در انتخاب شغل بهتر و البته ایجاد شغلی جدید یاری کند. دست‌اندرکاران مجالتی مانند رشد که مخاطبان اصلی آن‌ها دانش‌آموزان و پرورش‌دهندگان آن‌ها یعنی معلمان هستند، می‌توانند با پرداختن به کارآفرینی، معرفی کارآفرینان و پرداختن به مراحل زندگی آن‌ها می‌تواند قدمی در جهت توسعه کارآفرینی بردارند.

جلسه هم‌فکری در خصوص حوزه تفکر و پژوهش در برنامه درسی ملی

دوران گذار از دنیای موضوع محوری فرا رسیده است

معصومه دیودار

تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی در این جلسه حضور داشتند. البته این دو مؤلف در کنار **محبوبه اسپیدکار، علی اکبر روشندل و مهدخت صفاری نظری** درصدد تألیف کتاب تفکر و پژوهش برآمدند تا کتاب حاضر برای تدریس در پایه ششم ابتدایی سال جاری تألیف و منتشر شود. وی از عدم پشتیبانی مناسب برای تحقق این نقش‌ها به عنوان یک آسیب جدی در عدم تحقق اهداف عنوان شده نام برد و خاطر نشان کرد: «در مدارس دیده می‌شود که دانش‌آموزان استقبال قابل توجهی از برنامه درسی تفکر و پژوهش ندارند. اگر این استقبال دانش‌آموزان از برنامه درسی نبود در اجرای آن با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌شدیم. این استقبال دانش‌آموزان ناشی از نقشی است که برای آن‌ها تعریف شده است؛ به این معنا که دانش‌آموز در برنامه درسی تفکر و پژوهش نقش اصلی را دارد.»

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در آبان ماه ۱۳۹۱ شاهد برگزاری جلسه هم‌فکری در خصوص حوزه تفکر و پژوهش در برنامه درسی ملی بود تا این مهم از حیث درک منظومه ذهنی و چارچوب‌های فکری آن در برنامه درسی ملی و خروجی که برای معلمان و دانش‌آموزان داشته است مورد بررسی قرار گیرد. از این رو و به منظور هم‌فکری در خصوص دغدغه‌هایی که در بخش‌های تئوری و نظری این مبحث وجود دارد، چگونگی رسانه‌ای کردن آن و از منظر رسانه به آن نگاه کردن، با حضور تنی چند از مؤلفان کتاب درسی تفکر و پژوهش برگزار شد تا سردبیران مجلات رشد با مؤلفان کتاب تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی به بحث و تبادل نظر بپردازند. **میترا دانشور و احمد غلامحسینی** دو تن از مؤلفان کتاب.

ورود درس پژوهش و تفکر به دوره متوسطه

میترا دانشور مسئول گروه تفکر و پژوهش دفتر تألیف کتب درسی با ارائه توضیحاتی درخصوص اهداف برنامه درسی تفکر و پژوهش و با اشاره به ظرفیت مجلات رشد در توسعه و تقویت مبحث تفکر و پژوهش در دانش آموزان گفت: «موضوع پرورش تفکر و عقلانیت قبل از آن که در برنامه درسی تفکر و پژوهش به آن پرداخته شود باید در تمام دروس مدنظر قرار گیرد سپس برنامه تفکر و پژوهش به عنوان نمونه‌ای معرفی شود که قرار است به معلمان پیام‌زده در سایر برنامه‌های درسی چه می‌توانند بکنند.» این مؤلف در خصوص معرفی برنامه درسی تفکر و پژوهش گفت: «برنامه درسی تفکر و پژوهش همانند سایر برنامه‌های درسی نیست که از گذشته برای آن راهنمای برنامه تعریف شده باشد، از این رو در اولین سال اجرای برنامه، پایه ششم ابتدایی را مدنظر قرار دادیم. البته از مؤلفان خواسته شد، ادامه برنامه تفکر و پژوهش را برای دوره متوسطه نیز آماده سازی کنند چرا که در جدول ساعات درسی این مقطع تحصیلی نیز چنین درسی پیش بینی شده است. درحال حاضر منتظر تصویب شورای عالی آموزش و پرورش هستیم. ولی اقدامات برای تحقق این هدف آغاز شده است.» بنا بر این گزارش، مؤلفان درس تفکر و پژوهش معتقد هستند زمینه تفکر به صورت عام در تمام دانش آموزان وجود دارد و باید پرورش یابد. از این رو تأکید آن‌ها بر آن است که تفکر را آموزش نمی‌دهند بلکه آن را پرورش می‌دهند. تأکید دیگر، بر عنوان درس است که در ظاهر با دو عنوان تفکر و پژوهش همراه است. اما، مؤلفان از این دو، به عنوان و روی سکه نام برده و اظهار کردند: «در واقع هر دوی آن‌ها یکی است که با سؤال آغاز می‌شود و با اطلاعات موجود و جمع‌آوری اطلاعات جدید و تجزیه و تحلیل آن‌ها همراه می‌شود. در تفکر و پژوهش، مجهول را به معلوم تبدیل می‌کنیم. آن‌چه بین تفکر و پژوهش متفاوت است آن است که در پژوهش شیوه‌های متفاوت به کار گرفته می‌شود.» در این میان تأکید بر آن است که پژوهش تنها در حوزه مسائل مادی

و علوم تجربی مدنظر نیست بلکه هدف کلی درس تفکر و پژوهش کسب صلاحیت‌های پایه تفکر و صفات و ویژگی‌های منش آن است. شایستگی‌هایی که در برنامه درسی ملی مدنظر قرار گرفته در پنج عنصر نام برده می‌شوند که عنصر اول آن تفکر و تعقل است. از این رو دانشور، از پایه تفکر به عنوان صلاحیت‌های مشترکی نام برد که در عنصر تفکر در برنامه درسی ملی از آن نام برده شده است. البته از تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی و کاوش‌گری که خود دارای زیر مجموعه‌ای شامل پرسش‌گری، هدایت مشاهدات، گردآوری اطلاعات، تحلیل، قضاوت براساس شواهد و تصمیم‌گیری است نیز به عنوان سایر شایستگی‌های مدنظر برنامه درسی ملی نام برده می‌شود. از دیگر عناصر صلاحیت‌های مشترک در عنصر تفکر و تعقل می‌توان به قضاوت براساس نظام معیار، تأمل در خود و خود ارزش‌یابی بر اساس نظام معیار اشاره کرد. دانشور خاطر نشان کرد: «تمام این موارد نکاتی است که دانش آموزان باید طی دوازده سال به آن‌ها برسند نه آن‌که تنها در یک پایه و تنها در یک درس. از این رو به این عناصر شایستگی‌های مشترک گفته می‌شود.» به گفته وی، سعی مؤلفان درس تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی بر آن بود تا این درس بر اساس آن‌چه که در پنج پایه قبل عنوان شده طراحی شود. در واقع این برنامه برای یک دوره گذار است. تفکر و پژوهشی که در حال حاضر تولید شده برای دوره‌ای چهار ساله است چرا که دانش آموزانی که امسال برنامه درسی تفکر و پژوهش را دریافت می‌کنند بر اساس پنج پایه قبل که برنامه درسی ملی با تغییر روبه رو نبود کار می‌کنند. از این رو سطح تفکر و پژوهش در این کتاب پایین‌تر از برنامه‌ای خواهد بود که دانش آموزان چهار سال بعد می‌آموزند. این رو برای پایه ششم بر اساس آن‌چه در پنج پایه اتفاق افتاده صلاحیت‌هایی در دو فعالیت سازماندهی شده است. پودمان کاوش‌گری و پودمان قضاوت و ارزش‌یابی. دانشور با تأکید بر این که در طراحی این دو پودمان نظم منطقی و

در سازماندهی محتوا نظم روانی مد نظر قرار گرفته است در خصوص فعالیت‌هایی که برای کاوش‌گری و قضاوت و ارزشیابی مد نظر است گفت: «پرسش‌گری، تشخیص منابع و شیوه‌های مناسب گردآوری اطلاعات، برنامه‌ریزی برای اقدام گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت ارائه گزارش، از جمله فعالیت‌هایی هستند که برای کاوش‌گری طراحی شده‌اند. در عین حال فعالیت‌هایی از جمله درک مفهوم معیار، ضرورت استفاده از معیار، کاربست معیار و تولید معیار برای قضاوت و ارزشیابی در نظر گرفته شده است.» به گفته مسئول گروه تفکر و پژوهش دفتر تألیف کتب درسی، تمرکز کاوش‌گری در پایه ششم بر پرسش‌گری و تشخیص منابع و شیوه‌های مناسب گردآوری اطلاعات است. در واقع دانش‌آموز باید به این تشخیص برسد که چگونه می‌توان سؤال مناسب طرح کرد و هر سؤال را با چه شیوه‌ای می‌توان پاسخ داد. دانشور همچنین از کاربست معیار به عنوان آن‌چه که در بخش قضاوت و ارزشیابی درس تفکر و پژوهش پایه ششم مد نظر قرار گرفته است نام برد و گفت: «در پایه ششم، مفهوم آموزشی انجام نداده‌ایم. قصد بر آن است تا دانش‌آموزان بتوانند از مفاهیمی که در پایه‌های قبل آموخته‌اند استفاده کنند.» احمد غلامحسینی از دیگر مؤلفان کتاب تفکر و پژوهش، در ادامه صحبت‌های دانشور با اشاره به در نظر گرفتن نظم روانی و منطقی در طراحی فعالیت‌ها خاطر نشان کرد: «در طراحی نظم روانی توجه‌مان بر آن بود تا چینش فعالیت‌ها به گونه‌ای باشد که علاقه دانش‌آموزان حفظ شود و آن‌ها با فعالیتی درس را آغاز کنند که برای انجام آن انگیزه‌های لازم را داشته باشند سپس به درس‌ها و فعالیت‌هایی برسند که شاید انگیزه‌های آن‌ها برای انجام‌شان کمتر است.» وی افزود: «از این رو در چینش فوق‌شاهد آن هستیم که فعالیت، با داستان یا عملی آغاز می‌شود که دانش‌آموزان آن را شروع می‌کنند و انگیزه‌های لازم برای آن‌ها وجود دارد.»

غلامحسینی در خصوص نظم منطقی یادآور شد: «در نظم منطقی نیز آن چیزی که مد نظر قرار گرفته است دو پودمان بود که در کتاب درسی به شکل پودمان به طور واضح نیست. در سازماندهی بر اساس نظم منطقی سعی کرده‌ایم فعالیت‌ها به نوعی در پی یکدیگر قرار گیرد که فعالیت‌های کاوش‌گری به صورت جزایر و فعالیت‌های جداگانه از یکدیگر تلقی نشود، بلکه فعالیت‌هایی باشد که معلم و شاگرد به درک منطقی از آن روش‌ها برسند. در این راستا روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی دستیابی به سوالات عنوان شده است.»

معلم، دانش آموز، خانواده و مدیر نقش‌های تاثیر گذار در برنامه درسی

دانشور با اشاره به ویژگی‌های برنامه‌های درسی یادگیرنده محور گفت: «اهداف این دروس کلی هستند. اما انتظارات عملکردی از درس تفکر و پژوهش وجود دارد. به طور مثال اگر گفته شده توانایی استنباط، استدلال و نتیجه‌گیری انتظار می‌رود که دانش‌آموز بتواند تفاوت‌ها، شباهت‌ها و رابطه‌ها را شناسایی کند، از زبان صحیح و دقیق برای توضیح ایده‌ها و تصمیم‌های خود استفاده و از یافته‌های خود استنباط و نتیجه‌گیری کند.» وی همچنین با اشاره به یکی دیگر از اهداف درس تفکر و پژوهش که همان کسب صفات و ویژگی‌های منش تفکر است در خصوص انتظارات عملکردی آن گفت: «هم‌فکری با دیگران در حل مسائل و مشکلات و رعایت آداب گفت‌وگو در اجتماع برای دانش‌آموزانی که در پایه ششم تحصیل می‌کنند بسیار اهمیت دارد. دانش‌آموزان در واقع تمرین می‌کنند تا مواردی همچون رعایت نوبت، کنترل هیجان، گوش دادن مؤثر و احترام به عقاید دیگران، انعطاف‌پذیری، حق‌طلبی و انصاف در گفت‌وگوها را به مرحله اجرا برسانند.» دانشور خاطر نشان کرد: «هرچند هدف رسیدن به این عملکرد

نیست ولی باید شرایط تمرین این موارد در پایه ششم فراهم شود.» وی در خصوص مضامین فعالیت‌ها که حاصل مطالعات تطبیقی، مطالعه سایر کشورها، مصاحبه با صاحب نظران و پرسش از دانش‌آموزان است گفت: «آرزوها، رؤیاهای، امکانات و احتمالات، به گونه‌ای دیگر دیدن وقایع و حوادث (بررسی همه جانبه وقایع و حوادث در شرایط و مناظر متفاوت)، تضاد، تعلق، جفت‌سازی (دسته‌بندی اشیاء، واژه‌ها، معیارها و...)، تنوع، تفاوت، روابط بین پدیده‌ها، وقایع و داستان‌های تاریخی، حوادث طبیعی، جغرافیایی همچنین زبان، زیبایی، کمال، طمع و بلندپروازی، کمال‌جویی، علت و معلول، پیامدها، کشف معانی، ملاک، معیار، ارزش، منطق در جست‌وجوی معنا و هویت از جمله مضامین عملکردی درس تفکر و پژوهش پایه ششم است.» به گفته دانشور، در این برنامه نقش‌هایی برای دانش‌آموز، معلم، خانواده و مدیر در نظر گرفته شده که مجالات رشد می‌توانند در حوزه جهت‌دهی به این نقش‌ها بسیار مؤثر عمل کنند چرا که این نقش‌ها تنها مختص درس تفکر و پژوهش نیستند بلکه باید در سایر دروس نیز مورد توجه قرار گیرد. غلامحسینی در توضیح تأثیر نقش‌های عنوان شده اذعان داشت: «یکی از این آسیب‌هایی که در کنار موانع اجرا از جمله توضیح نامناسب یا عدم دسترسی به منابع مکتوب یا فیلم‌ها در خصوص درس تفکر و پژوهش وجود دارد و در مدارس با آن مواجه هستیم، عدم توجه به نقش‌های معلم، دانش‌آموز، خانواده و مدیر است.» وی از عدم پشتیبانی مناسب برای تحقق این نقش‌ها به عنوان یک آسیب جدی در عدم تحقق اهداف عنوان شده نام برد و خاطر نشان کرد: «در مدارس دیده می‌شود که دانش‌آموزان استقبال قابل توجهی از برنامه درسی تفکر و پژوهش دارند. اگر این استقبال دانش‌آموزان از برنامه درسی نبود در اجرای آن با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌شدیم. این استقبال دانش‌آموزان ناشی از نقشی است که برای آن‌ها تعریف شده است؛ به این معنا که دانش‌آموز در برنامه درسی تفکر و پژوهش نقش اصلی را دارد.»

در درس تفکر و پژوهش، هر چند دانش‌آموز نقش اصلی و محوریت آموزش را دارد ولی معلم نیز همراه دانش‌آموز یک یادگیرنده است. غلامحسینی در توضیح نقش معلم گفت: «معلم درسی را برای دانش‌آموزان ارائه نمی‌دهد بلکه فضا و امکانات را آماده می‌کند تا دانش‌آموزان بتوانند کنج‌کاوی‌ها و ایده‌های‌شان را مطرح کنند و به تبادل بگذارند. در واقع می‌توان گفت وظیفه معلم، زمینه‌سازی برای شروع بحث است.» این کارشناس در توضیح نقش خانواده در درس تفکر و پژوهش گفت: «در راهنمای معلم درس تفکر و پژوهش، عنوان شده است که خانواده‌ها تا جایی نقش دارند که مزاحم تفکر دانش‌آموز نشوند. این مهم نیز آگاهانه بیان شده به این صورت که خانواده‌ها سعی نکنند تا به جای دانش‌آموز تفکر کنند و کتاب کار دانش‌آموز را تکمیل کنند یا برای دانش‌آموز تعیین تکلیف کنند که سر کلاس درس چه بگوید و چه نگوید.» به گفته این مؤلف، مدیر نیز نقش حمایت‌گر را در برنامه درسی تفکر و پژوهش دارد. این نقش از چند جنبه مد نظر قرار گرفته است: تأمین منابع و حمایت از شکل اجرای کار که اگر این نقش حمایتی نباشد برنامه با اشکال و آسیب‌های جدی مواجه خواهد شد.

منابعی که به دست مخاطب نرسید

برای تحقق اهداف مورد نظر در برنامه درسی تفکر و پژوهش، بسته آموزشی در نظر گرفته شده است. دانشور در خصوص منابع این بسته آموزشی گفت: «یک کتاب معلم (راهنمای معلم در پرورش تفکر) که به عنوان یکی از منابع اصلی در بسته آموزشی این درس معرفی می‌شود. یک کتاب کار دانش‌آموز که شامل برگه‌های کار و برگه‌های خود ارزشیابی است. این کتاب به نوعی تدوین شده است تا بدون داشتن کتاب راهنمای معلم، نه تنها والدین نخواهند توانست جواب‌های از پیش تعیین شده به دانش‌آموزان بدهند بلکه معلمان نیز نخواهند توانست آن‌را توضیح داده و حل کنند. چرا که فرآیند ساعت تفکر در کلاس برای ما اهمیت دارد.»

وی همچنین از فیلم راهنمای معلم که روش اجرای فعالیت در یک جلسه را آموزش می‌دهد، فیلم‌های کوتاهی که مورد نیاز برخی از فعالیت‌ها برای به چالش کشیدن دانش‌آموز در ۱۰ دقیقه آغازین کلاس و ایجاد ابهام فلسفی است و همچنین بروشورهای توجیهی به عنوان سایر منابعی نام برد که توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید می‌شود. به گفته دانش‌سور، هر چند تمام اجزای این بسته‌های آموزشی در خرداد ماه سال تحصیلی ۹۲-۹۱ و قبل از آغاز سال تحصیلی جدید آماده بود اما به دلیل برخی مشکلات جهت توزیع این بسته‌های آموزشی، بخش‌هایی از این بسته آموزشی همچون بروشورهای توجیهی مدیران و اولیا و فیلم‌ها به موقع توزیع نشدند. در این میان منابعی نیز در نظر گرفته شده که توسط استان، منطقه، مدرسه، معلم و گاهی خانواده‌ها تأمین می‌شود. از آن جمله می‌توان به منابع خواندنی همچون کتاب‌های داستان، کتاب‌های مرجع، روزنامه‌ها، مجلات و سایر رسانه‌ها و منابع دیداری و شنیداری مانند تصاویر، فیلم‌ها، نوارهای شنیداری و برنامه‌های تلویزیون اشاره کرد. غلامحسینی در خصوص نقش خانواده در تأمین منابع فوق‌خاطر نشان کرد: «در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم که مدرسه در این نقطه، نقش خود را کنار گذاشته و لیست منابع را به والدین واگذار کرده تا برونند و آن‌ها را تهیه کنند. این درحالی است که توجهی به لیست ارائه شده به والدین ندارند و بر اثر این بی‌توجهی اتفاق افتاده که نام درس را به عنوان نام کتاب به والدین داده‌اند تا آن را تهیه کنند.» به گفته دانش‌سور، مجلات رشد در خصوص انتخاب منابع می‌تواند اطلاعات قابل توجهی در اختیار معلمان، مدیران و اولیا قرار دهند. چنان‌که گروه تألیف درس تفکر و پژوهش هنگام انتخاب داستان یا فیلم مورد نظر برای این درس با مشکلات بسیار رو به رو بودند چرا که داستان‌ها و فیلم‌هایی که برای این درس انتخاب می‌شود باید علاوه بر دارا بودن غنای ادبی و فلسفی با ویژگی‌های روان‌شناختی نیز متناسب باشد.

وی خاطر نشان کرد: «هنگام بازبینی و انتخاب مجموعه فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم رشد تولید شده بودند و حق تکثیر آن‌ها نیز وجود داشت، با مشکل روبه‌رو شدیم. این درحالی است که مجلات رشد می‌توانند با هدایت جامعه مؤلفان و نویسندگان به سمت و سوی تولید و نگارش کتاب‌ها و تولید فیلم‌هایی که بتواند ما را در درس تفکر و پژوهش یاری کند راهی را باز کنند که کم‌تر به سوی ترجمه و تألیفات خارجی برویم.» مسئول گروه تفکر و پژوهش دفتر تألیف کتب درسی در خصوص کتاب کار دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی گفت: «این کتاب کار در واقع پوشه کار دانش‌آموزان است و در این پوشه کار یاد گرفته‌های دانش‌آموزان ثبت می‌شود. این پوشه در خود ارزشیابی دانش‌آموز نقش اساسی دارد. همچنین ۱۰ نمره ارزشیابی معلم از این کتاب کار داده می‌شود.» دانش‌سور با تأکید بر این که درس تفکر و پژوهش، ساعت دفتر مشق و کار و تمرین نیست یادآور شد: «با توجه به این که فرآیند اجرای درس تفکر و پژوهش در ساعت تعیین شده و همچنین کتاب کار دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است، از این رو در کتاب راهنمای معلم عنوان شده است که ورود هر نوع کتاب کار و تمرین به ساعت درس تفکر و پژوهش ممنوع است. چرا که کتاب کاری که برای درس تفکر و پژوهش در نظر گرفته شده در واقع پوشه کار دانش‌آموز است.» وی تأکید کرد: «در عین حال در بازار شاهد آن هستیم که کتابی که یک‌سال و نیم پیش، ترجمه آن آغاز شده بود و هیچ ربطی به این برنامه ندارد، با عنوان متناسب با برنامه تفکر و پژوهش پایه ششم ابتدایی منتشر و روانه بازار شده است تا فروش آن را افزایش دهند.»

نقدهای فلسفی و روان‌شناسانه تفکر و پژوهش

دانش‌سور همچنین با اشاره به نقدهایی که این روزها از سوی معلمان و کارشناسان امر در خصوص درس تفکر و پژوهش مطرح است گفت: «ما از نقد منصفانه استقبال می‌کنیم و معتقد نیستیم که

کاری که برای اولین بار انجام شده کار بی‌نقصی است. طبیعتاً انتقاداتی به این درس وارد است و در طول سال تحصیلی آینده درس تفکر و پژوهش با اصلاحات انجام شده تدریس خواهد شد. اما کارشناسانی که درخصوص فلسفه کودکان فعالیت‌هایی داشتند دارای نگاه‌هایی هستند که در این نقدها شاهد آن هستیم.» این مؤلف درخصوص نقد معلمان به درس تفکر و پژوهش گفت: «نقد معلمان این است که معتقد هستند معلم این درس باید اندیشه‌ورز باشد. معلمانی که اندیشه‌ورز نیستند چگونه می‌خواهند این درس را تدریس کنند؟ این حرف از یک سو درست است اما وقتی با دقت به آن نگاه کنیم می‌بینیم که یک مفروضه اشتباه بر آن حاکم است و آن این است که آیا برای سایر دروس معلم اندیشه‌ورز نمی‌خواهیم؟» وی افزود: «این اصل اشتباه است که تصور کنیم برای درس تفکر و پژوهش معلم اندیشه‌ورز می‌خواهیم ولی برای درس علوم، فارسی یا ریاضی به معلم اندیشه‌ورز نیاز نداریم. این جاست که مجلات رشد می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های خود چنین مفروضات اشتباهی را اصلاح کنند و این نکته را یادآور شوند که نه تنها در این برنامه درسی بلکه نگاه‌هایی که بر سایر برنامه‌های درسی دیگر باید حاکم باشد باید تغییر کند و اندیشه محور شود.» غلامحسینی نیز با اشاره به آن که در مفروضات درس تفکر و پژوهش از تفکر به عنوان امری ذاتی و فطری نام برده شده است خاطر نشان کرد: «اگر این امر ذاتی و فطری است آیا در معلم وجود ندارد؟ اگر ما در این مدت آن را به کار نگیریم دلیل نمی‌شود که معلم ما ذاتاً دارای تفکر نباشد یا آن که فطرتاً متفکر نباشد. چرا که شاهد آن هستیم که معلم در بیرون از مدرسه بسیاری از مسائل را حل می‌کند؛ چرا در حل مسائل داخل مدرسه توانمندی‌های او را به کار نگیریم؟ نه تنها درس تفکر و پژوهش بلکه تعداد دیگری از دروس جدیدی که به دروس مدارس افزوده شده‌اند با مقاوت بسیار زیاد معلمان روبه رو شده‌اند چراکه معلمان علاقه‌مند

هستند با همان دیدگاه قدیمی با برنامه درسی جدید مواجه شوند.» وی معتقد است: «معلمان با همان دیدگاه که جای معلم پای تخته است و دانش‌آموزان پشت نیمکت جای دارند وارد کلاس‌های درس خود می‌شوند این درحالی است که چنین تفکری در بسیاری از برنامه‌های درسی جدید جای ندارند. معلمان باید بیاموزند که دانش‌آموز و معلم، هر دو یادگیرنده هستند.» بنا بر این گزارش، شاید یکی از دلایل به‌وجود آمدن چنین تفکری، حضور درسی خاص با عنوان تفکر و پژوهش در میان سایر دروس باشد، این درحالی است که این مهم باید در تمام دروس نهادینه شود نه تنها یک درس خاص مورد توجه قرار گیرد. از این رو غلامحسینی در خصوص این مهم خاطر نشان کرد: «تمام دروس در پایه ششم توسط یک معلم تدریس می‌شود. بنابراین گفتن این موضوع که معلم درس تفکر و پژوهش باید اندیشه‌ورز باشد یا سایر معلمان دروس دیگر باید اندیشه‌ورز باشند درست نیست.»

موضوع محور بودن برنامه درسی آسیبی جدی در نظام برنامه‌ریزی است

دانشور با تأکید بر آن که یکی از آسیب‌هایی که متوجه نظام برنامه‌ریزی است موضوع محور بودن آن است گفت: «در این دیدگاه، موضوع بر برنامه درسی حاکم است و به تفکر و شایستگی‌های بالاتر از آن راه داده نمی‌شود. تنها برخی از شایستگی‌های تفکر که خاص آن موضوع است مورد توجه قرار می‌گیرند ولی به تفکر سطح بالاتر که در واقع می‌توان از آن به عنوان کل نام برد راه داده نمی‌شود.» وی با اعتقاد بر این که تفکر فقط آن چیزی نیست که در علوم تجربی اتفاق می‌افتد تصریح کرد: «تفکر آن چیزی نیست که در ریاضی اتفاق می‌افتد بلکه تفکر شایستگی بسیار سطح بالایی است که اگر چه همه این مجموعه اجزا را در بر می‌گیرد ولی

دارای مفهومی کلی‌تر از آن چیزی است که عنوان می‌شود.»
مسئول گروه تفکر و پژوهش در توضیح این مهم افزود: «اگر پرورش و آموزش تفکر را یک طیف در نظر بگیریم در یک سر طیف خرده مهارت‌هایی مانند طبقه‌بندی کردن، فهرست کردن، طبقه‌بندی مرکب، الگو یابی، الگو سازی، فرضیه سازی و ... وجود دارد اما در سر دیگر طیف تفکری وجود دارد که گفته می‌شود یک لحظه آن از هفتاد سال عبادت بالاتر است. این مرحله نه در طبقه‌بندی‌ها و الگو سازی‌ها جای می‌گیرد نه آن چیزی است که در حال حاضر آموزش داده می‌شود، بلکه قصد ما بر آن است تا یک سطح از آن چیزی که وجود دارد بالاتر بیاوریم و دانش‌آموزان را در مسیر تفکر نگاه داریم. از این رو دانش‌آموزان باید در نقطه‌ای فرصت این را داشته باشند تا همه جانبه به بررسی و تفکر بپردازند.»
دانشور یادآور شد: «در این ساعت درسی، چنین شرایطی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود. به این اعتقاد نداریم که معلم درس تفکر و پژوهش شایستگی‌هایش از معلم سایر دروس متفاوت است؛ اما این درس شرایطی را فراهم می‌کند که کل‌نگری و اخلاق رشد کنند. این درحالی است که سطح معلمان ما در کل‌نگری و رشد اخلاقی پایین است. چراکه تاکنون سایر دروس سبب نشده تا سطح تفکر و کل‌نگری معلمان ما رشد کند.»
وی در ادامه به معلمانی اشاره کرد که دینی، مطالعات اجتماعی و ... را تدریس می‌کنند و همواره با بسیاری از این جملات به صورت کلیشه‌ای در این دروس مواجه می‌شوند. این جملات را به دانش‌آموزان درس می‌دهند تا حفظ شوند و خود آن‌ها نیز این جملات را حفظ می‌کند ولی هنگامی که با مصداق و مثال بخواهند آن را نشان دهند با قضاوت‌های ارزشی این کار را انجام می‌دهند که سطح آن بسیار پایین است. این درحالی است که درس تفکر و پژوهش شرایطی متفاوت از آن‌چه تاکنون بوده را فراهم می‌کند. شرایطی را فراهم می‌کند تا معلم و دانش‌آموز هر دو بیاموزند، تفکر کنند، سوال مطرح کنند و در صدد یافتن پاسخ آن برآیند.

تاثیر به‌سزای مجلات رشد در تفهیم صلاحیت‌ها و نقش‌های برنامه‌درسی جدید

دانشور درخصوص انتظاراتی که از مجلات رشد می‌رود تا مؤلفان درس تفکر و پژوهش را در راستای رسیدن به اهداف خود همراهی کنند گفت: «مجلات رشد درخصوص راهنمایی و هدایت جامعه مؤلفان، همچنین نشان دادن نقش معلم، مدیر، دانش‌آموز و اولیا، حتی مقالات و داستان‌هایی که برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود، در رسیدن به اهداف تفکر و پژوهش می‌تواند بسیار پر رنگ و موثر عمل کنند.»
وی افزود: «برنامه آموزشی ما داری سه بخش از جمله تجویزی (الزامی) است که همه معلمان باید آن را اجرا کنند. بخش نیمه تجویزی (انتخابی) که دارای ۱۲ فعالیت است که معلم می‌تواند بسته به نیاز کلاس ۳ فعالیت را انتخاب کند؛ بخش غیرتجویزی (اختیاری) که طراحی ۳ جلسه در اختیار معلم گذاشته شده است و ۴ جلسه ارزشیابی نیز در نظر گرفته شده که بر فراشناخت دانش‌آموزان باید کار شود ولی در حال حاضر شاهد آن هستیم که مفهوم فراشناخت را معلمان ما نمی‌دانند. این درحالی است که مجلات رشد می‌توانند در مفهوم کردن این مفاهیم، مؤلفان را یاری دهند.»
این مؤلف با تأکید بر آن که اهداف دروس باید از دیدگاه موضوع محور بودن فاصله بگیرند اذعان داشت: «تحقق تمام این فعالیت‌ها، صلاحیت‌هایی را برای معلم طلب می‌کند که مجلات رشد می‌توانند معلمان را به آن سمت و سو هدایت کنند. این صلاحیت‌ها می‌توانند نه تنها در درس تفکر و پژوهش بلکه در سایر دروس به کار گرفته شوند. چراکه تمام این فعالیت‌ها خاص یک درس نیست بلکه نگاه برنامه درسی ملی است که می‌خواهیم به سوی کاهش تمرکز بریم.»
به گفته دانشور، برای رسیدن به کاهش تمرکز باید در تمام برنامه‌های درسی، بخش تجویزی و نیمه تجویزی داشته باشیم. برای بخش غیر تجویزی سه جلسه در نظر گرفته شده است، این درحالی است که در کتاب زبان و ادبیات سال هاست یک درس آزاد در نظر گرفته شده

است. درس‌های دیگر هم می‌توانند این بخش را داشته باشند چنان‌که کار و فن‌آوری هم مدتی است بخش نیمه تجویزی را در بخش‌های خود قرار داده است. طبیعتاً اگر یک درس را بخواهیم غیر تجویزی برنامه‌ریزی کنیم باید معلم صلاحیت‌های برنامه‌ریزی را داشته باشد. در این راستا سه سطح صلاحیت برای معلم در نظر گرفته شده است که از آن جمله می‌توان به صلاحیت‌های اجرا، صلاحیت‌های انتخاب‌گری و صلاحیت‌های طراحی اشاره کرد. دانشور تأکید کرد: «در این برنامه‌درسی، معلم را صرفاً یک مجری ندیدیم. این یکی از نکات مد نظر در اساس برنامه‌درسی ملی است. در این برنامه چه موضوع درس تفکر باشد چه علوم تجربی و... در تمام دروس برنامه‌آموزش و صلاحیت‌ها همین نکاتی خواهد بود که ذکر شده است.» در این راستا، اولویت‌های صلاحیت اجرا در معلمان به مخاطب‌شناسی، کاربرد روش‌های یاددهی - یادگیری و مدیریت فرایند یادگیری تقسیم شده‌اند. در مخاطب‌شناسی نیز بحث انسان و تفکر، رشد شناختی و تفکر و زبان مطرح است. از دیگر صلاحیت‌هایی که برای معلمان در نظر گرفته شده می‌توان به هدایت مباحثات، داستان‌خوانی، پرسش‌گری، صبر و تحمل اشاره کرد. غلامحسینی نیز با تأکید بر آن که تغییر دیدگاه‌ها و مطرح شدن برنامه‌درسی جدید همواره مورد نقد بوده و هست گفت: «هنگامی که مؤلفه‌های یک درس تغییر می‌کند باید دیدگاه‌ها نسبت به آن درس نیز تغییر کند. چنان‌که شاهد هستیم هنگام تغییر مؤلفه‌های درس ریاضی به دلیل تغییر نکردن دیدگاه معلمان نسبت به این درس، درس پیش نمی‌رود چرا که درس بر اساس آن طراحی نشده است. اگر بخواهیم تحولی در برنامه‌درسی ایجاد کنیم باید مؤلفه‌های برنامه‌درسی نیز تغییر کند. یکی از این مؤلفه‌ها معلم و صلاحیت‌های اوست.» وی در توضیح صلاحیت صبر و تحمل که برای معلمان در نظر گرفته شده گفت: «در توضیح صبر و تحمل در برنامه‌های درسی دیگر گفته می‌شود

که معلم دانش‌آموزان را به گفتن سریع‌تر و ارائه جواب صحیح رهنمون کند. این درحالی است که در درس تفکر و پژوهش به دنبال جواب سریع نیستیم و صبر و تحمل معلم نیز در ازای آن است که معلم با ارائه یک جواب درست از سوی دانش‌آموز حیرت‌زده و قانع نشود و برنامه‌درس را قطع نکند بلکه باید ذوق خود را پنهان کند تا سایر دانش‌آموزان هم مجبور شوند ایده‌های خود را مطرح کنند حتی اگر ایده‌های همسان باشد.» غلامحسینی خاطرنشان کرد: «روش‌های اشتباهی که در سایر برنامه‌های درسی اتفاق می‌افتد این است که هنگامی که دانش‌آموز جواب صحیح را ارائه می‌دهد به معنای رسیدن به هدف است و با تشویق معلم کار تمام می‌شود این درحالی است که در درس تفکر و پژوهش چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و اشتیاقی دریافت جواب‌های دیگر از سوی معلم و دانش‌آموزان بیشتر می‌شود. این مؤلف در توضیح صلاحیت پرسش‌گری معلم گفت: «در برنامه‌درسی تفکر و پژوهش، معلم بعد از آن که چالش یا انگیزه اولیه را توسط فیلم، فعالیت یا خواندن کتاب در دانش‌آموزان بوجود می‌آورد، سه نوع پرسش مطرح می‌کند. این سه نوع پرسش از پرسش‌های رایج در سایر موضوعات درسی متفاوت هستند. اولین پرسشی که مطرح می‌شود درخصوص آن چیزی است که دانش‌آموز دیده و شنیده است. این مرحله به منظور تقویت مشاهدات است، منظور از مشاهدات به کارگیری حواس پنج‌گانه است. دوم؛ بیان کردن پرسشی مبنی بر اعلام استنباط دانش‌آموزان از آن‌چه که دیده و شنیده‌اند است. دسته سوم سئوالات درخصوص چگونگی برقراری ارتباط و ایجاد پیوند بین موضوع عنوان شده با زندگی است.»

جمع بندی نهایی به جای نتیجه‌گیری در درس تفکر و

پژوهش

دانشور در ادامه صحبت‌های غلامحسینی با تأکید بر آن‌که معلمان عادت کرده‌اند در آخر کلاس به یک نتیجه ثابت برسند

گفت: «از آن جایی که روش تدریس در درس تفکر و پژوهش متفاوت است طیف نتیجه‌گیری آن در پایان کلاس نیز متفاوت است، چراکه در این کلاس بر خلاف کلاس دروس علوم تجربی واژگان و تعاریفی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که خود دانش‌آموزان می‌توانند آن‌را طبقه‌بندی کنند و دیگر یک طبقه‌بندی واضح و روشن و دیکته شده‌ای وجود ندارد و ممکن است طبقه‌بندی یک دانش‌آموز با دانش‌آموزی دیگر متفاوت باشد. این مهم که دانش‌آموزان می‌توانند با دلیل و برهان صحیح درخصوص طبقه‌بندی‌های در نظر گرفته شده صحبت کنند و از آن دفاع کنند از نکات مهم درس تفکر و پژوهش است.»

وی افزود: «در واقع در این درس معلم نتیجه‌گیری نمی‌کند بلکه به جمع‌بندی کمک می‌کند. اگر معلم، انتظار داشته باشد تمام دانش‌آموزان کلاس او با یک نتیجه ثابت و یکسان از کلاس درس خارج شوند انتظاری نادرست است.»

نقش آفرینی تصویر در مجلات رشد

کاظم طلایی
ناظر هنری مجلات رشد

بر مخاطب را می‌توانید درجه‌بندی کنید. عکس‌ها و تصاویر در موضوعات متنوعی که در مجلات ۳۱گانه رشد وجود دارد، تنوع بسیاری دارند و شامل تصاویر تاریخی، جغرافیایی، جانوران و گیاهان، علم و فناوری، نقشه‌های تصویری، طراحی صنعتی و آموزشی و... می‌شوند. در تصاویر تاریخی اگر از عناصر بصری به درستی استفاده شود، زوایای مختلفی بیان می‌شوند که هر یک می‌تواند کلیت یک مقاله را دربرداشته باشد؛ مثلاً جنگ پادشاهان هخامنشی با امپراطور روم را تصور کنید. در این تصویر باید ریخت‌شناسی دقیقی صورت گرفته شده باشد تا بتوانیم با واقعیت‌های آن دوره ارتباط برقرار کنیم. نوع ابزارهای جنگی به کار رفته و لباس و پوشش جنگجویان و فضاسازی محیط و بناها، همگی در کنار هم با چینی منطقی می‌توانند سطرها، مطالب نوشتنی را با یک تصویر آن هم با کمترین زمان و بیشترین اثربخشی به مخاطب منتقل کنند. دانشی که با تصویر منتقل شده باشد، فرار نیست و ثبت بصری می‌شود، بدون تلاش زیاد برای حفظ و ضبط این مفاهیم.

سواد بصری در هر جامعه، موضوعی است که متولیان آموزش و پرورش برای ارتقا و گسترش آن در مقاطع مختلف تحصیلی چه به صورت مستقیم (آموزش در کتاب‌های هنر و...) و چه به صورت غیرمستقیم در طراحی و تولید کتاب‌های آموزشی باید برنامه‌ریزی دقیقی انجام دهند. برای مثال، خروجی نظام آموزشی‌ای که در این زمینه گام‌های مثبتی برداشته باشد، افرادی خواهند بود که از عناصر بصری موجود در سطح جامعه و به‌خصوص در زیباسازی شهر و نگارخانه‌ها و موزه‌ها لذتی نخواهند برد. ارتقای سواد بصری باعث می‌شود که فرد از تغییرات مثبتی که در آینده توسط متولیان فرهنگی و هنری جامعه صورت می‌گیرد، به وجد آید. بخشی از بهداشت روانی جامعه وابسته به دانسته هنری است که در طول زمان به جامعه تزریق شده است.

در صفحات مجله، اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر، عکس‌ها و تصاویری هستند که سطوحی را به خود اختصاص داده‌اند. در تولید تصاویر، هنرمندان عکاس و نقاش و تصویرگر هر چقدر به موضوع و ابزار و تکنیک و خلاقیت مسلط باشند، تأثیرگذاری آن‌ها

صفحات هر مجله از تعدادی عنصر بصری شامل فرم‌های رنگی، خطوط، تصاویر، عکس‌ها و فونت‌های ریز و درشت متن تشکیل می‌شود. این عناصر با توجه به سطح و شدت رنگی که دارند، ما را در مراحل اولیه درگیر و متوجه خود می‌کنند. زمان مکث ما روی هر یک تأثیرگذاری آن‌ها را بیان می‌کند. البته خواندن متن در این مرحله مدنظر نیست. هر سطح و فرمی، هر چند ساده، حس و تأثیری ناخودآگاه می‌گذارد و همه این عوامل در کنار هم، موضوعی است که قرار است مخاطب آن را فراگیرد یا از آن لذت ببرد و یا وسعت دید پیدا کند.

تیتیر در هر مقاله هویت و موجودیت عناصر بصری را به نسبت حضورشان تأیید می‌کند. درشتی و ریزی عنوان مقاله و نوع قلم حاکی از دعوت معقول از مخاطب است. درشتی و ریزی متن در حدودی سطح سواد مخاطب ما را تعریف می‌کند و سطح سفیدخوانی آن، نشانه احترام و میزبانی مناسب از مخاطب است تا در فضایی آرام متن را با لذت بیشتری مطالعه کند.

استفاده صحیح از سطوح رنگی و شناخت از تأثیرگذاری رنگ، می‌تواند به موضوع مطرح شده در مقاله رنگ و بو و طعم جذابی بدهد. هر چند استفاده از رنگ به‌تنهایی باید با وسواس زیادی صورت بگیرد. خطوط افقی و عمودی با ضخامت‌های متفاوت وظیفه برقراری ارتباط ارگانیک بین عناصر بصری در صفحات را برعهده دارند. این خطوط علاوه بر تقسیم‌بندی سطوح و مطالب، به خواننده تأکید می‌کنند که مطالب را می‌شود به صورت طبقه‌بندی شده استفاده کند؛ البته فراوانی خطوط مخرب و بازدارنده است.

در نهایت، تصاویر و عکس‌ها در مداخل و مقاله‌های مجلات جایگاه و منزلتی دارند که بحث اصلی ما در این مقاله هم هست. هر تصویر دارای سطوحی است که از ترکیب‌بندی و کنار هم نشستن رنگ‌ها و فرم‌هایی که در یک قاب قرار می‌گیرند، تشکیل

می‌شود و ما با دیدن آن به‌طور بی‌واسطه برداشت شفافی از یک موضوع خواهیم داشت.

بنابراین، با ارائه یک تصویر مناسب در کنار مطالب مطرح شده، علاوه بر ایجاد انگیزه در مخاطب، در جهت صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های تولید یک مجله - که عمده آن تهیه کاغذ هست - گام برداشته‌ایم.

تصویرسازی در بسیاری از علوم مانند نجوم، پزشکی، گیاه‌شناسی، و مکانیک در آثار دانشمندان ایرانی اسلامی به‌صورت جدی دیده می‌شود. بسیاری از آثار برادران بنوموسی در بخش مکانیک، به کمک تصاویر توضیح داده شده‌اند. کمال‌الدین فارسی و ابن‌هیثم در تشریح چشم و قلب از تصویر کمال بهره را برده‌اند. جزری مهندسی است که آثار او بدون تصاویر معنا ندارد. او ماشین‌های بالاآورنده آب و چرخ‌دنده‌ها را به‌خوبی به تصویر کشیده است. در آثار به‌جامانده از ادیسی و بیرونی در زمینه نجوم، کاربرد تصاویر به‌خوبی هویدا است. در آثار دانشمندان اسلامی گاهی تصویر حکم‌تزیین را داشته و نویسنده برای تأکید بر ایده خود از تصویرسازی‌های رنگی استفاده کرده است.

امروزه نیز در علوم مختلف از تصویر بیش از گذشته استفاده می‌شود؛ زیرا اولاً تولید عکس با حضور دوربین‌های دیجیتال بسیار آسان شده است و همچنین به تصویرسازی به عنوان یک رشته تخصصی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی پرداخته می‌شود. در اینجا به‌طور مختصر حضور عکس و تصویر را در چند رشته بررسی می‌کنیم.

استفاده درست از عکس در معرفی بناهای تاریخی و ابزار و دستاوردهای پیشینیان ذهن ما را برای مقبولیت تحقیقات پژوهشگران هموار می‌کند.

بسیاری از مسائل مربوط به گذشتگان تلفیقی از کشفیات

باستان‌شناسی همراه با فرضیات و تصوراتی است که محققان به رشته تحریر درآورده‌اند و برای تقویت ذهن مخاطب، تصویرگران این یافته‌ها را قابل باور می‌کنند.

در تصویرسازی جانوران و گیاهان، هنرمندان گامی فراتر از عکس در تصویرسازی می‌روند و زوایای پنهان را بیشتر به بیننده می‌نمایانند. هر چند عکس‌های واقعی به دلیل مقبولیت، تأثیر عمیقی در مخاطب می‌گذارند اما این دو «عکس و تصویر» در بیان شگفتی‌های طبیعت مکمل هم‌اند. استفاده از دوربین‌های تخصصی برای موجودات ذره‌بینی یا دوربین‌هایی که به کمک نور ماوراءبنفش ما را با حقایق آشنا می‌کنند که کمتر متنی توانایی انتقال آن‌ها را دارد.

بی‌شک، در علوم پزشکی تصویرسازی جزء لاینفک آموزش است و نقش عمده‌ای در انتقال مفاهیم به عهده دارد. در نگاهی گذرا به عناصر تشکیل‌دهنده بدن انسان خواهید دید که اغلب قسمت‌های داخلی بدن از رنگ‌های گرم و کم کنتراست تشکیل شده است و اینجاست که تصویرگر با اختلاف رنگ و برجسته کردن فرم‌ها در خدمت آموزش قرار می‌گیرد.

بسیاری از قطعات و ابزارها و وسایل صنعتی را پس از طراحی با استفاده از تصویرسازی سه بعدی به تصویر می‌کشند. همچنین در آموزش نحوه کار این محصولات صنعتی می‌توان از برش مقطعی که توسط متخصصان تصویرگر اجرا می‌شود، به سهولت و به شکلی تأثیرگذار استفاده کرد. امروزه کمتر کتاب صنعتی‌ای را می‌توان یافت که از عکس و تصویر برای معرفی و کارکرد تولیدات خود کمک نگرفته باشد.

استفاده از تصویر در مقالات می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱. **مکمل متن:** نویسنده بخشی از مطالب را به تصویر واگذار

می‌کند و در شرح موضوع خود به تصویر ارجاع می‌دهد.

۲. **تصویر بدون شرح:** تصویر به تنهایی و به سهولت مفاهیم نویسنده را دربرمی‌گیرد و نیازی به توضیح نیست. بیشتر تصاویر علوم انسانی از این نوع هستند.

۳. **تصویر به‌عنوان تزئین:** تصویر در این مقالات حکم زنگ تفریح و تزئین را دارد؛ البته بی‌ارتباط نیست اما اگر هم وجود نداشته باشد، به اصل مقاله لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

۴. **ایجاد فضای مقاله:** ما با تصاویر جانبی مقالات می‌توانیم خواننده را به فضای مقاله نزدیک‌تر کنیم و مطالب مقاله را قابل لمس‌سازیم. برای مثال، وقتی صحبت از کودکان پیش‌دبستان است، فعالیت کودکان در کارگاه مدرسه و در حال جنب‌وجوش خواننده را در آن فضا قرار می‌دهد.

۵. **مشخص کردن محدوده مقاله:** به کمک تصاویر می‌توان خواننده را در چارچوب مقاله نگه داشت و ذهن او را برای ماندن و تمرکز یاری داد.

۶. **دعوت به مطالعه:** تصویر مناسب عامل مؤثری است که می‌تواند خوانندگان را به شکلی فعال دعوت به مطالعه کند.

۷. **بیان عمق مسئله:** تصاویر به راحتی می‌توانند عمق و ماندگاری موضوعات مطرح شده را در ذهن خواننده تثبیت کنند. شما هرچه تلاش کنید تا در قالب کلمات عمق فاجعه هیروشیما را نشان دهید، نمی‌توانید به اندازه یک عکس واقعی در روح و جان مخاطب اثر بگذارید.

مرور تجربه‌های چهار کشور

بررسی نشریات آموزشی ویژه معلمان در کشورهای هندوستان، انگلستان، آمریکا و کانادا

معصومه خیرآبادی

بین‌المللی «معلم» از طریق ارسال فرم اشتراک امکان‌پذیر است. از ویژگی‌های ظاهری این مجله می‌توان به وجود تعداد زیادی تصاویر جذاب که غالباً مخاطبان را به تفکر وا می‌دارند، اشاره کرد. معمولاً تصویر روی جلد در هر شماره، مربوط به یکی از مقالات داخل مجله است که تأکید بیشتری بر آن وجود دارد. عنوان تعدادی از مقالات نیز، به صورت تیترو بر روی جلد درج می‌شود. موضوعات اغلب با مدیریت کلاس و مسائلی که معلمان در مدرسه با آن‌ها مواجه‌اند ارتباط داشته‌اند و در قالب مقالات و گزارش‌های طولانی ارائه می‌شوند. «معلم مثبت» یا «معلم به‌علاوه»^۲ نیز ماهنامه دیگری است که برای معلمان هندی منتشر می‌شود. این مجله که اولین بار در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده است، همچنان با شمارگان ۲۵۰۰۰ نسخه برای معلمان تمامی دوره‌های تحصیلی منتشر می‌شود. معلم مثبت در ۱۰۸ صفحه و به زبان انگلیسی چاپ می‌شود و محتوای آن را عمدتاً موضوعات مختلفی که معلمان تجربه رویارویی با آن‌ها را داشته‌اند، تشکیل می‌دهند. مطالب مذکور در قالب مقالات، گزارش‌ها و یادداشت‌ها همراه با

در بسیاری از کشورها، انتشار مجلات آموزشی ویژه معلمان و مدیران مدارس به‌عنوان راهی برای برقراری تعامل و تبادل نظر میان معلمان و کارشناسان آموزشی رواج دارد. اگرچه امروزه در شیوه توزیع نشریات تغییراتی صورت گرفته و تعداد زیادی از مجلات به صورت الکترونیکی در اختیار مخاطبان خود قرار می‌گیرند، نسخه‌های چاپی همچنان در کنار نسخه‌های الکترونیکی چاپ و توزیع می‌شوند. به‌منظور آشنایی با مجلات آموزشی معلمان سایر کشورها، در این مقاله تعدادی از مجلات معلمان هندوستان، انگلستان، آمریکا و کانادا بررسی خواهند شد. یکی از مجلاتی که معلمان هندی هر ماه دریافت می‌کنند، مجله بین‌المللی «معلم»^۱ است. این مجله را «شورای استرالیایی تحقیقات آموزش و پرورش» از سال ۱۹۶۸ به زبان انگلیسی برای معلمان و دبیران هندی منتشر می‌کند. این نشریه در ۴۸ صفحه منتشر می‌شود و عمده مطالب آن را مقالات و تصاویر رنگی و جذاب تشکیل می‌دهد. علاوه بر این‌ها، اخبار آموزشی، معرفی کتاب و تبلیغات نیز در این مجله وجود دارد. دسترسی به مجله

تصاویر رنگی و جذاب به مخاطبان ارائه می‌گردد. مطالب دیگری مانند معرفی ابزارهای کمک‌آموزشی، نرم‌افزارها، وبگاه‌ها، کتاب و اخبار آموزشی در مجله معلم مثبت درج می‌شود. خرید این مجله نیز از طریق ارسال فرم اشتراک انجام می‌گیرد.

در کشور انگلستان، مجله «لیدر»^۳ برای مدیران و معلمان مقاطع راهنمایی تحصیلی و دبیرستان منتشر می‌شود. ناشر این مجله، انجمن رهبران مدارس و کالج‌های انگلستان است. مجله لیدر در قالب فصل‌نامه انتشار می‌یابد و به غیر از فصل زمستان، ۳ بار در سال با شماره‌گان ۱۵۰۰۰ نسخه چاپ می‌شود. در این مجله، موضوعات مرتبط با مدیریت آموزشی در قالب مقالات کوتاه و متنوع در ۳۴ صفحه به مخاطبان ارائه می‌شوند. از ویژگی‌های بارز مجله لیدر، تنوع مطالب است؛ به طوری که گاهی چندین مقاله و نقطه‌نظر کوتاه در یک صفحه گنجانده شده‌اند. این ویژگی، در کنار تصاویر رنگی و جذاب که اغلب با موضوعات ارتباط غیرمستقیم دارند، از ایجاد خستگی جلوگیری می‌کند و در جذب مخاطبان تأثیر بسزایی دارد. مجله، لیدر از طریق فرم اشتراک به فروش می‌رسد. «آموزش فناوری با هدف آموزش»^۴ نیز فصل‌نامه دیگری است که در ۲۸ صفحه برای معلمان و دبیران انگلیسی تهیه می‌شود. شواهد حاکی از آن است که این مجله نسخه چاپی ندارد اما گروه وجود به‌عنوان ناشر وظیفه تهیه آن را برعهده دارد. این مجله الکترونیکی از طریق ارسال فرم اشتراک به مخاطبان خود عرضه می‌شود. این مجله بیشتر به معرفی محصولات می‌پردازد و ضمن معرفی فناوری‌های جدید آموزشی که در بازار قابل دسترسی هستند، درباره چگونگی استفاده از آن‌ها توضیحاتی ارائه می‌کند. در کنار معرفی محصولاتی برای استفاده در آموزش کودکان استثنایی، نمایشگرهای شبکه‌ای و لپ‌تاپ‌های شخصی، مقالاتی با موضوعات استفاده از فناوری به منظور افزایش همکاری و کار

گروهی، ادغام فناوری‌های قدیم و جدید در کلاس درس توسط معلم و تجربیات معلمان در زمینه استفاده از انواع فناوری‌ها در کلاس درس نیز وجود دارد. آخرین نسخه و آرشیو این مجله، به صورت الکترونیکی بر روی وبگاه Teachingtechnology.co.uk قابل دسترسی است.

«معلم آمریکایی»^۵، «مربی آمریکایی»^۶ و «مدرسه آمریکایی»^۷ از جمله مجلاتی هستند که در آمریکا برای معلمان منتشر می‌شوند. دو مجله معلم آمریکایی (ماهنامه، ۲۸ صفحه) و مربی آمریکایی (فصل‌نامه، ۴۳ صفحه) را اتحادیه معلمان حرفه‌ای منتشر می‌کند. ویژگی‌هایی در خور توجه مجله معلم آمریکایی، مشارکت معلمان در تهیه مطالب، تنوع موضوعات و کوتاه بودن مطالب است؛ ضمن اینکه علاوه بر عکس، از تصاویر گرافیکی نیز استفاده شده است. با وجود این، طرح روی جلد بسیار ساده و تصویری از روابط معلم با دانش‌آموزان در محیط آموزشی است. در این مجله، فضای دوستانه‌ای برای تبادل نظر وجود دارد. موضوعاتی همچون حل مسئله، مقاله، گفت‌وگو، فناوری‌های آموزشی، استانداردهای آموزشی، تجربیات معلمی، سیاست‌ها و اخبار آموزشی، معرفی چهره‌های برتر، معلمان خلاق و مسائل و مشکلات معلمان محتوای این مجله را تشکیل می‌دهند. در مقابل، فصل‌نامه مربی آمریکایی که توسط همین ناشر تهیه می‌شود، از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. طرح روی جلد، تصویری گرافیکی و بسیار جذاب است که با یکی از مقالات داخل مجله ارتباط دارد. عمده مطالب را مقالات طولانی تشکیل می‌دهند. برای تصویرسازی از گرافیک و عکس استفاده شده و فضای آکادمیک و سنگین‌تری بر مجله حاکم است. مجله مدرسه آمریکایی نیز ماه‌نامه دیگری است که هیئت مدیره مدارس آمریکایی برای مدیران مدارس منتشر می‌کند. طرح روی جلد

1. Teacher
2. Teacher Plus
3. Leader
4. Teaching Technology for Education
5. Wedgwood AV Ltd
6. American Teacher
7. American Educator
8. American School
9. Canadian Teacher

این مجله - که معمولاً تصویری گرافیکی است - بسیار جذاب و خلاقانه است و مخاطبان را به تفکر وا می‌دارد. این مجله که در ۴۴ صفحه منتشر می‌شود، موضوعات متنوعی را در بر می‌گیرد؛ از جمله پرسش و پاسخ، اخبار هیئت مدیره، تحقیق، ارتباطات، مسائل مالی و سیاست‌های آموزشی، اما عمده مطالب را مقالات تشکیل می‌دهند. مجلات مذکور از طریق وبگاه‌های زیر قابل دسترسی هستند:

[www. Aft.org](http://www.Aft.org)

www. asbj.com

در کانادا نیز مجله «معلم کانادایی»^۹ به منظور برقراری تعامل بین معلمان سراسر این کشور منتشر می‌شود. این دو ماه‌نامه در ۳۶ صفحه تهیه می‌شود و حاوی مطالب متنوعی شامل تبلیغات، اخبار آموزشی، گفت‌وگو و مصاحبه، تجربیات معلمان، مقاله، گزارش، تقویم و حتی دستور پخت غذاست. در مجموع، فضایی دوستانه بر این مجله حاکم است که معلمان با تکیه بر آن می‌توانند با همکاران خود تبادل نظر کنند. از ویژگی‌های مهم این مجله، مقالات کوتاه و تبلیغات زیاد را می‌توان برشمرد؛ ضمن اینکه عمده مطالب آن توسط معلمان تهیه می‌شود. ناگفته نماند که مقالات و گزارش‌های ارسالی از طرف معلمان همراه با ذکر نام و چاپ عکس نویسنده منتشر می‌شوند. این مجله از طریق ارسال فرم اشتراک به فروش می‌رسد؛ اما یک نسخه رایگان از آن برای مدارس سراسر کانادا ارسال می‌گردد.

شیوه‌های جذب و مشارکت مخاطبان دانش‌آموزی مجلات رشد

معصومه خیرآبادی

دقیقی از این معضلات عملاً ممکن نیست و هر یک از موارد بر دیگری تأثیرگذار است، این آسیب‌ها را می‌توان در گروه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

الف - آسیب‌هایی که مجلات با آن‌ها مواجه‌اند:

○ **معضلات اجرایی:** در بخش اجرایی، برخی مشکلات در شبکه توزیع باعث می‌شوند تعدادی از مجلات توزیع شده به دست مخاطبان نرسند. داشتن شبکه گسترده توزیع امتیاز بزرگی است اما از طرفی به دلیل وسعت، کاستی‌هایی هم به وجود می‌آید. همواره مخاطبان از طریق تماس تلفنی و نامه از توزیع دیر هنگام، نامنظم و ناقص مجلات در برخی مناطق گلّه می‌کنند. در مواردی، توزیع مجلات از طریق مدارس به طور منظم صورت نمی‌گیرد و گزارش‌هایی مبنی بر توزیع چند شماره با هم، دریافت شده است. در بعضی مناطق غیرشهری نیز دانش‌آموزان مجلات رشد را به طور ناقص دریافت می‌کنند. این موضوع را باید مانع بزرگی بر سر راه جذب مخاطب و مشارکت‌های دانش‌آموزی دانست و برای

مجلات رشد در بین نشریات کودک و نوجوان ایرانی جایگاهی منحصربه‌فرد دارند. داشتن ماهیت آموزشی، برخورداری از حمایت نهاد اصلی آموزشی کشور، تجربه طولانی مدت در تهیه مواد کمک‌آموزشی و شمارگان بالا ویژگی‌هایی هستند که مخاطبان این مجلات را به لحاظ کمی، تضمین می‌کنند. بدیهی است که مجلات رشد به دلیل پیشینه طولانی - حدود نیم‌قرن - در بین نسل‌های گذشته نیز شناخته شده‌اند و والدین، کودکان خود را به مطالعه آن‌ها تشویق می‌کنند. از طرفی شمارگان بالا و شبکه توزیع گسترده از طریق مدارس، قسمت عمده دانش‌آموزان ایرانی را در زمره مخاطبان مجلات در می‌آورد. با وجود این، به لحاظ کیفی، ارتقای نگرش مخاطبان نسبت به این مجلات و افزایش مشارکت آن‌ها نکته‌ای است که نباید از نظر پدیدآورندگان دور بماند. ممکن است به دلایل مختلف تعداد مجلات توزیع شده با تعداد خوانندگان برابری نکنند. در این مسیر، آسیب‌هایی وجود دارد که برخی از آن‌ها به چگونگی انتشار مجلات و برخی دیگر به جایگاه و شرایط مخاطبان مربوط می‌شود. اگرچه ارائه مرزبندی

رفع آن چاره‌اندیشی کرد. بدیهی است در صورتی که دانش‌آموزان، بعضی از شماره‌های مجله را هیچ‌گاه دریافت نکنند، جذب مخاطب در همان گام نخست خود با مشکل روبه‌رو می‌شود. از طرفی، دست‌اندرکاران مجلات به منظور جلب مشارکت دانش‌آموزان اقدام به برگزاری مسابقاتی می‌نمایند که عدم دریافت پاسخ به‌موقع از طرف مخاطبان، زحمات آن‌ها را نیز به هدر می‌دهد. بنابراین، نظارت بیشتر بر شبکه توزیع و رفع نقایص آن، جذب و مشارکت دانش‌آموزان را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

معضلات محتوایی:

○ **جذابیت؛** امروزه سرگرمی‌های فراوانی برای کودکان و نوجوانان وجود دارد. بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت و وسایل ارتباطی، بخش قابل توجهی از فرصت مطالعه و اندیشیدن از دانش‌آموزان سلب کرده‌اند. این قبیل وسایل و امکانات، هر روز مخاطبان بیشتری را جذب و عرصه رقابت را برای مجلات و کتاب‌ها محدودتر می‌کنند. در این بازار پرهیاهو، جذب مخاطب برای نشریه‌ای با اهداف آموزشی، کار چندان ساده‌ای نیست و دشوارتر از آن، ایجاد انگیزه برای مشارکت دانش‌آموزانی است که به‌مرور تمایل به خواندن را از دست می‌دهند. از این‌رو لازم است محتوای مجلات با ذائقه نسل امروز هماهنگی داشته باشد تا مخاطبان بیشتری را به مطالعه علاقه‌مند کند.

○ **تناسب محتوا با نیازها؛** توجه به نیازهای اقشار مختلف دانش‌آموزی در تهیه محتوای مجلات نکته بسیار مهمی است. متأسفانه از آنجا که آمار دقیقی وجود ندارد، درباره میزان اقبال مجلات رشد در بین دانش‌آموزان شهری نمی‌توان به‌طور قاطع اظهار نظر کرد. با وجود این، تصور می‌شود که این مجلات در بین دانش‌آموزان شهرستانی، که امکان دسترسی کمتری به منابع

خواندنی دارند، طرف‌داران بیشتری داشته باشند. آمار مرکز بررسی آثار مبنی بر مشارکت بالاتر مخاطبان شهرستانی در ارسال اثر به دفتر مجله، این موضوع را تأیید می‌کند. در سه سال گذشته، ۲۶ درصد از میزان مشارکت متعلق به مخاطبان شهر تهران بوده؛ در حالی که این مرکز، نامه و تماس‌های بسیاری از دانش‌آموزان مناطق غیرشهری دریافت کرده است. بدون شک، این تفاوت با عوامل متعدد فرهنگی و اقتصادی مرتبط است؛ به‌طوری که دسترسی به مراکز آموزشی و تفریحی همچون کتابخانه‌ها، فرهنگ‌سراها و کلاس‌های ادبی و هنری در شهرهای بزرگ، بخش قابل توجهی از مخاطبان مجلات رشد را جذب مراکز دیگر می‌کند.

یکی از اقسام دانش‌آموزی که در محتوای مجلات رشد از نیازهای آن‌ها تا حدودی غفلت شده، کودکان استثنایی و دارای نیازهای ویژه است. مرکز بررسی آثار دانش‌آموزان، گاه نامه‌هایی حاکی از اشتیاق این گروه نسبت به مطالعه و مشارکت در امور جامعه از مراکز آموزش استثنایی دریافت می‌کند. با توجه به استعدادهای فراوان این دانش‌آموزان، شاید بهتر باشد که از این پس در مجلات رشد به نیازهای آن‌ها دقت بیشتری شود.

دانش‌آموزان مناطق دو زبانه نیز از دیگر اقشاری هستند که لازم است درباره وضعیت آموزشی آن‌ها قدری بیشتر تأمل شود. امروزه با فراگیر شدن رسانه‌های ارتباطی مانند تلویزیون، زبان معیار، همچون گذشته مجبور نیست و مهارت‌های گفتن و شنیدن تا حدود زیادی تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته است، اما در برخی مناطق دوزبانه دانش‌آموزان همچنان با معضل یادگیری خواندن و نوشتن به زبان فارسی روبه‌رو هستند. کودکان فارسی‌زبان، پیش از قرار گرفتن در فرایند سوادآموزی، واژگان پایه زبان فارسی را فراگرفته و بر ساختار این زبان تسلط پیدا کرده‌اند؛ در صورتی که

دانش‌آموزان مناطق غیرفارسی‌زبان هنگام ورود به مدرسه، برای خواندن و نوشتن به زبانی آموزش می‌بینند که با ساختار و واژگان آن بیگانه‌اند. برخی مسائل، از جمله کاربرد زبان محلی در خانواده‌ها و استفاده از معلمان بومی در کلاس‌ها، آموزش خواندن و نوشتن را دشوار می‌کند و اگر کمبود منابع خوانداری یا عدم دسترسی کافی به این منابع را نیز به این فهرست اضافه کنیم، نقش و اهمیت مجلات رشد به‌عنوان یک وسیله کمک‌آموزشی ارزان و شناخته‌شده، پررنگ‌تر به‌نظر می‌رسد.

ب- آسیب‌های مرتبط با مخاطبان

* **کودکان و جوانان:** گروه‌بندی مجلات در مقاطع و سنین مختلف، امتیاز بزرگی است که مجلات رشد از آن برخوردارند؛ زیرا از این طریق می‌توان آسیب‌های مربوط به مخاطبان را شناسایی کرد. برای مثال، در گروه پیش‌دبستانی و اول ابتدایی، به‌دلیل آنکه کودکان این پایه‌ها هنوز مهارت کافی در خواندن و نوشتن کسب نکرده‌اند، میزان مشارکت کمتری وجود دارد. همچنین در مقطع دبیرستان، مواجهه‌بودن دانش‌آموزان با پدیده کنکور، تا حدود زیادی بر مشارکت این گروه تأثیر منفی گذاشته است.

* مشکلات مخاطبان در مهارت نوشتن:

به‌نظر می‌رسد دانش‌آموزان مقاطع مختلف (البته با درجات متفاوت) در مهارت نوشتن دچار مشکل هستند؛ به‌طوری‌که تمایل چندانی به برقراری ارتباط از طریق متون نوشتاری ندارند. نامه‌های دریافتی از مخاطبان مجلات رشد، وجود برخی مشکلات نوشتاری در متون تولید شده را تأیید می‌کند. تعداد زیادی از آثار دریافتی، از نظر نوشتاری و رعایت نکات فنی به اندازه‌ای ضعیف‌اند که کارشناسان آن‌ها را مناسب چاپ تشخیص نمی‌دهند. بنابراین،

طبیعی است که میزان مشارکت دانش‌آموزان تا حدودی تحت‌تأثیر این معضل نیز قرار می‌گیرد.

ج- پیشنهادها

* **نظرسنجی از مخاطبان در پایان هر سال تحصیلی:** نظرسنجی از مخاطبان، مطمئن‌ترین و آسان‌ترین روش شناخت نیازها، کمبودها و ارتقای کیفیت مجلات است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پایان هر سال تحصیلی با ارسال برگه نظرسنجی، میزان علاقه‌مندی مخاطبان و نظرات آنان مورد مطالعه و سنجش قرار گیرد.

* **گنجاندن آثار مخاطبان در مجلات:** به‌نظر می‌رسد گنجاندن آثار مخاطبان در مجلات، بهترین روش جذب و مشارکت دانش‌آموزان باشد. تجربه نشان می‌دهد مجلاتی که آثار دانش‌آموزان در آن‌ها انعکاس داده می‌شود، نامه‌های بیشتری از مخاطبان خود دریافت می‌کنند. از آنجا که امکان دسترسی به اینترنت برای تمامی افراد میسر نیست، گنجاندن آثار بر روی وبگاه، اگرچه تأثیر مطلوبی در جذب و افزایش مشارکت مخاطبان دارد، به اندازه چاپ نام دانش‌آموزان یا اثر آن‌ها در مجله مؤثر نخواهد بود. البته محدودیت فضای مجلات از نظر تعداد صفحه نیز واقعیتی است که نباید از نظر دور بماند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود آثار برگزیده مخاطبان در پایان هر سال در قالب یک ویژه‌نامه منتشر و برای آن‌ها ارسال گردد. دریافت بازخوردهای مخاطبان پس از انتشار بروشورهایی بسیار ساده و ابتدایی در مرکز بررسی آثار و نیز مشاهده مجله‌ای کانادایی با نام «سوپ سنگ»^۱ که با حمایت مؤسسه‌ای دولتی، بیش از نیم قرن به چاپ آثار دانش‌آموزان پرداخته، زمینه طرح این پیشنهاد را فراهم کرده است. این مجله همچنان مشغول فعالیت است و هم‌اکنون در قالب ماه‌نامه‌ای

بین‌المللی، آثار ادبی و هنری دانش‌آموزان سراسر دنیا را جذب و بهترین‌ها را منتشر می‌کند. سپس مجلات در آرشیو این مؤسسه، بر روی سایت قرار داده می‌شوند تا انگیزه بیشتری برای مشارکت در مخاطبان ایجاد کنند.

*** از بین بردن فاصله‌ها:** شناخت و درک بیشتر نیازهای سنی، اقتصادی، زبانی، تحصیلی، قومی و ... مخاطبان در تهیه محتوای مجلات، تا حدود زیادی بر جذب و افزایش مشارکت دانش‌آموزان تأثیرگذار است. اگر مجلات بتوانند احساس تعلق، همدلی و همراهی بیشتری را در مخاطبان خود برانگیزانند، شاهد افزایش مشارکت‌های دانش‌آموزی تمامی مقاطع تحصیلی خواهند بود.

پی‌نوشت

1. Stone Soup